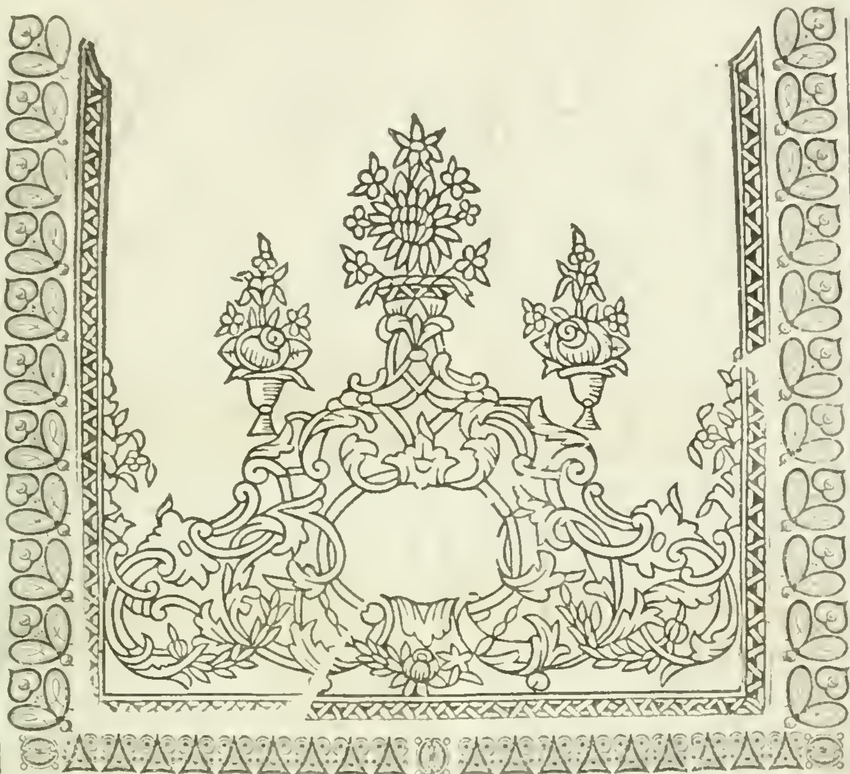
Nesīmī

Dīvān-ı Nesīmī



بسم الله الرحمن الرحيم

داریم نشان بی نشانی — دانیم زبان بی زبانی
مایم چو ازمنی کذشته — سرچشمهٔ آب زندکانی
طفلیم بروزکار پری — بریم بعالم جوانی
سلطان دوعالمیم اکرچه — بوسته کنیم جان فشانی
موسی ارنی مکوی زنهار — کاهی که زنیم لن ترانی
مایم فلان مکوی مارا — کامروز فلان بن فلانی
مارا چومکان نباشداین دم — کویم نشان لامکانی

مایم امیر هر دو عالم — مایم عدو سور وماتم
یك قطره زبحر ماست شبلی — یك نقطه زحرف ماست ادهم
زدبحر محیط ماشبی موج — حاصل شدازان کفی شدآدم
عیسی دمنده دم بزاید — کرزانکه دمیم دم بمریم
کر راست دمی زدل براری — میدانکه رسی بما بیکدم
ای مردهٔ داده دم بجایی — تادم دمدت مسیح دم دم

از بوی

* از بوی دمش چوزنده کردی * * میکوی چو بیخودان دمادم *

* مجموعهٔ حق شناس مارا * * وازماطلب ای پسرخدارا *
* صافی نشوی تونانه بینی * * رندان محلهٔ صفارا *
* روجبهٔ عاریت قباکن * * وانکاه بیفکن این قبارا *
* بینی چوکذرکنی زفانی * * بی واسطه جوهر بقارا *
* درعالم مارسی بیکدم * * کر بشکنی این طلسمهارا *
* فرعون زند دم ازخدایی * * موسی چو بیفکند عصارا *
* پیوسته نشان لامکانی * * میکوی چو بشکنی هوارا *

* مارهمه کاینات شاهی * * داریم زآه صبحکاهی *
* بی ما نتواندای پسربود * * یك ذره زماه تا بماهی *
* کرزانکه زدیم دم زاناالحق * * دادیم بخون خود کواهی *
* درمانرسی ازانکه دایم * * دربند زروسروکلاهی *
* ازماطلب ای پسرخدارا * * ماهیم چومظهرالهی *
* خواهی که شوی وجودمطلق * * بکذرز سفیدی وسیاهی *
* چون ازسراین وآن کذشتی * * میکوی بهرزبان که خواهی *

* ای کشته دلم محیط اشیا * * ای نیك وبد افریدهٔ ما *
* فرمان برما بود کمینه * * از تحت ثرا وتا ثریا *
* رخسارجهان فروزمابین * * درصورت هرکه کشت پیدا *
* ازغایت حسن خوش که داریم * * برچهرهٔ خود شدیم شیدا *
* ای بیخبراز جهان وحدت * * کی خاك بود بکوی کویا *
* ماییم و بغیرما کسی نیست * * درشیب وفراز وزیروبالا *
* درشهر وجود مازهستی * * کویند همیشه پرو برنا *

* ماییم کنون صراحی ومی * * ماییم محیط برهمه شی *
* ما باهمه کاینات هستیم * * جون قندوشکرکه مست بانی *
* پیوسته مسیح آفرینیم * * تامردهٔ داده دم کندحی *
* ای بیخبرازجهان هستی * * خواهی که بری بکنج خودپی *

❊ زنهار مبر سر حسین را ❊
❊ ای ساقیٔ باده نوش بستان ❊
❊ چون بگذری از غم دمادم ❊

❊ از جهل برای ملکت ری ❊
❊ جامی و بنوش تاشوی وی ❊
❊ میکوی بکام دل پیاپی ❊

❊ ای صاحب بغض وخشم وفرخاش ❊
❊ میری وشهنشهی نباشد ❊
❊ خواهی که گذرکنی زکونین ❊
❊ بیرون زوجود خویش مارا ❊
❊ کوی که بغیر ماکسی هست ❊
❊ هرنقش که مست می شناسیم ❊
❊ رواز سرما ومن گذرکن ❊

❊ هم رنگ نگار خویشتن باش ❊
❊ درمذهب جریان قلاش ❊
❊ خون میخور وجان فشان وخوش باش ❊
❊ زنهار مجوی کفتمت فاش ❊
❊ ازخویشتن این حدیث متراش ❊
❊ ماهیم چودر دوکون نقاش ❊
❊ میکوی چومست و رندوا و باش ❊

❊ این خیمهٔ بارگاه افلاك ❊
❊ میدانکه رسی بقاب قوسین ❊
❊ ازدنی دون وپی رواو ❊
❊ اندردل تو قرار کیریم ❊
❊ آخرنه تویی که کفته ایمت ❊
❊ پیوسته مسیح آفرینم ❊
❊ کرواقف این حدیث کشتی ❊

❊ ازماست ستاده کفتمت پاك ❊
❊ کرجبهٔ عاریت کنی چاك ❊
❊ مرکز نشدیم شاد وغمناك ❊
❊ کرپاك کنی زخار وخاشاك ❊
❊ لولاك لما خلقت الافلاك ❊
❊ عیسی بحدیث وآدم ازخاك ❊
❊ میکوی چومردمان بی باك ❊

❊ ای مردچه پی روهوایی ❊
❊ اندر پی فانیٔ چه باشی ❊
❊ فرعون وجود رانکون کن ❊
❊ شاهنشه مصرجان شوی زود ❊
❊ دیوانه شوی ومست ومدهوش ❊
❊ بیرون زوجود خود خدارا ❊
❊ میکوی نعیمیا چوامروز ❊

❊ آخرتونه تو پر تو خدایی ❊
❊ چون جوهر عالم بقایی ❊
❊ جون صاحب معجز وعصایی ❊
❊ چون یوسف اکرزجه برایی ❊
❊ کرچهرهٔ خود بخود نمایی ❊
❊ زنهار مجوی اکرخدایی ❊
❊ دردانهٔ بحر کبریایی ❊

ارواح مردمانی کزدام تن رهاشد
ای خواجه هیچ دانی تابعد ازان کجاشد
کربود خانه اش بد بهرجه رفت دروی
ور بود خانه نیکواز وی بدرچراشد

نی نی که درزیٔ ماهر حیهٔ کـه دوزد   بی اختیـار صاحب ده روزهٔ قبـاشـد
ازعالم جمـادی نا کـاه خاك راهی   ازخویشتن سفر کرد چون نشو چون نماشد
شـد طعمـهٔ بهـایم بی اختیـار نا کاه   وزطعمـه چون بهـایم اونیز بار هاشـد
چون طعمهٔ بشـر شد در صورت بهیمی   زان نطفه کشت حاصل ان نطفه نقش ماشد
درنقش ماچو پیـدا روح خـدای آمد   آن روح خویشـتن را ازغیب رهنماشد
هژده هزار عالم پیـدا شـد از ظهورش   او برهمه چوسـلطان سلطان پیشوا شد
کرد رصفات رحمت خود جلوه داد خودرا   بعـداز خرابیٔ تن اوناظر خـدا شـد
در عالم طبیعت خاصیتی و کـسبی   حاصل چـو بود ناکاه درعالم بقـاشـد
وراز سرتکـبر پوشـید کسـوت قهر   مقبول دیوکشـت ومردود کـبریاشـد

❋ ترجیع بند السید علی ❋

❋ مانطق خـدای کایناتیم ❋   ❋ بیرون زمکان واز جهاتیم ❋
❋ مایم بحق چو نطق مطلق ❋   ❋ آبای وجود وامهـاتیم ❋
❋ چون قبلهٔ ماست روی جانان ❋   ❋ زان روی همیشه درصلاتیم ❋
❋ فردیم واحد چوذات مطلق ❋   ❋ زان سـو ودرصفاتیم ❋
❋ ازهفت حروف آن سه نامیم ❋   ❋ زان جمله حروف عالیاتیم ❋
❋ محویم چودر مقام توحید ❋   ❋ فارغ زبنین وازبنـاتیم ❋
❋ کویم عیان که وصف ماجیست ❋   ❋ ماپرتو نور فضل ذاتیم ❋

❋ ای بیخـبراز وجود هسـتی ❋   ❋ مسـتی وکنی توعیب مسـتی ❋
❋ شاهد نشدی بنفس خود چون ❋   ❋ بیزار زکـفتهٔ الستی ❋
❋ درعهـد خدا کجا رسی تو ❋   ❋ عهدی که چوکردهٔ شکستی ❋
❋ الله ظهور کـرد از آدم ❋   ❋ کی بینش توکه بت پرسـتی ❋
❋ اصنام ترا خلیل بشـکست ❋   ❋ تاباز رهی وهـم نرسـتی ❋
❋ ازبهر بتان قیام کـردی ❋   ❋ درنار سـعیر ازان نشـستی ❋
❋ تاروی بفضل حق نیـاری ❋   ❋ دردام بلاچو حوت شـستی ❋

❋ بشـنو سخنی رموز مطلق ❋   ❋ بی اوتومزن دم ازانالحـق ❋
❋ زیرا که نه حدتسـت دانی ❋   ❋ مهتاب کجـا ورنك زیبـق ❋
❋ دانی بیقین که فضل حق بود ❋   ❋ خلاق زمین وچرخ ازرق ❋
❋ این صورت کن که داراشـیا ❋   ❋ پیداست که ازکجاست منشق ❋

* از نور خط وجه آدم * * ایشان همکی بفضل ملحق *
* کرنامهٔ خود بخود بخوانی * * روشن شودت رموز مغلق *
* میدان بیقین که غرقه کردد * * در بحر محیط زود زورق *

* عاشق که بروی یار شیداست * * روی که درود وکون پیداست *
* هرجا که نظر کنند بتحقیق * * در روی حبیب خویش بنیاست *
* زان روی کنایت الهی * * با او بطریق رمز کویاست *
* کین صورت نطق وخط دست * * کز جملهٔ دست خلق بالاست *
* بیعت نکندا کر بدین دست * * در نار سعیر جامهیاست *
* در روی حقست چو روی عاشق * * فارغ ز وجود کل اشیاست *
* چون حق بحقیقت اوست موجود * * علام غیوب جمله اسماست *

* ای طالب رمز هر معانی * * رمزیست بکویم ار بدانی *
* جز نور نطق فضل یزدان * * هر چیز که هست هست فانی *
* توحید یکانه بود نست چون * * در کثرت غیر چند مانی *
* از اسم مسمیات اشیا * * راهی بخدا بار توانی *
* موجود بحق چو نطق ذاتست * * زین فضل خداست لامکانی *
* چون ذات خداست نطق رو پوش * * موسی شنود که لن ترانی *
* جون پرده ز روی یار برداشت * * سلطان سریر جاودانی *

* ای نور نطق فضل یزدان * * عالم همه نطق وسر برهان *
* از جنس خلایق دو عالم * * شد فاش عیان زنوع انسان *
* آن نور چون یکیست در اصل * * فضل احد آن خدای دوران *
* آدم که خلیفهٔ خدا بود * * عرشست در وظهور رحمان *
* از نام ونشان هر وجودی * * بودند ملك تمام نادان *
* آدم جو معلم ملك شد * * در اسم و مسمیات ایشان *
* برفرق فلك مكان ازان یافت * * این عرش سریر فضل سبحان *

* ابلیس لعین خسیس ومردود * * برتافت ز روی وجه مسجود *
* از لوح وجود وجه آدم * * حرفی چو نخواند کشت مطرود *

❊ وین راه برای نسـل آدم ❊	❊ کرداز خودوآن پلیدمردود ❊
❊ بی اسم بمـاندوبی مسمـا ❊	❊ تانیست شدو نماند موجود ❊
❊ ازسر پدر شـدیم اکـاه ❊	❊ احمد چو نشـان راه بنمود ❊
❊ کر دید بحق شـفیع امت ❊	❊ برخواست جواز مقام محمود ❊
❊ محمود یمین حق تعـالیست ❊	❊ چون فضل احدرموز بکشود ❊

❊ ای داده ز روی خود کواهی ❊	❊ زان روی سفیدی و سیاهی ❊
❊ کاندر شب وروزوجه ماشت ❊	❊ نقش دوجهان عیان کماهی ❊
❊ زین روی بزد اهل توحید ❊	❊ هر ذره که میروی براهی ❊
❊ چون زان توست این همه امر ❊	❊ میکن بمراد هرچه خواهی ❊
❊ از بهر هـدایت دو عالم ❊	❊ خورشید بروزشب چوماهی ❊
❊ زد بحر محیط فضل چون موج ❊	❊ ماهیم در ودوان چو ماهی ❊
❊ عرشست سریروجای سلطان ❊	❊ برتخت براکـه پادشاهی ❊

❊ از روی توتا که کشتم اکاه ❊	❊ برخون خـودم شریك بالله ❊
❊ باروی تو هرچه مست فانیست ❊	❊ کفتیم حـدیث قصه کوتاه ❊
❊ جزروی تودیدنم حرامست ❊	❊ فی الجمـله اکر بود باکراه ❊
❊ آه ازدل دردمنـد عاشـق ❊	❊ کرتونشـوی دلیل این راه ❊
❊ باهرکـه عنایت تو باشد ❊	❊ یوسف صفتش براری ازچاه ❊
❊ عشـق تو خلل پذیر نبود ❊	❊ کرسـال بود تمـام وکرماه ❊
❊ شدکشـته علی وکشت فانی ❊	❊ در نطق قـدیم فضل الله ❊

❊ من کلام السید الجلیل الشهیر بخداوندکار ❊

در مطبخ عشـق جز نکورا نکشـند	لاغر صفتـان زشـت خـورانکشـند
کرعاشـق صادقی زکشـتن مکریز	مردار بود هرانچـه اورا نکشـند
نورعینی انچنین درهر دو عالم تاکراست	کو بعرش وفرش حق مارا بحر فی رهنماست
کوئیا ازمعجز عیسیٔ مریم یافتست	این بصارت کرچه ازحق هر اولوالابصارراست
چون کند هرمردهٔ رازنده ازمعجز مسیح	درزمان دریابد آن زنده که اوروح خداست
نفخهٔ این صیحهٔ واحد دران کس چون دمد	داندانکس کین صدا ازصوت فضل کبریاست
سرحشر ونشرحق کرددبرو روشن روان	نامهٔ خود چون بکیرداز خدابردست راست
سهل وآسان بکذرد از رحمت فضل خدا	برصراط مستقیمش انکه خط استـواست

بس كند درصورت نور نطـق حق قرار   زانكه ازهرجنتی اين جنتش جای لقاست
اين كدر برهفت خط ام كـنداز اسـتوا   تارود درجنتی كان در درخت منتهاسـت
عزوجاه مادران زين روست ای مادر بدان   اكين چنين جنت زحق درتحت اقدام امهاست
درچنين جنت علی كر باز يابی سجده كن   هم برابوابش كه ابوابش چوابواب بقاست
نوربايست كه واشد چون زهفت ابواب ام   مبش را آدم ازحق انچنين تحت لوا سـت
هركـه يابدراه درمعنی اين توحيـد پاك   پيش اوكرآدم وجنت يكی باشـد رواست

❊ كنجنامه لمولانا رفيعی ❊

❊ ای كنج نهـان بی بدايت ❊   ❊ ای بحر محيط بی نهـايت ❊
❊ ای آينـهٔ جمـال شـاهی ❊   ❊ ای معـنئ نامـهٔ الهی ❊
❊ منشـور تجليـات مولی ❊   ❊ مسرورلقـای حق تعـالی ❊
❊ ای فاتحـهٔ كتاب يزدان ❊   ❊ مطلوب نبات وكان وحيوان ❊
❊ مقصود كواكب فلك سن ❊   ❊ مسجود اكـابر ملك سن ❊
❊ اشـيا طلبی بودر سرا سر ❊   ❊ سن كامله واصل اولمق اسـتر ❊
❊ دون كون بوطلبده دوزافلاك ❊   ❊ دائم بومرادايچون طوررخاك ❊
❊ صوسيرايدوبن در يشرای جان ❊   ❊ مقصود بودركيم اوله انسان ❊
❊ يل دخی بوهواده يلرای يار ❊   ❊ اود طوتشوبن دخی ينار نار ❊
❊ سن شاهه قيلور سجود اشيا ❊   ❊ سنكله بولور وجود اشـيا ❊
❊ مجموعهٔ كـائنات سنسن ❊   ❊ سر دفـتر ممكنات سنسن ❊
❊ اوز كدر ايكی جهانه سرور ❊   ❊ سنسن اوتوزايكی نطقه مظهر ❊
❊ جان ملكنوك ارمغانی سنسن ❊   ❊ تندر بو جهان جانی سنسن ❊
❊ ديمديمی سنكچون اول پاك ❊   ❊ لولاك لمـا خلقت الافـلاك ❊
❊ ای بلبل قدس ونغمهٔ صاف ❊   ❊ سيمرغ هوای ملكت قاف ❊
❊ كل مكتب فقره درس خوان اول ❊   ❊ بومجلس ايچنده درنشان اول ❊
❊ استادمز اولدی فضل واحد ❊   ❊ كل بو ايكبسندن اوقی ابجد ❊
❊ مسجود سروش كيمدر آدم ❊   ❊ لولاك مخـاطب اولدی خاتم ❊
❊ هرشخصه كه بونلراوله رهبر ❊   ❊ كشف اولور اكا چهار دفتر ❊
❊ نفسنی بيلور بيلور خدايی ❊   ❊ فردوسـه كيرر كورر لقايی ❊
❊ كورر زره يه باقرسـه ياری ❊   ❊ كندوده بيلور جميع واری ❊
❊ اصحاب يميندن اولوراول جان ❊   ❊ دنياده وآخرتده سـلطان ❊
❊ اول شخصك اولورمقامی محمود ❊   ❊ ال ويررا كا جميع مقصود ❊
❊ اولرچـوسـواد وجه محرم ❊   ❊ بيلوركه بودر سـواد اعظم ❊

❁ اول قاره کولقدن آب حیوان ❁ ایچرابدی قالور جاودان ❁
❁ ناچار اولور آدی خضر زنده ❁ اول کیم اکلور جمیع دینده ❁
❁ دیرلر صوده یوررر اوده یانمز ❁ دیلرسه قیلور هواده پرواز ❁
❁ برلحظه ده سیرایدر جهانی ❁ مجموع زمین وآسمانی ❁
❁ سویلاشور انوکله جمله اشیا ❁ بینا اولور اکا ایرسه اعمی ❁
❁ عیسی کبی اولورلر دمندن ❁ دیریلور وقورتیلور غمندن ❁
❁ هرشخصه که خضر اولور استاد ❁ ایدرانی جهل اودندن آزاد ❁
❁ بیلدوررر اکا جمیع رازی ❁ اسرار شهادت ونمازی ❁
❁ فی الجمله نه مشکل اوله دینده ❁ سرینی دیر اکا خضر زنده ❁
❁ کندوکبی خضر ایدرانی ❁ چون ایچرر آب زندکانی ❁
❁ زنهارکه خضر استه زنهار ❁ تاکوزلریکه کورینه دیدار ❁
❁ فضلك مددندن ای مسلمان ❁ هرکوشده خضر وار فراوان ❁
❁ یعنی نقدرکه قول واردر ❁ واراسته که شمدی خضر اونلردر ❁
❁ شهزاده لر اولور اکا طالب ❁ ازاده لر استر انی راغب ❁
❁ دیله مز انی خسیس مایه ❁ بوجهله اویارمی مصطفایه ❁
❁ بوقبهٔ چارطاق شش در ❁ بوپردهٔ هفت رنك نه سر ❁
❁ دام اولدی سکا واشبودامی ❁ عامی کبی قومه ننك ونامی ❁
❁ عاشق کشی اولمزیسه بدنام ❁ دیرلرکه هنوز خامدر خام ❁
❁ کراستریسك سرای نوری ❁ ترك ایله بومنزل غروری ❁
❁ بی جان سن وجان بول ای یار ❁ جانسز یوریمه جهانده زنهار ❁
❁ کل بوظلمات عالمن کچ ❁ همت قنادین کوك اوستنه آچ ❁
❁ وارعالم روحه ایله پرواز ❁ بوپرده قو بوهوایی ای شهباز ❁
❁ ای مرغ زبور خوان داود ❁ کراستریسك مقام محمود ❁
❁ دیدی کیم اولور بوپرده اعمی ❁ اولمایسر آخرتده بینا ❁
❁ یعنی شوکه بنده یاری کورمز ❁ یارین نیجه قیلسه زاری کورمز ❁
❁ بودینده کسب قیل کمالی ❁ تایارله بوله سن وصالی ❁
❁ اول پرده کورینن آشکارا ❁ بوپرده دخی بیلنور آرا ❁
❁ واربنده بهشت وحور ورضوان ❁ میزان وصراط وحور وغلمان ❁
❁ بونده کی بهشته کیرکه ناچار ❁ اول جنته یول بوله سن ای یار ❁
❁ عمرکده چوکچمدك صراطی ❁ یارین نیجه بوله سن نشاطی ❁
❁ صاغلقده اوقیمادك کتابی ❁ آسان نیجه ویره سن جوابی ❁

كر ايچمزسك بو يرده كوثر ⁂ قالدك اوجهانده خور وابتر
باش قومزسن آيغينه يارك ⁂ ترك ايلمزسن يولينه وارك
زلفى ايچون اولمزسن پريشان ⁂ لعلى هوسنده ويرمزسن جان
نوش ايلمزسن بوكون جفاسن ⁂ يارين نيجه بولهسن وفاسن
بومزرعه دراكن بچيسر ⁂ بوقنطره دركلن كلبسر
كلدك كچرسن اى خبرسز ⁂ نه اكدك سه بچرسن اى هنرسز
بول لوح امين وپاك دين اول ⁂ هم رنك جميع مرسلين اول
قواكه حوادث زمانك ⁂ كل اوقى نقوشنى جهانك
بونقش حوادثه بدل قيل ⁂ نقاشى ونقشنى ازل بيل
بيرى قدميله بر قدم اور ⁂ چيق كوكلرك اوستنه علم اور
اول يرده براولور اول وآخر ⁂ باطن كورينه كوزيكه ظاهر
انوك برآدى مقام محمود ⁂ حاصل دراو يرده جمله مقصود
اول يرده نكيم كوردى يارا ⁂ ايشيدر وسويلر آشكارا
وار آنده بزم جام استه ⁂ طوت ساقى الن مدام استه
رضوانله سلسبيل قيل نوش ⁂ غلمان سكابنده حلقه دركوش
الغل الكا الينى حورك ⁂ كيراسته كار هرقصورك
يوزندكى نوردرنظر قيل ⁂ تسبيحكى فارجع البصر قيل
وارعالم روحه حله پوش اول ⁂ ابرارله آنده باده نوش اول
اول يرده سراى عيش وعشرت ⁂ وارآنده مقام ناز ونعمت
بى حد وشمار باغ وانهار ⁂ هرباغده بى حساب كلزار
چوق لاله وزعفران وسنبل ⁂ خطمى بنفسه سوسن وكل
كل عشقنه بلبل خوش الحان ⁂ درديله اوقور هزاردستان
اول روضه پرارغوان ونسرين ⁂ نيلوفر ونركس ورياحين
طوطى لر وقمرى لر فراوان ⁂ اول باغده هربرى غزلخوان
بومنزلى بولمق استريسك ⁂ بودولته ايرمك استريسك
آدم قدمنده خاك اولغل ⁂ مستغرق ذات پاك اولغل
بودار غرور قوى سفر قيل ⁂ وارعالم قدسه بركذر قيل
ايرغرفهٔ ثابتاته فى الحال ⁂ بولمايه ظفر مسيح ودجال
كورينه كوزيكه هرنكيم وار ⁂ تاروحدن اوله سن خبردار
دائم سكا انبيا وآدم ⁂ ديرلر بوسوزى كه اى مكرم
انواع كمال وارسنده ⁂ زنهاركه نفسه اولمه بنده

کر واقفسن جهان ایشندن   دیرلرسکا غیب عالمندن
که قیلوبن اشبو راز معلوم   زنهار که دیو اولمه محکوم
هر لحظه صریح بی مدارا   عالمده نه وارسه آشکارا
دیرلرسکا ای جهان کامل   نفسك حالتندن اولمه غافل
تورات کلیم ولفظ انجیل   درسکا زبور حرف تنزیل
شیطانه نچون زبون اولورسین   شرمنده وسرنکون اولورسین
روشن چو بیلورسن اشبو حالی   دیریلمکلك اولوم اولور مثالی
بو عاریت حیاته مغرور   اولمه که چالندی نفخهٔ صور
ای محرم راز پادشاهی   ای نسخهٔ نامهٔ آلهی
کل استه محمد امینی   سرتاج جمیع مرسلینی
خاتم در وسید البشردر   قرآن عظیمه راه بردر
بو شاهی بیلورسن آدمی سن   آندن طلب ایله آدمی سن
آدمدر ایکی جهانده سلطان   جان دردنه آدم ایتدی درمان
حق صورتی یوزنده کورکل   هر حاجتکه سوزندن ایرکل
بیلدی بیان اونی هرنکیم وار   یوزین کورتا کورندر دیدار
کر بیلورسن بو پادشاهی   ایردی کوکه دولتك کلاهی
آدمدر ایکی جهانده مقصود   سجده اتمین اکا اولدی مردود
شونلرکه سجودده در مشغول   اولدی فلك آنلره ملك قول
ای عاشق صادق مؤدب   سجده ایله کیم اوله سن مقرب
دیلرسن اولور شفیعك احمد   کل مکتب فقره اوقی ابجد
هر نکته که اوله بو فکره مستور   واردر بو حروف ایچنده مسطور
کل اوقی بو محکم قدیمی   آیات صراط مستقیمی
هفتاد کروهله دو فرقه   بحرنده حروفك اولدی غرقه
لکن بری اولمشدر آکاه   بو شهره کمسنه بولمدی راه
کر یول بوله اول حروفه عارف   نفسندن وحقدن اوله واقف
شونلردر اولن بو رازه محرم   کیم اوقودی حقدن اسم اعظم
اول اسمله بیلدیلر هر آدی   اول آد له بیلدیلر مرادی
شونلرکه بو قومه اولدیلر قول   حاجتلری جمله اولدی مقبول
هر شخصه که بونلر اوله ساقی   اول ویرر اکا حیات باقی
آدی بو کروهك اولدی ناجی   هر دردده بونلر قیلور علاجی
دردمزه چونکه قیلدی درمان   کشف اولدی بزه رموز پنهان

صان اولمشدك حيات بولدق * زندانده ايدك نجات بولدق
بولدق چو نسيمى نعيمك * اولدى بزه رحمتى رحيمك
برجرعه ميندن ايلدك نوش * قيلدق نه كه غصه وار فراموش
اولدى بزه فضل حقدن احسان * اسرار نهان رموز فرقان
بيلدك نه كه رازدر بوشهرك * اسرارنى اكلدك بودهرك
هر ذره ده فخر مزدن آثار * هر قطره ده بحر مزدن انهار
كر واقفسن كتابمزدن * آكاه اوله سن حسابمزدن
بزدن طلب ايله لامكانى * بزدن صورانك بودر نشانى
بز كوهر بحر كائناتز * بز مركز عالم صفاتز
بز جان وجهان وجاودانز * مطلوب زمين وآسمانز
لوحز كه هميشه اولدى محفوظ * نطقز كه اولور مدام ملفوظ
نطقز ابدى مدام وروحز * بيل جوهر روحه بز فتوحز
نقش دو جهان نقوشمزدر * بر كوك نه كه وار عروشمزدر
يوقدر بو ديار ايچنده ديار * كيم يوز بزه طوتمز اى يار
چون ظن وكمان بزه يرامز * كيم كندويى كورسه بزى كورمز
قوى كندولكى يوله كل كل * يعنى كه اولمه دن اوكدين اولكل
چون سن اوله سن دريله جانك * جانى اوله سن ايكى جهانك
سن كندزكى اونوتمايجه * بر اراتسكن طوتمايجه
حاصل اوله سى دكل مرادك * اكلمسر جهانده آدك
زنهار كه بى رفيق كامل * بو يولده ادمك ادمه غافل
بر يول كيم انوك نهايتى يوق * حدى واوجى وغايتى يوق
زنهار كه بر دليل زنهار * تنها يوريمه بو يولده اى يار
كر سكا رفيعى اوله هادى * حاصل اوله خاطرك مرادى
انوكله رفيق اولورسن اى جان * جان دردنه اندن استه درمان
اولورسه سنوكله برنفس يار * كشف اوله سكا جميع اسرار
هر كيم اوله اول فقيره همدم * آسان اوقوراندن اسم اعظم

كروارسه سنده عقل كامل
زنهار كيم اندن اولمه غافل

ترجيع بند السيد نسيمى

مامظهر ذات كبريايم * ماجام جم جهان نمايم
اى تشنه بيا كه درحقيقت * ما آب حيات جانفزايم

* ای درغلط ازره دوبینی * * آیا توکجا وما کجاایم *
* معلوم شود که غیرحق نیست * * ازچهره نقاب اگرکشاایم *
* مارا عدم وفنا نباشد * * زان روی که عالم بقاایم *
* ای طالب صورت خدایی * * چون بگذری ازدویی خدایم *
* شاهنشه اعظمیم اگرچه * * درکشور نیستی گدایم *
* زلفت چودلیل ماست امروز * * درسایهٔ دولت همایم *
* ظاهرشود افتاب وحدت * * ازمشرق غیب اگربرایم *
* درعالم بی چرا وبی چون * * بیچون وچگونه وچرایم *
* ای خواجه اگرتوشمس دینی * * ازروی حقیقت انچه مایم *

* ای ساقی روح پرورما * * لعل توشراب کوثرما *
* روخسارتو افتاب عالم * * گفتارتو شهدوشکرما *
* سودای درازکنت کنزا * * زلف تونهاد درسرما *
* فردوس نعیم جاودان نیست * * بی وصل رخ تودرخورما *
* درظلمت افرینش امد * * خورشید رخ تورهبرما *
* اندیشه نیست هیچ صورت * * جزروی تودربرابرما *
* کی دل برما قرارگیرد * * نامست رخ تودلبرما *
* دربحرمحیط عشقت ای جان * * پرورده شدست گوهرما *
* ازمهرتوشد چوقلب مازر * * شایستهٔ سکه شد زرما *
* ای مصحف بخت وفال دولت * * مسعود شد ازتواخترما *
* ای جوهری مازروی معنی * * نشناختهٔ توجوهرما *

* ای گوهر گنج لامکانی * * جانا نه وجان وجان جانی *
* درصورت نطق آشکارا * * درباطن اگرچه بس نهانی *
* ازعشق توشد ظهوراشیا * * ای گوهرلامکان چه کانی *
* جانی وجهان وجسم وجوهر * * هرچیز که بود وباشد انی *
* برلوح وجودا گرچه حرفی * * آن نقطه تویی که درمیانی *
* چون رفع وجود کرد ازرخ * * بی پرده شد آب زندگانی *
* ای موسی مغربی رها کن * * بحث ارنی ولن ترانی *
* بگذر زخودوبه بین خدارا * * که اینست نشان بی نشانی *
* اشیا همه ناطقند وگویا * * لیکن بزبان بی زبانی *

فانی شو ودر بقا وطن ساز ❊ ای طالب عمر جاودانی
درصورت آدمیم اکرچه ❊ درخطـهٔ عالم معانی

خورشید جمال ما عیان شد ❊ زان ظلمت شرك وشك نهان شد
انوار تجلیات حسنش ❊ برذره فتادو ذره جان شد
برجسم رمیم چون نظر کرد ❊ وزندهٔ حی جاودان شد
بنمود بهر که چهرهٔ خویش ❊ ازشك برمید و بی کمان شد
هرذره که شد قبول فیضش ❊ مقبول زمین وآسمان شد
چشمی که شد از رخش منور ❊ بینا بجمال غیب وآن شد
از نقطه وحرف خط وخالش ❊ اسرار کلام حق عیان شد
تنزیل وکتاب صورت او ❊ تفسیر حقایق جهان شد
هفت آیت مصحف جمالش ❊ مفتاح رموز کن فکان شد
آن دل که نشان وصل اویافت ❊ کم کشت زخویش و بی نشان شد
جون قوت وصوت ونطق مابود ❊ امری که وجود وخلق ازان شد

شد کنج نهان ماهویدا ❊ کنجی که ازوغنی شد اشیا
کنجی که عطای فیض او بود ❊ یاقوت بکوه ودر بدریا
کنجی که از وکاف ونون شد ❊ ترکیب وجود عالم انشا
کنجی که نصیب هر که شد دید ❊ درجنت جاودان خدارا
کنجی که ازو شد آفرینش ❊ امروز وپریروزی وفردا
ای صورت غیر بسته دردل ❊ سهو وغلط توهست اینجا
درظاهر وباطن دوعالم ❊ ماییم همه نهان وپیدا
ای بیخبر از جهان وحدت ❊ بکذر ردوبی وباش یکتا
ای مفلس اکر کنج معنی ❊ خواهی که شوی بصیر وبینا
قطع نظر وجود خودکن ❊ وزنفی وثبوت لاو الا
تا پرتو آفتاب مشرق ❊ روشن شود این که لم یزل

مخموری شبانه ماییم ❊ پیمانه کش مغانه ماییم
مفتاح خزین سموات ❊ مصباح شرابخانه ماییم
مست اب ساقیٔ سقاهم ❊ درجنت جاودانه ماییم

❊ جنك ودف ونى وبربط وعود ❊ ❊ اشعار تر وترانه مايم ❊
❊ دركوى قلندران تجريد ❊ ❊ بى ريش وبروت شبانه مايم ❊
❊ درعالم لامكان وبى كيف ❊ ❊ مرغ الف آشيانه مايم ❊
❊ سوزندهٔ شرك وهستئ غير ❊ ❊ آن آتش يكزبانه مايم ❊
❊ اى طالب ذات حق خدارا ❊ ❊ كرمى طلبى نشانه مايم ❊
❊ آينهٔ صورت الهى ❊ ❊ درشش جهت زمانه مايم ❊
❊ بى حدوكرانه ايم اكرچه ❊ ❊ حد همه وكرانه مايم ❊
❊ اى خواجه ترروى واحديت ❊ ❊ چون دردوجهان يكانه مايم ❊

❊ درخانهٔ نه رواق كردون ❊ ❊ مايم زاندرون وبيرون ❊
❊ ليلى چونبود جزرخ ما ❊ ❊ برچهرهٔ خودشديم مجنون ❊
❊ مايم درين جهان ومايم ❊ ❊ درعالم بى چراوبى چون ❊
❊ اى طالب حق به بين خدارا ❊ ❊ درصورت خوب وحسن موزون ❊
❊ عشق رخ ماست انكه آمد ❊ ❊ از بستئ هردوعالم افزون ❊
❊ اى بندهٔ نفس شوم تاكى ❊ ❊ دنيا طلبى زهمت دون ❊
❊ روزى كه براى آفرينش ❊ ❊ پيوسته نبود كاف بانون ❊
❊ مايم كه بوده ايم وهستيم ❊ ❊ برحسن وجمال خويش مفتون ❊
❊ كى به شوداى مريض شهوت ❊ ❊ رنج تو بفرفيون وانسيون ❊
❊ ديوى كه ترا ازو نخواهد ❊ ❊ رام توشدن چه خوانى افسون ❊
❊ اى بيخبراز حقيقت ما ❊ ❊ واقف شوازين اشارت اكنون ❊

❊ مايم جهان بى مع الله ❊ ❊ ما اعظم شانه الله الله ❊
❊ هستيم زغير تا فقيريم ❊ ❊ درهر دوجهان بفضل حق شاه ❊
❊ يك قطره زهفت كشورماست ❊ ❊ از ماهى هفت بحر تا ماه ❊
❊ اى سرو بلندقامت دوست ❊ ❊ دوراز تو هميشه دست كوتاه ❊
❊ اى كوشه نشين مزن دم ازعشق ❊ ❊ زان رو كه نهٔ تو مرداين راه ❊
❊ آينهٔ ماه تيره كردد ❊ ❊ كرزانكه زدل براورم آه ❊
❊ باتوغم دل چكونه كويم ❊ ❊ چون نسبتى ازغم دل آكاه ❊
❊ مايم عزيز مصر معنى ❊ ❊ چون يوسف دل برامدازچاه ❊
❊ عشق توبخود كشيدمارا ❊ ❊ چون جزبهٔ كهربا تن كاه ❊
❊ اى صوفى اكرچو باده صافى ❊ ❊ مى نوش ومكن زباده اكراه ❊

❊ تاچون خط اوشوی محقق ❊	❊ پیش تو که ما بکام دلخواه ❊

❊ ای رهبر ما بعالم ذات ❊	❊ روی تو بحق سبع آیات ❊
❊ شایستهٔ تاج سروری نیست ❊	❊ آن سر که نشد فتاده درپات ❊
❊ ای مشرق آفتاب رویت ❊	❊ مشکات وجود جمله ذرات ❊
❊ بی اسب ورخ وپیاده وفیل ❊	❊ فرزین تو کرد شاه را مات ❊
❊ ای سـو حرف خط وخالت ❊	❊ در ارض آله و در سموات ❊
❊ انی لعطشت ایها الروح ❊	❊ من راحکمو اقم اسقنی هات ❊
❊ درعشق رخ تو عاشق کو ❊	❊ ماصار شهیدا انه مات ❊
❊ ای در طلبش نرفته کامی ❊	❊ خوامی که رسی بکام هیهات ❊
❊ آن زمره که لات می پرستند ❊	❊ انوار تو دیده اند در لات ❊
❊ ای صوفیٔ عمر داده برباد ❊	❊ می نوش وبیا که ماضی فات ❊
❊ مایم جوعین کنت کنزا ❊	❊ مایم جو نور ونار مشکات ❊

❊ برقع زرخ قمر برانداز ❊	❊ اسرار نهفته رادر انداز ❊
❊ اززلف ورخ آتشی وتابی ❊	❊ درجان ودل مه وخور انداز ❊
❊ صدفتنه وشورشر برانگیز ❊	❊ آوازهٔ روز محشر انداز ❊
❊ ظن همه را بحق یقین کن ❊	❊ بنیاد شك ازجهان برانداز ❊
❊ بوبی بخطا فرست وآتش ❊	❊ درنافهٔ مشك وعنبر انداز ❊
❊ هردم زبرای فتنه رسمی ❊	❊ ازغالیه برکل تر انداز ❊
❊ ای عاشق سروی قامت دوست ❊	❊ درپای میار کش سرانداز ❊
❊ کنج کهرست عشق جانان ❊	❊ خودرا تو کنج کوهر انداز ❊
❊ ای ساقیٔ سلسبیل وکوثر ❊	❊ پیمانه درآب کوثر انداز ❊
❊ بکشا سرخم که تشنه کشتند ❊	❊ این باده کشان ساغر انداز ❊
❊ ای طائر عالم هویت ❊	❊ وی سی ودو مرغ شهپر انداز ❊

❊ مایم امین سر اسما ❊	❊ مایم حقیقت مسما ❊
❊ ردصورت آب وخاك پنهان ❊	❊ در خال وخط نکار پیدا ❊
❊ مایم سفینهٔ که د رویی ❊	❊ جمع آمده است هفت دریا ❊
❊ ای حسن تو درجهان خوبی ❊	❊ بی شبه وشریك ومثل وهمتا ❊

جز روی تو بت نمی پرستم ای کعبهٔ حسن وقبلهٔ ما
عین همه کرنهٔ چرا نیست غیر از تو حقیقتی دراشیا
ای طالب کوهر حقیقت دربحر دلست دیده بکشا
نظارهٔ صورت خدا کن در سو خط وجه زیبا
هیهات که حق نه بینی امروز ای غرهٔ بوعدهای فردا
ای درطلب لقای محبوب دل صافی کن آینه مصفا
چون ازکل آدم ای نسیمی ترکیب وجود ماشد انشا

تقلید روان ازره توحید بعیدند زانست که هرکز حقیقت نرسیدند
ره درحرم کعبهٔ مقصود نبردند هرچند درین بادیه هرسوی دویدند
درکفت وشنیدند طلب کار همه عمر وین طرفه که همواره بسی کفت وشنیدند
آن شاهد کل چهره زرخ پرده برانداخت وین کوردلان رنك ازان چهره ندیدند
مستان الستند کسانی که ازین جام در بزم ازل بادهٔ توحید چشیدند
مردان خدا زندهٔ جاوید بماندند زان دم آگهی که درایشان بدمیدند
زنده بخدایند چوازخویش بمردند پیوسته بحقند چوازغیر بریدند
پیری طلبی راه مریدی سپر اول پیران جهان جمله درین راه مریدند
ای هاشمی این راه بکوشش نتوان یافت ازجذبه کرانا بسوی خویش کشیدند

آنها که بتقلید مجرد کرویدند دورندزحق زان بحقیقت نرسیدند
خورشید یقین ازافق غیب برامد آن کوردلان دیده ببستند وندیدند
نزدیکتر از مردم چشمست ولیکن بی معرفتان از رخ آن ماه بعیدند
دوراز حرم کعبهٔ وصلند همه عمر دروادیٔ جهل ازسر پندار دویدند
اعمی شمران بی بصر انرا که زتحقیق دردیدهٔ دل کحل بصیرت نکشیدند
مستان هوادر ظلماتند وضلالت ازعین حیات آب صفازان نچشیدند
قومی که پرستند خدارا بتصور ازنوریقین دور چوشیطان مریدند
دیوان رجیمند بمعنی نه بصورت هرچند که ازروی صفت شیخ ورشیدند
آنزمره که شدنوریقین رهبرایشان درمرتبهٔ صدق چوقرآن مجیدند
برطوردل ازشوق چوموسی ارنی کو دیدار خدادیده ودرکفت وشنیدند
مستند وبحق یافته راه ازسرتحقیق ایمن شده ازانا عذابا لشدیدند
خورشید پرستان حقیقت چونسیمی ازفضل آلهی همه درظل مدیدند

انان که نکشتند بحـق زندهٔ جاوید | پژمرده وخوچیده بجا همچو قدیدند

❁ کوهر کنج حقیقت بحقیقت مایم | نور ذات جبروتیم که در اشیـایم ❁
❁ کرطلب کار خدایدو نکارید انکار | ازسر صـدق بیـایید که تانغمـایم ❁
❁ کرچه در پردهٔ غیبیم چو اسرار نهان | از پس پرده چوخورشید فلك پیدایم ❁
❁ ماهمایم که بودیم وهمان خواهیم بود | درذو عالم؛ اکر امروزا کر فردایم ❁
❁ کرسر رشته دوتوشد مکن اندیشه غلط | زانکه درعالم وحدت همکی یکتایم ❁
❁ مظهر نور خدا ونفس روح الله | طور موسی ومناجات وید بیضـایم ❁
❁ زشت وزیبا همه مایم وزما بیرون نیست | یك متاعیم اکر زشت اکر زیبـایم ❁
❁ آیت معجزه وآینـهٔ روح الله | دیده بردوخته ازغیر وبخود بینا یم ❁
❁ ای که از کوی حقیقت خبری میطلبی | بردرمعرفت آتا که درت بکشـا یم ❁
❁ ای نسیمی چوشدی نقطهٔ پرکار وجود | جند چون دایرهٔ چرج جهان پیمایم ❁

زبنـد زلف توجان مرا نجـات مبـاد | دل مرا نفسی بی رحت حیـات مبـاد
دلی که عابد بیت الحرام کوی تو نیسـت | عبـادتش بجز ازسـوی سیئات مباد
زعشـقت انکه ندارد حیـات لم یزلی | نصیب او بجز از مردن ومممـات مبـاد
دوای درد دل خود بدرد اکر نکـنی | دلا بدرد دلی چون رسی دوات مبـاد
بجز وصـال تومارا اکر مرادی هست | مبسرات حصولش زممکنـات مبـاد
چو روح ناطقه جانی کاسیر زلف تو نیست | همیشه راه خلاصش زشش جهات مباد
اکر چه زلف سیاهت دلیل اسرارست | مرا جزاین شب قدر و شب برات مباد
صلاة قبلهٔ من هست اکر بجز رویت | چو عابد صنم قبـله وصلاة مبـاد
چو حسن روی تودرویش راز کاة دهد | فقیر عشق تو محروم ازین زکاة مبـاد
دلی که جز رخ وزلف تو باشدش پیوند | بهر طرف که نهـد رخ بغیر مات مبـاد
اکرنه رزق حسن صورت تو میـدانم | نعـیم جان ودل من زطیبـات مبـاد
زعقد زلف توشـد مشکل نسیمی حل | که کار زلف تو جز حل مشکلات مباد

انکو نظر بروی تو کرد خدا ندید | محروم شـد زجنت عدن ولقـا ندید
بینـا بنور معرفت ای جان کجـا شود | آن دیدهٔ که درهمه اشـیا ترا ندید
سودای زلفت انکه خطا کفت روسیاه | فکرش خطا چو بود بغیر ازخطا ندید
عشق تو در دیار وجودم بسی بکشت | خالی زمهر روی تو یکذره جا ندید

زاهد چو ذ کرزلف تو کردم بتاب رفت
بی حاصل این دقیقهٔ باریك واندید

خفاش تاب دیدن روی تو چون نداشت
عیبش مکن که مهر درخشان چراندید

ای دل جفا نه عادت یار منست وبس
بنما ای عاشقی که ز دلبر جفا ندید

یارب زراه لطف نسیمی بما فرست
زان کلشنی که غنچهٔ وصلش صبا ندید

داغی که دید درد دلی ازجفای دوست
جان نسیمی آن نکشیدست یاندید

منم آن دوهفته ماهی که برآسمان جانم
منم آن درخشنده مهری که براوج لامکانم

منم آن سپهر چشمت که برای کسب دولت
نهد افتاب دولت رح وسر برآستانم

منم آن امیر کشور که همیشه در دیارم
قرست شمسهٔ شب زحلست پاسبانم

منم آن کلام صادق که بود زریب خالی
منم آن کتاب ناطق که صفات خویش خوانم

منم آن همای دولت که فراز عرش پرم
منم آن جهان معنی که بیرون ازین جهانم

منم انکه شاه سلطان کنداز درم کدایی
منم انکه مهر وکردون کلاهست و پاسبانم

منم انکه فرق فرقد بقدم همی سپارم
منم انکه بردوعالم سردست می فشانم

منم آن لطیف ساقی که بعاشقان سرخوش
رخ خور همی نمایم می روح می چشانم

منم آن شکرحدیثی که بنطق چون درایم
رخ وزلف ماه رویان سخنست وترجمانم

منم آن زدیده غایب که همیشه در حضورم
منم وجود ظاهر که زدیدها نهانم

منم آن ره سلامت که صراط نام دارم
منم آن نعیم باقی که بهشت جاودانم

منم انکه اندر اشیا شده ام بحرف پیدا
زرموز وحی بکذر که من این زمان عیانم

بقدیم وحادث ازره مروای حکیم عاقل
که من آن وجود فردم که هینم وهمانم

توچوعیسی ای نسیمی همه کرچه جان ورخی
منم انکه روح روحم منم انکه جان جانم

منم آن شریف کوهر که معادن حیانم
منم آن شراب کوثر که بجوی جان روانم

درعشق توای مهر وعاشق جومنی کوکو
تابرسر ویرانها چون کوکو زند کوکو

سوزد بغم وسازد درعشق توجان بازد
وانکه نظر اندازد برروی توازشش سو

تابراثر پایت مالم رخ وپیشانی
افتاده چوخورشیدم برخاك سرهرکو

ای غیرت ماه وخور برد ار نقاب ازرخ
تاپیش مه رویت برخاك نهدمه رو

دردور سرزلفت کی امن وامان باشد
چون دردل ودرجانم شد آن سیه هندو

پرنور کنم چون مه ازچهر دو عالم را
اززلف توکر افتد روزی بکفم یکمو

ای بخت من ازحشمت بادولت بیداران
صد رحمت حق هردم برغمزهٔ آن جادو

ای درطلب وصلت چون چرخ بسرکردان
هم عابد یاهوزن هم قائل یامن هو

چشم تودل عارف کیرد چو بصید آید
هی هی که چه صیادست آن شیرشکار اهو

ای روی ترش صوفی مفروش بماسرکه | کز باد لبش مارا شد پر زعسل کندو
ای بر سر سجاده تسبیح کنان بشنو | فریاد اناالحق را در حلقهٔ آن کیسو
معراج نسیمی شد قوسین دو ابرو بت | ای شمع شب اسراوی بدر هلال ابرو

کوهر دریای وحدت آدمست ای آدمی | همچو آدم سر اسما را بدانی آدمی
جان اکر خوانم ترا باشد برین معنی مکر | کز سر تحقیق میدانم جان عالمی
زندهٔ باقی شواز بو خط لایزال | ای که بی نطق ونطق چون عیسی صاحب دمی
کر به بینی صورت خودرا بچشم معرفت | روشنت کردد که هم جمشید وهم جام جمی
کرهدایت یابی ازمن عنده علم الکتاب | ای سلیمان نی که اسم اعظمش را خاتمی
ای که فرعونی ونمرودی ودجالی چورفت | هم خلیل وهم کلیم وهم مسیح مریمی
در رخ خوبان که هست آینهٔ کیتی نما | صورت حق را بچشم جان به بین کر محرمی
ازخیال بیش وکم فارغ شو وآسوده باش | تا بکی درفکر آن باشی که بیشی یا کمی
کی شود روشن بخورشید رخ اوچشم ذات | از محیط معرفت نادیده چون یك شبنمی
در بیابان تحیر وآله وسرکشته اند | احدی وحیدری وزنده بوش وادهمی
ای نسیمی وقت آن شد کز دم روح القدس | نفخهٔ چون صور اسرافیل در عالم دمی

طالب توحید را باید قدم بر لا زدن | بعد ازان درعالم وحدت دم از الا زدن
شرط سالك درطریق معرفت دانی که چیست | طرح کردن هردو عالم را و پشت پا زدن
کرشوی چون اهل وحدت مالك ملك وجود | نوبت شاهی توانی برفلك چون ما زدن
دامن کوهر بدست آرو کمال معرفت | تا توانی چون صدف لاف ازدل دریا زدن
تا نکردی محرم اسرار اسما چون ملك | لاف دانش کی توانی یادم از اسما زدن
کی تواند سرکشیدن برفلك چون سنبله | دانهٔ کز خاك نتوانست سر بالا زدن
رنك وبوبی در حقیقت کر بدست آوردهٔ | چون کل صدبرك باید خیمه برصحرا زدن
چند باشی ای مقلد بستهٔ ظن وخیال | درکذر زینها که نتوان تکیه براینها زدن
تانکوبی ترك سر اندیشهٔ زلفش مکن | سرسری دست طلب نتوان برین سودا زدن
بکذر از دنیا وعقبی تا توانی در یقین | آستین ازبی نیازی برسر اشیا زدن
ای نسیمی سرحق باهرکدا ضایع مکن | از تجلی دم چه حاصل پیش نابینا زدن

ای دل ازپختهٔ عشق طمع خام مکن | همدم باده شو وجز هوس جام مکن
ازره خویش پرستی قدمی بیرون نه | قطع این منزل وره جز بجنین کام مکن

منزل اهل یقین کوی حبیب است ای دل / تا بمنزل نرسی یک نفس آرام مکن
ازریا پاك شو ای زاهد آلوده لباس / شبه و وسوسه راز هد و رع نام مکن
دور سجاده و تسبیح کذشت ای زاهد / این یکی دانه مساز آن دکری دام مکن
کرسر طاعت حق چون ملکت هست ای دل / بجز از سجدهٔ آن سرو کل اندام مکن
چون شدی بادهن وچشم ولب یار حریف / جز حدیث شکر و پسته و بادام مکن
نام ونتك ودل ودین جمله حجابست ودر بی / یك جهت باش وبدینها طلب نام مکن
هست چون عاریتی دولت ده روزهٔ دهر / تکیه بردولت ده روزهٔ ایام مکن
برعذار توکه اسلام منست از خط وخال / لشکر کفر مکش غارت اسلام مکن
ای نسیمی روبرامد زلب اوکامت / همه کام رسیدی سخن از کام مکن

بیا ای کنج بی پایان چو خود مارا توانکر کن / مس بی قیمت مارا باکسیر نظر زر کن
تو بحر کوهر جانی تو عین آب حیوانی / وجود خاکیٔ مارا حیاتی بخش وکوهر کن
لب لعل توجان دار دبجان بخش یدبیضا / چو عیسی دعوت احیا بلعل روح پرور کن
بعالم صبحدم بوبی زکیسویت روان کردد / مشام قدسیان مشکین جهانرا پر زعنبر کن
نقاب از آفتاب رخ برانداز ای قمر یکدم / سرای دیدهٔ اشیا بروی خود منور کن
زسودای سر زلفش سرم سودا کرفت انکو / ندارد در سر این سودا برو کوخاك برسر کن
بنار عشق اکر خواهی که عالم را بسوزانی / بیا در وادیٔ ایمن ز رخسار آتشی بر کن
تو نطقت در حدیث آور زلب جانبخش عالم را / دم روح القدس دردم جهانرا کان شکر کن
زسودای خط وخالت دلی کررخ بکرداند / رخش در مجمع خوبان سیه چون روی دفتر کن
هر انکو عاشق رویت نکشت ای صورت رحمان / بنی آدم مخوان اوراتونامش سنك مرمر کن
دل از تسبیح زاهد شد ملول ای مطرب مجلس / زقند آن لب شیرین سخن کوی ومکرر کن
ملك رامی بهد خطش چو طفلان لوح بردامن / الا ای حافظ قرآن تو این هفت آیت ازبر کن
بجنت جوی دیدارش چو خورشید و مه ای عاشق / بهرکوبی قدم درنه بهر منظر سری بر کن
چو هست از روی آن دلبر نشانی شمس خاور را / بیا در روی شمس الدین سجود شمس خاور کن
بخوبی درمیان بامه بسی فرقست رویش را / اکر باور نمی داری بیادر رویرا بر کن
دلا باوصلش ارخواهی که ذات متحد کردی / وجود هر دو عالم رانثار روی دلبر کن
بسالوسی وزراقی سیه تاکی کنی جامه / قلم بردلق ازرق کش بمی رخساره احمر کن
نسیمی واصل حق شد آلهی عاشقانت را / بحق حرمت فضلت که این دولت میسر کن

زسودای سر زلفش سرم نکست وسودایی / بیا ای دنك سر صوفی به ین تادر چه سودایی

تو دنك باده و بنكی نه از عشق خدادنكی   ازان پیوسته چون سنكی بغفلت عمر فرسایی
تراسودای سیم و زر مرا آن سرو سیمین بر   اسیر و مبتلا كرده ربوده عقل و دانایی
جهان از فتنهٔ وصلش پر آشوب است و پر غوغا   چرا زین فتنه ای غافل چنین در جنك رغوغایی
حجاب خویشتن بینی ز ره بردار و بیخود شو   كه نتوان روی حق دیدن بخودبینی و خودرایی
جمال حق درین عالم به بین امروز و حق بین شو   كه فردا كور خواهی بود اكر موقوف فردایی
یكی كردیدهٔ احول ز كج بینی دو می بیند   بنه تن كرنهٔ احول بتنهایی كه تنهایی
بخط و خال و زلف او شد اشیا جمله بیهوده   تو تا كی زآتش شهوت زشش سو باد پیمایی
برو مجنون شوار خواهی كه بینی روی لیلی را   كه لیلی را نمی بیند بجز مجنون شیدایی
بچشمش دل چرا دادی نكو با من نكر با من   كه عاشق چون نكه دارد دل از تركان یغمایی
بیا ای صورت رحمان كه آمد روز آن دولت   كه مشتاقان رویت را لقایی پرده بنمایی
شدم در قلزم سودا چو كیسوی تو غرق اما   درین دریا تو هر كس را كجا چون دربدست آیی
شب اسرا است آن كیسو و قوسین اسم آن ابرو   بیا حق را درین سودا به بین كر مرد سودایی
دلم پر خون شد از سودا بیا قیفال دل بكشا   كه شوقت آتش محضست و عشقت هست صفرایی
صفات ذات مطلق را تویی آینهٔ صورت   بمعنی كر چه از وجهی دكر اسماء حسنایی
ازان رو قبلهٔ رویت هدا للعالمین آمد   كه حق مظهر كلی و كنج سر اسمایی
تو آن یوسف لقا ماهی كه در مصر الوهیت   عزیز حق و حق را هم اسمی هم مسمایی
ملك شد عاشق رویت ازان رو میكند سجده   چه حسنت این تعالی الله بدین خوبی و زیبایی
تو آن خورشید تابانی كه در دنیا و در عقبا   برخسار آفت جانها بزلف آرام دلهایی
بحسن و صورت و معنی تویی آن واحد مطلق   كه چون ذات الوهیت بخوبی فرد و یكتایی
ندید از اول فطرت جهان تا آخر فطرت   چو رویت صورتی زان رو كه بی مانند همتایی
ز اشیا چون جدا دانم ترا ای عین اشیا چون   محیطی بر همه اشیا و عین جمله اشیایی
وجود هر چه می بینم تویی در ظاهر و باطن   چه عالی كوهر یارب چه بی اندازه دریایی
تویی آن عالم وحدت كه هستی منشی كثرت   ازان در جا نمی كنجی كه هم در جا و بی جایی
نهان چون كویم ای دلبر ترا از لا یده چون اعمی   كه در هر ذره می بینم كه چون خورشید پیدایی
بیا ای بی نظیر من كه خوبان دو عالم را   بحسن خود غنی سازی چو روی خود بیارایی
سرای هر دو عالم را لقا بنما و جنت كن   كه رضوان حریر اندام و خورسده بالایی
نسیمی نفخهٔ عیسی در اشیا میدمد هر دم   بیا ای مرده كر مشتاق انفاس مسیحایی

ساقیا آمد بجوش از شوق لعلت جان ما   خضر مایی می بیار ای چشمهٔ حیوان ما
با لب لعلت بجان بستیم پیمان در ازل   تا ابد پیمانهٔ لعل تو شد پیمان ما
درد بی درمان ما را چاره جز وصل تو نیست   ای وصالت چاره ساز و درد بی درمان ما

روضهٔ رضوان ماجز جنت روی تو نیست — روضهٔ کوغیر ازین ای روضهٔ رضوان ما
چشم یعقوب ازغم روی چوماهت شد ضریر — سر براراز قعر چاه ای یوسف کنعان ما
برکل وریحان کی اندازند اهل دل نظر — تارخ وزلفت بود کل دسته وریحان ما
عاقبت خواهد زمادودی زروزن برشدن — کرچنین پنهان بماندا اتش پنهان ما
کشتیٔ چون نوح اکرداری نخواهی غرقه کشت — چون بکرد کوه وصحراسر بسر طوفان ما
جوهری نیکوشناسد قیمت دریتیم — هم تودانی قدر خویش ای کوهرعمان ما
سورهٔ زلف ورخك نور ودخان امد زحق — ای زرحمان کشته منزل آیتی درشان ما
مصحف روی تومیخوانیم وازحق درازل — چون کلام ناطق اینست ایت قران ما
عمردر سودای زلفت رفت وراه آخرنشد — اه ازین سودای دوری راه بی پایان ما
شدبسر کردان نسیمی درهوایت چون فلك — ای اسیربند زلفت جان سر کردان ما

اکرچه چشمهٔ لعل تودارد اب حیات — دلیل ماخط سبز تواست فی الظلمات
بچشم مست تو دیدم یقین ودانستم — که هست حسن ترا بر کمال جمله صفات
اکرنه روی تو بودی بیان صورت حق — چکونه راه نمودی بما تجلیٔ ذات
جهان حسن قدیمست وعشق لم یزلی — مدینهٔ که مصونست ایمن از نکبات
بهر طرف که نظرمیکنم نمی بینم — جزافتاب رخت درجهات وغیرجهات
رخش بدیدهٔ معنی به بین ای صوفی — ززنك زرق وریاپاك اکرکنی مرأت
بیا بیا که بدیدارت ارزومندم — چنانکه تشنه باب زلال درفلوات
سجود روی توکردن به نیش حق اینست — عبادتی که قبول است باشد از حسنات
بیا که تاشب قدرمنست کیسویت — شبم کذشت بقدرازهزارقدر وبرات
دلی که عاشق روی توشد زدوزخ رست — که عاشقان جمال تواند اهل زکات
بترك کعبهٔ رویش مکن بمسجد رو — که حق پرست چوصوفی نمی پرستت لات
نسیمی آتش مهرت جنان تجلی کرد — که بانك انی انا الله برامد از ذرات
مباش بستهٔ تقلید وظن که ممکن نیست — کزین طریق بمنزل کسی رسد هیهات

ساقیٔ سیمین برامد باده می باید کشید — حرف رندی برسر سجاده می باید کشید
روی نماید چو برآینه باشد نقش زنك — صورت آینهٔ دل ساده می باید کشید
نازا بروی کما ندارش بجان ای دل بکش — کین کما نرا عاشق افتاده می باید کشید
برسرم روزی وصالش کفت خواهم پادنهاد — منت پایش بجان تهاده می باید کشید
هرچه ازیار آید ای دل تا که جان داری چوشمع — برسرعهدش بجان استاده می باید کشید

درغم رویش زچشم درفشان هردم مرا ‖ ماجرای اشك مردم زاده می باید کشید
می کشیدم دام زلفش سرزمن پیچید وکفت ‖ هردو عالم در بهایت داده می باید کشید
تا بجاالتها کشد سر واز قدخود در چمن ‖ صورت ان قامت ازاده می باید کشید
ای نسیمی چون زمان مستی وجام می است ‖ باحریفان موحد باده می باید کشید

دلیل ماشد آن ساقی بدارالعیش میخانه ‖ بیا کای آرز ومندی بجام لعل جانانه
بدور دانهٔ خالش دل وجانم نمی بینم ‖ که دردام سرزلفش نه افتادست از ین دانه
زمان وصل رویش راطلب کارم بجان ودل ‖ هنوز ارزان بوددادن دوعالم را بشکرانه
زمان زرق وسالوسی کذشت ای زاهد رعنا ‖ بیامی خور که تقویر البالب کشت پیمانه
جهان وجان دین ودل برورد رکارعقش کن ‖ که از مردان مرد آید همیشه کارمردانه
حدیث زهد کمتر کومکو غیر ازکلام عشق ‖ که عاشق رانمی کیرد بکوش افسون وافسانه
بجو با آتش رویش تقرب کرنمی خواهی ‖ که دوراز شمع رخسارش بسوزی همچو پروانه
چورویش چرخ صورتکر نبیند صورتی دیکر ‖ بسر چندانکه میکردد در ین پیروزه کاشانه
در کنج معانی رالبش مفتاح غیب آمد ‖ زهی کنج وزهی کوهر زهی مفتاح ودندانه
نسیمی پای دل مکشا زبند زلف اوهرکز ‖ که در زنجیر می باید همیشه پای دیوانه

کمان مبر که بصد جور وصد دل آزاری ‖ دل من از تو ببرد مکر به بیزاری
بهر جفا که توانی بجوی آزارم ‖ که هست عادت معشوق عاشق آزاری
بران امید که واقف شوی زنالهٔ من ‖ کذشت عمر عزیزم بناله وزاری
نظر بزاریٔ ما کرنمی کنی چه عجب ‖ تو شاه حسنی وما عاشقان بازاری
مراتو جان عزیزی به بین عزیزیٔ من ‖ که میکشم زعزیزخود این همه خواری
چه حاجتست که بریزی بغمزه خون دلم ‖ چو چشم ترك تواش میکشد به بیماری
دل از رقیب تو رنجیده بود باز آید ‖ کرش برسم دل آزاریٔ تو بازاری
دلم ببردی وکفتی دلت بدست آرم ‖ چو بردهٔ دل من چون دلم بدست آری
نسیمی از تو امید وفا نمیدارد ‖ چکونه عمر کند با کسی وفاداری

من آن کنجم که درباطن هزاران کنج زردارم ‖ من آن بحرم که درد امن بدریاها کهردارم
من آه عاشق پنهانم که سرکردان حسن خود ‖ چو چشم دلبران عاشق بسی صاحب نظردارم
من آن چرخ پرانوارم دراقلیم الوهیت ‖ که درهرخانهٔ برجی هزاران ماه وخوردارم
زعطاران برطل ومن چرا شکرخرم چون من ‖ زوصل آن لب شیرین بخروارها شکردارم

من آن عنقای لاهوتم درین تنگ آشیان تن / که ملک اسفل واعلی همه در زیر پردارم
سکون جنبش اشیاام در اسفل واعلی / چو افلاک وزمین زان رو مقیمم هم سفردارم
اناالحق ازمن ای عاشق اگر صادر شود روزی / مرا عارف بسوز اند کشد منصور بردارم
مکن پیش من ای صوفی عصا و خرقه را عرضه / که از تسبیحت آگاهم ززنارت خبردارم
بدام حلقهٔ ذکرم چه میخوانی چه می بینی / مرا با حلقهٔ زلفش که بازاری دگر دارم
صواب اندیش میگوید که ترک عشق خوبان کن / من این معنی خطا هرگز نکنم عقل این قدر دارم
خیال روی شمس الدین مرا تا مونس جان شد / نه در اندیشهٔ شمسم نه پروای قمر دارم
الا ای عابدی کز من جز آن رو قبله می پرسی / عبادت کرده ام بت را جز این رو قبله گر دارم
چو زلفش در سر آن دارم که در پایش سر اندازم / ببین ای جان که با زلفش من عاشق چه سر دارم
چو شیران در غم عشقت مدام ای آرزوی دل / غذای من جگر زان شد که من شیر جگر دارم
بیا ای آتش موسی بیا از جان من شنو / که من در جان از آن آتش بسی شور و شرر دارم
زراه عشقش ای صوفی ترا گر دست اگر بر دل / ببین این رفعت وقدری که من زان رهگذا رم
حدیث خط وخال او چه داند هر خطاخوانی / تو از من شنو این قرآن که تفسیرش زبر دارم
نسیمی را بفضل حق چو کام دل میسر شد / ملک را سجده فرمایم که تعظیم بشر دارم

مطلع انوار زلفت مسکن جان ودلست / رب ارنی بیانی آن مبارک منزلست
گرچه دل در زلف خوبان بستن از بو انکبست / عاشق گو دل در آن زنجیر بند دعا قلست
عقد گیسو یت باسانی نگردد حل که او / معنیٔ محکم دقیق عقدهٔ بس مشکلست
صورت حق آنکه میگوید که روی خوب نیست / چشم حق بین نیست او را دعوی او باطلست
بالبت گفتم که خواهم دادروزی جان بتو / روز آن آمد گو بالب که جان مستعجلست
در سواد طلعت روی تو است آب حیات / آنکه میگوید نه حیوانست حیوان غافلست
غوطه خور در بحر عشقش تا بدست آری گهر / در نصیب آن نشد گو بر کنار ساحلست
ای خیالت کرده روشن خانهٔ چشمم بلی / هر کجا محفل بود روشن بچشم محفلست
در طریق کعبهٔ شوق تو اهل ذوق را / غم رفیق و زاد ره خونابه و دل محملست
حاصلی ما را نشد جز عشق جانان در جهان / عشق جانان هر کرا حاصل نشد بی حاصلست
ای نسیمی صورت حق بسته بین در آب و گل / تا بدانی صورت حق بسته بر آب وگلست

قسم بمهر جمالت که جز تو ماه ندارم / تو شاه حسنی وغیر از تو بنده شاه ندارم
سجود در روی تو کردن اگر گناه بود / فقیه دیو طبیعت جز این گناه ندارم
مرا بجز تو گر هست خالق والهی / ترا بحق نپرستیده ام آله ندارم

زدم بدامن زلف توروی سرخ وسفیدم
به روز حشر جزاین نامهٔ سیاه ندارم

بعهد زلف توکردم وفا رخ تو کواهست
جزاین دوشاهد عدل ای صنم کواه ندارم

بزلف وخال توره برده ام بجوهر فردت
بدان مقام جزاین حرف ونقطه راه ندارم

بوصف ابرو وچشمت کرفته ام دوجهانرا
که بهر فتح ممالك جزاین سپاه ندارم

برآستانهٔ فضلت نهاده ام سرطاعت
برای انکه جزاین درامیدکاه ندارم

شبیه روی تو در خاطرم چکونه دراید
به بی شبیهیٔ رویت چو اشتباه ندارم

چومهر روی توام درپناه ملجاء زلفت
ازان جهت که جزاین ملجاو پناه ندارم

چوخاك برسر کویت فتاده ام شرف این بس
بچشم دشمن اکر هیچ قدر وجاه ندارم

خیال مهر رخت شمع بارکاه دلم شد
اکرچه درخوراین شمع بارکاه ندارم

زفرقت تو براوردم از دل اه دکرچه
براورم زدل خسته چون جزآه ندارم

نسیمی ازهمه روی نظر بروی تودارد
نکاه دارمنی چون من این کناه ندارم

نکارابی سرزلفت پریشانم بجان تو
بجز زلفت نمی خواهددل وجانم بجان تو

بزلف عنبرافشان کن دوای من کزین بهتر
علاج رنج سودایی نمیدانم بجان تو

بغیر از سجدهٔ رویت زمن هرطاعتی کاید
ازان کردار بی حاصل پشیمانم بجان تو

زرنج فرقت دوری شدم رنجور ورنجیده
خلاصم بخش ازین رنجم مرنجانم بجان تو

مکن دردمرا درمان بصبرای آرزوی جان
که این درمان بسی تلخست ودرمانم بجان تو

شب وروزازخیالم انکه برمن چشم اندازی
وصال این سعادت رانکه بانم بجان تو

بیان زلف وخال خودهم ازحسن وجمال خود
بپرس ازمن مپرس ازرا که حیرانم بجان تو

پری وحور ومهر ومه رخت رابندهٔ اندای شه
ترامن چون پری خوانم نمی خوانم بجان تو

چوقرص خوشدم پیدا ولی اعمی نمی بیند
به بین کرچشم نامحرم چه پنهانم بجان تو

چوهستم بندهٔ عشقت بملك دنی وعقبی
مده ازدست ومفروشم که ارزانم بجان تو

بیاری عهدوپیمانی که بستم درازل باتو
نه عهدم ذرهٔ کم شد نه پیمانم بجان تو

چمن کرزانکه می نادبیك دامن کل خودرو
من ازکل دستهٔ رویت کلستانم بجان تو

مراخاك درخودخوان اکرخواهی نسیمی کو
بهراسمی که میخوانی بخوانی کانم بجان تو

مامرید پردیرو ساکن میخانه ایم
همدم دردی کشان وساغر وپیمانه ایم

تامی صافست ووصل یار وکنج میکده
بی نیاز از خانقاه وکعبه وبتخانه ایم

زآرزوی شمع رخسار تجلی تاب دوست
هرنفس درآتشی افتاده چون پروانه ایم

مرغ لاهوتیم ازادهمه کون ومکان
فارغ ازسجاده وتسبیح ودام ودانه ایم

باده‌در دانست ودر یاخانهٔ خمارما   چون صدف درقعر دریاطالب دردانه ایم
هر کسی درعشق اوافسانهٔ کویندوما   ایمن از کفت وشنید وقصه وافسانه ایم
ذرهٔ وارازهستیٔ خودکشته بی نام نشان   درهوای مهرخورشیدرخ جانانه ایم
با قبـای کهنهٔ فقر وکلاه مفلسی   فارغ البال ازلباس وافسرشاهانه ایم
نیست ای دلبرنسیمی راسرسودای عقل   تاسر زلف توزنجیرست ماديوانه ایم

بهار آمد بهار آمد بهـارسبزه پوش آمد   رها کن فکرخام ای دل که می درخم بجوش آمد
لب ساقی وجام مل میـان باغ وفصل کل   غنیمت دان که ازغیم سحرکاه این بکوش امد
اکر صوفی می صافی نمی نوشد مکن عیش   بنـات کرم رامحرم فقیـر دردنوش امد
دلادر یوزهٔ همت ذباب می فروشان کن   که بوی نفخهٔ عیسی زپیر می فروش آمد
می کلکون خورای عارف که درقدس الوهیت   کل آورد آتش موسی و بلبل درخروش امد
مرابی عشق مه رویان بقای سرنمی باید   که سربی عشق درکردن کشیدن باردوش امد
مکن آه ای دل پرغم پوش اسرارجان محکم   که نامحرم خط ابنیست ومی باید خموش آمد
درآب دیده بی روبش مپرس ای جان که چون بودم   که ازغم برسراین طوفان مرا تنهانه دوش امد
ببانك چنك وعودنی بنوش ای رند عارف می   که طاب العیش وطوبی لك زحق هردم سروش امد
بصوفی می ده ای ساقی که درد ارالشفاء ما   علاج علت خامی شراب بخته جوش امد
نسیمی تالب جانان وجام می بود دیکر   بزهد خشك بی حاصل نخواهدسرفروش امد

تا از لب لعـل تو بعـالم خـبر افتـاد   از کاربسی کوشـه نشـین پرده برافتـاد
برطوردل افتـاد شبی پرتو رویت   جان مست تجـلی شدواز پای درافتـاد
بردارسرازخواب خوش ای خفته که اش   درجان کل از نالهٔ مرغ سحر افتـاد
باغمزه بکو حاجت شمشـیر زدن نیسـت   کان زخم که بردل زدهٔ کارکـر افتـاد
ازپختن سـودای سر زلف سیـاهت   حاصل همه این بود که خون درجکر افتاد
مقبول نظر ها شـد ومنظور الهی   باانکه ترا از سر رحمت نظر افتـاد
شرح لب شـیرین تومیـکرد نسیمی   نی ناله برا ورد وفغـان درشـکر افتـاد
آمد بسرکـوی دلم دوش خیـالت   جان نعره زنان ازحرم تن بدرافتـاد

آن آفتـاب دولت برچرخ ما برا امـد   آن زهرهٔ سـعادت درچنك مادر امـد
آینه کـرد مارا از ماشـد اشـکارا   آن کوهری کزاشیا چون چرخ برسرامد
عیدست وروزقربان رودرحرم کن ای جان   کزسوی عرش رحـمن الله اکـبرامد

ای مطرب خدایی بی کفت وکو چرایی
بنواز عودونی را کان سرود ر برآمد

ای مفلسان عاشق کنج خفی عیان شد
وی تشنکان خاکی آن آب کوثر آمد

دامن زبی نیازی بر هردو عالم افشان
کان شاه کشوردل با کنج کوهر آمد

برکن زدام تن دل ای جان که صیدما شد
مرغی که جبر ئیلش درسایهٔ پر آمد

هست آبدار نطقم چون ذوالفقار حیدر
زان روی برمنافق شمشیر وخنجر آمد

تابوی زلف یارم افتاد در خراسان
بادصبا زمشرق بامشك وعنبر آمد

ای وحشی از بیابان باز ابخانهٔ دل
کان لباس انسان پوشید وبردر امد

بیرون خرام وازرخ بردار پرده کزغم
چندین هزار عاشق ازجان ودل برامد

شد سبنهٔ نسیمی لوح وکتاب یزدان
چون حرف ونقطه زان رو بر وجه دفتر آمد

دولت وصل تو تا یافته ام در کپنك
نظری لطف خدا یافته ام در کپنك

یافتم درکپنك آنچه طلب میکردم
تو چه دانی که جهها یافته ام درکپنك

کپنك پوشم وازطایفهای دکرم
شرف این بس که ترا یافته ام درکپنك

مکن ای خواجه مرادرکپنك پوشی عیب
زانکه من نورخدا یافته ام درکپنك

چون نسیمی کپنك پوش شد از فضل اله
جنت وحور ولقا یافته ام درکپنك



بسم الله الرحمن الرحيم

درياى محيط جوشه كلدى ❊ كونله مكان خروشه كلدى

سر ازل اولدى اشكارا ❊ عارف نيجه ايلسون مدارا

هر ذره ده كونش اولدى ظاهر ❊ طپراغه سجود قيلدى طاهر

نقاش بيلندى نقش ايچنده ❊ لعل اولدى عيان بدخش ايچنده

آجى صو شراب كوثر اولدى ❊ هر زهر نبات وشكر اولدى

ترياق مزاجى طوتدى آغو ❊ لؤلوى مدور اولدى دارو

كلى بر وكوك حق اولدى مطلق ❊ سويلر دف وچنك ونى انا الحق

مسجودله ساجد اولدى واحد ❊ مسجود حقيقى اولدى ساجد

هر قطره محيط اعظم اولدى ❊ هر ذره مسيح ومريم اولدى

طاش كمك اولدى ورود نسرين ❊ فرهادله خسرو اولدى شيرين

معشوقله عاشق اولدى برذات ❊ محو اولدى وجود نفى واثبات

ايمانله كفر برشى اولدى ❊ طاتلو ايله آجى برمى اولدى

❊ شرکتی ارەدن کتوردی زحمت ❊ ❊ وحدتدن آچلدی باب رحمت ❊
❊ جانیله تن اولدی بر حقیقت ❊ ❊ برکدی شریعت وطریقت ❊
❊ اشیا ایکیلکدن اولدی خالی ❊ ❊ باقی احـد اولدی لایزالی ❊
❊ ای طالب اکر دکلسن اعمی ❊ ❊ کور وعدهٔ کل من علیهـا ❊
❊ رفع اولدی حجاب ماسوی الله ❊ ❊ القـدرة والبقـاء لله ❊
❊ غیر اولدی هلاك ووجه قالدی ❊ ❊ بحر اولدی شو کیم بو بحره طالدی ❊
❊ کر آچیقسـه بصیرتك باق ❊ ❊ کورسـنده حق و کتمه ایراق ❊
❊ کورسن سنی کیم نه جسم وجان سن ❊ ❊ مقصود وجودکن فکان سن ❊
❊ چومؤمنه مؤمن اولدی مرآت ❊ ❊ مرآتکه باق وآنده کور ذات ❊
❊ شیطان لعینه اویمه زنهـار ❊ ❊ انوك سـوزینی ایشتمه ای یار ❊
❊ هر کیمسه که اسردی بومیدن ❊ ❊ حی ابد اولدی ذات حی دن ❊
❊ نفسنی چو بیلدی بیلدی ربی ❊ ❊ توحیـد یوانده اکدی حبی ❊
❊ ای حقدن اراق اولان عزازیل ❊ ❊ کردیو دکلسن آدمی بیل ❊
❊ آدمـده تجلی قیلـدی الله ❊ ❊ قیل آدمه سجده اولمه کمراه ❊
❊ حقدن سکا لا تطعه کلدی ❊ ❊ هم واسجد واقترب دینلدی ❊
❊ چالندی قیـامتك نفـیری ❊ ❊ ای صاغر ایشتمدیك صفیری ❊
❊ حشرك کونی کلدی اویخودن دور ❊ ❊ اینا نمزایسن کوزیکی آچ کور ❊
❊ اویخودن اویان که محشر اولدی ❊ ❊ کورنیجه زمان پرشر اولدی ❊
❊ صور اونی ایشتمدی قولاغك ❊ ❊ طیاندی بو کوپریده ایاغك ❊
❊ شد قیامت قورلدی میزان ❊ ❊ حشر اولدی اینان بیلندی یزدان ❊
❊ چون محرم قل کنی دکلسن ❊ ❊ بیکانه سن آشنـا دکلسـن ❊
❊ هر کیمسه که طانیدی بوجانی ❊ ❊ بر ذره یه صایمدی جهـانی ❊
❊ یردن چیقه کلدی دابة الارض ❊ ❊ اوش سرینی ایلرم سکا عرض ❊
❊ هم خاتمی انك الیمده فرمان ❊ ❊ یعنی که بنم بو کون سلیمان ❊
❊ موسی بنم اوش عصـا الیمده ❊ ❊ حقـدن ازلی قلج یلـده ❊
❊ مشرکدن ایدر موحدی فرق ❊ ❊ آی وای اکا کیم ایشی اولازرق ❊
❊ خلقك آلنه باصر عصـایی ❊ ❊ یعنی که بیلك بو اوسـتوایی ❊
❊ نیچون که بو استواده درحق ❊ ❊ اول مالك ملك وحق مطلق ❊
❊ حقـدن بو صراط مستقیمی ❊ ❊ بیلکل که بودر حقك نعیمی ❊
❊ چوسن کچەسین بو استوادن ❊ ❊ آزاد اولەسـن غم و بلادن ❊
❊ هم جنت وحور وهم لقادر ❊ ❊ رحمان اله عرش اسـتوادر ❊

* یوزك بو جهتدن اوله بیضا * * من فضل آلهنا تعالی *
* آدم توکلی حق اولدی بیل کل * * مسجود حقیقة سجده قیل کل *
* فصل استرسن حقیقته وار * * سعی ایله بو ایشه قالمه زنهار *
* انفاس نسیمی کورنه جاندر * * دریای محیط و درکاندر *

ولە ایضا

* ای حق اهلی یقینمش بو خبر * * که بیلن نفسنی در اهل نظر *
* نفسنی کیمکه بیلدی بولدی حق * * نفسنی بیلمینلر اولدی شق *
* ای حق استین کل انسان اول * * قره طاش اولمه لعل ومرجان اول *
* کردیلرسن سعادت ابدی * * طامو بی بیلکه نچون اولدی یدی *
* سکز اولدی قاموسی اوچماغك * * بنه درت اولدی صو بی ارماغك *
* طوبی آغاجنك ندر یمشی * * حق آنی اریراتدی بو قسه دیشی *
* حور غلمان ندن عبارت در * * هومن هو نیه اشارت در *
* کوثر وسلسبیل وماء معین * * مقعد صدقله مقام امین *
* نه دیمکدر بکا بیان ایله * * بو نهان سرینی عیان ایله *
* نه عسلدر نه ما وخمر وابن * * اولکه قرآنده حق دیدی روشن *
* بونلرك اصلی ندندر بیل * * کرنه شیطان سن اولمه اکری دل *
* بونلری بیلمین نه بیلمش اوله * * ادی انوك اوی یقلمش اوله *
* کیمکه بیلدی بو انجه اسراری * * قودی الدن جهان غداری *
* فانی اولدی اوزندن اولدی حق * * بیلدکیم جمله حقمش مطلق *
* عشق ومعشوق وعاشق اولدی یار * * لیس فی الدار غیرنا دیار *
* ای نسیمی سوز کدر آب حیات * * ایچمین آنی قالدی فی الظلمات *
* نه بیلور دکمه جانور جانی * * خضره صور خضره آب حیوانی *

ولە ایضا

کنت کنزك کنزی والله نورك نوریم — روضه نك رضوانی وجنات عدنك حوریم
کاف ونونك مبدئ هم کائناتك منشائی — لامکانك شمسی وبدر وشب دیجوریم
عالم ذات وصفاتم منبع موت وحیات — هم حصار کن فکاهم نم انك محصوریم
سویلین هر ناطقك دلنده بندن اوز که یوق — سقف مرفوعك اساسی بیتنك معموریم
نطقله صوتم ازلدن تا ابد هم قوتم — حاضرم هر پرده هم حاضرلرك محضوریم
نوحله طوفان بنم بن هم نجاتم هم هلاك — هم یمم هم کوهرم هم اول یمك مسجوریم
ناظرم هم بی نظیرم هم بصیرت هم بصر — هم ایکی لکدن منزه وحدتك منظوریم

هم فقیرم هم دلنجی هم ملك هم پادشاه　　هم بنم استاد صنعت هم انوك مزدوریم
شاهدم شمعم شرابم ساقیم هم جام جم　　كوثرم هم سلسبیلم هم میك انكوریم
ظاهرم ظاهرده فاشم مظهرم هم مظهرم　　باطنم هرشیده یعنی باطنك مستوریم
هم بقادار الخلودك نازیم هم نعمتی　　هم فنادار الغرورك داریم منصوریم
هم كلامم هم ملك هم وحی هم روح القدس　　هم حسابك ساعتی هم یوم حشرك صوریم
ابتدا سز جوهرم قائم بنفسی لا بغیر　　هم نعیم خالدم هم نعمتك مشكوریم
هم جمیلم هم جمالم هم ود ودم هم عدد　　كافره موت ومصیبت هم خلیلك سوریم
هم بنم وادئ مقدس هم بنم نار شجر　　هم بنم نور تجلی هم كلیمك طوریم
هم جهانم هم جهانك عینی وماهیتی　　هم خطا وچین ور ومك قیصر وفغفوریم
اوح تورات وزبور انجیل وفرقان هم صحف　　هم كلام ناطقم هم رقنك منشوریم
هم برات وقدر واسرا هم صیام وحج وعید　　هم محرم هم محرم شهرینك عاشوریم
هم اورن هم نفخه یی هم روح آدم هم تراب　　هم قیامت صورله هم محشرك محشوریم
هم سلیمانم هم انوك ملكتی لا ینبغی　　هم سلیمانك قوشی هم خاتمك دستوریم
كاتبم كلكم دواتم ابجدم لوحم هجا　　نقطه یم حرفم بو حرفك سطریم مسطوریم
هم عناصر هم طبایع هم مركب هم بسیط　　جمله نك اصلی وفرعی قادرك مقدوریم
هم ربیعم هم خریفم هم بنم صیف وشتا　　هم قبشك مبرودی اولدم هم یایك محروریم
بغده ام هم آسیابم هم خمیر هم فطیر　　سلسبیلك خمریم خماریم مخموریم
هم سواد اعظمم هم مصر جامع هم محیط　　هم بو بحرك كوهری هم لؤلوی منثوریم
هم بنم مقصود ومقصد هم تمنا هم دلك　　هم بنم هرشیده ذاكر هم انك مذكوریم
هم بنم هادی ونافع هم بنم ضار ومضر　　هم بنم غفران ورحمت هم انك مغفوریم
هم طبیبم هم علیلم هم علاجم هم سقیم　　هم شفانك صحتی هم نعمتك رنجوریم
هم حروفم هم كتابم هم كلامم هم كلیم　　فتحه نك منصوبیم هم كسره نك مجروریم
هم جبل هم كهف هم اصحاب كهفم كلبله　　هم قدم سیمرغیم هم قوشلرك عصفوریم
ای نسیمی سن دكلسن جمله اولدر جمله اول　　او لكیم ایدر بو زمین وآسمانك نوریم

ولە ایضا

آیت انی انا اللهم　　بو نارك نوریم　　هم مناجات وتجلی هم كلیمك طوریم
اولم نون والقلم در آخرم مایسطرون　　سورهٔ والطوریم والطورنك مسطوریم
اصل وفرعم رفع ونصبم جر وجزمم جاودان　　سقف مرفوعم بو بحرك نكته ومسجوریم
مصرم وهم جامعم هم جمعه ام هم آینه　　روح قدسك نفخه سی هم بیتنك معموریم
هم امامم هم هدایت معنسی هم مهدیسی　　هم كتاب ووحی منزل هم رقك منشوریم

هم حضیضم هم عروجم هم قرانم هم بروج
کردش چرخ ومدارم شهرینك مشهوریم

لامکان خورشیدیم هم سعد اکبردر آدم
نحس وکنز وطلعت بدر شب دیجوریم

کافله نون مبدأم در منشأم در کائنات
اوش بوکونك کنت کنزی کنزنك مغروریم

هم مرکب هم بسیط وهم جواهر هم عرض
منفصل هم متصل هم ذاکرك مذکوریم

جنتم هم طوبایم طوبی لهم حسن الماب
شاهدم شاهنشهك هم شاهد ومستوریم

ظاهر وباطن بنم پیداوهم پنهان بنم
مظهرم هم مظهرم هم مظهرك مظهوریم

ساقیم هم ساغرم هم سلسبیل هم سبیل
بنده در هم حور وغلمان هم انك مقصوریم

هم بنم بزم ازل هم بنده درجام الست
هم شراب کوثرم خمارنك مخموریم

هم منادی وندایم هم عفوم هم رؤف
هم قولم هم قوللرك رزاقی وغیوریم

هم بنم میخانه وکنج خرابات ازل
هم شرابم هم انك پیمانه وانکوریم

هم خطاام هم ختن هم نافهٔ تاتارنك
چین وماچین مغلچین هم کوزل فغفوریم

ملك ایران ملك توران ملك هندوملك سند
ملك شامم ملك قیصر رومیم انکوریم

هم بنم بغداده شط هم خلیفه هم زمان
هم اناالحق سویلرم هم داریم منصوریم

قسم نوع لایزال نوع نوع واون اون
قسمیم قسامیم هم شاکرك مشکوریم

روضه نك رضوانیم جنات عدن اولدی ادم
هم ضیاام دخی مقصورات ایچنده حوریم

هم هیولا ام مقدس جمله لذت بنده در
همچو بال وشکر هم نحل وهم زنبوریم

آلت آوزه اون ایکی پرده یکرمی درت شعب
هم رباب وارغنونم جنك ایله طنبوریم

آسمانم هم زمینم هم بلوت وهم بخار
ابر نیسانم یم هم لؤلوی منشوریم

عالم کبری وصغری هم وضیع وهم شریف
عالم هم خالقیم غم خواریم مسروریم

هم بنم بلقیس دوران انس وجن ووحش وطیر
هم سلیمانم هم انك خاتم دستوریم

هم خلیلم هم نجاتم هم حیاتم هم ممات
مقبره ام هم عذابم هم حساب وصوریم

سن دکلسن سویلین حقدر نسیمی سویلدن
اولکیم ایدرهم زمین وآسمانك نوریم

وله ایضا

چون بنی بزم ازلده ایلدی اول یار مست
اول جهندن کورینور بو چشمه دیدار مست

مست درکاهم نه مستم بوشراب جزئیدن
صانعه ای خواجه بنی کیم اولمشم بیکار مست

شویله مستم تاقیامت دخی هشیار اولمزم
چون بنی وحدت میندن ایلدی اول یار مست

رند وقلاشم مقامم کوشهٔ میخانه در
کلمشم قالوا بلادن عاشق وخمار مست

جوش قیلدی عقل کل کلدی وجوده کائنات
کاف ونون امرندن اولدی بو جهان یکبار مست

جن مست وانس مست وجمله بو وحش وطیور
خاك مست وباد مست وآب مست ونار مست

جمله برمیدن اولوبدر بو جهان یکبارکی
عرش وکرسی هردوعالم بو قمر کردار مست

عشق سبحانی میندن واله اولدی شویله بیل
شویله بیل تحت الثرا دن تا ثریا هر نه وار
آدم وحواملائك حور وغلمان وبشر
نوح وداود وسلیمان وزکریا وشعیب
شاه مردان شیر یزدان پیشوای اهل دین
انبیا واولیا واصفیا واتقیا
قاضی مست ومفتی مست وصوفی وصافی مست
خواجهٔ میخانه مست اولدی وهم پیرمغان
کفر وایمان مست وجمله مست عین یکدکر
منکرك انکاری چون کتدی وکلدی دورجام
جرعهٔ جام الهی عاشق مست ایلدی
چون شراب جانفزا کلدی بزه خمخانه دن
چنك ودفهم عودونی سرمست اولوب افغان ایدن
مست اولوب کیر شهر عشقه کورسن آنده عیان
میر مست وخواجه مست وبنده مست ازجام عشق
مست اولوب سویلر انا الحق عشقله عالمده بیل
کوکلمز نور تجلی جسممز در کوه طور
دورمهدی درهدایت ایلدی صاحب زمان
برقعی یوزندن آچدی ذاتی قیلدی عیان
جنت عدنك کلستاننده بلبل دردلك
ای نسیمی سرحقك محرمی سنسن بوکون

عرش مست وفرش مست وکوکب سیار مست
اولدی ای خواجه سراسر ازمی جبار مست
کوثر وطوبی ورضوان جنت ودیدار مست
موسی مست وعیسی مست واحمد مختار مست
کاشف سر ولایت حیدر کرار مست
اولدیلر حق مجلسنده شویله بی هشیار مست
جرعهٔ جام الستدن مؤمن وکفار مست
کعبه وبتخانه مست وخرقه وزنار مست
عاشق ومعشوق وعشق ویار مست اغیار مست
صوفی مست اولدی بو میدن ایلدی اقرار مست
جام مست وباده مست وساقیٔ ابرار مست
اولدی انك قطره سندن بو سر ودستار مست
بو خراباتك ایچنده سویلین کفتار مست
صورت خوبان عالم چارسو بازار مست
راه مست وخانه مست وبو در ودیوار مست
یعنی که منصور عاشق اولوبن بردار مست
جانمز دیداره قارشو اولدی موسی وار مست
وجهنی فضل اتدی یزدان کن بکی اظهار مست
ایلدی کون ومکانی نور له انوار مست
نغمهٔ جانسوزی هردم ایلکل تکرار مست
سویلدك قدرت دیلیلن معنیٔ اسرار مست

* دکله کل بو سوزی که جاندر سوز *
* عالی آسمان مکاندر سوز *
* شش جهتدن منزه اکله وباق *
* شویله کیم خالق جهاندر سوز *
* نازل ومنزل اکله کیم بردر *
* کندو کندویه ترجماندر سوز *
* طول وعرضله عمق بولنمز *
* لون وحدی بیکراندر سوز *
* بو حدیثه نظر قیل ای عاقل *
* اکلیه سن که بی کماندر سوز *
* عرش رحمان دیدی بنی کوکله *
* چونکه کوردی کوکلده جاندر سوز *
* دید یا کاف ها اعوذ بك *
* چون علی یلدی مستعاندر سوز *
* غیر مخلوق در نه دیمك اولور *
* اکله کیم شمدی رایکاندر سوز *

عقل کل عرش و کرسی لوح و قلم ❀ چار عنصر نه آسمان درسوز
ظاهر و باطن اوّل وآخر ❀ آشکارا وهم نهان درسوز
ای عقول ونفوس ایدن اثبات ❀ قو یه سوز دور وهمان درسوز
کاف ونوندن وجوده کلدی جهان ❀ اکر اکارسن عیان درسوز
عیسی پاك آدم واحمد ❀ مهدئ صاحب زمان درسوز
بو بیان دیلرسن اکلیه سن ❀ کیم نیجه سی فلان فلاندرسوز
جاودان نامه یی کتورکل اله ❀ تا بیله سن که نسنه جاندرسوز
سوزه بو عز وجاه یتمزمی ❀ کیدلر فضل غیب دان درسوز
عاقل سن سوزیکی مختصرایت ❀ ای نسیمی چو بیکران درسوز

ابا لطیف زمانه ابا خلاصهٔ ذات
شریعت امرینی مرشد ایدن طریقته کیر
حقیقت اهلی اولورسن کورینه هرنه که وار
بو کون درش اوزکیچون ابو عمل ایده کور
سنی دری طوتی سن بیلورسن ای عزیز
بو کون دار فنا برنفسدر بیلوکز
رسول سید کونین که مؤمن آینه‌در
فنا وفاتله نفسك بواوج برکجه‌در
بقا الندن ایرشدك فناده علم اوقدك
انی که علم بیلوب بیلدکسه کندوزیکی
حذر قیل اکله سنی سن اوزیکی بیلمکیچون
دیلرمسن که یقین ال و یره تجلیلر
چنانکه قتل ایده سن نفسکی اوده آنه سن
درش بو معرفتك خرقه سینه جمع اوله کور
کتودی ذاتی طوغدی اول بوجه عالمدن
ای نیجه تشنه دله سوزلرمدن ایره زلال
دلمدن ایرو قلمدن دوکلدی کاغده در
بو کون نسیمی سوزینك ملاحتینه ایرن
بو قطره بحر حقیقت سوزینی درج ایده لم
بو معرفت سوزنك سرینی بیان ایده لم

ایشت بو سوزمی تا کیم بیله سن انده نجات
کیم اول طریقتله سن ایچه سن آب حیات
دمنده معرفتکده بولنه جوق حسنات
یارین که معرکه لرده بهشت اوله عرصات
که هر نفسده بولاسن بونجه قدر و برات
بو برنفسده قیلك صدهزار صوم وصلات
بو مؤمن آینه سنده کورندی جمله صفات
بقا حیاتله کوندر بو عقله مرأت
بو علمله سن بولدکسه عمر یکه برکات
ایلت شو دفترکی تیز بازارده برپوله صات
صاقن که جنتچون اولمیه یرك درکات
کوزك ایرده اوزکندن بو نفسکی اوده آت
ایرشه آیت انظر دونه حیاته ممات
طاغلمه درت یکا عاشق که قنده سن هیهات
یتردی نور تجلی سیرلدی چون ظلمات
بریه ایچره قیلنجه ایچه کور آب حیات
دزلدی جمله لطایف جواهر اولدی ثبات
هزار سجده قیلور صدهزار قند و نبات
که بر طریقته بیك درلو کوستزر حرکات
ابا لطیف زمانه ابا خلاصهٔ ذات

بومعرفت بوطریقت حقیقت اولدی تمام   شریعت امر یچون ویر محمده صلوات

وله ایضا

چشمهٔ حیوان بنم بنده درآب حیات   طور نیجه بریانه سن فی ظلمات الممات
جنت وحوری بنم کوثر وطوبی بنم   ناری ونوری بنم هم صوسزم هم فرات
چرخ معلق بنم فاعل مطلق بنم   حقله یم حق بنم آیتله بینات
باغله بستان بنم تازه گلستان بنم   کافره طوفان بنم مؤمنه نوح ونجات
قبله وایمان بنم صورت رحمان بنم   لوحله قرآن بنم هم اروجم هم صلات
حجت وبرهان بنم موسیٔ عمران بنم   یوسف کنعان بنم مصرله قند ونبات
هم یترن هم یتن هم بترن هم بتن   جمله بنم جمله بن فقرله هم کائنات
کنج نهان اوش بنم کون مکان اوش بنم   جمله ده جان اوش بنم واجبله ممکنات
شمعله پروانه یم بحرله دردانه یم   مسجدو میخانه یم معبدله صومنات
عرش منقش بنم چارله نه شش بنم   هم حسنات ایشلرم هم قیلورم سیأت
بایله یوخسول بنم یولجی ایله یول بنم   کیمکه بومنصوبه‌اویتادی اولدی مات
ملکله مالك بنم محی وهالك بنم   مرشد سالك بنم عابدا صنام ولات
قافله عنقا بنم آبله سقا بنم   جمله ده حقا بنم اوشته طنق شش جهات
حشرله محشر بنم صاحب کوثر بنم   هم کزرم دربدر کاهل زکاتم زکات
احسن تقویمه چون قیلدی شیطان سجود   اویمه اکا سجده قیل لعنت آنی ناره ات
کیمکه دلارامله عمرینی صرف ایلدی   هر کونی عید اولدی وهر کیجه قدر وبرات
مؤمنه مومن درر کوزکی ارت کوز کوکی   تا کوره سن سن سنی ذات اوله سن هم صفات
نفسنی هر کیمسه کیم طانیدی شبهه سز   عارف رب اولدی یتمدی اول بی ثبات
کندو وجودنده چون کوردی نسیمی سنی   طاندی کیم کندودر مظهر انوار ذات

وله ایضا

یا رسول فخر عالم سید ذات وصفات   بحر ذاتك کوهری سن هم صفاتك بحر ذات
قوت ذات ازل دائم سنکله مستقیم   حکمت دارابد قایم سکا در محکمات
مظهر سر حقایق مطلع نور ازل   مظهر کاند قاپق منبع هر معجزات
احمد ومحمود وقاسم شاه سلطان رسل   کنت کنزك معدنی هم کشف حل المشکلات
وصفکی والنجم والشمس وتبارك سویلدی   شانکه طه ویس کلدی حقدن بینات
صورت انوارکك هر ذره سی شمس وقمر   طرهٔ عنبرفشانك لیلة القدر وبرات
عز واقبالکدن اوتری اولدی ترکیب جهان   یر وکوك انس وملائك اصل وفرع کائنات
کوهر دریای عشقك قطره سندندر یقین   اسم ورسم وفوق وتحت درت طبایع شش جهات

ای مظهر کلدك دم کیم وجوده آنه دن
کافرك دیری یقلدی دتره‌دی لات ومنات

علمله حلم وحیا وتوبه وزهد وورع
خلقه فضلکدن ایرشدی روزه وحج وزکات

هرکه ایمانی یقین ایتدی سکا ای پاك دین
لایزال اولدی همیشه جاودان اندر حیات

مؤمن صادق موحد جان فشان اولدی سکا
کرچه مشرك شبهه دن پاك اولمدی اول بی ثبات

یاشفیع المذنبین رحم ایت نسیمی یه بوکون
حاصلم ایکی جهانده سنسن ای پاکیزه ذات

﴿ وله ایضا ﴾

ای صاچك ظل آلهی وی رخك الله نور
روضه‌نك سروی بویکدر عندها جنات وحور

ای صفاتك قل هو الله وی جمالك فاتحه
ایشته فرقان ایشته تورات ایشته انجیل وزبور

استواسی در صاچك انا هدیناه السبیل
جنت انکدر که قیلدی شول صراطا وزره عبور

اون سکز بیك عالمك آیینه‌سیدر صورتك
کیمکه شول مرآتی بولدی اولدیمن اهل السرور

آدمك وجهی در اللهك کتابی اوش کتاب
ای کلام اللهی منکر خف من الله الغیور

کنت کنزك پرده‌سندن غافر الذنب اولدی فاش
زاهد استغفاره کلدی هردم ایدر یاغفور

عالم الغیبك وجودی کائناتك عینی در
ای شهادتدن خبرسز جانئا یوم النشور

قهر ولطفك علی معنیده واحد در ولی
بیلدی شیطان بو توحیدی احدن دوشدی دور

عین وشین وقافه باق انك جمالین آنده کور
قیل تبارك یا مصور لیس فیها من فطور

قوپدی حسنکدن قیامت ای حسابك یا کلان
اویخودن درکیم ایرشدی وعده من فی القبور

فاعل مطلقدن آیرو نسنه یوقدر آره‌ده
کرسن ادراك ایلمزسن بیلکه سندندر قصور

مؤمنك قلبی در ای صاحب دل اللهك اوی
لیس مقبول صلاة العبد الا بالحضور

روح قدسیدر نسیمی نك حقیقت سوزلری
کر مسیحانك در ایسن یاتمه کیم چالندی صور

هرکه ایوبك بلاسن سود کندن چکمدی
کیمه‌دی محبوب الندن خلعت عبد شکور

﴿ وله ایضا ﴾

مرحبا ای بحر ذاتك کوهر ذات خدا
معدن فضل وجودك یارسول کبریا

عالمك جسمی وجانی سندن اوتروا اولدی کور
سید کونین عالم یا محمد مصطفی

صورتك طه ویس زلف عنبر سایه کز
فارتقب مافی السموات ای دخانك قل کفی

کنت کنزك معنیسی سندن آچلدی عالمه
ای بیانك علم ایچنده هم دلیل ورهنما

قاشلرك انا فتحنا ای صفاتك قافس
ای بویك همچو تبارك کلدی سدرة المنتهی

احسن تقویمی سنسن ای ولایت مسکنی
هل اتی شانیکه کلدی یا علی المرتضی

فاطمه معصوم اولاو بدرهم خدیجه محرمی
معدن خیر النسا ومنبع فخر النسا

کل بو وحدت بحری ایچره طاله وکور کیم ندر
عشق الندن آغو ایچدی اول حسن خلق رضا

کافرك نفسی الندن اوترو کل کورای کوکل
کرشهید اولمق دیلرسن چون حسین کربلا

آدم آل عبا در شمس زین العابدین
شول محمد باقری کور محرم ذو لکبر یا
اول وآخر اولر در ظاهر و باطن اولر
جعفر صادق چو کاظم هم علی موسی رضا
خسرو هر دو مکاندر چون تقی و بانقی
مجتبا در مقتدا در مقتدا در مجتبا
عسکری درشاه کونین منبع جود و کرم
حجة القائم محمد مهدی اول کان وفا
دردمند اولدی وجودم مستمندم سنسزن
کیمکه سکا ناظر اوله اول اولور عین صفا
چون نسیمی محشرك حشرندن ایچدی کوثری
سر کهف اولدی قلوبی وحدت قلب لقا

ولە ایضا

ای منادی ای مدلل ای ندای طاوها
ای که یتمش یدی حرفك استواسی کاف ها
صاچنك وصفی درر اناهدیناه السبیل
والسموات العلی الرحمن علی العرش استوی
رق منشورك کبی چون جمالکدر سنك
صورت اسما اوقودم سو خط خدا
کر پکك قاشکله زلفکدر بکا ام الکتاب
کیم قبول آنسز صلاة اولمایه دیدی مصطفی
ثابت اولدی جمله اشیاده کورآچیق بصر
کیم احاطه قیلدیغك چندان دیمشدر بارها
نفخهٔ عیسی درر شیرین لبك روح الامین
جاودان احیا قیلور جانلر باغشلر بی ریا
حور عینك صورتی فی هذه جنات عدن
اولدی بو کون حسنکه آیینهٔ کیتی نما
عرض قیلدی قامتك یارب صراط مستقیم
اول وآخر صفاتکدر دلیل و رهنما
یوم دین اولدی که عاشقلر بودینه کلدلر
سجده ایچون هم جمالکده نسیمی بولدی جا

ولە ایضا

✻ جام صفایی بزه صون ساقیا ✻
✻ کیم صوصامش اول میه اهل صفا ✻
✻ شول می کیم کونش انك جامیدر ✻
✻ شول که بیورمش وسقاهم خدا ✻
✻ شول کیم انك شاننه اولدی نزول ✻
✻ جام علی العرش می استوا ✻
✻ عرشله مایی ایله ایچره مدام ✻
✻ هستی و پندار دن اولدی جدا ✻
✻ کیمکه بو میخانه یه بصدی قدم ✻
✻ بی سر و پا اولدی و نه سرنه پا ✻
✻ شاهد غیبی ایله اولدی خریف ✻
✻ تا ابد اولدی ایکی لکدن جدا ✻
✻ حور یله جنتده مقام ایلدی ✻
✻ عمر ابد کوردی و بولدی لقا ✻
✻ خضر کبی ایچدی حیات آبنی ✻
✻ جان وتنی جمله سی اولدی بقا ✻
✻ ای چن روضه بیوك سدره سی ✻
✻ حسن وملاحتده رخك منتها ✻
✻ مسکن ارواح صاچکدر صاچك ✻
✻ لعل لبك جانلره دار الشفا ✻
✻ زلفکی واللیل اوقرم هر کیجه ✻
✻ یوزیکی هر ارته ده شمس الضحی ✻
✻ کوربو نسیمی نفسی کیم نیجه ✻
✻ بوی مسیحا کبی درجان فزا ✻

نظم نسیمی که دررد رآدی / کورنه کهر صانر واولمزبها

وله ایضا

ای صاحبك والليل اذا يغشى يوزكدر والضحى / یاوسین شانکده منزل هم جمالك طاوها
قاب قوسین ایکی قاشك یا بی اوادنا ایله / هم الم نشرح لك صدر بیورمش حق سکا
فضل رب العالمینك برگزیده مظهری / عالم علم الهی کاشف قل انما
خلقت افلاك که سنسن واسطه نوراله / هم سنك شانکده منزل اولدی لولاك لما
سنسن اول نوری که آدم بین وماطینکن / اول زمان انبا قیلوردك جمله یه سنسن بنا
لا نبی بعدی بیوردی یعنی ختم اولدی کلام / صدق ای سید که سنسن ختم جمله انبیا
استوا خطینی ایتدك ظاهر انشق القمر / چون سکا کلدی والرحمن علی العرش استوی
هم رایت ربی دیدوك لیلة المعراجده / سنسن اول فی صورت احسن که ویردی حق لقا
رحمة للعالمین سن سید کونین هم / شمع رخسارکدن اولدی کن فکان غرق ضیا
ای حبیب الله که اسمك یازلو بدر عرشده / احمد ومحمود ابو القاسم محمد مصطفی
سنسن اول ذات مطهر ای مبارك ماء طین / قل کفی کلمش سنك حقکده بالله قل کفی
اول ولایت کانی وسلطان دین شاه نجف / تاجدار انبیا وسروران اولیا
احمدا شولکیم دیدی بن شهر علم قاپوسی / اول علی مرتضادر اول علی مرتضی
فاطمه نفسك سنك اولمش خدیجه محرمك / بو بری خیر النسادر بو بری فخر النسا
شبر وشبیر یعنی شه حسین وشه حسن / اول ایکی درین بحر ذات بی همتا خدا
اول سعیدین وشهیدین اول ایکی شهزادهلر / اختیار عالمین ومقبلین کبریا
اول شه حسن حسن بو شاه خلقی چون حسین / اول قتیل زهر عشق وبو شهید کربلا
اول وجودین مظهر مظهرین حسن والطف / سرفراز این سرا وسروران آن سرا
مفخر عالم وآدم شاه زین العابدین / هم محمد باقر اول سلطان دین بدر دجی
جعفر صادق کیم اولادر پیشوای اهل دین / هم امام هشتمین درشه علی موسی رضا
کاظم اول علم الهینك سکان ومعدنی / اول امین سر اسما شاه دریای عطا
اول تقی بانقی در مصطفانك النه / مظهر الطاف رحمت معدن جود وسخا
شاه نقی کیم نور چشم متقیلر دریقین / اول امام عارفین در شاه سلطان تقا
شاه سالار جهاندر عسکری هم جمله یه / ابن هادی پیشوادر پیشوادر پیشوا
مهدیء صاحب زماندر هادیء انس وملك / قاتل کفار اولدی صاحب سنجاق لوا
جان ودلدن مصطفی ومرتضی مداحیم / هم بو اون ایکی امامه سویلرم مدح وثنا
کوری شمر ویزید وکوریء مروان خر / مصطفانك حضرتینه بن قیلورم التجا
خاندان مصطفایی سومین ملعونه اوش / اوقودم بی حد انك جانینه لعنت دائما
ای نسیمی حشر ونشرك جامعی سن جامعی / انبیانك سری سنسن زولیا وانبیا

وله

وله ايضا

حق بيلن بيلور بو كون عشق حديث پر بلا — نحو يله صرفنى نه بيلور اولدى شهيد كربلا
منطقله معانئ چوق اوقومه بو كون ينه — كلدى كتور بى كمان مدحت عشق هل اتى
راحت روح وجانمز يوقسه يرى بو نقطه ده — كيم دون وكون اوقور بو جان سورهٔ لوح ربنا
قيلدى نظر بو جانمه اول شه لايزال حى — حى قديم كن فكان كوركه ندر بو كون سكا
اول ازلى حبيبى كورلم يزلى طبيبى كور — قيل جانكى فدا اكا كوز بو صفات باصفا
شير وشرابى اول وير رجانكه برنكاهله — شير وشرابى ايچه كورديمه كه آغودر بكا
شهد يسه دشمنك الى آلمه صونارسه اول بالى — ايچمه النده شهدى سن اوى كه خطادرر خطا
محنت عشق يارله كرچه كه چكسه جان بو كون — كونى بودر بچر مكل سن دون كونى پر بلا
چكدى غمك نسيمى بى صورتيله معانى يه — جانيله كوشش ايلدى بولدى بو عشقده صفا

وله ايضا

مرحبا خوش كلدك اى روح وروانم مرحبا — اى شكرلب يار شيرين لامكانم مرحبا
چون لبك جام جم اولدى نفخهٔ روح القدس — اى جميلم اى جمالم بحر وكانم مرحبا
كوكلمه هيچ سندن اوز كه نسنه لايق كورمدم — صورتم عقلم عقولم جسم وجانم مرحبا
اى ملك صورتلو دلبر جان فدادر يولكه — چون ديدى لحمك لحمى قانه قانم مرحبا
كلدى يارم نازيله صوردى نسيمى نيجه سن — مرحبا خوش كلدك اى روح روانم مرحبا

وله ايضا

اى يوزك نصر من الله اى صاچك فتح قريب — اى بشر صورتلو رحمن اى ملك سيما حبيب
والهم حسنكه اى شيرين لبكدن منفعل — جنتك باغنده ريحان سنبلك چيننده طيب
زلف ورخساركدر الرحمن على العرش استوى — كعبه نك محرابى قاشك فتنه لو عينك خطيب
عنبرافشان سنبلك اسرارى اولدى آشكار — كلدى روح الله ومنسوخ اولدى زنار وصليب
صورتك لوحنده ايندردى كتابى جبرئيل — اى جمالك حق كلامى انه شئ عجيب
عاشقك اسرارينى حق بيلن عارف بيلور — آشنا حالن نه بيلسون نفسنى بيلمز غريب
كيمكه سوداسندن اولديصير وشهلا كوزلرك — شربت شيرين لبكدر عيسوى نطقك طبيب
خوبلرك عشقندن اى زاهد بنى منع ايلمه — چونبكا عشق ايلديقسمت كونده حق نصيب
اى اديب اوى ويرمه ادابكدن اهل وحدته — ابسم اول نيچون عشق ادابنى بيلمز اديب
جنت عدنك كلستانى رخكدر شكد كل — اى كلستانكده روح الله رضوان عندليب
اى نسيمى چون رقيبك يار ايمش يعنى اله — لطفله قهر اولديو احدهم حبيب اولديرقيب

وله ايضا

شول تمام آيك يوزند نچونكه رفع اولدى حجاب
ظلمتك دورانى كچدى ظاهر اولدى آفتاب

لبـلرك جام ميندن جمله اشيـا اسرمش
طيبب اى پاكيزه ساقى بارك الله اى شراب

اى بكا غك حسرتندن جنتك قلبنده نار
واى دوداغك شربتندن كوثرك عيننده آب

اى يوزك حمرا كلندن لاله نك جامنده مى
وى كوزك سودا ميندن نركسك باشنده خواب

حق تعالانك كلامى صورتك تفسيردر
اى يوزك انافتحنا حقدن آچيلدى بو باب

كر يكك قاشكله زلفك حق كتابى درولى
اول كتابى كيم بيلور من عنده علم الكتاب

صورتك لوحنـده يازلمش كتابى بيلين
بيلدى صوم وصلاتى صاغشن يوم الحساب

آب حيواندر دوداغك روح قدسيدر دمك
صورتك حقدر يوزك والله اعلم بالصواب

قاضى الحاجاتمش لعلك مكر كيم عاشـقه
هرنه كيم قيلدى تمنى استجب كلدى جواب

دلبرك عشقنده اى سالك ايكيلك پرده در
بنلكك رفع اولميجه آره دن كتمز حجـاب

اى نسيمى سجده قيل شول ماهه كيم حقدن سكا
واعبدوا اياه واسجد واقترب كلدى خطاب

وله ايضا

* عجب لعلكمى شول ياجان احباب *
* عجب زلفكمى يا زنجير پرتاب *

* كوزمدن آقان اى دلبر غمكدن *
* عجب خونابه مى يا اشك عناب *

* عجب قدكمى شول يا سرو بستان *
* عجب خدكمى شول يا ورد سيراب *

* عجب يوزكمى شول يا سحر بابل *
* عجب ديشكمى شول يا لؤلوى ناب *

* عجب يوزكمى شول يا خرمن كل *
* عجب قاشكمى شول يا طاق محراب *

* عجب شول مست سوداى مغلچين *
* بنم بختم مدر يا چشم پرخواب *

* نسيمى نك كوزى يارك غمندن *
* درك درجى مدر يا بحر سيماب *

وله ايضا

كرچك حديثمش بو كه خوبك وفاسى يوق
كيم سود بخوبى كيم ديدى خوبك جفاسى يوق

عشقك بلاسى يوق ديو بن عشقه دشمه كيم
كيم عاشق اولديو ديدى عشقك بلاسى يوق

انك كه حج اكبرى اى جان سن اولمدك
بيت الحرامه وارمش انك صفاسى يوق

شيطانتك اولكه صورتكه قيلدى سجود
برانجه درده دوشدى كه مركز دواسى يوق

عينك خطاسز اى بت چين دوكدى قانمى
ترك خطا در اصلنه وارر خطاسى يوق

فانى جهانه باقه بچر عمرى حومه كيم
عمرك زوالى وار وجهانك بقاسى يوق

يارب نه شمعمش بو ماهك يوزى كيم انك
يوزى قتنده شمس ضحانك ضياسى يوق

كل كل كه قامو صوم وصلاتك قضاسى وار
سنسز كچن زمان حياتك قضاسى يوق

بيماره جان ويرسنك اى جان لبك ولى
منكر صانور كيم اول شفتينك شفاسى يوق

يارك كلور همشـه جفاسى نسيمى يه
سن صانمه كيم نسيمى يه يارك عطاسى يوق

جهان یوزك كونشندن منور اولمشدر ‌ ‌ ‌ صباصاچك قوقسندن معطر اولمشدر
لبك قنده اوتاندم كه ایدم آب حیات ‌ ‌ ‌ شكر سوزك نه دیه‌م چون مكرر اولمشدر
دعائله نه دیله‌یم سنك ایچون چونكیم ‌ ‌ ‌ ایكی جهان سكا حقدن میسر اولمشدر
كیمك كه كوكلی دیله‌دی اباغكی اوپمك ‌ ‌ ‌ باشنی اویغق اكا مقرر اولمشدر
نصیبی نیجه سعیله ارترم چونكیم ‌ ‌ ‌ ازلده نحن قسمنا مقدر اولمشدر
سحر یلی اسیجك سنبلك دیارندن ‌ ‌ ‌ مشام اهل محبت معطر اولمشدر
نسیمی ای شه خوبان جمالكی كوره‌لی ‌ ‌ ‌ كوزنده صورت رحمن مصور اولمشدر

وله ایضا

لعل نابك چشمه سنده آب حیوان كزلیدر ‌ ‌ ‌ درج یاقوتكده‌ای جان درومرجان كزلیدر
لبلرك شیرین دهانك اول اكرچه سوزله ‌ ‌ ‌ آچار اسرارین ولیكن سر پنهان كزلیدر
جانمك جانی غمكدر شول سببدن ای نكار ‌ ‌ ‌ شاد اولور جانم كه جانده دائم اول جان كزلیدر
شول خدنك غمزه‌نی كیم جانمه اوردی كوزك ‌ ‌ ‌ قان كیدر یوركدن اما زخم پنهان كزلیدر
عنبرین زلفكده یوزك كزلنورسه نه عجب ‌ ‌ ‌ شب نقابنده همیشه ماه تابان كزلیدر
ای طبیب عامه ال چك چاره قیلمقدن بكا ‌ ‌ ‌ عاشقك جاننده دائم درد جانان كزلیدر
قانع اولدی دردله سندن نسیمی ای نكار ‌ ‌ ‌ شول سببدن كیم سنك دردكده درمان كزلیدر

وله ایضا

دلبرا زلفك شبنده ماه تابان كزلیدر ‌ ‌ ‌ عنبرین زلفكده دائم عنبر افشان كزلیدر
صورتیكك صفحه سنده یازلیدر انا فتح ‌ ‌ ‌ حرف حرف انك یوزنده ختم قرآن كزلیدر
لبلركدن دائما آقار حیات جاودان ‌ ‌ ‌ شول سببدن دلبرك آننده حیوان كزلیدر
طغردی غمزك خدنكی بغرمی قان ایلدی ‌ ‌ ‌ اول سهاملك غمزه سنده زخم پیكان كزلیدر
كوز كوردر كورمدی یوزكده ایمان نورینی ‌ ‌ ‌ كل یكاغك چهره سنده نور ایمان كزلیدر
دردمك چونكیم دواسن بیلدیصوردم طبیب ‌ ‌ ‌ شول سببدن كیم سنك دردكده درمان كزلیدر
عهدو پیمان استدی سندن نسیمی ای نكار ‌ ‌ ‌ عهد پیماننده انك عهد و پیمان كزلیدر

وله ایضا

شیرین حدیثك هر سوزی بك كوهر یكدانه‌در ‌ ‌ ‌ انوارنه شمع رخك آیله كون پروانه‌در
یوزكدر اول تابان قمر انوار تابندن انك ‌ ‌ ‌ خورشید وماهك شعله سی دائم توتشمش یانه‌در
دورنده عینك ساغری صاحب طریقت سالكك ‌ ‌ ‌ پیرمغان اولدی آدی سر حلقهٔ میخانه‌در
تسبیحله سجاده‌یی الدن براق ای مدعی ‌ ‌ ‌ شول زلف وخاله باق انك كور كیم نه دام دانه‌در
عاشقلرك جانانه‌سی حقدر حقا ویر جانكی ‌ ‌ ‌ نیچون كه بی جان قالبسر اولجان كه بی جانانه‌در

عشقك حديثن كل ايشت افسانه‌يه الدنمه كيم | قرآن صنان واعظك نقلى اوزن افسانه‌در
دوشمز خمارك رنجنه وحدت ميندن تا ابد | شولمست حق كيم ساقسى اول نركس مستانه‌در
شيرين لبى در دلبرك وحدت ميك پيمانه‌سى | اى زاهد اول پيمانه‌دن مست اولكه خوش پيمانه‌در
شول صورت رحمانه اول ساجد كه مردود اولمدى | اول اهل حق كيم سجده‌سى شول صورت رحمانه‌در
عارف بيلن دربنى كل ربكى كور عارف اول | شيطان كى حقدن بو كون محجوب اولان بيكانه‌در
مشكين صاچين زنجيرينه دوشدى نسيمى اى سكا | زنجير زلفك قيدينه صيد اولميان بيكانه‌در

ولە ايضا

شمع فلك حسنكه پروانه در | جان وجهان وصلكه شكرانه‌در
چكدى صاچين كوكلى زنجيرينه | شول دلى بى كوركه نه ديوانه‌در
كيمكه جمالك صفاتن سويلمز | سويلديكى قصه وافسانه در
نركس مستك اوله‌لى مى فروش | كوشه نشينك يرى ميخانه در
لعل لبك روح مصفا سنه | روح مقدس كيجى پيمانه در
طره‌لرك فكرينه دوشدى كوكل | فكرينى كوركيم نه پريشانه در
باطنى معمور اولانك باطينى | عشق رخك كنجنه ويرانه‌در
اى لب ودندانكه اولمش طفيل | قنده كه برلعلله در دانه‌در
شمعه ويرن رازينى پروانه‌نك | چاره سى نيمقدر انك يانه در
دامه نبى چكدى صاچك حالله | خالنى كوركيم نه بلا دانه در
عشقه نسيمى ويره‌لى جاتى | حق بيلور آنى كه نه جانانه‌در

وله ايضا

شمع اولدى كوكلم ايشته فراقكده يانه‌در | هر كيم بورسمه عشقه دوشه ايشى يانه‌در
عشقكده هر اوقى كه فلكدن آتر قضا | اوماجم اول خدنكه و كوكلم نشانه در
شيرين حديث وطاتلو كلامندن اوز كه‌سوز | عاشقلرك قولاغنه كيرمز فسانه در
مشكين صاچكه غاليه‌دن وضع اولان بكك | اول دام ايچنده بن بيلورم كيم نه‌دانه در
اى صورتك جمال وملاحتده بى نظير | كل كل كه حسن ايچنده جمالك يكانه در
اول يار ايچون ازلده قول اولدم بهانه‌سز | كيمدر بهانه سز قولى صتان بهانه‌در
اى مسجده عبادت اويدردين فضول | ميخانهٔ هم آره كوركيم نه خانه در
اى عمرينى مراد ايله صرف ايتمك استين | ويردلبرك وصالنه كيم جاودانه در
معدنسز التون اولمزدكانسز دكل كهر | اى كوهر يكانه رجوعك نه كانه در
يارك وصالك استه بوكون قويمه يارنه | يارك وصالى يارنه قالمق كمانه در
زلفكده مسكن ايلدى جانى نسيمى نك | جانك همیشه مسكنى اول آشيانه در

ولە

وله ايضا

فرقتك اوردی بنی اوش جكرم يانه دورر   كلمدی جانمه وصلك مددی يانه دورر
آقيدن ياشمی ديشك عددی انجوسيدر   باقی انك دقتنه كوركه نه دردانه دورر
طولودرخون جكردن كوزمك پاديه سی   كل بنی مست ايدن كوركه نه پيمانه دورر
كيمكه حسنك صفتن سويلر انك سوزينی   صايمزم هيچ كه بی فائده افسانه دورر
اتمزم يوزيكی بدر آينه نسبت نيچون   كه يوزك شمعنه كون آيله پروانه دورر
ای لخسان سنبلنك سلسله سندن غافل   كيمكه اول سلسله يه دوشمدی ديوانه دورر
بنی آشفته دين حالنی كور حالمه صور   زلفی دامنده بنی صيد ايدن اول دانه دورر
ای انا الحق دن ايراغ اولدی نسيمی يه دين   يان بو حسرتده كيم اول دارنه مردانه دورر

وله ايضا

ای يوزك سبع المثانی نزل الفرقان بودر   وحی مطلق حق كلامی فی والقران بودر
شول حيات آبی كه بولدی خضر آنی ظلمتده او   بولمشم لعلكده يعنی چشمهٔ حيوان بودر
ای ارم كلزاری يوزك وی دوداغك سلسبيل   عاشقك رضوانی سنسن روضهٔ رضوان بودر
سويلمك وقتنده شيرين ايلركدن جان يقار   آفرين اول جانه ای جان آفرين برهان بودر
زرق وتزويرك زمانی كچدی ای زاهد اويان   عشقه طاعت قيل كه اولدر يحكم انك فرمان بودر
ای قيلن توحيد وايمان كفر وشركك آدينی   كل بو زيبا صورته قيل سجده كيم ايمان بودر
احسن تقويمی انكار ايلر ايمان سز فقيه   شول عزازيلك كه ادن حق ددی شيطان بودر
كرديسم حق سن نكارا غصه دن ابليس اريرر   ورديسم انسان بو صغمز عقله كيم انسان بودر
كوزلرك الله نورك آيتن تفسير ايدر   ای بو معنيدن خبرسز صورت رحمن بودر
دلبرك يولنده قربان اول فدا قيل جانكی   ای بقاسز جان عاشق جاودانی جان بودر
عاشقك باشله اويبز شول نكارك زلفی اوش   عاشق اول ميدانه كير كيم طوپله چوكان بودر
عشقه چون درمان بلنمز كچ امكدن ای حكيم   كل بلنمز نسنه دن كچ اپسم اول درمان بودر
ای دين خندان آغزلو يتمش اون كونلك كله   كل بو رخسارك كلن كور كيم كل خندان بودر
كل نسيمی نك النـدن بادهٔ نوش ايله كيم   لايزالی عشرت اولدر غصه سز دوران بودر

وله ايضا

ای يوزك نور تجلی معنیٔ ايمـان بودر   هر كيم اقرار ايلمز انسان دكل حيوان بودر
صنع بيچون ايلدی ظاهر يوزك يوز آفرين   بو قدر انك سر پيدا نكتهٔ پنهـان بودر
كورمشم زيبا يوزيكی صورت رحمن درر   صور مشم لعل لبيكی دردمه درمان بودر
ليلة المعراج زلفك قاب قوسين در قاشك   هر كشيكيم اولدی منكر لايق قربان بودر
صورتك لوحنده يازمش نقش بند كاف نون   آيت الله نورك حجت وبرهـان بودر

صورتك وجهيني بولدي بيلدي عارف سرني | بيلمدي غافل بو سري جاهل ونادان بودر
سويلدي ظاهر نسيمي شعريني ويردم جواب | روح قدس تحسين قيلدي ديدي كيم سلمان بودر

وله ايضا

دائم انا الحق سويلرم حقدن چو منصور اولمشم | كيمدر بني بردار ايدن بو شهره مشهور اولمشم
قبله سيم صادقلرك معشوقيم عاشقلرك | منصوريم لايقلرك چون بيت معمور اولمشم
موسى بنم كيم حقله دائم مناجات ايلرم | كوكلم تجلى طوريدر انك ايچون طور اولمشم
ايردم قاشك معراجنه كيم قاب قوسين اولدرر | وصلت شبنده كور بني سرتاقدم نور اولمشم
بزم ازلده ايچمشم وحدت ميينك جرعه سن | شو جرعه دن كيم تا ابد سرمست ومخمور اولمشم
اى مهر يوزك والضحى والليل ايمش صاچكقرا | لعلك بكا دار الشفا اولدر كه رنجور اولمشم
هر يا كه كيم دونر يوزم يارى كور رانده كوزم | چون بو غمكدن غم يدم شادان ومسرور اولمشم
اول شاهد غيبي بنم كيم كائناتك عينيم | اول نطق ربانى بنم كيم دلده مذكور اولمشم
چون اون سكز بيك عالمه اولدى وجودم آينه | اول صورت رحمن بنم كيم خلقه مستور اولمشم
اول كزلو كنجك سريم كيم ظاهر اولدى عالمه | اول كوهرم كيم كن كبى عالمده مشهور اولمشم
چون بن نسيمى كوهرم كنجم سزه فاش ايلدم | بن برداو ديوانه يم كور كيم نه معمور اولمشم

وله ايضا

نكارم دلبرم يارم نديمم مونسم جانم | رفيقم همدمم عمرم روانم درده درمانم
شهم ماهم دلارامم حياتم دراكيم روحم | پناهم مقصدم ميلم مدارم فكرتم جانم
قمر چهره پرى روىم ظريفم شوخم وشنكيم | سمن بويم كل اندامم زهى سرو كلستانم
لطيفم نازكم خوبم حبيبم طرفه محبوبم | حجازم كعبه وطورم بهشتم حور ورضوانم
كلم ريحانم اشجارم عبيرم عنبرم عودم | درم مرواردم كانم عقيقم لعل ومرجانم
دافروزم وفادارم جكرسوزم جفاكارم | خداوندم جهاندارم اميرم شاه وسلطانم
چراغم شمعم ونورم ضيا ام يلدزم شمسم | هزارم بلبلم كولم نسيمئ خوش الحانم

وله ايضا

نطق الله بنم كه ذاتله ام | وحده لاشريك صفاتله ام
واحدم جمله سير اشياده | كن فكان سير كائناتله ام
اولمزم بن اولاسى خود دكلم | ازلى دن بر و نجاتله ام
اوقويك حى لايموت بنى | كه ممات اولمزم حياتله ام
بيست وهشتم بو درت طبعيله | كيمسه بيلمز كه نه نباتله ام
وحى منزل دوشبد رم پرده | معجزم بونده معجزاتله ام
فاعل مطلقم حقم حقيله | آيتم كل بيناتله ام

کوهر لامکان بنم بنم اوش	قدره ایردم بو کون برانله ام
نسیمی ام بو کون بیلنلره بن	بیلینلره مشکلا تله ام

 وله ایضا

کلمشم حقدن اناالحق کورنه منصور اولمشم
روح قدسك نطقیم سرتاقدم نور اولمشم
لوح محفوظی بنم روح الامینك همدمی
حشر ایچون میزان واسرافیل وهم صور اولمشم
تا وجودم وحدتی کثرتده اثبات ایلیم
موسی یم آنست نارا نوریله طور اولمشم
کرچه غائبدر وجودك هر نظردن دائما
کورنه ناظر کورنه منظر کورنه منظور اولمشم
لامکانك کنجیم کرچه یرم ویرانه‌در
ایلرم معمور آنی کور کیم نه معمور اولمشم
صورت ومعنی بنم هم اسمله هم جسم وجان
کورنیجه معنی ایلن صورتده مستور اولمشم
شهرت آفتدر اوصاندم شهرتندن عالمك
کرچه هم اعلاده واسفلده مشهور اولمشم
بولمشم چون کشور فضلك یدی اقلیمنی
کیقباد وقیصر وجمشید وفغفور اولمشم
طالبمز ماء طهورا هر طهارتسز فقیه
بن سحابندن بو آب روضه مقطور اولمشم
آتش مهر رخك جانمده تأثیر ایلدی
بن بو اوددن یانرم یعنی که محرور اولمشم
مصر جامعدر وجودم آنده قیلدم جمعه‌یی
کورنه شهرم کورنه محکم قلعه وسور اولمشم
ذاکرم ذکر ایلرم یعنی که شیخم صوفیم
کورنه کوچك آدله عالمده مذکور اولمشم
ای نسیمی جنت وحور اول نکارك وصلیدر
چون بن اول محبوبی بولدم جنت وحور اولمشم

وله ایضا

صورت رحمان بولدم صورت رحمن بنم
روح مطلق حق کلامی ق والقرآن بنم
هم بنم آنست نارا سرینی فاش ایلین
هم خلیل اولدم بو ناره موسیٔ عمران بنم
هم مسیحم هم سکندر هم بنم آب حیات
هم حیات خضر بولدم چشمهٔ حیوان بنم
هم محیطم هم کنارم هم صدف دردانه ام
هم بو بحرك کوهری هم کوهر عمان بنم
هم خیالم هم جمالم هم صفاتم هم طلب
هم نقوشم هم بو نقشه واله وحیران بنم
ظلمتم موتم مماتم هم حیاتم هم ممات
مؤمنه نوحم نجاتم کافره طوفان بنم
هم علاجم هم طبیبم هم شفایم هم عنا
هم بو رنج رنجوریم هم دردلره درمان بنم
مصحفم حرفم کتابم هم کلامم هم کلیم
هم کلامم هم ناطقم هم حقدن اوش برهان بنم
ساقیم شمعم شرابم هم خمارم هم خبر
سلسبیلم ساقیم هم ساغر وپیمان بنم
هم صلاتم هم زکاتم هم بنم زرق وریا
هم ایمان وتوحید شعلهٔ ایمان بنم
هم نعیمم هم رحیمم هم کریمم هم کرم
هم نعیم بنم خلدم وهم جنت رضوان بنم
ای نسیمی سن حق بیل حقه اقرار ایله کیم
چونکه انسان وبشرسین حق دین انسان بنم

وله ایضا

یوز کدر مقصدم قبله‌م لبکدر آب حیوانم   ایاسر وسر افرازم فدااولسون سکاجانم
که‌سنسن دردمه درمان یوزڭ فرقان خط کریحان   فدااولسونسکا بیڭ جان که‌سنسن شاه وسلطانم
انیسم رهبرم یارم کولر یو زلو کل اندامم   عبیرم عنبرم مشکم بو یی سر وخرامانم
کلامم قرانم ذکرم کتابم توحیدم فکرم   نمـازم رازم وسجدم بکل جمله ارکانم
فضیلم کاملم میلم مرادم مقصدم کوکلم   جوابم مسئله‌م سوزم دلمده جمله دستانم
حیاتم راحتم مهرم نجاتم القتم و ذاتم   طبیبم شربتم خضرم وجودم ساعتم جانم
ازلدندر بنم دردم سوزی کرچك قربدرم   محبم سودکم مهرم سیه زلف پریشـانم
ظریفم کنجم ومالم نسیمم عاشقم عشقم   حبیبم عزتم عزم ازلده کامل انسـانم

ولە ایضا

بنده صغر ایکی جهان بن بو جهانه صغمزم   کوهر لامکان بنم کون ومکانه صغمزم
عرشله فرش وکاف ونون بنده بولندیجمله چوز   کس سوزیکی واپسم اولشرح وبیانه صغمزم
کون ومکاندر آیتم ذاتکدرر بدایتم   سن بونشانله بنی بلکه نشانه صغمزم
کیمسـه کمان وظنله اولمدی حقله بیلش   حقی بیلن بلور که بن ظن وکمانه صغمزم
صورته باق ومعنیٔ صورت ایچنده طانی کیم   جسمله جان بنم ولی جسمه وجانه صغمزم
هم صدفم هم انجویم حشر وصرط اسنجیم   بونجه قماش ورختله بن بودکانه صغمزم
کنج نهان بنم بن اوش عین عیان بنم بن اوش   کوهر کان بنم بن اوش بحره وکانه صغمزم
کرچه محیط اعظمم آدم آدمـدر ادمم   طوریله کن فکان بنم بن بومکانه صغمزم
جانله هم جهان بنم دهرله هم زمان بنم   کور بولطیفهٔ که بن دهر و زمانه صغمزم
انجمله فلك بنم وحیله هم ملك بـنم   جك دلکی واپسم اول بن بولسانه صغمزم
ذره بنم کونش بنم چارله پنج وشـش بنم   صورتی کور بیانله چونکه بیانه صغمزم
ذاتله ام صفـاتله کلشـکرم نبـاتله   قدرله ام براتله بسـته دهانه صغمزم
ناره یانن شجر بنم چرخه چیقان حجر بنم   کور بواودڭز بانه سن بن بوزبانه صغمزم
شهدله هم شکر بنم شمس بنم قمر بنم   روح وروان باغشلرم روح روانه صغمزم
تیر بنم کمان بـنم پیر بنم جوان بـنم   دولت جاودان بنم آینه وآنه صغمزم
کرچه بوکون نسیمم هاشمیم قریشیم   بندن اولود رایتم آیته شانه صغمزم

ولە ایضا

حق تاکه یار اولدی بکا سر تاقدم یار اولمشم   تاکورمشم دیدارینی مشتاق دیدار اولمشم
انست ناراسرینی موسی نه بیلسون یا شجر   انی بکا صورسون که بن اول نوز واول نار اولمشم
ذکرم اناالحقدر بنم حق سویلرم حقدر بنم   دارڭ ایچنده غیره هم لیس فی الدار اولمشم
عارفقتنده مدح وذم براصلمش سن عارف اول   کوزکیم نیجه هرناطقڭ دیلنده کفتار اولمشم

ماءالعنبدندرا کرهر سر خوشك سرخوشلغی
بن ایچمشم عشقك مین سرمست وخمارا ولمشم

خلدك کلی خندانیدر کلکون یکاغك ای کونش
بلبل کبی مستم انك عشقنده اوش زارا ولمشم

کلشن کبی آچلمشم بوی کلندن عارضك
کورکیم جمالکدن نیچه فرخنده کلزارا ولمشم

مشکین صاچکدن بولمشم شول بوی جان افزایی کیم
طیبندن انك صانه سن طیبی وعطارا ولمشم

شیرین دوداغك وصفنی تاسویلرا ولدی منطقم
ای مصر حسنك یوسفی قند وشکر بارا ولمشم

یارب نه فتان آیمش تابنده یوزك بدری کیم
انوار تابندن انك تابنده انوارا ولمشم

سودامیندن سرخوشم مستانه عینك تك ولی
غفلت میندن نائم نیچون که هشیارا ولمشم

زلف ورخك اسرارینی تاحق بکا کشف ایلدی
یوزکده ام کنج خفی زلفکده بردارا ولمشم

سرو کل اندامك کبی عالمده آزادم ولی
زنجیر زلفك قیدنه محکم کرفتارا ولمشم

لؤلوی نابك وصفنی تاسویلرا ولدی منطقم
سمعنده هرسمین برك لؤلوی شهوارا ولمشم

بولدی نسیمی تاسنی ذاتنده شکسز شبهه سز
اولمش نسیمدن بری یعنی که بیزارا ولمشم

﴿ وله ایضا ﴾

سر اناالحق سویلرم عالمده پنهان کلمشم
هم حق دیرم حق بنده درهم ختم انسان کلمشم

هم لوح تورات وزبور انجیل وفرقان وصحف
هم بن کلام ناطقم هم جمع قرآن کلمشم

هم آیت رحمن بنم هم رحمت رحمان بنم
هم وحی مطلق سویلرم هم نور یزدان کلمشم

بولدم علی العرش استوا هم رحمتی غفران یقین
حقدن عیان بیلکه بنم کیم عرش رحمان کلمشم

موسی کبی دیدارنه مشتاقسك کل اشته کور
آنست نارا هم شجر موسی ابن عمران کلمشم

سودا کله مست اولمشم هم ایچمشم غمدن مدام
مست الستك جامیم نیچونکه طغیان کلمشم

هم بن قلندر صورتم فردم مجرد تجریدم
کرچه فقیرم هم کدا ملکه سلیمان کلمشم

لاریب الاوجهه کلدی انك وجهنده اوش
عالمده حسنك وجهنه بن وجه وبرهان کلمشم

حسن وجمالك نقشنی کوردی ازلده کوزلرم
بو نقشه حیران اولمشم بن مست وحیران کلمشم

مشکین صاچك ظلماته یوا بولمقاستر خضر کور
لعلك شرابن ایچمشم بن آب حیوان کلمشم

کلمش جهانه شرح ایدرشمدی نسیمی حق سوزك
آنی کیم ادراك ایلسون بن سر پنهان کلمشم

﴿ وله ایضا ﴾

کوکلك ویرانه سنده کنج پنهان بولمشم
اولمشم شول ماهه قربان جان وجانان بولمشم

عشق دردندن قچان قورتیله کوکلم چونکه بن
دلبرك دردنده هردم نیچه درمان بولمشم

کفرا کرایماندکلسه پس ندن دشمش که بن
کفر زلفك حلقه سنده نور ایمان بولمشم

خضرا کرظلماته واردی استدی آب حیات
بن دوداغك چشمه سنده آب حیوان بولمشم

دیشلرك عکسی نکارا کوکله نقش اوله لی
کوزلرم بحرنده هردم در ومرجان بولمشم

روضهٔ رضوانه دعوت قیلدی زاهد بنی
خاك درکاهنده بن صحن کلستان بولمشم

چون نسیمی جانی شول ماهه قربان ایلدی
کورنه کوچکك شول هلالی بایه قربان اولمشم

وله ایضا

دلبرك لبلرینه چشمهٔ حیوان دیمشم
معدن روحه عجب بن نیچون جان دیمشم

سنسن ای صورت اللهله رحمن مسجود
قیلمین سجده سكاد یوله شیطان دیمشم

لوح محفوظله عرش اولدی یکاغك صفتی
بن بو معنیدن اکا صورت رحمن دیمشم

خجل اولدم بو سببدن که نكارك یوزینه
ارمك كلشنی وروضهٔ رضوان دیمشم

صورتك احسن تقویم و یوزك قبله ایمش
بو سوزه یوق دیهنك آدینی حیوان دیمشم

صورتك منكرینه كافر وملعون دیدی حق
نه كه اكا دیدی حق بن اكا چندان دیمشم

كلی خندان دیمزم غنچه یه ایرق نیچون
كه یكاغك كل خندانه خندان دیمشم

صدفك ایچنه كار ایلدی انجو اردی
كه لبك جوهرینه لعل بدخشان دیمشم

دیمه هر تیكنه سن باغ و كلستان ایسم
كه بن اول عارض كلكونه كلستان دیمشم

زلفكی نافهٔ تاتاره بها قیلمه كه بن
قیمتن هر قیلنك ملك سلیمان دیمشم

ای نسیمی سكا چون فضل اله اولدی معین
بنی عیب ایلمه كیم تابكه سلطاند یمشم

وله ایضا

یوزك كوندن ای قمر انواره دوشمشم
آنست نارا اولمشم اول نور وناره دوشمشم

دار السلام حسنكا ای جنتك كلی
دشد ازلده كور كه نه كلزاره دوشمشم

دشدم خیال زلفنه ای متقی بنی
تسبیحه دعوت اتمه كه زناره دوشمشم

فكرمده در خیال كوزكله لبك مدام
یارب نه رسمه خمره وخماره دوشمشم

جان وجهانی وصل جمالك بهاسنه
ویردم ازلده كور كه نه بازاره دوشمشم

شیطاندر اول كه صورتكه قیلمدی سجود
شیطانه منكر اولمشم انكاره دوشمشم

ای وحدتك میندن اولاشن خمارینه
مست الستم صور كه نه می خواره دوشمشم

فاش ایلدم جهانده انا الحق رموزینی
دوغر وخبر درانك ایچون داره دوشمشم

كنعانی یوسفك لب شیرینی بولدم اوش
فكر ایله كیم نه قند شكر باره دوشمشم

عشقك قدیم وزلف ورخك دائم الابد
یارب نه اینجه ایش واوزن كاره دوشمشم

ای صبحدم بلی نه اوكرسین تاتاریكی
مشكین صاچنده كور كه نه تاتاره دوشمشم

حسنك حروفنی بكا ویردی سبق رخك
درسم بو ابجد اولدی وتكراره دوشمشم

كوردی نسیمی معشوقنك یوزینی بوكون
حق بیلن بیلور كه نه دیداره دوشمشم

وله ایضا

ای دریغا كیم جهانده یار همدم كیم دورر
خوبلرك جورندن اوز كه كیم بكا همدم دورر

ای كونش یوزلو حبیبم شاد قلغل سن بنی
كیم فراقندن بو جان ودل غریق دم دورر

كرابنانمزسك كه غمزه‌ك يقدی كوكلم شهرینی | بس بوفریادم ندندر دیده قاندن نم دورر
وعدهٔ قوای كوكل كل بودمی خوش كوره‌لم | دونكی لحدیطا اكله غایت بس بودم خوشدورر
كردیسم واردر جهانده سنسن ای كوكلم آلن | دل سنكدر جان سنكدر بن بنم بس نم دورر
زاهدك محراب ایچنده ذكر وطاعتدر ایشی | عاشقك محبوب اوكنده چنك زیر و بم دورر
برنظر قلغل نسیمی حالنه كور كیم نجه | سوزلری فریاد و نالش كوزلری زمزم دورر

ولە ایضا

* قراصاچك كه ظلماتنده در نور | انك آدی ندر نور علی نور *
* یكا غكدن عیان اولدی انا الحق | لچان كوز كوده صورت قاله مستور *
* نظیرك یوقدر ای دلبر نظیرك | زهی صاحب نظر پاكیزه منظور *
* نه میدن اسرومش نركسلرك كیم | بنی اندیشه سنده قیلدی مخمور *
* نه مصحفدر كه حسنك آیتینی | بیان ایتدكجه عقل آندن دوشر دور *
* وصالك جاودانی سلطنتدر | بو دولت اولدی هر شاهه مقدور *
* چیقار ینبوق قولاغكدن كوزك آچ | كه حشر اولدی و چالندی بوكون صور
* اكر نوش استریسك نیشه قاتلن | كه نوشی نیش سز ویرمز بوزنبور *
* كل ای سلطان عالم عارف اولكیم | ملك معنیده عارفدر نه فغفور *
* نسیمی حقه واصل اولدی جاوید | كرك ماتم طوت ای منكر كرك سور *
* لبك لعل بدخشان ایلدی مات | حبش ملكنده خالك آصدی منشور

ولە ایضا

* یوزكدر لوح موسی قامتك طور | خطك فرقان یوزكدر رق منشور *
* كلام اللهك اصل سو حرف | جمالك لوحه‌زده اولدی مسطور *
* صاچكدر كفر مز یوزكدر ایمان | نه كفر ایمان اولور ظلماتلن نور *
* جمالك كنت كنز ید را یا جان | بنم كوكلم خرابن قیلدی معمور *
* كورن سنسن بنم عینمده یارب | نه ناظرسن نه منظرسن نه منظور *
* بویك طوبی دوداغك آب حیوان | رخكدر جنت عدن و خطك حور *
* نسیمی سوزینه قیلك تتبع | نه فضل اولدی بو عبده فضل دستور *

ولە ایضا

سنمسن ای ماه صورت جنتك عیننده حور | كوزلرك عین بلادر وجهكك آلنده نور
آیت عرش سمادندر لطافت سوزلرك | درمعانی جمع قیلدی در مكنون ظهور
چشمهٔ زمزم لبك سر الست در كوزلرك | كیم اوله اولكیم قیله مهریله وصلكه صبور
شبهه‌دن آرندی اولكیم قیلدی اقرار صلاة | تا ابد مست اولدی ایچدی جرعهٔ ماء طهور

کیمکه محبوبك لقاسن کوردی اول عین الیقین　　وجهنی سوردی ترابه ربنی قیلدی شکور
کمترین اولدی نسیمی فضل حقك چاکری　　چونکه وصله واصل اولدی عشقله بوادیحضور

وله ایضا

بلی یارب یوزکدر رق منشور　　محمد شرطی آندن اولدی مشهور
طواف امر اولدیچون بیت العتیقه　　رسول اول آدیقیلدی دیدی معمور
صفاتکدر بیلورم کعبهٔ مطلق　　زیارت ایلینلر اولدی مغفور
صاچك حبل المتین در صورتك　　هدایت شمعی در کیم عرض ایدر نور
یکاغك هذه جنات عدن　　یوزکدر کشف سنسن جنت وحور
سنك مستانه عینك ساغرندن　　رواندر سلسبیل اوش مست ومخمور
مسیحی نفخه‌در شیرین دهانك　　که صحت بولور اندن صورسه رنجور
قاشکله کرپکك مشکین صاچکله　　وجودی در سلیمان عینی درمور
انا الحق دیدی زلفك وارلغندن　　چیقاردی کوکه فریادنی منصور
صفاتك باطنی ایلدی روشن　　که عالم وارینه اولمادی مغرور
سن احسن صورته انکار ایدنلر　　عزازیلدر که دوشدی تکریدن دور
نسیمی یه تجلی قیلدی غمزه‌ك　　کوزینه نورو کوکلنی ایتدی مسرور

وله ایضا

یوزك مصحفدر ای روح مصور　　تعالی شانه الله اکبر
سکز قپوسیدر جنات عدنك　　قاشکله کرپکك زلفك معنبر
الم نشرح صاچك والشمس آلنك　　بویك طوبی لبکدر آب کوثر
عیان اولدی لبك عینده شول صو　　که غرق اولدی جهان بحرنده یکسر
تنك طینندن اولدی خلق ارواح　　تعالی الله زهی پاکیزه کوهر
سجود ایلر رخ وزلفك قنده　　آیله انجم وخورشید خاور
رموزین بیلبن بیت الحرامك　　نه بیلسون کیم ندر محراب ومنبر
فلك حسنکده حیراندر ملك مات　　نه دریاسن نه معدنسن نه کوهر
سراسر نور مطلق در وجودك　　نه ماهیت سن ای ذات مطهر
مکر شمع تجلی در جمالك　　که نورندن جهان اولدی منور
نسیمی‌نك سوزی حقدر حقی بیل　　که حقدر کیم انك دیلنده سویلر

وله ایضا

یوزك برك کل تردر کل تر　　بیوك سروی صنوبردر صنوبر
خرامان قامتك بر چشمهٔ چشم　　سمن بردر سمن بردر سمن بر

سنك

سنك شمع جمالكدن وجودم — منوردر منوردر منور
بككله زلف ورخسارك همیشه — معنبردر معنبردر معنبر
بكا پیوسته شول محراب ابرو — برابردر برابردر برابر
زهی دولت كه وصلك كاه كاهی — میسردر میسردر میسر
دماغم بوی زلفكدن دمادم — معطردر معطردر معطر
سنك نقش خیالك جان ایچنده — مصوردر مصوردر مصور
صنایعدن نه صنعتدر نسیمی — مكرردر مكرردر مكرر

ولە ایضا

كتوردی نقابی یوزكدن قمر — اوتندی نبات لبندن شكر
تباركت ای حق صفتلو نكار — تعالیت ای حق صورتلو بشر
صاچك شرحنی ایلرم هر كیجه — رخك وصفنی سویلرم هر سحر
اسیر اولمیان حسنكه آدمی — حجردر حجردر حجردر حجر
كل ای تاجر اول یوسفی صاتون ال — كه كاننده قیمت سزاوار كهر
قیلكدن بلك انجه كوردم تمام — ولی انجه دن انجه دربو خبر
بویك انبت الله زهی اعتدال — كوزك عینك الله زهی خوش نظر
سوزك آب حیواندراغزك رحیق — بو وصفی عظیم ایلرم مختصر
كل ای سدرة المنتهی كیم بیوك — مبارك شجردر مبارك شجر
جواعلی واسفلده كوردم سنی — نه غم كر جهان اولسه زیروزبر
حق ییل حق بول حق طانی كیم — كه حقدن طوایدر یدی بحر و بر
ظهور ایلدی جمله اشیاده حق — قنی بر بصیرتلو آچیق بصر
نسیمی كبی واحد اول یارله — ایكیلك صفتدن ایكیلك بتر
ایكیلكده قالان عزازیل اولور — ملك سیرت انسان اول آنی كیدر

ولە ایضا

كیم ایدر كیم یوزك كلناره بكزر — كه یوزك نوره و كل ناره بكزر
یكاغك جنتك خندان كلی در — ولی انك فراقی خاره بكزر
یوزكدر صورت الله و رحمن — كیم ایدر كیم آنی رخساره بكزر
سوزلمش كوزلرك صاغ وسلامت — ولیكن باقیشی بیماره بكزر
صاچك بویی مسیحانك دمیدر — كیم ایدر نافهٔ تاتاره بكزر
نه كوندر یارب ای دلبر جمالك — كه اخشامی انك انواره بكزر
سكا بكزر جهانده كیمسه یوقدر — مكر حوری كیم اول برپاره بكزر

❊ صاچك اسرارینی زاهدنه بیلسون — كه تسبیحی انك زناره بكزر ❊
❊ اكرچه قاشلر كدر فتنه باشی — حرامی كوزلرك عیاره بكزر ❊
❊ فقیه آدمدن اوروكر سجده قیلمز — بودیوك خلقتی اماره بكزر ❊
❊ كل ای صوفی وترك ایله بو سحری — كه موسانك عصاسی ماره بكزر ❊
❊ كونش بكزر دیدم شول آیه هیهات — قچان شول ماهی هر سیاره بكزر ❊
❊ محبت محكم ایشدر غافل اولمه — بوكاری صانمه كیم هر كاره بكزر ❊
❊ صفاسز صوفی دائم قیغلودر — بومعنیدن كه بو تیماره بكزر ❊
❊ نسیمی كنت كنزك كوهریدر — حدیثی لؤلؤی شهواره بكزر ❊

ولە ایضا

قچان كه سنبل زلفك نقابی آیه دوشر — قمر سحابه كیررآفتابه سایه دوشر
دوشرمش آیه صاچك ظلنی وكولكه سنه — دوشرمك انجلین آیه شول همایه دوشر
قاشكده كوركه نه عین الیقینمش كیزلو — كه بی كمان اولورا ولكیم كوزی بو یایه دوشر
صباصاچكدن اوتندی كه نافهٔ چین در — مكر كه سلسله سندن صبا خطایه دوشر
خطادر احسن تقویمی سومك آیدر دیو — بوحقه عاصیی كوركیم نیجه خطایه دوشر
اكرچه زلفكه دام بلادیمش عاقل — بودامه كیمكه كلوب دوشمدی بلایه دوشر
جهان معطر اولور هر سحر كه باد صبا — كلور بوحلقهٔ زلفك عبیره سایه دوشر
كداقتنده وصالك سعادتی دوشمز — وكر دوشرسه بنم تك غنی كدایه دوشر
عجب شرابمش ای ساقیٔ ازل عشقك — كه جوش ایدر آنی ایچن بوهوی وهایه دوشر
نسیمی باره اولاشدی نه دوشدی منكره كیم — طوتشدی یوره كی یاندی یاوز قضایه دوشر

ولە ایضا

❊ نه صنع پاك یزدانسن ای دلبر ❊ — ❊ مصورسن معنبرسن منور ❊
❊ صاچكدر ظلمت یلداشبی قدر ❊ — ❊ یوزك نوروز وعید وماه اكبر ❊
❊ تجلی دن كه آچدیكز نقابی ❊ — ❊ حبیبك طلعتی در ماه انور ❊
❊ بوخال ورخیدر یا مرغ سودا ❊ — ❊ كه قونمشدر میان ورد احمر ❊
❊ وصالك دیلرم شیرین لبكدن ❊ — ❊ جوابم ویر كه قند اولسون مكرر ❊
❊ شوجنت طوبی سیدر قامتك كیم — ❊ كه قویمش صورت رحمانی برسر ❊
❊ شوجوهردر بوكون حیران حسنك — ❊ كه سیران كاهی درچرخ مدور ❊
❊ دكل بوسوزه حدك ای نسیمی ❊ — ❊ كلام اللهی كوربو وصفی سویلر ❊

ولە ایضا

❊ عمانه كیرن عشقله دردانه یه اوغرر — شكرانه ویرن جانتی جانانه یه اوغرر ❊

یانمقدن اگر قورقارسن شمعه یاپشمه
شول آتشی کورکیم نیجه پروانه‌یه اوغرر

منصور کبی جوشه کلورسویلر اناالحق
هرعاشق صادق که بو میخانه یه اوغرر

کتمز دون وکون جام شرابی نظرندن
هر کیمسه که شول نرکس مستانه‌یه اوغرر

تسبیحله سجاده‌یی برجرعه‌یه صاتار
شول صوفیٔ صافی که بو پیمانه‌یه اوغرر

افسانه صاتر عاشقه افسونله واعظ
عاشق قچان اول قصه وافسانه‌یه اوغرر

زنجیرصاچك شویله دلوقلدی بنی کیم
عقلن یترر هرکه بو دیوانه‌یه اوغرر

کیردی حرم کعبهٔ تحقیقه نسیمی
خنانه طواف ایلر ومنسانه به اوغرر

ولە ایضا

عشق یولنده هرکیم اولیارینه جان فشان کیدر
اهل یقین بیلور کیم اول جنته بی کمان کیدر

قدویوزك حکایتن اشیدایدن ای صنم
سروکلورخیالمدچهره‌دن ارغوان کیدر

یارخیال دم بدم کوزلرمك سراینه
آب کبی روان کلوریاش کبی دوان کیدر

ای هوس ایلین کیشی عشقه ایشت بونکته‌یی
خوبلرك خیالنه ویرمه کوکل که جان کیدر

یارله صحبت ایلمك بردم ایکی جهان دکر
دولت انك که یارله صحبت جاودان کیدر

نرکس شوخ دلبرك فتنه‌یی آخر ایلدی
سروقدینه قل نظر کوربیجه‌سی روان کیدر

کرپك اوقیله یاره‌لو قیلدی نسیمی کوزلری
انکچون کوزندن اوش لحظه بلحظه قان کیدر

ولە ایضا

وصالکی دلین جانی وجهانی نیدر
شول آب کوثری ایچن نیدر بوجانی نیدر

محبت اهلنه عشقك یترنیدرزهدی
شول اصیی بو زیانی بیلن زیانی نیدر

جمالکی کورن ای روضه‌نك کلستانی
ارم سرایني یاصحن کلستانی نیدر

حقك بقاسنله جان جاودان اوله‌نك
بوجسم فانیٔ ایرق نه حاجت آنی نیدر

قاشك هلالنه باقوب کورن یوزك آینی
زوال لو کونش وماه آسمانی نیدر

سنی بشرده بیلن کیم نه کیزلو جوهرسن
بوکائناته نه‌قیلسون‌یه بحر وکانی نیدر

بویك چناریني آرزولین اولوهمت
چمنده هرزه بتن سرو بوستانی نیدر

حقیقت اهلنه عین الیقین یقین اولدی
حقینه اوغرین ایرق خطا کمانی نیدر

مکانسزاولدی نسیمی مکانی یوقدرانك
مکانه صغمین اول بی مکان مکانی نیدر

ولە ایضا

قامتکه الف دین کورنه اوزن خیال ایدر
هرکه دیلر وصالکی آرزوی محال ایدر

شول الا کوزدن ای کوکل صاقنك اوش سکادیرم
اویقوده صانمه آنی کیم اویقوسی یوقدر آل ایدر

زلفنی خاك ره کبی صالدی ایاغی التنه
کور نیجه خلق عالمك عمرینی پایمال ایدر

یوزیکی کوستر ای صنم خلق جهانه پرده‌سز
تا کوره‌لر که حق نیجه صنعنی برکمال ایدر

ملکله مال سلطنت برجو یه صایمز ای کوکل   هر که دیلر وصالکی یا طلب جمال ایدر
قاشنه یا شول آلنه بکزدرم اوزمی دیو   که دونر آی و بدر اولور که اوزینی هلال ایدر
شرح غمی نسیمنك شول کوز و قاش و صاچه صور   کورنجه هر بری سکا شرح و بیان حال ایدر

﴿ وله ایضا ﴾

تابنده یوزك تابشی بدر دجایه طعن ایدر   فرخنده زلفکك سایه سی ظل همایه طعن ایدر
خورشید تابانه یوزك کر طعن ایدرسه نه عجب   عالمده روشندر بو کیم سلطان کدایه طعن ایدر
باد صبا عیسی کبی کرچه درلدر اولوبی   عنبرفشان زلفك دمی باد صبایه طعن ایدر
آی حسنکه حیران قمر یارب نه جاندر کیم یوزك   بدر اولمش آیه دق دوتر شمس الضحایه طعن ایدر
عشقکده ای آرام جان کرچه بو جانم صبرودر   بر ز نجمش عشقك کیم اول یوزبك شفایه طعن ایدر
معشوقنك جور ایتدیکی یکدر وفادن عاشقه   بیلمز وفانك قیمتن هر کیم جفایه طعن ایدر
بکزتمزانك یوزینی آیه نسیمی صورندن   شولمعیندن هر کیم یوزك کورمشدر آیه طعن ایدر

﴿ وله ایضا ﴾

سنبلك ابرنده یوزك ماهنی پنهان ایدر   کافری اسلامه چکمش غارت ایمان ایدر
ای کوزم نوری کوزمدن کیتمه ایراغ اولمه کیم   جانمی یاقدی فراقك کوزمی کریان ایدر
عنبرافسان زلفکی طاغتمه نسرین اوزره کیم   عاشقك کوکلن پریشان حالی سرکردان ایدر
کرچه لعلك جان ویرر عاشقلره عیسی کبی   کوزلرك سودامیندن اسره شدرقان ایدر
کرچه کونشدندر رتابنده ماهك یوزینی   ای قمر خورشید وماهی طلعتك تابان ایدر
کل بنی قورتار فراقکدن که کافر جاننه   طامو ایتمز شول عذابی کیم بکا هجران ایدر
جانله ایکی جهانك ویرنکارك وصلن آل   کیم بو بیعی قلمدی سرمایه سی خسران ایدر
لعل و مرجانك کوزمدن آقیدر دردانه لر   کور بو انعامی بکا کیم لعله مرجان ایدر
کل یکاغك حسرتندن اغلسم عیب ایتمه کیم   بلبلی شوقنده کریان شول کل خندان ایدر
صورمه عشقك دردینی درمان طبیب عامه کیم   یاره صورانی که عاشق دردینه درمان ایدر
زلف و خالکدن نسیمی ابجدی قیلدی تمام   شمدی یوزکدن بیان صورت رحمان ایدر

﴿ وله ایضا ﴾

دور قمر ملاحتی حسنکه اختتام ایدر   یوزیکه واهب الصور خوبلغی مستدام ایدر
لعل لبك وصالنی جانله استدی کوکل   فکر محاله کور بنجه دوشدی خیال خام ایدر
عاشق صادقك قنی چون لبکه حلال ایمش   عاشقه وصلنی ندن لعل لبك حرام ایدر
کیمسه جهانده کورمدی صبحله شام مجتمع   کور بنجه زلف و عارضکو صلت صبح و شام ایدر
مهرله ماه و مشتری حسنکه بنده درولی   سرو له سدره اوزینی قامتکه غلام ایدر
فتنه کوزك خمارینی ظاهرا کرقیلار ایسن   اغزینه کیم آاورمی کیم دخی فکر جام ایدر

شرح دهان یارمك هركه صورار نسیمه	برسوزله حكاینی مختصر وتمام ایدر

وله ایضا

✻ با وسین میم ایچون بشارتدر	الف ولام وها اشارتدر ✻
✻ الرحیم اوتی اكله الرحمن	بیش وكم یوق وكنج رحمتدر ✻
✻ بلكه معناسی منزل اولدی كتاب	بو بانك نقطه سنده صورتدر ✻
✻ اول ام الكتاب فاتحه در	كه معین بیلندی خلقتدر ✻
✻ خلقتك قیل وقاله واقف اول	قیل وقالك چوحال وآلتدر ✻
✻ خانده واریسه معنی وصورت	معنیٔ بیلدیلر كه كسوتدر ✻
✻ صورته دخی جان معنادر	ذاتنه صور آنی نه شربتدر ✻
✻ نه مركب دوزركور اول استاد	هركیم ایچر دواوجه حكمتدر ✻
✻ اصل خود ذاتمش هراشیانك	ایكی لك نسترآنده وحدتدر ✻
✻ اول ایكی بو پرده اولدی دیری	بین ذلك باشنده غفلتدر ✻
✻ یدی آیتله یدی خط تمام	یدی اعضا كه یدی امتدر ✻
✻ یدی قات بریدی دخی كوك در	اكله بو یدیٔ كلفتدر ✻
✻ نه دورریدی بیلدكك واری	وضع نه دریا بونه هیئتدر ✻
✻ كیشی شكلی مصوراتمك لیك	ایكی عالم ایچنده شهرتدر ✻
✻ دیر موحدلر ومحققلر	بیلمك واسلمك رسالتدر ✻
✻ عالم اولان قوی درر انسان	دیوعفریت وجن جهالتدر ✻
✻ دیوحیوان ناطقك حقنه	قول قرآنله هم آیتدر ✻
✻ اصطلاح استماع انسانه	ظفر وفتح دخی نصرتدر ✻
✻ طامونك اودینی شعاعندن	ازنی شمع بكی طاقتدر ✻
✻ شربتك تشنه سی اوچنجی سی	یعنی سودا كه اول فصاحتدر ✻
✻ آدمی یاندرن حرارتدن	دخی دردنجی سی حرارتدر ✻
✻ چون سلیمان خاتمی بولدی	بس اكاجن وانس رغبتدر ✻
✻ نردبان بولدی عیسیٔ مریم	كنبد زرنكار قامتدر ✻
✻ كلدی صكره محمدك نوری	كوره آخرشو كیمسه كامتدر ✻
✻ مصطفانك روحنه اكیجكز	ویرصلوات شرط وعادتدر ✻
✻ كرم الله وجهه كه علی	نه كه دیدی جهانده خدمتدر ✻
✻ هم تكبرلك آدم اوغلنده	كه عظیم اول بلا وآفتدر ✻
✻ بركونشدر نسیمی كیم انك	نیجه لر ذره سینه حسرتدر ✻

وله ایضا

کلکون رخك کل سمنی شرمسار ایدر　　یوزك خیالی کوزلرمی لاله زار ایدر
ماه اوزره زلفکی کیجه طاغتمه کیم بنی　　آشفته روزکار پریشان وزار ایدر
اغیار الندن آه ایدرم هر نفس ونی　　جوری همیشه عاشق مسکینه یار ایدر
زلفك نه دام وغمزه نه اوخدر که کوزلرك　　عاشقلری همیشه انکله شکار ایدر
زلفکده کیمکه کورمدی حسنك قیامتن　　بیلمز صاچین حسابنی ایرق شمار ایدر
معنیده کرچه جان لب لعلك مین ایچر　　حسنك شرابی درکه بنی بیقرار ایدر
کل کل که شمعه نار فراقك حرارتی　　کار ایلمز بورسمه که جانمده کار ایدر
ای چین نکار ونقشنه حیران ومست اولان　　کل شول نکاری کور که نه نقش ونکار ایدر
ای عاشقك حیاتی وعمری صاچی انك　　جانسزدر اول که آدینی مشك تتار ایدر
ای دنیه نك میندن اولاشن خمارنه　　عشقك شرابن استه که دفع خمار ایدر
وصفکده هر قچان که نسیمی آچار آغز　　جوهر لبندن آقار وکوهر نثار ایدر

ولە ایضا

یوزیکه اهل نظر صورت الرحمن دیدلر　　اوقینلر بوکلام الله قرآن دیدیلر
سبعه خوان حافظه صوردم که قاشکله یوزك　　حقله باطلی فرق ایدیجی فرقان دیدیلر
یوزیکه عارضکه خازن جنات نعیم　　خلد وفردوس برین روضهٔ رضوان دیدیلر
لبلرك چشمه سنه خضر وسکندر دارا　　زمزم وکوثرله چشمهٔ حیوان دیدیلر
لب لعلك شکرندن بال اوتاندی اریدی　　سنی شرین زمان خسر وخوبان دیدیلر
درد رج لب وندانکه صراف جهان　　لعل ویاقوت کهربار درافشان دیدیلر
صبغة الله ومن احسن حقدن یوزیکه　　عابدون کوزلریکه صبغهٔ سبحان دیدیلر
منتهاسدره بیوك قامتی شمشادسهی　　که بیوك سدره سنه سرو خرامان دیدیلر
اندی کوکدن یوزیکه لوح زمردخطلن　　هر که بیلدی بیلنه موسیٔ عمران دیدیلر
یوزك اوستنده صاچك جمع پریشان کبی در　　عاشقك کوکلنه مجموع پریشان دیدیلر
عاشق اول عشقله بیل منطق عشقك دلنی　　مؤمنه نوح ونجات کافره طوفان دیدیلر
اکرم الضیف امانت دیدی پیغمبر حق　　عزت ایتکل بوکون اول نطفه که مهمان دیدیلر
من عرفنا طانیان نفسنی اول کیمسنه در　　بیلدی ربنی انك آدینی انسان دیدیلر
سجده قیل مسجد بیول ساجد ومسجودکی بیل　　کیمکه طپراغه سجود ایتمدی شیطان دیدیلر
محکم آیات ودلیل ورخ وجه الحسنه　　که نسیمی سوزینه حجت وبرهان دیدیلر

ولە ایضا

لبکه اهل نظر چشمهٔ حیوان دیدیلر　　کرچه اچاغ حوری جمله اکا جان دیدیلر
سنی بوحسن وجمالیله بولطفیله کورن　　قورقدیلر حق دیمکه دوندیلر انسان دیدیلر

سنبلك

سنبلك حالی پریشان دیدلر حال اهلی
الله الله نیچون مشکه پریشان دیدیلر

برقیلك قیمتنی هر کیمه صوردمسه دیدی
کنج قارون ایله بیك ملك سلیمان دیدیلر

دشمنك آدینی عاشقلره صوردم که ندر
ایشیدن جمله نه کافر نه مسلمان دیدیلر

شك دکل کیم یوزیکی کورمش انلر که سنی
حوریه بکزدبن یوسف کنعان دیدیلر

ابلرك وصلنه ایرمك بکا مشکل کورینور
کرچه صوردیلر آنی دل ایله آسان دیدیلر

اغزك اسرارینه اندیشه چقان واقف اوله
که عقول اهلی اکا نقطهٔ پنهان دیدیلر

ای نسیمی دم عیسی دکلیسه نفسك
نفسی طوغریلر اکا نه ایچون جان دیدیلر

﴾ وله ایضا ﴿

دیشلرك نظمنه دردانه وکوهر دیدیلر
کوریجك یوزیکی خلق آیت اکبر دیدیلر

یازجق صورتکی مخترع نقش وجود
یروکوك خلقی اکا روح مصور دیدیلر

کر یکسکدن دیلرم کوکلی قاشکله کوزك
قویمەدی بزده آنی زلف معنبر دیدیلر

صوردم ارواحه یوزك وصفنی حرفا حرفا
کیمسەنك شرحنه کلمز بو کل تر دیدیلر

لبکی جانلره صوردم که ندندر اصلی
روح قدسی دمله نور مطهر دیدیلر

کرچه سرفتنه صاچکدر قرك دورنده
قرك فتنەسی اول خال مدور دیدیلر

کردیسم زلفکه مرسل نه عجب یا هادی
معجزات اهلنه هادی و پیمبر دیدیلر

کرچه ظلماته صاچك دالدرای فتنه دلیل
عاشقه شمع رخك نورینه رهبر دیدیلر

روشن اولدی یروکوك مهر رخك نورندن
بوجهتدن یوزیکی مهر منور دیدیلر

کله ال صونمسون اولکیم دکندن اوشنر
کیم بو حمرا کلنك خارینه خنجر دیدیلر

دیدیلر قندو شکر لعلکه یارب نیچون
کوثرك شربتنه قندله شکر دیدیلر

جنتك خمری لبك راحی در اول معنیدن
سلسبیل اولدی لبك آدینی کوثر دیدیلر

ای نسیمی نه در ایرق دیلەکك حقدن چون
نه که حقدن دیلەدك اولدی میسر دیدیلر

سکا کونشکبی ای فتنه صاچك سجود ایلیه نك
طالعی اختر مسعود و مظفر دیدیلر

﴾ وله ایضا ﴿

* لبلرك قندینه شکر دیدیلر *
* جان شیرینه کورنه لر دیدیلر *

* دیدیلر کیم دهانی یوقدرانك *
* بی خبرلر عجب خبر دیدیلر *

* جان دیشلردودا غکه هی هی *
* بوسوزی کورنه مختصر دیدیلر *

* شامه بکزر دیدیلر قاره صاچك *
* عارضك نورینه سحر دیدیلر *

* اهل معنی نجتنه صورتکه *
* معنیٔ واهب الصور دیدیلر *

* عنبرافشان صاچکله عارضکه *
* یاسمین اوزره مشك تر دیدیلر *

* شب یلدا دورر صاچك کیجەسی *
* صورتك بدرینه قمر دیدیلر *

کرپکك اوقنه قاشك يايی نه ❀ عاشقك سینه سی سپر دیدیلر
باق انك یوزینه الهکه باق ❀ اهل دللر بو د رنظر دیدیلر
حقدن ایراغمش آنلر کیم ❀ سنی ای نور حق بشر دیدیلر
ای نسیمی محیط اعظم سن ❀ کرچه الفاظکه کهر دیدیلر

وله ایضا

قبله دریوزك نکارا قاشلرك محرابلر ❀ صورتك مصحف ولی مشکین خطك اعرابلر
چهره نك عکسی ازلدن طشره چیقدی پرده دن ❀ دوشدی انك شعله سندن آی وکونه تابلر
عاشقك احوالنی عاشقلره صور کیم بیلور ❀ صورمه الا عشق اودینه یانبن بی خوابلر
عشق اودی اغرشدی شمعك جانه کورکیم نیجه ❀ هم یناره کوزلرندن آقیدر سیلابلر
شرح اکر قیلسم جمالك دفترندن بر ورق ❀ هر سوزی بیك فصل اولور هر فصلی نیجه بابلر
عاشقك جکر قاندن شربتی وارای حکیم ❀ قاتمه انك شربتنه قندله عنابلر
چون نسیمی جاودانی یاریله بیلدی وصال ❀ قوی نیجه دونرسه دونسون بو یشل دولابلر

وله ایضا

یانرم عشقکدن آقار کوزلرمدن یاشلر ❀ حسرتك دردی چیقاردی یورکده باشلر
مدعی طعن ایدبن باشمه قاقر عشقکی ❀ سینغا واجب دکلدر نیجه آتمق طاشلر
غمدن انجلدی بو کوکلم اولدی یکی آی بکی ❀ کوزلریمه طوش اولالی شول هلالی قاشلر
خسته اولالی کوکل عشقکدن ای جان پاره سی ❀ ایچرم غم مطبخندن درلو درلو آشلر
زلفکه طولاشدی کوکلم بیلدی آشفته کیم ❀ زلفك اوجندن نه چوق چوق یله واردی باشلر
شویله ینار جکرمده ای صنم عشقك اودی ❀ کیم توتشمش شعله سندن هم قروهم یاشلر
طاقتم طاق اولدی غمدن کجدی عمرم آهله ❀ دردمه درمان ندر سز بیلیم یولداشلر
اولمشم دردفراقکله ضعیف شول حده کیم ❀ کیم کتورمزلر خیاله نقشمی نقاشلر
اولدی عشقکدن نسیمی ایشته دنیادن کیدر ❀ سن مرادیله جهانده قال و یاشه یاشلر

وله ایضا

دلداره مشتاق اولدی جان انك جمالن ارزولر ❀ هجرانه قتلمز کوکل یارك وصالن ارزولر
یاندردی شوقك جانمی کورتابشندن کیم نیجه ❀ جانم صوصامشدر ابك آب زلالن ارزولر
چرخك هلال و بدرنه کوکلم دلامز باقمغه ❀ نیچون که یوزك بدرله قاشك هلالن ارزولر
عاشقلرك آزارنه کورکیم نیجه بل باغلمش ❀ شول بی وفا عاشقلرك نیچون وبالن ارزولر
چین نافه سندن بزدیجان عنبردن اوصاندیکوکل ❀ هر بریسی شول دلبرك زلفیله خالن ارزولر
یارب نه حوری چهره در شول ماه تابان یوزلوکیم ❀ کوردکجه انك یوزینی کونش زوالن ارزولر
شهدلك حدیث وشکرك خوش کلزاولمناقه کیم ❀ شول روح قدسك منطقی شرین مقالن ارزولر

عشقكده قربان اولديغين استر نسيمى صورندن	شول معيدن كيم دنياده هرشى كمان ارزولر

وله ايضا

عيد اكبردر جمالك عيده جان قربان اولور	آب حيواندر طوداغك هر كيم ايچرجان اولور
كرچه عشقڭك مسكن ويرانه سيدر كوكلك	كنج بى پايانه لايق قنده هر ويران اولور
اى قاشك محراب ويوزك قبله ايمان اهلنه	عاشقك بيت الحرامى صورت رحمان اولور
صورتك اسرارينى زاهد نه بيلسون يافقيه	قل كفى بالله محرم قنده هر حيوان اولور
اى قشكله كريكك مشكين صاچك ام الكتاب	اهل توحيدك امام ومرشدى قرآن اولور
جانمسين ياآدم اوغلى اى كونش رخساره كيم	صورتك نقشنده انسان واله وحيران اولور
صانعك احسانيدر حسنك تعالى شانه	قدرتى كامل اولانك عادتى احسان اولور
يارب اول پاكيزه جوهر كيم بشردرصورتى	قنغى عالمدن كلور آدى ندن انسان اولور
سنبلك چيننده كوكلم ايلسه مسكن نوله	هل توحيدك مقامى روضهٔ رضوان اولور
صورتك هرشيده چونكيم واضح اولمش اى كونش	كيم ديدى حورى كورنمز يارى پنهان اولور
كل نه چيچكدر كيم آنى بكزدم رخساريكه	قنغى كلزارك رخك تك بركل خندان اولور
اى كه مشكل درديه سن واصل اولمق يارله	قوى سنى سندن كسيل كيم مشكلك آسان اولور
نفسنى هر كيمسه كيم بيلدى وحق طاندى	عارف رب اولدى آدى عبد يكن سلطان اولور
دوشدى سودايه كوكل آشفته زلفك دامنه	دوشمين شول عنبرين زنجيره سركردان اولور
كل شئ هالك لاريب الا وجهه	كوربووجهى كيم نه وجهك وجهنه برهان
صورت رحمانه انكار ايلدى ديو رجيم	احسن تقويمه انكار ايلين شيطان اولور
اى نسيمى آب كوثردر مكر نطقكده كيم	هركيم ايچر اول شرابى مست جاويدان اولور

وله ايضا

بحر فناده فانى اول كوركه نه خوش حيات اولور	آب حيا تمش فنا كرچه آدى ممات اولور
كعبهٔ عشقه صدقله يولداش اول اى جهوران	صوصامش اول كه يولداشك زمزمله فرات اولور
جان وجهان ودين ودل اوتميان بوعرصه ده	شاه جهان اولورسه كر اول رخى شاهمات اولور
چيقديطوفان تنوردن غرق ايديسر جهان كل	كشتيه كير كه جانكه شول سبب نجات اولور
غيره مقيد اولمه كيم هرنه كه غيردر انك	كرهمه كن فكان ايسه عارف ذات لات اولور
عارله نام ننككى وار اوده صال وياق آنى	طالب ذات اولان نچان ملتفت صفات اولور
قيلدى فنا وجودمى عشقه كيم ايلدى بنى	بلورسز اولدى هركيم اواغرقهٔ بحر ذات اولور
شولكونشك شعاعنه ذره جه كيمكه بولدى يول	هركونى عيدوهر كيجه قدروشب برات اولور
فكر ايدرم كه يازه يم ذره جه عشق سرينى	بحر مداد آغاج قلم طاس فلك دوات اولور
عشقه فناى مطلق اول كچ بورواق وطاقدن	كوهر لامكان نيجه بستهٔ شش جهات اولور

هر حسنات كيم سنی طوغری التمدی حقه   قلمه انك آدن حسن كر همه سيات اولور
مسجد وخانقاهه سن صوفی تك اولمه عزه كيم   عاشقه جمله يرو كوك معبد صومنات اولور
ذوق ايله حضور ايله حقه پرستش ايله كيم   قلبی حضورسز اولان طاعتی لا صلات اولور
جان وجهانه اورقفا عاشق ايشك كور ای كوكل   عاشقه فرض ومستحب ترك تعلقات اولور
دولتنه بو دنيانك اولمه مقيد ای كوكل   انكيچون كه دنيانك دولتی بی ثبات اولور
وحدت صرفه تا ابد اولدی نسيمی بللوسز   كرچه بورسمه محو اولان زبدهٔ كاينات اولور

وله ايضا

سروك قننده سدره وطوبی روان اولور   لعلك شراب كوثری ايچن روان اولور
عيسی لبك وصالنه ايردی و بيلدی جان   هر كيمكه بيلدی لم يزلی جاودان اولور
ای حور عينه بكزدن اول عيسوی دمی   حوری چقان بو لطفله شيرين زبان اولور
عشقك حديثنی نه قدر جانده كزلدم   سر صاقلمز كوكل بو سببدن عيان اولور
حسنك رموزينی نه ملك بيلدی نه بشر   هردكه جانورده چقان بو بيان اولور
نطقك اوتاندرر ملكی شول زمانده كيم   لعلك حديثه باشلر وكوهرفشان اولور
مشكين صاچكله جانله سودايه دوشمين   سرمايه سی خسارت وسودی زيان اولور
ياشن نقاب ايچنده كه حسنكدن ای پری   قوپدی فغان وفتنهٔ آخر زمان اولور
يوزكده كرچه آيتی اولدی اوتوز ايكی   هر بريسی موحده يوزبيك نشان اولور
هر كيمكه حقی احسن صورتده كورمدی   حق تا ابد انك نظرندن نهان اولور
وصلكده زنده اولدی نسيمی الی الابد   آب حياته واصل اولان جاودان اولور

وله ايضا

كوكلی اعمی اولانك نور تجلی نه بيلور   بو سوزك شرحنی بينايه صور اعمی نه بيلور
مؤمنك كوزكوسی چون مؤمنش كوزيكی اج   كورمين كوز كوده شول صورت معنی نه بيلور
داره چقمق بوفنادارينه منصوره دوشر   بيلين سر انا الحق بو دعوی نه بيلور
ليلی نك بيلد كنی كربله مجنون بيله بس   عاقلك عقلی چقان بيلدی كه ليلا نه بيلور
بكزدرلر طوداغك خطنی ريحانه ولی   شول زمرد كهرك قدرينی افعی نه بيلور
آخرت حالنی حال اهل بيلور حالكی بيل   بو سفرده اوانك يولداشی دنيا نه بيلور
جنت ايچنده اولان حور ولقانك ذوقی   جنتك اهلنه صور جنت اعلی نه بيلور
ای ورن كوكلنی جين نقشنه شول صورته باق   قدرتك صنعی يازن يازوبی مانی نه بيلور
ای نسيمی نفسك كرچه مسيحا دميدر   معجزك رمزيله موسی ايله عيسی نه بيلور

وله ايضا

صورتك خط الهی درونادان نه بيلور   ديو ملعون صفت معنیٔ قرآن نه بيلور

هر كه دعوى قيله كيم صورت ومعنى بيلورم
كورممش يوزيكى اول صورت نادانه نه بيلور

تورات وانجيل وفرقان قوحسنك صفتى
بو سوزك شرحى ندر آيتى شيطان نه بيلور

انس وجنك دلنى كرچه سليمان بيلدى
سن بيلين دلى بو كون يعنى سليمانه نه بيلور

كعبهٔ معنيه هر كيم چو نسيمى ايرمز
محنت بى عدد و خار مغيلان نه بيلور

وله ايضا

سر الهى بيلن شول خط و خالى بيلور
حاله خبير اوليان قنده بو حالى بيلور

قاشى وكوزى معجزى وحى مبين در انك
اول بيلور اول سرى كيم عين ودالى بيلور

كرچه على شانه يازرم اول شاه بن
حسنكه ختم ايديكيم جل جلالى بيلور

نقل وروايتله زاهد اوزادر سوزى
بونجه نه سويلرا اكر طوغرى مقالى بيلور

حافظ اكرچه اوقور يوم نيادى ولى
سن بونداين اكا صور كه بلالى بيلور

احسن صورت كيمك وصفيدر اى مدعى
كيمكه جواب ويره اول بو سؤالى بيلور

شول صنمك صورتك كورمدى كيمكه عيان
قنده بو وجه حسن يا بو جمالى بيلور

شانكه نون والقلم منزل اولو بدر قاشك
كيمكه بو حرفى اوقور بدر وهلالى بيلور

مهر رخك وصفنى هجره بتان جانه صور
فرقتنى چكمين قنده وصالى بيلور

كرچه نسيمى سوزك دادينى ويردى ولى
كيم بو سوزى فهم ايدر كيم بو خيالى بيلور

وله ايضا

كل تردن كليجك عارضكه ما دوكيلور
باغه كير كور كه نيجه لالهٔ حمرا دوكيلور

عنبرين سنبلكه باد سحرگاه ايچك
قويمه ديمر نمكه كيم عنبر سارا دوكيلور

قره صاچك اوجنى اياغكه صالمه كتور
حيف اولا نافهٔ تاتاره كه هر جا دوكيلور

لبلركدن دوشه لى مصره خبر عطارك
قوتى سندن دونو كون قندله حلوا دوكيلور

عالمك باشينه تابنده يوزك شمعندن
خالقك رحمتيدر نور تجلى دوكيلور

نيجه نوميد اوله يم چون كوزمك ابرندن
قطره قطره يوزمه هر يكا دريا دوكيلور

صدفك كرچه دهانى طولودر انجودن
آچيچق لبلريكى لؤلوى لالا دوكيلور

حسنكك وصفنى يازمقلغه وصف ايلمشم
قلمك دلى اوجندن قو سودا دوكيلور

تاجدا دوشدى نسيمى لب لعلندن انك
كوزلرندن دونو كون لعل مصفا دوكيلور

وله ايضا

يارمى آيردى بندن چرخ غدار اشته كور
يوره كيم باش اولدى غمدن كل ايچيم يار اشته كور

ياقدى ياندردى بنى يارك فراقى نيليم
طاقتم صبرم دوكندى يانرم زار اشته كور

جانمى آنست نارا شوقنه ياندرمه كيم
اولمشم موسى كبى مشتاق ديدار اشته كور

دردمك درمانى سنسن چاره كيمدن استيم
چاره سى سندندر انك چار وناچار اشته كور

عاشقك ایمانی یوزکدر صاچك حبل المتین — بن بودینی طوتمشم بلمده زنار اشته کور
عارضی وردجناندر بلبل روح القدس — ای بووردك عاشقی اچلدی کلزار اشته کور
کرانا الحق سویلمکدن داره آصلسم نه غم — بونجه منصورك آصلمش باشی بردار اشته کور
طوغره‌دی غمدن فراقك بغرمی شول پاره‌دن — یوره کیم قانی کوزمدن آقار ای یار اشته کور
ای کلی خندانم آخر پرده‌دن چیق غنچه‌تك — کیم بنی عشقکده مجروح ایلدی خار اشته کور
تا نسیمی نك وجودن نورینه یاندردی یار — ناره‌دوشمشدر حسددن نیجه اغیار اشته کور

وله ایضا

هرنه کیم باقدیکبسه آنده سن اللهی کور — فنجروکیم عزم قیلسك ثم وجه اللهی کور
بوایکیلیك پرده سنده کچ حجابی رفع قیل — کل بوبرلك وحدتندن باق بوسر اللهی کور
کچ انانیت سوزندن کوکلکی ویرانه قیل — نیجه سین تیزجك بیلورسین کنت کنز اللهی کور
حج اکبرقلمق استرسن کل ای زاهد برو — عاشقك قلبی ایچنده سن بو بیت اللهی کور
جان کوزیله باقدك ایسه کائناتك عیننه — اندن اوزکه نسنه وارمی حسبة للهی کور
منکر رؤیت دکلسك صورت حق کورمکه — باقدوغکیجه هرنظرده عین ذات اللهی کور
لوح اخلاص ایلدکسه کوکلکی ای متقی — کرسیء رحمانه آغدك کندوعرش اللهی کور
اولمدین نفس اولدروسن جسمکه بواورنجات — نفخهء روح القدسدن محض روح اللهی کور
علم حکمتدن بیلورسن کل بروکل ای حکیم — سن نسیمی منطقندن دکله فضل اللهی کور

وله ایضا

ای دریغا کیم جهانده یارهمدم کیم دورر — خوبلرك فکرندن اوزکه کیم بکا همدم دورر
ای کونش یوزلوحبیبم شادقلغل سن بنی — کیم فراقکدن بوجان ودل غریق غم دورر
کراینانمزسك غمك بیقدی بوکوکلم شهرینی — بس بوفریادم ندندر دیده غمدن نمدورر
وعدهء قوای کوکل کل بودمی خوش کوره‌لم — دونکی کجدی کله غائب بس بودم خوش دمدرر
کردیسم واردرجهانده سنسن ای کوکلم آلان — دل سنکدرجان سنکدر بن بنم بس نم دورر
زاهدك محراب ایچنده ذکروطاعتدر ایشی — عاشقك معشوق اوکنده چنك زیروبم دورر
برنظرقلغل نسیمی حالنه کور کیم نیجه — سوزلری فریادونالاش کوزلری زمزم دورر

وله ایضا

غیب مطلق سرینی کرچه که پنهان کوسترر — اشکاره یوزنی بروجه انسان کوسترر
کردلرسك کیم کوره‌سن حق یوزنی عین الیقین — سسو تاویل وبرهان کوسترر
هذه جنات عدن فادخلوها خالدین — سورهء سبع المثانی حور وغلمان کوسترر
غم دکل بردارا اولورمنصورانا الحق چون دیدی — امرینی بیلدی ثوابی درده درمان کوسترر
دراودرلوطون ایچنده کوردم انی دم بدم — شیوه برله کل یوم هوفی شان کوسترر

اول آخر ظاهر و باطن حقیقت حالنی
صورت ومعنی بکا در جسم و در جان کوستر

کیجه کوندز ظلمت ونور وجلالیله جمال
قهر ولطفی عاشقه کفر یله ایمان کوستر

وصله واصل سن غنیمت کور نسیمی بودمی
کردش چرخ فلک ناکاه هجران کوستر

وله ایضا

تابنده یوزك طلعتی خورشید تابان کوستر
شول سدرهٔ اعلایی کور سرو خرامان کوستر

یوزك رموزی شرح ایدر انا فتحنا ای نکار
کیم وحی مطلق سرینی عالمده پنهان کوستر

جام علی العرش استوا رحمن حقدن بیلدم اوش
اول معنیدن کیم دائما معجز و برهان کوستر

باقدی فراقك اوش بنی سرتاقدم موسی کبی
فرقتده یانن عاشقه کور کیم نه هجران کوستر

لؤلوی نابك وصفنی اقار غمکدن کوزلرم
کور کیم نیجه هر قطره سی دریای عمان کوستر

رخسارك اوزره زلفکی طاغتمه نسرین اوزره کیم
زلف سیاهك کور نیجه کفر یله ایمان کوستر

کرچه طوداغك وصفنی صوردم بن آنی عارفه
لعلك شرابی خضره کورنه آب حیوان کوستر

اولدی خیالکدن ضعیف جان وتنی نسیمینك
درمان سندندر ینه کیمدر که درمان کوستر

وله ایضا

کرچك اریسك اوش بودم تابیله سن نظرندر
برنظر ایله طوپطولو کور که جهان بشرندر

کنج نهانی اشکار قیلدی بودمده لم یزل
کلدی کلان فنا ایچون کیروا کاسفرندر

کنج ازل بیلمکه هیژده هزار عالمه
کلدی بزندی جمله سی کور که بونی کورندر

لوح قلم چالمدین علم لدنده واردق
علمنی ظاهر ایتمکه زبرله بوزبرندر

من عرف بو نفسیچون کلدی خطاب صورته
سرله سیر ایتمکه اورته ده بو خبرندر

جانه دان ورن کشی عرش اوزره شکار ایدر
آنده شکار ایدن قوشه قوت بال وپرندر

غیرته کلسه آدمی علمنی حاصل ایلسه
جهله مرکب اولمسه بیلسه بودم هنرندر

کندویی بیلمیان بودم قورقوندرنه بیلسون اول
کندوسنی بیلنلره صورندر خطرندر

علم لدن طلب قیلان تشنه خضر صفت کرك
جام ازلده اسرین آب حیات امرندر

وقتی سعادت استین تاج وکمر طلب قیلور
فرصته برنظر دیله تا بیله سن نظرندر

خالص ومخلص اولمغه ترك ارادت ایله کل
ترك ارادت ایلین بیلدی که شیرنندر

وصلت چینه چین اولوب رازی شکار ایدن بزه
کل کرم ایله ظاهر ایت دلده کی بو خبرندر

شمعهٔ کور نیجه ینار سرینه ایرمز آدمی
برا کاصور وکور نیجه دائما ترك سرندر

عشق حقیقت اکلین جانه وباشه قالمدی
غمزه لرینه دلبرك جان وکوکل سپرندر

شعلهٔ حق طوغرمغه جبه قبا کرك ولی
ظلمت ایچنده کورنن شمسله بو قمرندر

معرفتك کلن درر طوطیه شکر استین
کور بو نسیمی سوزلری بلبل تازه ترندر

اشبو بنم سؤالمی حل ایده کور جوابمی
کرچك اریسك اشبودم تابیله سن نظرندر

وله ايضا

جمالك يارب اى دلبرنه تابان ماه انوردر — كيم انك آفتابندن ايكى عالم منوردر
يازك حرفندن اى مصحف بيان كنت كنزايلر — تعالى الله زهى دفتر بودفتر قنقى دفتردر
دخى خطيله خالندن چرى چكمشدر اى دلبر — زهى شهزادهٔ اعظم كه خوش اغوراولشكردر
نه رعنا سدره در يارب بيوك عالمده اى حورى — كيم انك قدو بالاسى يدى اقليمه سرور در
يدى خط وكتابكدن سكز جنت عيان اولدى — بو وجهيلن يقين اولديكه اول ذات مطهردر
خيالمدن دكل خالى خيالك خيلى برساعت — همېشه صورتك نقشى برابرده مصوردر
لبك جامندن اوجانكيم حضرتك ايردى مقصوده — چيقه كلدى ضلالتدن بو كون آدى سكندردر
بېك تك بسلدم دائم كوزمده خال هندوكى — بېك شويله عزيز اولمز كيم اول خال مدوردر
نسيمى فضل اللهك يوزك نورنده چون كوردى — طواف كعبه ختم اولدى صفا وحج اكبردر

وله ايضا

صاچنك شبنده يوزى ايكى هفته لك قمردر — بو سوزى بيلن بيلور كيم بو نظر نيجه نظردر
قره زلفنى رخ اوزره كوره لى كوزم نكارك — دون ايله كونم همېشه قوشامله سحردر
لبنك كه جان شرابى اوطنور حلا وتندن — شكره قيلن تشبيه كوزى باغلو بى بصردر
ايكى عالمك وجودى اياغك توزينه دكمز — بو صدفده كيم بيلور كيم بونه قيمتى كهردر
بو جمال وحسن كوركيم اورر آيه طعن يارب — بونه حق صورتلو آدم بونه معنيلو بشردر
كوزلك يوزينه باقق ديله مز فقيه وصوفى — كوزى كورمزك نصيبى بو كونشدن اولقدردر
كل اكرچه خوب وتازه كورينور نظرده لكن — كل انك يكاغى كوركيم ابدى لطيف وتردر
طوداغى كوزيدر انك ابدى شراب ونقلم — بونه بادهٔ سقاهم بونه قندو كل شكردر
يكاغى لبى غمدن نيجه صبر واولميم بن — دكرن بكاشفانى بوكايله اول شكردر
ارمك كى قوزتدى قاتى تنده حسنك — بو سمن عذارى كوركيم نيجه سى لطيف وتردر
كونشدن اول جمالك جكرم توتشدى يانر — نه بيلور بو حالى اول كيم قاره كونلو بى جكردر
خبرى بيلن خبيرك خبرى اوزندن اولمز — نه درم سكا ايشت كيم بو خبر عجب خبردر
انا ربكم اودينه نيجه يانمسون نسيمى — بو انا الحقك چراغى ابدى چو يانسردر

وله ايضا

كوزمدن دمبدم اقان يككدن صو دكل قاندر — لبك قندندن ايجان كل صوصامش جانمى قاندر
وجودم شهرينى قيلدى مسخر لم يزل عشقك — بو شهرستانه عشق اولسونك دائم كه خاقاندر
قاشكله كيربكك وحى بكا كلدى وبيلدردى — كه سنسن عرشله كورسى يوزك يازوسى قرآندر
كل اى حور يصفت دلبر كه غمدن باغرمك ايچى — درست اول غنچه يه بكزركيم ايچى طو پطلو قاندر
انا اللهك اودندن كيم يكاغك شمعى ياندردى — لب لعلكدن آفاقى حياتك آبنه قاندر

رخك شمعی فراقندن کوکل پروانه تك یانر	بدل قبل وصله هجرانی حسودك یورکن یاندر
سکا حوری اکر برکون قیلورسه حسنی عرضه	رخك نورین عیان ایله یوزکدن انی اوتاندر
جمالك وصلنه جانم صوصادی یوره کیم یاندی	کوکل هجرکدن اوصاندی بنی هجرکدن اوصاندر
خیالك کرچه شاد ایلربنی هرکاه کاه اما	فراقك غصه سی چوقدر غمك بی حد و پایاندر
آقان یاشم فراقکدن بنی غرق ایلدی صویه	کوزمدن یاشمی کورکیم نه سیل آقارنه طوفاندر
نسیمیدن جدا یارین قیلان حقدن جدا اولسون	که یارندن جدا یاری قیلان بی دین وایماندر

وله ایضا

سنسز یدیکم هرنه ییسم درد له قاندر	کل کل طوداغـك شربتنه جانمی قاندر
وصلکـدن ایراغ ایلیه لی جانمی تقـدیر	ایشم دون وکون آهـله فریاد وفغاندر
ای سرو روان باشمه لطف ایله قدم بص	کور کیم نیجه عشقدن ایکی چشمه رواندر
وصلك دیلرم جان وجهان اولمسه غم یوق	عاشقلریکه وصل رخك جان وجهـاندر
برقع کوتور ای شمس وقرچهره لو خلق	پروانه کبی شمع رخـك نورینه یاندر
ای خرقه کین بول اوروبجی زاهد زراق	شرکندن آرن خرقه‌کی کل وحدته یاندر
زلفکله رخك هرنیجـه کیم مصحفه باقدم	کوردم ایکینك سوره لری نور ودخاندر
تحقیقه ایرن طائفـه‌یه هرکـز اولاشمز	تشکیکله قالان ایشی تقلیـد وکماندر
یالانجی منـافقـدرانك یوقـدرایمـانی	ای غافل اویان کوکلکی غفلتدن اویاندر
ای عاشقـه کافردین ایمـانه کل اوطان	کـافر دیمه عاشقلره نیچون که یلاندر
عشقکـده نسیمی اوله‌لی خلقـه ملامت	مشهور جهـان اولدی وعالمده عیاندر

وله ایضا

❋ ای لبـك عـین آب حـیواندر ❋	❋ خضره صورانی کورکه نه جاندر ❋
❋ نه شـیرین در طوداغنك ذوقی ❋	❋ اول سببدن که لعل ومرجاندر ❋
❋ حق عیان ایلدی یوزکده بوکون ❋	❋ ســو حرف حروف برهاندر ❋
❋ سنی کیم درکه فرق ایدر حقدن ❋	❋ مکر اول لاشئ کـه نادانـدر ❋
❋ شمـع رخسـارکك تجـلیسی ❋	❋ یـنـه طوغـدی که ماه تاباندر ❋
❋ حسنکه سجـده قیلمیانه سـنك ❋	❋ حق دیدی آدینی که شیطاندر ❋
❋ ایهـا الـناس عـلم القـرآن ❋	❋ یوزه تفسـیر در بوقـرآندر ❋
❋ کنت کنزی بزه بیان ایلر ❋	❋ بیلرم کیم نه کنج پنهاندر ❋
❋ عیـد اکـبر بودر نسیمی کل ❋	❋ قیـل فـدا جانکی که قرباندر ❋

مهر رخك تابنه دوشـدی کوکل یانه‌در	شمعه دوشن نارینه یانسه کرك یانه در

ای مه بدرك يوزی مهر رخكدن خجل | شمعنه كور جانمی كيم نيجه پروانه در
زلف و رخك سرينی بيلينه ايدرم | كفر له ايمانمز كعبه و بتخانه در
نقش خيالك بنی نقش وخيال ايلدی | منكر عشقك كوزی ايكی ايكه بانه در
جام سقاهم ايچر دلبر الندن مدام | كيمكه انك ساقيسی شول كوزی مستانه در
چونكه وصالكله يم ليل و نهار ای صنم | جام جم اوش بنده در ملك سليمانه در
لعل لبكله كوزكمی ايچر رلر بكا | بن نيجه مست اولميم چون ايكی پيمانه در
دنيا وعقبايی بن وصلكه دكشمشم | اصی سنه يك باشم جانله شكرانه در
عشق رخك مسكنی خلوتيدر كوكلمك | كنج حياتك يری كور كه نه ويرانه در
دوشدی نسيمی صاچك حلقهٔ زنجيرينه | دوشميان اول حلقه يه ديواله ديوانه در

وله ايضا

فرقت ايچنده يوره كيم كور كه نه پاره پاره در | باغريمی كور بو غصه دن كيم نيجه پاره پاره در
غمده بنان بو عشقه لطف وعنايت ايله كل | ای بت اكر يوره كك مرمر و سنك خاره در
لعل لبك حديثنی ايشيد ايدن ای صنم | سجده ايدر ملك كبی سجده سی قدس ناره در
بن نه طريق و وجه ايله جور جفادن اوصنم | چونكه همیشه يارمك جور و جفاسی پاره در
پاره لو ايلدی بنی جرعه سی آغولو غمك | پاره لو ياريكی قومه دردينه كور نه چاره در
ناز و عتاب وعشوه سی ياقدی بنی فراقله | دائم انكله عاشقك ايشی بورسم و كاره در
آی وكونی نه وجه ايله يوزيكه نسبت ايليم | حسن رخك قتنده چون آيله كون ستاره در
زرق و ريا وصوفيلق ذره جه اصی ايلمز | شول كشی يه كه رغبتی اولمی بی خماره در
حسننه عاشق ايلدی جانمی ناره ياندرر | كور كه نه فتنه لر قيلور اولكه بو حسن پاره در
زورقی محبتك دكزينه براقشم | كل چك آنی كناره كيم مبلی انك كناره در
زلف توزندن اولدی چون جان وتنی نسيمينك | اصلنه قار شرينه رجعتی شول غباره در

وله ايضا

يارب اول يوزك چراغی شمع خاور دنميدر | يارب اواسر وك يكاغی ورد احمر دنميدر
يارب اول مشكين سلاسل كيم نقاب اولمش كله | مشك تاتاری ديم يا سنبل تر دنميدر
شول طوداغك جرعه سندن اسرمش روح القدس | يارب اول جامك شرابی آب كوثر دنميدر
ای شكر دندر دين شول جان شيرينك ابی | بالله انی يخشيدن صور كور كه شكر دنميدر
لعلكی كيم يادايدرسه نوش اولور آغو اكا | شول لبك ذكری عجب ترياك اكبر دنميدر
ای صبا عيسی نفسدر جانفزا بويك مكر | اوغرادی ارواحه يا شول زلف عنبر دنميدر
برك سرين اوزره يارب شول ديزلمش انجولر | صبحدم وقتنده دوشمش چيمی ياتر دنميدر
زاهد ايدر سومه خوبی باقه انك يوزينه | شول بحر يوركاو آهن يوقسه مرمر دنميدر

دلبرك جوری تو كنمز عاشقك بختی او یار بخت ایدر یارب بو جوری یو قسه دلبردنمدر
شول سعادتلو كمركیم قو چار انك بلنی طالعی مسعود مش یا قوت زردنمدر
آدی محو اولدی نسیمنك قیله م حك حرفنه ای بو دفتردن خبرسز اول بو دفتر دنمدر

ولہ ایضا

لعلك شراب شربت كوثر دكلمدر یوزك چراغی مهر منور دكلمدر
نور علی كه حق دیدی نور علی الیقین رخسارك اوزره زلف معنبر دكلمدر
ای طاشه وترابه دین قیمتی كوهر انسان بو حسن ولطفله كوهر دكلمدر
ای حسرتك زریله كوهر استه معرفت انسانده معرفت كوهر وزر دكلمدر
صورتده ای دین كه منزه درر آله كل حقه باق وكور كه مصور دكلمدر
تا كورمشم جمالكی منظورم اولدی حق حق كورن نظر اولو منظر دكلمدر
بن ناظرم نكاره وعارف قتنده بو بالله كه خوب ناظر و منظر دكلمدر
شیرین لبنكه حق اكا روح القدس دیدی جنتده كی شرابله كوثر دكلمدر
ایدر بكا كه نقدیكی ویر نسیه یه فقیه حیواندن اول اولایكه كمتر دكلمدر
دور قمرده مركز آشوب وفتنه سی مشكین صاچكله خال مدور دكلمدر
لعلك كبی مسیح دم معتدل مزاج هر كز وجودہ كلمدی جوهر دكلمدر
صورتده كرچه آدی بشردر نسیمنك معنیده كوركه ذات مطهر دكلمدر

ولہ ایضا

ای نسیم صبحدم بالله شو یارم خوشمدر شول حبیبم دلبرم عالمده وارم خوشمدر
شول مطترا مسك زلفندن صبا ویركل خبر شول یوزی كل قامتی سرو چنارم خوشمدر
شول لب لعلی كوزی آهوی شهلا دلفریب شول صاچی ظلمت بكی مشك تتارم خوشمدر
غنچ ایچنده غنچه اولوب درج اولوردر عدن شول چمن صحننده آچلمش بهارم خوشمدر
بل المده صو كوزمده اوداچمده خاك اولور دائم انده حشر اولیجق سبزه زارم خوشمدر
چون نسیمی صالدی اوزین عشقكا پروانه تك ای یوزی كلشن سكا بو آه زارم خوشمدر

ولہ ایضا

معنبر سنبلك شاها كل سیرابه پرچیندر معاذالله خطا قیلدم نه پرچین نافهٔ چیندر
خطادر چینه حمل ایتمك معنبر زلفكی بالله كه هر بر قیلی صاچكدن هزاران چین وماچیندر
دهانكدن خبر ویردی روان پرورسوزك اما بیلمز نسنه دن كیمسه ایناتمز كیم خبر چیندر
سن اول سلطان خوبانسن بو كون عالمده ای دلبر كه قولنك جمله سلطانلر سكا شاهین ولا چیندر
مدور نقطهٔ خالك كوزمدن برنفس كتمز مكر كیم اول قرابكلر كوزمده نقش پرچیندر
رخك اوزره بكك شاهانه هندودر عجب یارب یلانجی اوغرمی یا خودارم باغنده كلچیندر

کوکرچین تك شکار ایتدی بنی اول نرکس فتان
یاوز کوزدن ایراغ اولسونکه خوشتر کانه لاچیندر

مه تابانه یا مهره سنی بکزتمزم نیچون
که حسنك خرمننده کون مهیله سنبله چیندر

کوزمدن کرچه دلکشدر صاچنك شیوه سی اما
نسیمیٔ بو سودایه براغن شول مغلچیندر

وله ایضا

* معانی لوسوزك درثمین در *
* بیانك مهبط روح الامین در *

* روان اولدی زلال نظم ونثرك *
* شراب کوثر وماء معین در *

* کلامك معجز ظاهر در اما *
درفشان منطقك سحر آفرین در *

* سکا تیغ وقلم بهرا مله تیر *
* مسلم قیلدیلرلر برهان مبین در *

* وجودك جوهری رطبنده نافع *
* مکرم اصل وفرع ماء وطین در *

*یقین اولدی که بولمش سن هدایت
* دلیلك چون هدی للعالمین در *

*یقین سزا ولمز ایمان اهلی نیچون *
که ایمان حق بیوردی کیم یقین در *

* یقین چون سنده در مؤمن سن اولدك
سن اول مؤمن که مؤمن اهل دین در *

* نسیمك تحیات وسلامی *
* علی احبابه والعاشقین در *

وله ایضا

سقاهم ربهم خمری طوداغك کوثرندندر
بومیدن ایچنك نقلی حدیثك شکرندندر

صبا مشکین دمندن کیم معطر قیلمش آفاقی
معنبر زلف پرچینك عبیر وعنبرندندر

اکرچه اهل توحیده صاچك حبل المتین اولدی
سواد الوجه فی الدارین انك سودالرندندر

دم عیسی کبی لعلك دیرلدر جمله اشباحی
بو معجز جانفزا لعلك مفرح جوهرندندر

قیامتقوپدیحسنکدن چالندیصور وحشر اولدی
بوغوغالر که یایلمش انك شور وشرندندر

بهشتك اسود العینی که حور العین دورر آدی
یازلمش خلقه برآیت جمالك دفترندندر

فقیه ای احسن صورت سنی مسجود اکر بیلز
بوعاصی دیو ملعونك خطاسی رهبرندندر

یوز کدر قل هو الرحمن صاچکدر علم القران
عجب شول جانلرك جانی نه کانك کوهرندندر

نکارك نرکس مستی نه فتان عینمش کورکیم
نیجه روح الامین اسرك خمارین عبهرندندر

کل ایجان عیده قربان اولکه قربان اولمین عیده
نه اولدی فطره عیدندن نه انك اکبرندندر

جهانك محنتی چوقدر انك دردسرندن کچ
که حقدن دوشدکك محجوب انك دردسرندندر

نسیمی ماسوی الله دن کسلدی دلبری بولدی
نسیمی نیلسون نتسون عنایت دلبرندندر

وله ایضا

یار ودلبر سندن ایروکیم دیدی عالمده وار
قانی سندن ایر ودلبر قانی سندن اوز که یار

ای کلر کلکون یکاغك جنتك خندان کلی
کل که انك حسرتندن بوره کیم باندردی خار

چیقدیغربدن کونشکشف ایتدیعشقك رمزینی
پرده سی آچلدی حسنك دلبر اولدی آشکار

چون بکا عشقك طریقیدر صراط مستقیم / طوغری درحقدن طریقم نیلر انده باد یار
زاغـله بر پرده طوطی کرچه یارشماز ولی / آله مز تقدیر الندن کیمسه ای یار اختیار
دینـله ایما ندرعهدو امانت عاشـقك / کیمده کیم یوقدر امانت بیلکیم اولدر اهل نار
عاشـقك معماری حقدر یاپار انك باطنن / ای اوك حقدن یاپلمش سنسن اهل اعتبار
دولت دیداره بیدار اوغرای کرچك محب / کوزلری آچیق کرکدر عاشقك لیل ونهار
کرچه آغودر فراقك شربتی عاشقلره / ایلر وصلك شرابن ایچنـه اول آغوکار
معرفت کسب ایله لهو لعبه مشغول اولمه کیم / بونجه صورت کوستررهردم بلانجی روزکار
چون بقاسز درجهانك مال وملك ونعمتی / دولت منصوره یاپیش اسـته عمر پایدار
عشق الندن کل شراب سلسبیل وکوثر ایچ / کیج بومیدن کیم چکرسن ارته رنجندن خمار
کل فراقندن کل ای بلبل صبور اول اغلمه / قیش بکر خنداناولور کلشن کلور فصل بهار
طوغریسوز طوغر حسودك بغرینی شولمعنیدن / کافره اولـدی نسیمك کلامی ذوالفقار

وله ایضا

جانك وجودی سنسز لاشی کبی عدم در / سـندن جدا دیرلك مشتاقه کی الم در
روح القدس دمندن عیسی ابن مریم اولدی / ای بیخبر بودمدن کل کل که دم بودم در
صاچك قرا کوسندن یوزك نوری کورندی / هر قنده شام اولورسه اردنجه صبحدم در
وارای قیلان عزیمت بیت الحرامه بیلکیم / معشوقنك جمالی هم کعبه هم حرم در
عشـقك بنی بلاسز بردم قومز النـدن / عاشق اولانه دائم عشقك ایشی الم در
یارك غمیـنی کوکلم کون ومکانه ویرمز / نیچون که اول بیلورکیم یارك غمی نه غم در
زرق وریادن اولدی بخسول اکر نسیمی / یارك محبتندن کور کیم نه محتشم در

وله ایضا

صورتك پاکیزه نقشی لایزالی بنـده در / بندن ایرلمز بو صورت اوش خیالی بنده در
کرچه کوزدن کندیکك آدی فراق اولدی ولی / هرجهتدن باقرم وصلك وصالی بنده در
نیـلرم باقی هـلال وبدره ابرق تا ابد / چون که یوزك بدرله قاشك هلالی بنده در
طور عشقکدر وجودم شول جهتدن لایزال / حسـن رخسارك تجلیسی جمالی بنده در
چون طوداغك کوثرندن بولمشم آب حیات / سلسبیلك عینیم خضرك زلالی بنده در
زلف وخالك شرحنی بن یازرم حرفا بحرف / چون بو موزون نقطه نك حرف مثالی بنده در
عرش رحماندر جمالك ذوالجلال ایدر آنی / ای یوزك قرآن بیانی ذوالجلالی بنده در
زلفله قاشـك حروفن یازه مز هر یازیجی / ابجدین بولدم بو لوحك جیم ودالی بنده در
بولمشم ملك سلیمـانی وقارون کنجینی / فضل حقدن چون وصالك ملك ومالی بنده در
غمزه سی بیمار وعینی ناتواندر صانمه کیم / کیمسه حالك بیلمز انك اشته حالی بنده در
دنیا وعقبی جمالك وصلنه اولدی طفیل / وصلنی چون بیلدم انك اتصالی بنده در

کرچه فتاندر کوزك ایدر بکاغك آیه کیم   فتنهٔ آخر زمانك مکر و آلی بنده در
صومعه عشقك قیل وقالك هر فقیه وشحنه کیم   بیلدی دیوان عشقك قیل و قالی بنده در
ای مسلسل زلفنك عقدنده سرکردان اولان   کل بکا صور کیم جوابی هم سؤالی بنده در
تاعتابك ذوقنی بیلدردی لعلك جانمه   جنتك شیر وشرابی خمر وبالی بنده در
لامکانك عالمك کر سیر ایدرسم نه عجب   جبرئیل روح قدسك پر وبالی بنده در
عشقه محو اولدی نسیمی تا که ایرق شمعنه   یانمسون پروانه کیم عشقك کمالی بنده در

﴿ وله ایضا ﴾

لیلة القدرك سودای زلف پرتابنده در   والضحانك آفتابی یوزی مهتابنده در
ای خمارین کوزلرندن فتنهٔ اویار صانی   کوزلری شول فتنه در کیم فتنه سی خوابنده در
ذوالحیات اولدی لبندن خضر وعیسی لایموت   کور بو قدرت معجزی کیم لعل سیرابنده در
صورتی یاربنه مصحفدر بو حسنك سوره سی   کیم ملاحتدن نکیم دیرسم انك بابنده در
کرچه رنجور اولدی شربن لبلرك عشقنده جان   هم شفاسی شول طوداغك قند وعنابنده در
کوزلری میخانه در انك یوزی بیت الحرام   کور بو بیت الله کیم میخانه محرابنده در
آب حیوانك مزاجی کوثرك خاصیتی   سلسبیلك ذوقی یارك لعل جلابنده در
ای ویرن معشوقنك اسرارینی نامحرمه   کر بو رازك محرمی سن اشته احبابنده در
بحر عشقك سرینی عارف بیلور صور عارفه   کیم بو سری اول بیلور کیم جان غرقابنده در
طره سنده زلفنك آشفته کوکلم چکدیکن   شول پریشان حاله صور کیم کوکلی قلابنده در
کلشکر بازاره کلمز بال اوتا نور قندار یر   شول حلاوتدن کیم انك شکر نابنده در
چون نسیمنك ابو الفضل اولدی حقدن کنیه سی   جمله اسمانك حروفی عین القابنده در

﴿ وله ایضا ﴾

بیلرم بن بونده دورب چونکه دلدار آنده در   صانمه کیم آنده دیدیکیم برسپه سالارنده در
بیلرم کلمزاره باقق چون بو یانمش کوکلك   شول بو یی سرو خرامان یوزی کلزارانده در
فرقتك دردی بنی طپراق ایدرسه ای صبا   یاری قیل طپراغم ایلت آنده کیم یار آنده در
جان یکاغك حسرتندن دکه کزاولمز جدا   قنده کیم کورسه کلی تر بلبل زار آنده در
شول مغلیجین کوزلرکله چونکه قاپدك کوکلی   چون بیلورسین کیم نه کزلی دراواسرار آنده در
باشیله جان دین ودنیا عقل دانش زلفنه   ویرمشم شمدی بولاردن هرنه کیم وار آنده در
دردمی آرترمه لطف ایت شربتکله ای حکیم   چون بنی صبر وقلان شول چشم بیمار آنده در
دیشلرك عکسنی نسیمی نك کوزینه دوشه لی   بحر بحرین اولدی ولؤلؤی شهوار آنده در

﴿ وله ایضا ﴾

هر کیم ایرر وصالکه عیش نعیم ایچنده در   وصلکه ایرمین کشی بیلکه جحیم ایچنده در

ظلمت هجر فرقتك مثل جهنم آتشی   منظر عالی وصلتك نور عظیم ایچنده در
آب حیاته ایریشن بوله حیات جاودان   ظلمت ایچنده قاله نك عظم رمیم ایچنده در
چون کیده اورته دن حجاب عینه مبدل اوله علم   بیلمه آنده کیم کیمك قلب سلیم ایچنده در
بولدی سلامت اول کشی کیم طلب وصال ایدر   استمین سلامتی رنج الیم ایچنده در
صورت خوبه مدعی بقمه دیو حرام ایدر   بوزی قرایی کور نیجه کفر عظیم ایچنده در
بوادی بو کون وصالکی عشقله اوش نسیمی کیم   وصلکه واصل اولنك عیش مقیم ایچنده در

وله ایضا

وصلکی کیمکه بولمدی درد عذاب ایچنده در   لعلکی کیمکه صورمدی تشنه سراب ایچنده در
کوکلم ایچنده صورتك جان کبی قلمشم یرین   جوهر کنت کنزی کور کیم نه خراب ایچنده در
شمع رخك حرارتی جوشه کتوردی قانمی   کورنیجه یازاودمش کیم بو کباب ایچنده در
قندله بال وشکرك لذتی اونوتمشم   تا که تمله لبلرك ناز و عتاب ایچنده در
کیمکه سنکله اولدی صبح ازلده آشنا   تا ابد اول قرا کونك بختی سحاب ایچنده در
سر سقاهم ای کوکل زاهده صورمه کیم آنی   عارف ربهم بیلور کیم بو شراب ایچنده در
زهده دلالت ایلرم عشقه حریص اولور کوکل   بن نه شماره دوشمشم اول نه حساب ایچنده در
غلغله دوشدی عالمه او بخولو نرکسندن اوش   فتنه لری کناره سی صانمه که خواب ایچنده در
شمس وقمر اکر یوزك تابنه دوشمدی بندن   عشقه اسیر اولان کشی آتش و آب ایچنده در
صورتکك صفاتنه واله وحیران اولمشم   کوزدن اکرچه صورتك طرف نقاب ایچنده در
زلف وقاشك نسیمیه وجه حسندر ای صنم   جمله نون بو وجهله فننی کتاب ایچنده در

وله ایضا

دردی فراقه دوشدیجان آه و فغان ایچنده در   سن بو عذاب و آتشی کور که بو جان ایچنده در
شوقه براقه کوکلمی چون سکاروشن اولدیکیم   نیجه غمله حزن بـله درد نهان ایچنده در
وصل رخکدن اوزکه بن کون ومکانه باقمزم   کرچه تجسته وصلتك کون مکان ایچنده در
عینم ایچنده قامتك سدره سی مسکن ایلدی   سدره هم آنده یار شرکاب روان ایچنده در
چرخه چقاردی آهمی جانمی یاندرر غمك   کورنیجه نارمش غمك کیم بو دخان ایچنده در
یارمی بندن آیرن حاجتی حاصل اولمسون   اصی صانن بو ایشی کور کیم نه زیان ایچنده در
سندن اکرچه دوشمشم ایرو سنکله یم یقین   اول نه بیلور بو رمزی کیم ظن وکمان ایچنده در
حالمی سنسز ای صنم بیلمز ایسن کل اشته کور   کوکلمه باقی و بغرمی کور که نه قان ایچنده در
وصل رخك بهاسنه ویرسم اکر اجوز اوله   جان وجهان هر نه کیم ایکی جهان ایچنده در
سلسله سنده زلفنك جان وطن ایلدی کیم   یعنی که جانمك یری صحن جنان ایچنده در
اولدی نسیمی ای قمر حسنکه فتنه نیلسون   فتنهٔ آخر الزمان چون بو زمان ایچنده در

﴿ وله ایضا ﴾

زلف سیاه ماهمك حلقه‌سی ماه ایچنده در   شول قرلك منازلی ابر سیاه ایچنده در
دوشدی کمند زلفنه عقل روان قوشی ولی   ظل الهه یاپیشن ظل آله ایچنده در
کعبهٔ عشقه وار‌ه‌نك صدق ونیاز یمش یولی   منزله عاقبت ایر رکیم که بو راه ایچنده در
جانمی برنکا هلن الدی حرامی کوزلرك   کور که نه درلو فتنه‌لر اشبو نکاه ایچنده در
عالم ایچنده بی کمان سنسن امیرد لبران   کور که بورسمه پادشه قنتی سپاه ایچنده در
سروقبایی یاقر کیمسه کلاهده کور مدی   شول بو بی سروکور نیچه ماه کلاه ایچنده در
صورت خوبه مدعی باقه دیمش نسیمیه   یوزی قرایی کور نیچه کفر وکناه ایچنده در

﴿ وله ایضا ﴾

بحر محیطه دوش کیم دریای اعظم اولدر   آده‌دن اولمه غافل نیچون که آدم اولدر
روح القدس دمندن شول مرده کیم دیرلدی   تحقیق عالمنده عیسی ابن مریم اولدر
اسرار کنت کنزه هر سینه محرم اولمز   آدم کرك بو سره محرم که محرم اولدر
کر یکلرك اوقندن براوق بویا که کندر   نیچون که یاره اونك زخمینه مرهم اولدر
صورتده کرچه دلبر معشوقه در ولیکن   معنیده فی الحقیقه عاشق دخی هم اولدر
غمکینه شاد لقدر یارك غمی ولیکن   غمکینه چوق بیلمز یارك غمی غم اولدر
شول عارفك کیم اولدی آینه‌سی جمالك   عالمده شکدکل کیم اسکندر وجم اولدر
قالو بلیده زلفك جانمله همدم اولدی   یعنی همیشه بیلکیم ارواحه همدم اولدر
جانسز بدن نه بیلسون انفاسنی مسیحك   شول جانه صور بونی کیم بیلدیکیم دمدم اولدر
منصور اکرچه حقدن رسوای عالم اولدی   اندن اکا نه غم کیم رسوای عالم اولدر
ای کعبهٔ حقیقی لعلك نه زمزم ایلر   کیم صوصامش نسیمی ایدر که زمزم اولدر

﴿ وله ایضا ﴾

بندن یوزك یشرمه کیم سجده کاهم اولدر   سیر ایدرم بو چرخی خورشید وماهم اولدر
حسنك چراغن ای جان پروانه کبی کچدم   تاریك ایچنده روشن کورندی راهم اولدر
پرهیز ایدرمی عاشق ای عشقه منکر اولان   درسن که ترکنی اور بنم چو شاهم اولدر
کر یو ککیله فاشك اولمشدر اسم اعظم   دیودن دخی نه قورقو چونکیم پناهم اولدر
حق دعویدن شهادت استرلر ایسه بندن   بن انی بولمشم کیم بنده کواهم اولدر
ای دینك رئیسی بکا حقیر باقه   بن نیچه مفلس اولم چون عز وجاهم اولدر
سن بندن اولمه غافل استه که تا بلاسن   انی که طانمش سن فضل الهم اولدر
نسیمی یم که دوشدم یوزك کلندن ایرو   بلبل کبی چمنده فریاد وآهم اولدر

﴿ وله ایضا ﴾

حسنك تبارك اه انوار لم يزلدر   يوزك جمال ايچنده بی مثل و بی بدلدر
حسنك اساسی ای جان قابل دكل زواله   نيچون كه ملك حسنك ملك بلا خللدر
ای حكمتك رئيسی معلول وعلتی قو   اول بوجو هری بيل كيم مبدأ عللدر
جنتده كرچه حقدن بالومی اولدی وعده   لعلك بكا كرك كيم هم می وهم عسلدر
ای بادهٔ سقاهم لعل لبك شرابی   اكراه ايدن بوميدن ايچديكی اكشی خلدر
عشقك اودنده شول كيم پاك اولمدی وخالص   قلبی غشيدر انك يوزی قرا زغلدر
ای سندن اير وكوكلم وحشی ايكی جهانده   عينك عجب غزاله حسنك عجب غزلدر
جانله هم جهانی طرح ايتيان بويولده   دنيا وآخرتده بی علم وبی عملدر
سن جان وجمله عالم اشبا حمش مثلده   جانسز بدن ديرلمز كور كيم بونه مثلدر
عنبرفشان صاچكله شول كونی بيلشم كيم   عالمده آدی انك لا ابتدا ازلدر
چون عالمك نسيمی قورتلدی كثرتندن   وحدت كبی بقاسی بی مدت اجلدر

وله ايضا

* بلی يارب يوزكدر رق منشور   محمد شرط اندن اولدی مشهور *
* طواف امر اولدی چون بيت العتيقه   رسول اول آدی قيلدی ديدی معمور *
* صفا تكدر بيلورم كعبه مطلق   زيارت ايلينلر اولدی مغفور *
* صاچك حبل المتين در صورتك هم   هدايت شمع دركيم عرض ايدر نور *
* بكاغلك هذه جنات عدن   يوزكدر كشف سنسن جنت وحور *
* سنك مستانه عينك ساغرندن   رواندر سلسبيل اوش مست ومخمور *
* مسيحی نفخه درشيرين دهانك   كه صحت بو اوراندن صورسه رنجور *
* قاشكله كر پكك مشكين صاچكله   وجودی درسليمان عينی در مور *
* انا الحق ديدی زلفك وارلغندن   چيقاردی كوكه فريادينی منصور *
* صفاتك باطنی ايلدی روشن   كه عالم وارينه اولمدی مغرور *
* سن احسن صورته انكار ايدنلر   عزازلدر كه دوشدی تكريدن دور *
* نسيمی يه تجلی قيلدی غمزك   كوزينه نور وكوكلن ايتدی مسرور *

وله ايضا

ای الذی يوسوس طاعتلرك هبادر   اكری بولك ضلالت چورك سوزك خطادر
ظن وكمان ايچنده قالمش سن ای يقين سز   مشكوكلن كيم ايدر قيلمق عمل روادر
جمعه نمازی نيچون شرط اولدی مصر وجامع   شرطن بيل اول اندن مشروطه صلادر
ای بيلمين بو مصری ايترمه جمعه يی كيم   جمعه بو مصر ايچنده مقبول كبريادر
يوسف كبی عزيزم مصرك ايچنده دائم   حق بيلن هميشه عالمده مقتدادر
آينه صورتنده كلدی رسوله جمعه   طانق بو حق حديثی اوش قول مصطفادر

آذینه نیچون اولدی آذینه نك آدین بیل
بوسری اول یلور کیم حقله آشنا در

آذینــه درقیـامت اول کونده دربدامت
اول کونده حشرا ولبسرا اول کونده ماجرادر

اول کونده درحسابك هم راحت وعذابك
اول کونده حق قتنده اجمـاع انبیا در

ای جمعه دن خبرسز جمعه کوتی یلکیم
اول کونده وعده حقدن اوچاغله لقادر

آذینــه یی بیلنــلر مغفور وناجی درلر
مغفور اولان جهانده هادی وپیشوا در

جمعه کونك صفاتی شرح وبیانه صغمز
معنیده کرچه حقدن جام جهان نما در

چون جمعه یوم دین درارض وسماده حقدن
دبنن یترمش اولکیم آذینه دن جدادر

اول مشرك بخســدر جمعه یی قلمین کیم
قولی وفعــلی انك تقـلیدله ریا در

چون حجة المساکین جمعه کونی درای جان
مسکینه صور که مسکین آینه سی صفا در

جامعده جمعه اوش هر کون قیلان بنم بیل
قرآن امامم اولدی دائم بو زم حفا در

آذینــه حج اکبر حاجه حقدن اولدی
اول بی بصرنه بیلسون بوسری کیم عمادر

ایمانی بوقدر انك کیم اولدی بی امانت
دبنن یترمش اولکیم عهدینه بی وفا در

پیغمبرك ســوزیدر هم تکر بنك کلامی
بوعهــدو بوامانت بیلکیم نه ادعا در

شول عهد وشول امانت کرسنده وارسه خوش
بوقسه بیل ای ایمانسز کیم دینسز اول دغادر

ای کفر وشرك ایچنده صانمه اوزکی مؤمن
اسلام وشرع وایمان محصول اولیا در

دجال طعنه سندن خوف ایلمز نسیمی
نیچون که روح قدسه عون ومعین خدادر

وله ایضا

دون کون منتظرم بن که بو پرکار ندر
کنبد چرخ فلك کردش دوار ندر

بوطقوز چرخ معلق ندن اولدی ترتیب
فلك التنده قمر کوکب سیارندر

موسی وطورندر شبلی ومنصورندر
اژدهـا اولان اغاج رشتیله دار ندر

فلکك اصلی ندندر ملکك نسلی ندن
آدمك صورتنــه بنجه طلب کار ندر

کعبه ودیر ندر غیرندر سیر ندر
مسجـد وبتکده وخرقــه وزنار ندر

علم قرآن وحدیث وخبر ووعظله درس
جمله برمعنی ایمش بونجه بوتکرار ندر

برمکس طبعنــه باق بال ندن زهرندن
بنــه بریرده عجب مال ندر مار ندر

اود وصــو طپراق ویل آدی ندندر آدم
اکا سجده نیچون ابلیسـه انکار ندر

کونشك قرصی ندن یر یوزینه شعله ویرر
ینه برمشــعله ده نورندر نارندر

کیمکه بیلمز اوزینی بیلمیه پیرلر سوزینی
کندوســن اکلین بیلدی هرکار ندر

کل کل ای دوست قومدعی کورلغنه
سکا آســان قیله م بونجه بودشوار ندر

ترك اونده سن اکر همچو نسیمی اوله سن
بر کون اوله دیه سن جبه ودستـار ندر

وله ایضا

تعالی شــانه حسنك صفاتی کیم معلادر
که الرحمن علی العرش استوا اول صحن مولادر

بو حسنك اشتراكندن ننه لك لاشريك اولمش   پس آمنا وصدقنا سكا عرض ايتمك اولادر
حروفى عين القابك بو ماهيت دررچونكم   صفاتى ذاتكه كلمش بو اسما كيم مسماادر
ازل بزمنده رخسارك نه شى كيم كورديمست اولدى   عجب مى دركيم ايچنلر هنوز اول مست وشيدادر
حكيمك شربتى اولمز كوزك سوداسنه نافع   وصالك شربتك استر دماغنده بو سودادر
وجودم لوحنه يازدم سنك عشقك سنك علمك   نه سن اى منشئ اشيا بونه وضع ونه انشادر
يوزك خورشيد خاوردراكا مطلع دراى كون   نه شمس لم يزل طوغمش كه حسنك آدى يكادر
صاچكدن بيلكه صدر اولدى الم نشرح لك يارب   جمالك شمع ياسين دريكاغك نور طاهادر
معنبر زلفكه كنيت قديم وثابت اولمشدر   كه سبحان الذى اسرا انك شانكده اسرادر
يد بيضا ايمش جسمك كه موسى اكا محرم در   تعالى شانه اكبر بو نيجه طورسينادر
نسيمك بو كوندوشدى كوزينه دپشلرك عكسى   زهى پاكيزه جوهر كيم محيطى كورنه دريادر

وله ايضا

قاشكله كرپكك زلفك قرادر   تعالى الله نه صورتلر يرادر
بلا در عينك اما حاجبينك   بلا اوستنده بارتق بلادر
بيان ايلر خط وخالك يوزكده   كيم انك نقشنى يازن خدادر
كلام الله ايله سبع المثانى   اكر يوز كدر ايدرسم روادر
بكا دنياده وعقبى ده سن سن   آلهم قبلم اوش يوزم سكادر
سكا كيمدردين كيم حق دكلسين   سنى حق بيليان حقدن جدادر
ديدى زاهد بكا كيم سومه خوبى   خطادر زاهدك فكرى خطادر
دليل اولدى خطك طه سى خلقد   كه الرحمن على العرش استوادر
بو اسرارى نه بلسون شول عزازيل   كيم انك طاعتى زرق وريادر
كل اى صوفى صفتك صافى ايچ   كه صافى ايچنك ايچى صفادر
اوتوز ايكى خطكندر بو عالم   له ما فى السموات العلادر
نسيمى چونكه حقه واصل اولدى   هو الباقى فى هو الله البقادر

وله ايضا

عاشق قتنده كفرله اسلام بردر   هر قنده مسكن ايلسه عاشق اميردر
معشوقنك نظيرى بيلمز جهانده چون   تانى آنى بو وجهله كيم بى نظيردر
بتخانهٔ ايله كعبهٔ وحدتده فرق ايدن   معنيده بالغ اولمامش اول كرچه پيردر
اى قانمه تفأل ايچون قرعهٔ صالن   دوندرمه فالكى كه مبارك ضميردر
عشقك يولنده يوزنى خاك ايلين فقير   آدى جهانده خسرو صاحب سريردر
دنيا وملك ومالنه الدنمه اى ملك   كيم دنيانك متاعى بغايت حقيردر
توزلو جهانه سلكك انكك كيم نعيمنه   هر بى بصر كيم اولدى مقيد اسيردر

ای کعبه نك جمالنه عاشق نیاز ایله	میدان عشقه کل که مغیلان حریردر
مشتاقه دلپذیردر انك جفالری	معشوقدن همیشه جفادلپذیردر
هر کیمسه نك که یوزیکه اچیلدی کوزلری	صاحب بصیرت اولدی وآدی بصیردر
آفاقه دوشدی غلغله حسنکدن ای قمر	افاقه باق وکورکه نه آه ونفیردر
طرح ایلدی یولکده نسیمی وجودینی	کورآنی نه محتشم اولمش فقیردر

وله ایضا

یوزك بدری جهانك دانه سیدر	بروکوك آی وکون پروانه سیدر
جهان ودین ودل زلفکه جانم	اکر لایق دوشرشکرانه سیدر
یوزکدر آیة الکرسی انکچون	کلام الله محرم خانه سیدر
صاچك زنجرینه دوشدی بو کوکلم	مسلسل زلفکك دیوانه سیدر
قاشکله کربکك زلفکله خالك	حرامی کوزلرك مستانه سیدر
طوتشمش عشق اودی جان صوردی جمعه	بو دردی کیمسه بیلز یانه سیدر
یوزکده عابد اولمشدر نسیمی	نسیمنك بوکون جانانه سیدر

وله ایضا

❊ یوزك نور تجلی مظهریدر	سوزك طاتلوسی آب کوثریدر ❊
❊ رخك شمع شعاعندن منور	فلکده ماه ومهر ومشتریدر ❊
کوزك سحرندن اول هاروت وماروت	آصلمش چاه بابلده بریدر ❊
❊ فلكلر یوزسوررلر آیغکه	ملکلر خدمتکده چاکریدر ❊
❊ عزازیل قاچدی وصلك قربندن	انکچون طوق لعنت زیوریدر ❊
❊ صدفدر رجله مخلوقك وجودی	وجودك اول صدفلر جوهریدر ❊
❊ دم عیسی اولودیرلدر اما	دمکدن خضرله عیسی دیریدر ❊
❊ جمالك مؤمنه مرأت اولدی	که دائم مؤمنك اول منظریدر ❊
❊ نسیمی کوهریدر بحر عشقك	بو بحره طالمین دیو وپریدر ❊

وله ایضا

کوکلده بنم عشق جمالك ازلیدر	شول نسنه کیم اولدی ازلی لم یزلیدر
نفسینی بیلان درکه یقین ربنی بیلدی	حقدن بو مقاماته ایرن بیلکه ولیدر
نفسینی بیلان بیلکه حق بیلدی حقیقت	انکارینه بل باغلمه کیم قول علیدر
ای یوزی ترش خل کبی زاهدمیه صونکیم	ساقی لبنك طاتلو شراب عسلیدر
ای یارینی دنیایه وعقبایه ویرن کل	بول نسنه کیم دنیه ده یارك بدلیدر
ایندرمدی باش احسن تقویمه عزازیل	آنی براغن لعنته انك جدلیدر

ادراك ایده مز صورتنی كورمیان اعمی   شول معنی بی كیم حسن وجمالكده جلیدر
صاف اولمیان التون كبی مهركله جهانده   اول یوزی قراقلب ایمش آدی زغلیدر
ای یاره فدا ایلیان جانی عاشق   معشوقدن اوی و برمه كه عشقك عملیدر
عاشقلرینك قاننه باندردی الین دوست   شول قانه كیرن دائم انك سمین الیدر
چون بوالدی نسیمی ابدی عمر صاچكدن   شول درلكی نیلر كه زمان اجلیدر

وله ایضا

شاهد لا شریك له شول صنمك جمالیدر   لبس كنله انك نونله میم ودالیدر
چهرهسی كرچه نورایله كشف حجاب وجه ایدر   وجهه اشارت ایلیان اول صنمك جمالیدر
كرچه هر آیده بر كیجه آیه كمال ایرر ولی   یوز قر ایرمز آنده كیم اول قرك كمالیدر
صورتی كرچه حسنله جوشه كتوردی عالمی   فتنه قان ایدن انك قاشیله زلف وخالیدر
آخرتك نعیمنه اولمه حریص وباقه كیم   حورله جنت ولقا جمله انك وصالیدر
مهررخك نه وجهله قابل اوله زواله كیم   وصف جمالك ای كونش آیت بی زوالیدر
شبههٔ لا شریك له تاپیله سنكه بنده یوق   كوزكویه باق وكوزكوده كور كدنه نك مثالیدر
وصله قناعت ایتمشم دنیا وآخرت سكا   عاشقه شول مشاهده نعمت لایزالیدر
شكر ایدرم آ اهمه هر نفس ای نسیمی كیم   اهل كماله منطقك رحمت ذوالجلالیدر

وله ایضا

دون كون فراقكدن كوزم یاش دوكروقان اقیدر   لعلك غمندن دم بدم یاقوت ومرجان اقیدر
یاندردی شوقك جانمی دلدی فراقك بغرمی   عشقك بلاسن باشمه كوركیم نه طوفان اقیدر
نطقكدن اولدم چوندر یعین الیقین اولدیبو كیم   لعلكدر عیسی كیم اول اغزین آچر جان اقیدر
كل كل اوتته یاربكی حالك كورانك صورآنی   شوقكدن ای دردانه كور كوزدن نه عمان اقیدر
شول انجو صورتلو دیشك كلمش خیالی عینمه   اغزندن اصدافی انك لؤلؤی غلطان اقیدر
دركدرای حوری لقا مشتاقه شول شافی شفا   كیم شربتندن هر نفس بیك درلو درمان اقیدر
نوحك كبی بن استه كیم باقلشدی طوفان قوبغه   سیلاب شوقی شویله كیم بو چشم كریان اقیدر
مشكین صاچك چوكانته چون باشمی طوب ایتمشم   عشقك بلاسندن بنه اول طوبه چوكان اقیدر
لعل لبك تفسیرینی سویلر نسیمی جانلره   شول سیلن كیم صانه سن خضر آب حیوان اقیدر

وله ایضا

عالمده بوكون سنجلین یاركمك وار   كر واردیرسك یوق دیمزم واركمك وار
محبوب قریوزلو پری چهره اوكشدر   یا كفلری كل لعل شكر باركمك وار
دلدار مجازی بولنور عاشقه یوزبیك   بكزرسكا تحقیقده دلداركمك وار
عشقك غمنه ایلشم كوكلی مخزن   بر بنجلین مخزن اسرار كمك وار

گرچه گیجه سی مطلع انوار در آنك　　زلفی كبی برمطلع انوار كمك وار
ای بونجنی دردانه صاتن جوهری بیل　　تا كیم بیله سن لؤلؤی شهوار كمك وار
تا تاره صاچك توزینی تجارله كوندر　　تا كیم بیله لر نافهٔ تاتار كمك وار
جانیله جهان یاره فدا قیلدی نسیمی　　انك كبی بریار وفادار كمك وار

وله ایضا

قنی برعهدو پیمانی بتون یار　　قنی برقولی كرجك طوغری دلدار
قنی حق بیلن بركرجك اركیم　　اوله طوغری انك دلنده گفتار
قنی دورنده برقلب زغلسز　　قنی عالمده برآریجه دینار
قنی دنیاده اقرارایلین كیم　　كه بوقدررا نك كوكلنده انكار
قنی شول انجولو آری صدف كیم　　بولینه آنده بیك لؤلؤی شهوار
قنی منصورلین براهل حق كیم　　آصیله عشق ایچنده باشی بردار
قنی كرچك این برحقه عاشق　　قنی كورمش حق براهل دیدار
قنی غفلت شرابندن برآییق　　قنی اسركارك جمعنده هشیار
قنی عهدنده شول ثابت قدم كیم　　قویم آدینا نك طوغری وفادار
قنی دنیاده اقرار ایلین كیم　　كیم آنده كزلنه بیك دراو اسرار
یار ایله چونكه براولدی نسیمی　　نه غم كرجمله عالم اولسه اغیار

وله ایضا

جان عشقه دوشدی ای كوكل یارب نه در تدبیرمز　　جان نیلسون بیچاره چونحقدن بودرتقدیرمز
مشكین صاچكعشقی بنی زنجیره چكدی بغلادی　　یعنی كه بز مجنونلرز شول حلقه‌در زنجیرمز
ساقی لبندن طوغمشز یعنی كه بادن لامله　　فطرت كونندن تاابد شول دایه‌دندر شیرمز
شول كوزلرك كرپیكنه عاشق نیجه صید اولمسون　　كوركیم نه‌بایندر كلن شول زخمه مرهم تیرمز
چون قیر وقارك قیمتی معنیده بیلدك كیم ندر　　كافوره دوندی قارمز هم عنبر اولدی قیرمز
زهد وصلاح وتوبه‌نك اركانك اهل زرقه صور　　عشقه مرید اولدق بزاوش عشقی ابددر پیرمز
دورنده میكون كوزلرك عابدلرك زاهدلرك　　ذكری بودردلنده كیم وازرق واتزویرمز
عشق اهلی اقلیمنده چونحسنكدرای دلبرملك　　حكمینه محكوم اولمشز سلطانمزدر میرمز
اصحابكهفك سرینی كورمش لقای طوره صور　　نیچون كه والطوراهلنك كهفنده‌در قطمیرمز
شول سنبل پرچینله سودابه دوشدك نیده‌وز　　تجاری یوزحسنك بودر كتبابت وكشمیرمز
قرآندر انك صورتی ایدر نسیمی شك دكل　　منكرا كریوق دیرسه اوش مصحف اوش تفسیرمز

وله ایضا

كعبه یوزكدرای صنم یوزیكه درسجودمز　　تا كه كوره بوسجدهٔ ناره دوشه حسودمز

شمع رخك حرارتی یاندررای قربزی — اوشبوجهتدن اولدیکیم کوکاره چیقدیدودمز
جانمزی براقشز آتش عشقك اودینه — تا که صفا وذوقله عشقنه یانه عودمز
زلف وقاشکله کرپکك مصحفمزدر اوقورز — ای دلمزده جمله سن کفتمز وشنودمز
زلف ورخك شمارینه دوشمشم اشته صایرم — کیم نه بیلور بو عقده ده کیم نیجه درعقودمز
مهبطمز صفات ایچون ذات قدیم وفردیمش — واحد بی زواله درمز جمله صعودمز
قاضیه نسنه ویرمزز رشوت ایچون بودعویده — قاضئ حق قتنده چون عادلمش شهودمز
صورت خط وخالنه ساجد وعابد اولمیان — ملتمزده اولدرر مشرکمز یهودمز
ماومنیدن ای فقیه اسره اول ایکی دردیمه — چون که یکانه دندرر وارد له ورودمز
دوشمن ایچون نسیمیه اولمه ملول وغمیمه — اولدی ازل کوننده چون فضل ابدودودمز

ولە ایضا

✻ ای ازلی جانله جانانمز ✻ — ✻ عشق رخکدر ابدی شانمز ✻
✻ کعبه یوزکده بزه ای فضل حق ✻ — ✻ زلف ورخك قبله وایمانمز ✻
✻ وجهنه یازدی اوتوز ایکی حروف — ✻ حکمتله منشئ ارکانمز ✻
✻ صورتی چون احسن تقویم ایمش — ✻ سنده ظهور ایلدی سبحانمز ✻
✻ صورك الله علی شکله ✻ — ✻ اشته نبینك سوزی برهانمز ✻
✻ مؤمنه حق دنیایی زندان دیدی ✻ — ✻ مؤمنه چوق قالمیه زندانمز ✻
✻ اویمدی عارف سوزینه واعظك — ✻ دیوه مطیع اولمدی انسانمز ✻
✻ اول وآخرده یوزکدر یوزك ✻ — ✻ صورت الله ایله رحمانمز ✻
✻ کیمکه سجود ایلمدی حسنکه ✻ — ✻ دیو لعین اولدی وشیطانمز ✻
✻ جان نیجه ترك ایلسه ای جان سنی — ✻ چونکه جانك جانی سن ای جانمز
✻ عینمه سنسز تیکن اولدی جهان — ✻ قنده سن ای تازه کلستانمز ✻
✻ تاپیله سن کیم نیجه درای فقیه ✻ — ✻ آدم خاکی ایله احسانمز ✻
✻ هدهدی بلقیسه رسول ایلدی ✻ — ✻ نامه یی کوندردی سلیمانمز ✻
✻ جورله یاندردی نسیمی تی — ✻ هم برایدی دوستله پیمانمز ✻

ولە ایضا

✻ ای یوزی کل ایلری مرجانمز ✻ — ✻ ای کوزی نرکس شه مستانمز ✻
✻ یوزیکه قارشو سجود ایلرملك ✻ — ✻ سجده یه انکار ایدر شیطانمز ✻
✻ نون وعینك حق کتابیدر ولی ✻ — ✻ صورتك نقشی درر قرآنمز ✻
✻ خضر اکر ظلماتده استرآبنی ✻ — ✻ لبلرکدر چشمهٔ حیوانمز ✻
✻ شول صفاسز صوفئ کورکیم نیجه ✻ — ✻ دم اورر بی معرفت حیوانمز ✻
✻ فاء ضاد ولامدر فضل آله ✻ — ✻ فضلنه قربان ایده لم جانمز ✻

❊ حكمنه تسليم اولورجان وكوكل ❊	❊ اى وجودم تختنه سلطانمز ❊
❊ اى نسيمى كوهرك خرج ايله ❊	❊ اولميجه مشترى جانانمز ❊

وله ايضا

عهده وفا قيلمدى يار وفادارمز	يارله كوركيم نيجه دوشدى عجب كارمز
عشق جمالك بنى كندويه محو ايلدى	اولدى تمام اوش بوكون عشقله بازارمز
غمزه لرك سرينى جانده ديدم صاقلهيم	طشره براقدى آنى پرده دن اسرارمز
عشقه علاج استمه دردينه صبر ايله دور	كوركه نه درمان قيلور يار وفادارمز
كيمكه سنى سومدى عشقكه جان ويرمدى	بوقدر انك حقنه ذره جه اقرارمز
زاهد اكر عاشقه منكر اولور اول بيلور	حق بزه اولدى عيان قالمدى انكارمز
عهده وفا ايله كل تاديمسون مدعى	قول وقرار اوسته دورمدى دلدارمز
باطنه كار ايلدى عشق رخك شويله كيم	طعنه اورر التونك رنكنه رخسارمز
كرچه نسيمى سوزك طادينى ويردى ولى	طاده كتوردى آنى لفظ شكربارمز

وله ايضا

❊ صورتك نقشينه خيال ايرمز ❊	❊ كوزلرك آلينه آل ايرمز ❊
❊ شول قدر صافيدر ابك عينى ❊	❊ كيم انك آينه زلال ايرمز ❊
❊ بوكلى كوركه رنك وچهره سنه ❊	❊ نه قدر آل ايدرسه آل ايرمز ❊
❊ كرچه آيى يوزيكه بكزدرم ❊	❊ قاشلرك شكلنه هلال ايرمز ❊
❊ قامتك شويله معتدلدركيم ❊	❊ اعتدالنه اعتدال ايرمز ❊
❊ اى جميل اللقا نه دلبرسن ❊	❊ كه رخك حسننه جمال ايرمز ❊
❊ زلفى درجيم وقاشى دال ولى ❊	❊ زلف وقاشينه جيم ودال ايرمز ❊
❊ نيجه كونش سن اى قمركه سكا ❊	❊ تابد ذره جه زوال ايرمز ❊
❊ اى نسيمى سوزك مفرحدر ❊	❊ بوجهتدن سكا ملال ايرمز ❊

وله ايضا

سن بكا يار اول كه كوكلم بردخى يار استمز	كوكلك دلدارى سنسن اوزكه دلدار استمز
جنت عدنك كلستانى رخك كلزاريدر	كيمكه شول كلزارى بولدى اوزكه كلزار استمز
كوكلك مقصودى سنسن حاجتى حقدن بودر	حاجتندن آيرو كوكلم نسنه زنهار استمز
كل كه سنسز كوكلم اى جان وجهانك حاصلى	كن فكانك حاصلندن اولدى بيزار استمز
صورمه اى دلبر بكا كيم حاجتك بندن ندر	چونكه معشوقندن ايرو عاشق زار استمز
چون انا الحق دارينى منصور اولاندر استيان	اولميان منصور انا الحق ليس فى الدار استمز
استرم عالمده يارك سرينى فاش ايلهيم	مدعينك جانى يانر غمدن اغيار استمز

يوزيني بي پرده كورمك استرم دائم ولي ‏ منكرك عيني عمادر كشف اسرار استمز
استدي حقدن نسيمي وصلني بولدي مراد ‏ مالك دينار اولدي كنج ودينار استمز

وله ايضا

بكا سنسز جهان و جان كركمز ‏ وصالك وار ايكن هجران كركمز
لب لعلك زلال آبندن ايرو ‏ شراب چشمهٔ حيوان كركمز
غمكدر كوكلمك تختنده سلطان ‏ براقليمه ايكي سلطان كركمز
يتردردك دوامشتاقه نيچون ‏ كه دردك يله نه درمان كركمز
كلستانك كلي سنسز تيكندر ‏ بكا سنسز كل وريحان كركمز
كل اي عاشقلرك رضواني حسنك ‏ كه سنسز عاشقه رضوان كركمز
ايكي عالمده ديدار كدن اوز كه ‏ بكا اي صورت رحمان كركمز
وصالك شربتن ايچون محبه ‏ فراقك آغوسي چندان كركمز
بكا صبر ايلمك سنسز نكارا ‏ اكرمشكل اكرآسان كركمز
ازلده قيلمشم عشقكله پيمان ‏ بتون پيمان صنيق پيمان كركمز
كسلمز كرچه وصلكدن نسيمي ‏ كوزندن اولديغك پنهان كركمز

وله ايضا

كل كل كه سندن اير و مشتاقه جان كركمز ‏ مشتاقه سنسز اي جان ايكي جهان كركمز
كلزاره سروه كوكلم ميل ايلمز انكيچون ‏ قدكدن اوزكه اي جان سرو روان كركمز
شول بي نشاني بولدم انك نشاني اولدم ‏ يوزك كوره نه ايرق نام ونشان كركمز
كوردم سني كمانسز هر دلبرك يوزنده ‏ حق اليقين كوره نه ظن وكمان كركمز
چون واصل اولدك ايجان بزمله سن جهانده ‏ اولدق وصاله قانع كون ومكان كركمز
مشكين صاچكله چونكيم ويردم ايكي جهاني ‏ اصي يه اوغريانه قلجه زيان كركمز
قاشيله كوزي انك صيد ايلدي جهاني ‏ صياد النده ايرق تير وكمان كركمز
شيرين لبك ميندن چون اسردي نسيمي ‏ فاش اولدي سري پنهان شرح وبيان كركمز

وله ايضا

فراقي چكمين عاشق وصالك قدريني بيلمز ‏ جميله اولميان واصل جمالك قدريني بيلمز
شب اسراده قوسينك ايكي نصف ايلدي آيي ‏ بو معجزدن اولان غافل هلالك قدريني بيلمز
طوداغك سلسبيلندن خبردار اولميان غافل ‏ انك ماهيتي اوددر زلالك قدريني بيلمز
مدور نقطهٔ خالك بنك دن عينه قوندردم ‏ بيكسز قالسون اولكوز كيم بو خالك قدريني بيلمز
خيالكدن كورن هركيم براقدي اوزكه منظوره ‏ بو معنيدندر اي جان كيم خيالك قدريني بيلمز
سني سندن ديلر كوكلم نه دنيانك زر وكنجن ‏ كيم اولمالي سون خاسر بو مالك قدريني بيلمز

کلام اللهی ای دلبر دونك کرچه دال اولدی　　هرا کری باقه نك عینی بو دالك قدرینی بیلمز
یوز کدر پرده اللهك یمینك کعبه سی بیتی　　یمینی بیلمین بیلکیم شمالك قدرینی بیلمز
نهالك اعتدالندن اوتانور سدره وطوبی　　بو قدی بکزه دن سرو ه نهالك قدرینی بیلمز
کونش ماهك تمامندن زواله هر کون اوغرچون　　ندن شول آفتاب بی زوالك قدرینی بیلمز
نسیمی صوفه دکشردی غمکدن کیدیکی شالی　　کیم اول صوفی صفاسزدر بو شالك قدرینی بیلمز

وله ایضا

عالمده بو کون عهد بتون یار اله کیرمز　　یاندردی تیکن باغرمی کلزار اله کیرمز
ای خسته کوکل کورنه دیرم بندن ایشت پند　　دلداره حریص اولمه که دلدار اله کیرمز
ناقص محك اولدی قونك قلبی زغلدر　　برسکه درست آریجه دینار اله کیرمز
تیماره کوکل ویرمه کل ای صبر وحکیم اول　　درمانکی درد ایله که تیمار اله کیرمز
کل چهره سنك شمعنه پروانه کبی یان　　انك کبی جان یاندریجی نار اله کیرمز
سیاره کبی سیرایدرم دائم انکله　　شول سیرایدیجی کوکب سیار اله کیرمز
موسی کبی کر عاشق ایسك کوکلکی آرد　　صاف اولمیجق آیینه دیدار اله کیرمز
ای آخرتك دارینه عاشق بوفنا دن　　کل کچ که بجز عرصده شول دار اله کیرمز
الفاظ نسیمی بو کون اول معجزه درکیم　　بکزر اکا براؤلوی شهوار اله کیرمز

وله ایضا

دردوغمیله یاندی کوکل یار بیلمز　　چوق دار ودیار استدی دیار بیلمز
یارم دیجی چوقدرر اما بحقیقت　　فرصت کلجك یار وفادار بیلمز
عادت بودررکیم دلی دلداره ویررلر　　دل کتدی الیمزدن ودلدار بیلمز
نیجه کشیلرد عویٔ اسلام ایدر اما　　تك آرده برخاجله زنار بیلمز
هر بی هنز انصابله منصوبلری طوتدی　　صاحب هنزه منصب وادار بیلمز
هر کیشیده برجبه ودستار اولور اما　　بیك باشده بری لایق دستار بیلمز
طرار کر آلورسه قورختی روادر　　چون قافله ده برکشی بیدار بیلمز
واردرده تحمل قیل وصبر ایله جفایه　　چون دل دلکی اندك وبسیار بیلمز
زرق ایشی ریا اشده کساد ایلدی فضلی　　علم اهلنه بررونق بازار بیلمز
وار اوزیکی فاش ایتمه نسیمی کشی یه کیم　　عالمده بو کون محرم اسرار بیلمز

وله ایضا

کل ای دلبرنی کورکیم نیجه خوش یارم سنسز　　اودندن آجی هجرانك صو اولدم اقارم سنسز
خیالك کلمش ایحوری کوزم قارشوسنه طورمش　　فراقکدن یانر باغرم خیاله باقارم سنسز
ایکی عالمده مقصودم وصالکه اولشمقدر　　ضمیرم نیتم اولدر قچان فال اچارم سنسز

امانسز

امانسز فرقتك هردم بو ويران كوكلك شهرن   اساس رسمنی یقارتنه کیم یاپرم سنسز
صولر انجولرك شوقی كوزمدن آقیدر یاشی   بو لؤلؤ معدنندن كورنه مرجان صاچرم سنسز
كل ای محبوب روحانی كه هردم بونجه غمدن   فراقك حسرتی شوقك اپینی طاقرم سنسز
نسیمی جانی عشقك یولنده ایلدی قربان   انك آدین بو معنیدن قاتیله یازرم سنسز

وله ايضا

لعلك می الست ایدی جام اولمدی هنوز   خاصیدی صحبتم دخی عام اولمدی هنوز
ویرمشدم اكا دل ودین عقل وجانمی   زلفی كمندی بونجه دام اولمدی هنوز
عشقك اودی بشرمشدی دراو اشلرم   سوداسی كوكلك دخی خام اولمدی هنوز
دیداریكی تجلیده كورمشدی كوزلرم   موسی ایله آراده كلام اولمدی هنوز
یوزك قتنده سجدهٔ نسبت قیلوردم   آندن ایلری خلقه امام اولمدی هنوز
حسن رخك كتابی ختم ایلمش ایدم   كوكدن رموز وحی تمام اولمدی هنوز
شول طفل كبی جانمه وصلك غدا ایدی   فطرت كوننده وجه نظام اولمدی هنوز
رضواندم ازل كونی اول روضهٔ كوروب   حور بهشت ودار سلام اولمدی هنوز
ایرمشدی نسیمیه فضلك عنایتی   كون ومكان صبحله شام اولمدی هنوز

وله ايضا

آخر زمانك فتنه سی شول كوزلری شهلایمش   كل دوش انكسوداسنه كوركیم نه دوش سودا یمش
عشقكده محو اولدیجه حسنكده حیران اولدیجان   ای كنت كنزك كوهری عشقك عجب دریایمش
دوشدی صاچك زنجیرینه آشفته كوكلم نیلسون   زنجیره دوشمكدر ایشی هرقنده برشیدایمش
ای طوبیٔ آرزولین اچاقلو همتلر كبی   قدینی یارك آرزوله كیم طوبیدن اعلایمش
عشقكده ایجان نسخه سی غوغاده در عالم بو كون   عالمده دائم حسنله عشقك ایشی غوغایمش
تسبیحله سجادهٔ عرض ایتمه اهل حاله كیم   حبل المتین عاشقك شول زلف عنبرسایمش
شول آلی چوق آله كوزك كوكلم اوین یغمالدی   یغماجی تركك عادتی هرقنده سه یغمایمش
دنیاده وعقباده چون همتا بولمز حسنكه   شو اوحدی كوركیم نیجه بی مثل وبی همتایمش
كزدم وجودم شهرینی طولوطواو كوردم آنی   هر پرده چون سنسن عجب آدكدن بیجایمش
چیقدی نسیمی نك سوزی معراجه ایخلق حسن   كل كل كه سبحان الذی اسرایه خوش اسرایمش

وله ايضا

ای جمالك نور سبحان الذی اسرایمش   عبده لیلا طپوكدر مسجد اقصایمش
سوزلریكك هر بریسی نفخهٔ روح القدس   ابلرك معنی ایله یحیی الی الموتایمش
النكه یازدی خدا انا فتحنا سوره سن   قاف والقرآن یوزكدر سدرهٔ اعلایمش
عارضكله ایكی زلفك لایزالی كورینور   معنیٔ سبع المثانی علم الاسمایمش

ایشكك عاشقلره بیت الحرامك مروه سی	كعبه یوزك اولدی زلفك عروة الوثقایمش
طلعتك نور تجلی والضحانك مظهری	قاب قوسین اولدی قاشك زلفك او ادنایمش
ای نسیمی چونكه كلك وحدتك دریاسیدر	یدی دكز قبه سبنه موج اورن دریایمش

وله ایضا

ای جنتك خندان كلی آجی فراقك خارمش	مشتاقه درلك سنسزین والله كه كی دشوارمش
سنسز كر كمز كن فكان ای صورت رحمن بكا	عشق اهلینك مقصودیچون كون مكاندن یار
موسی تجلی نورینی كورمك تمنا ایلدی	مقصودی معلوم اولدی كیم حقدن انك دیدار
حقله یارا ول یاربیل یاد اولمه حقدن عارف اول	شول مدعی كیم حقله یار اولمدی اغیارمش
كرطانمش سن نفسكی كرچك بیلورسن ربكی	حقدر سنكله غمیمه نیچون كه حقك یارمش
منصور انا الحق سویلدیحقدر سوزیحق سویلدی	انك جزاسی غم دكل بیكانه دن كردارمش
قالو بلانك عهدینی اونتمزم اونتمه كیم	ایمان وتوحید اهلینك شو عهد وشول اقرار
منكر اینانمز حقه كر عیب ایتمه آنی فارغ اول	شول معنیدن كیم منكرك دائم ایشی انكارمش
توحیده كلمز مشركك قلبی وعینی احوللك	سن شولمو حدلردن اول كاوی اولوا الابصارمش
كالكون بكاغكدن بكا كشف اولدی ای بدردجا	كاهل وفانوك جنتی شول باغ وشول كلزارمش
هرزاهدك كیم تسبیحی شول زلف پرچین اولمدی	ذكری هبا و هرزه در سجاده سی زنارمش
حق صورتندن كوز یومر زاهدندر بیلرزم	شولكری چوق شیطان كبی حقدن مكر بیزار
عارف قتنده دینك مقداری بوقدر ذرجه	عیرانه چك مقدارینی كوركیم نه بی مقدارمش
نطق نسیمی نك یقین الله نورك شرحیدر	هركیم بو سوزی بیلدی بیلكیم نصیبی نارمش

وله ایضا

❊ جعد زلفك عنبر افشان ایلمش	نافهٔ چینی پریشان ایلمش ❊
❊ جان ودل هردم نیجه طوپ اولمیه	چون نكارم زلف چوكان ایلمش ❊
❊ زلفی طاغتمش رخ اوزره اول صنم	كافر چین قصد ایمان ایلمش ❊
❊ عاشقك قانه باندرمش السین	كور بو چوق دستان نه دستان ایلمش ❊
❊ كوزلری قاشی انا الحق چاغیرور	كور بو سری كیمده پنهان ایلمش ❊
❊ حسن ایچنده كورممش مثلك فلك	بونجه دورانی كه دوران ایلمش ❊
❊ عید اكبردر نسیمه بو كون	جانی شول ماهه قربان ایلمش ❊

وله ایضا

❊ حرامی كوزلرك یغمایه دوشمش	زهی جادونه خوش سودایه دوشمش ❊
❊ ندن دوشمش معنبر زلفكه تاب	مكر شول وجهلن كیم آیه دوشمش ❊
❊ كورك بو سنبل هندو صفت كیم	نیجه خورشیدله همسایه دوشمش ❊

❋ ایاغکدن صاچك باشن کتورمز	جنانی کورنه عالی پایه دوشمش ❋
❋ چمن سروینی اکه طوپیدن کج	که کوکلم شول قدر بالایه دوشمش ❋
❋ می وشاهد بو کون شکسز حرامدر	اکا کیم قصهٔ فردایه دوشمش ❋
❋ کوزمدن انجو دیشلرك خیالی	کورن ایدر کهر دریایه دوشمش ❋
❋ نه فتان سن که جمله سندن اوترو	جهان اوجدن اوجه غوغایه دوشمش
❋ انا الحق چاغرر چنك ودف ونی	یلانجی لا الا الایه دوشمش ❋
❋ قرار ایتمز کوکل زلفکدن ایرو	بو سرکردان اوزون سودایه دوشمش
❋ یکاق اوزره صاچك طاوسه بکزر	که سیری جنة الماوایه دوشمش ❋
❋ نه شیرین نقطه در کیم اول قلمدن	طامپ شول لعل روح افزایه دوشمش
❋ نسیمی اولدی قربان قاشك ایچون	نه قربانکه قاشك تك پایه دوشمش ❋

وله ایضا

لبکه اهل نظر جان دیدیلر کرچکمش	اغزیکه نقطهٔ پنهان دیدیلر کرچکمش
لعلکی خطکله صورمشم ارواحه انی	خضرله چشمهٔ حیوان دیدیلر کرچکمش
آدمك صورتنه سجده قیلانلر که سنی	عرشله صورت رحمن دیدیلر کرچکمش
دیدیلر قامتکه سدره کمال اهلی ولی	خلق آنی صاندیکه یلان دیدیلر کرچکمش
صورتك منکرینه علمله ایمان اهلی	اکا کیم دیوله شیطان دیدیلر کرچکمش
جنت اهلی که یوزك باغنه ای جنت وحور	روضهٔ خلدله رضوان دیدیلر کرچکمش
قلمك سرینی حقدن بیلن اول طائفه کیم	عنبرین خطکه ریحان دیدیلر کرچکمش
معجزات اهلی که یازوسیله صورتکه	لوح محفوظله قرآن دیدیلر کرچکمش
ای نسیمی که نظر اهلی وجودك اوینه	لامکان کنجنه ویران دیدیلر کرچکمش

وله ایضا

دولتك دورانی کلدی درده درمان بولدم اوش	شوقه یانمش جانه حقدن آبحیوان بولدم اوش
کفرم اول ماهك قرا صاچیدر ایمانم یوزی	ای بیلن ایمان کفری کفر وایمان بولدم اوش
ایلدم کوکلده مأوی شول جمالك کنجی کیم	کعبه نك کنجی بودر شول کنجه ویران بولدم
ای نبی دعوت قیلان یارن کونك جناتنه	بن بو کون شول خاك درکاهی کلستان بولدم
ای بهشتك حوری سن آرزولین کور شول مهی	کیم ملك انسانله حسنکده حیران بولدم اوش
زلفنك شامنده یعنی لیلة القدر وبرات	طلعتی شمس ضحانك ماه تابان بولدم اوش
کر یکی قاشی صاچی قرآندر انك یوزی لوح	مصحفی ایترمه ای حافظ که قرآن بولدم اوش
کر اینانمز سك که آدم مظهریدر تکرینك	حق تعالانك سوزندن نیجه برهان بولدم اوش
ای قاشك محراب یوزك قبله ایمان اهلنه	بن انك قربانی اولدم عیده قربان بولدم اوش

ای نسیمی دلبرك وجهی كلام الله ایمش | بن انك وجهنده بسم الله الرحمن بولدم اوش

وله ایضا

ای جمالك صفحه سنده ختم قرآن بولدم اوش | صاچكك هر تارسنده كفر وایمان بولدم اوش
چون هدایت ایلمش حق یوزیكه نوری ازل | شولسببدن كیم یوزكده نور برهان بولدم اوش
صورتك مصحف در ای دلبر یوزك بدر منیر | طلعتك شمس وضحادر ماه تابان بولدم اوش
ای سكز جنات عدنی عرض ایدن زاهد بكا | بن بو كون یارك جمالنده كلستان بولدم اوش
جور یته قیلدم تحمل صبر ایدوب یارك مدام | دردە درمان آندن اولدیدردە درمانبولدم اوش
ای نسیمی وجه اللهك كلامی در یوزك | كیم بو وجه الله ایچنده فضل رحمان بولدم

وله ایضا

نه سدره در كه بو یكدن قیامت اولدی فاش | كورك قیامله قدن بو سدره نك شاباش
زهی ترابله عقد ایلیان یلیله اودی | زهی صواوستنه یازن بو صورتی نقاش
كیمككه عشقله باشی ازلده اولمدی خوش | خوش اولمسون ایكی عالمده اول بقاسز باش
كیمك كه عشق حقیقتدن اولمدی جانی | سن آدمی دیمه اكا انك آدی در طاش
سجوده كلمدی الا بو معنیدن شیطان | كه تافقیه خطا بیله اوله دین داش
مراده ایرمیسر كیمسه حق سزای غافل | كر كسه شاه جهان اول كر كسه اول بیك باش
كیمك كه اولدی نصیبی ازلده حقدن عشق | اكا نه شربت ومعجون كرك نه اتمك واش
فراش ومفروشه فخر ایتمه عاشق اول عاشق | كه عاشقك ایشكنده ملكدر فراش
چخان طوطاش اولیسر آخرتده اول حقه | كیم اولدی بو جهانده انكله طوطاش
قلندرك صفتی در فنا یله تجدید | قلندر اول ایكیلكدن مجرد وقلاش
شراب وشاهد وصوفی چخان حریف اولیسر | بورسمه آله بو یانمش بو آل چوق قلماش
یوزكدر ای صنم اول مصحف الهی كیم | بیلندی خط سیاهنده هم قوریله یاش
نسیمینك سوزی چونكیم بهالو كوهردر | بو رسملی نه ایچون در كه صاترانی بلاش

وله ایضا

كرچك حدیثش بو كه خوبك وفاسی یوق | كیم سودی خوبی دیدی خوبك جفاسی یوق
عشقك بلاسی یوق دیین عشقده دوشمه وار | كیم عاشق اولدیكیم دیدیعشقك بلاسی یوق
انك كه حج اكبری ای جان سن اولمدك | بیت الحرامه وارمش انك صفاسی یوق
شیطاندر اولكه صورتنكه قیلدی سجود | دوشدی بورنج ودرده كیم انك دواسی یوق
شول جان كه سندن اوز كه طلب ایتمدی مراد | هجركده یاقین انی هردم رواسی یوق
یارب نه شوقش بو مهك یوزی كیم انی | یوزی قتنده شمس ضحانك ضیاسی یوق
بیمار عشقه جان ویررای جان لبك ولی | منكر صانور كیم اول شفتبنك شفاسی یوق

كل كل

کل کل بروکه صوم وصلاتك قضاسی چوق
سنسز کچن زمان وصالك قضاسی یوق

عینك خطاسز ای بت چین دوکدی قانمی
ترك خطادر اصلنه وار ر خطاسی یوق

فانی جهانه باقمه کچر عمری سومه کیم
عمرك زوالی وار وجهانك بقاسی یوق

یارك کلور همیشه جفاسی نسیمی یه
سن صانمه کیم نسیمی یه یارك عطاسی یوق

وله ایضا

* ایکی عالمده سن سلطان مطلق
فتحنا شانکه کلدی محقق *

* جمالك والضحی واللیل زلفك
سنك وصفکده در آیات مطلق *

* منزلدر سکا طه ویسن
قمر اولدی جمالکدن مشقق *

* سنك عشقك بنی بندن الوبدر
صالوبدر بحرینه مانند زورق *

* بقا اولدم فنادن فانی اولدم
بقادن ایچمشم جام مروق *

* ازلدن ایچمشم جام سقاهم
انکیچون سویلرم هردم انا الحق *

* نسیمی یه ازلدن جرعه صوندی
انکیچون ذوالحیات اولدی محقق *

وله ایضا

زهی وجود مطهر زهی عناصر پاك
که خاك اولور قدمنده کواکب افلاك

زهی مسافر معراج سید الثقلین
که باصدی عرشله فرش اوستنه قدم چالاك

انك صفاتنی اوقور جلیل وحی قدیم
لما اخرجت من العشق آیة الافلاك

انك ثناسنی اوقور وحوش وجمله طیور
انك مداحنی سویلر دکز دیبنده سماك

زهی سراجهٔ ترکیب مجمع البحرین
بیان شانکه کلدی هم آیت لولاك

زهی که شمس وقمر سجده قیلدی عارضکه
اوقیدیلر دون کون مستزاد صورت پاك

بوصف صورت آدم بحسن سورهٔ یوسف
بخلق بحر محیط وبعلم عالم پاك

بحق سورهٔ طه بحق سورهٔ فتح
بحق احمد ومحمود بصنع خالق پاك

وله ایضا

جانا یوز استواسنه شق القمر کرك
اول معجزك بیاننه خیر البشر کرك

موسی صفت تجلی دیدار ایچون بکا
حسنیله قامتك کبی طور وشجر کرك

احیا قیلور اکرچه دمك اولو ای صنم
خلوت نشینه شاهد وشمع وشکر کرك

باشمی طوپ ایدوب بنه میدانه کیرمشم
میدانه کیرمکه بنه مردانه ار کرك

هر بی نظر سکا نیجه یول بوله کوزمکه
اوچماقده رؤیته دخی اهل نظر کرك

ناپاك اولان سنك نه بیلور قدر وقیمتك
ذاتنده آدمك دخی اری کهر کرك

قسمت نسیمی اولمیه جق یاره کیم ایرر
یاره ایرشمکه بنه یاردن خبر کرك

وله ایضا

❊ حسنکه حیران درر حور وملك ❊ عشقکه سرکشته در دائم فلك ❊
❊ وصلتك بکا میسر اولمدی ❊ نته کیم بولکده چکدم چوق امك ❊
❊ بن قوله رحم ایت دیو چوق کزدیدم ❊ چکمدی طابك قتنده بردلك ❊
❊ حسرتکدن غم یریسم بن نوله ❊ عاشقك دائم ایشی درغم یمك ❊
❊ شول شکر دلدن روامیدر شها ❊ بن محبه سن آجی سوز سویلمك ❊
❊ کوزلریمك بحرینه غرق اولمشم ❊ نته کیم سیرایدرم مثل سمك ❊
❊ ای نسیمی عاقبت واررپله ❊ بی وفا بیله ینان نان ونمك ❊

وله ایضا

عالمی قبلدی منور شول یوزی ماهی کورك
قدرة الله در جمالی قدرة اللهی کورك

خوبلرك شاهی ازلدن شول صنمدر تاابد
دولت حسنی مخلد خوبلرك شاهی کورك

مؤمنك مرآتی مؤمندر دیدی خیر البشر
کوزکوبی صافی ودك کوز کوده اللهی کورك

زاهدك مطلوبی جنت عاشقك مطلوبی دوست
زاهدك رأینه باقك عاشقك راهی کورك

رازمی فاش ایتدی آهم عالمه چیقدی بنی
عاشقی رسوا قیلان شول پردهدر آهی کورك

خاك درکاهندن اولدی هر بصیرتلو بصیر
ای نظر اهلی کلن شول خاك درکاهی کورك

زلفله رخساریکی هر کیمسه کیم کوردی دیدی
شامله بر یرده جمع اولمش سحرکاهی کورك

پیر کنعانك عزیزی مصر حسنك یوسفی
یوزینه باقك زنخدانندهکی چاهی کورك

کوزلری قاشی رخی زلفی چریدر حسننك
لشکری یغماجی شول فتان شهنشاهی کورك

عنبرافشان جعد زلفك آرزولر کوکلمز
شول اوزون اندیشهلونك دست کوتاهی کورك

دلبرك یولنده خاك اولدی نسیمینك ادی
حقه منت شول فقیرك حشمت وجاهی کورك

وله ایضا

بهار اولدی واچلدی یوزندن پرده کلزارك
ایریشدی غنچهنك دوری زمانی قالمدی خارك

کلستان طور قدس اولدی بهارك نور ونارندن
کل ای موسی کور آثارن شجردن نورله نارك

فرحدن غنچهنك کلکون یکاغیکلدی اچلدی
که منظوری ینه کلدر چنده بلبل زارك

چچکلر مختلف الوان نه معنیدندرانی بیل
بویاجی بیرمش چونکیم بوانوارك بوازهارك

عبیرندن چن کورکیم نه طیب آفاقه کوندرمش
کیم اولمش بوی عطرندن مشامی تازه عطارك

نه عنبردر توتان یارب شقایق مجمرندن کیم
که بوبندن انك قدری سچلمش مشك تاتارك

کل ای سیمین بدن ساقی بکاصون جام صهبایی
که کلدی رونق وکلدیمی کلرنك خمارك

اکرچه سنبل ونرکس بیان کنت وکنز ایلر
قچان بلهم اضل بیلسون اشاراتك بواسرارك

بوکونکر عالم الغیبك وجودنکورمك ایسترسن
ریاحین اوش بیان ایلر ظهور چرخ سیارك

بوموسیقیدن ایسامع سکا کرنسنه کشف اولدی ... مقاماتک بیان ایله اصولک کوستر ادوارک
اکر سوسن لین ابکم دکلسک نطقه کل سویله ... بو حرف ونقطه ترکیبی نه یردن در بو کفتارک
جهانجنات عدن اولمش الک صحننده حوریلر ... بزنمش حله دن بستان کوزی آچلمش اشجارک
بو کون بازار ایدر کلشن سمندن لاله وکل دن ... غنیمت کور که پش کوندر تماشاسی بو بازارک
نسیمی نك سوزی کرچه دم عیسی درای منکر ... سکا کار ایلمز نیچون که یوقدر حقه اقرارک

ولـه ایضا

یتوردك جام جمشیدی اویان اویقودن ای غافل ... نه بولدك اویقودنکوسترنه قیلدك اویقودنحاصل
مکر حقدن زیان کوردك که باطل قوله یاپشدك ... چوردك یوزیکی حقدن صاقنکیم حق دکل باطل
عزازیلك سوزن طوتمه انك وسواسنه اویمه ... که ابلیسه اویان اولمز کوکل مقصودینه واصل
وفاسز دنیانك مهرن کیدر کوکلکدن الدانمه ... که دنیا اهلنه هرکز مطیع اولمزدیدم اوش بیل
بو طاق وطمطراقی قو که دورانی بو دنیانك ... اکرچه هر نوعله دتسك کرك آسان کرك مشکل
بلانجی نفسه اویمشسن قوارسن دینه یی نیچون ... مکر حق اونتمش سن که اولدك دنیایه مائل
مسیحی ذاتکن بالله ندن دیو اولمق ایسترسن ... مکر جنی در راصلك دکلسن رحمته قابل
صدفخاص اولمزانجوسز بورمزی اکله فهم ایله ... بو سری بیلین بیلکیم نه خارج اولدی نه داخل
بو کفتارك اشاراتی دریندر عقل اکا ایرمز ... نه بیلسون اولمین مجنون که لیلی کیمدرای عاقل
نیجه مفعول وفاعلدن نیجه مسؤل وسائلدن ... اکر داناسن انی بیل که سنسن مطلقا فاعل
اکر کوزلوسن ایکوزلو وجودك شهرینه کیر کور ... نه معدنسن نه کوهرسن نه خوشدر یاسن نه خو
وجودك شرکنی محوایت وجود واحد فرد اول ... وجود فرد واحددن بو مسؤل اولدی اولسائل
نه آخرسنس اولکو هر کیم ادك کزلو کنج اولدی ... ندرحالك کیم اولمزسن اوزندن واقف ای زائل
هواجامندن اسرکسن هوس اردینه دوشمشسن ... بو اغولو شرابی قو کیم اولدر شربت قاتل
نسیمی سرما اوحی کاهی کرچه شرح ایلر ... اقچان ادراك ایدرانی اوزینی بیلین جاهل

ولـه ایضا

یوزیکی بندن نهان ایتمك دیلرسن ایتمکل ... کوزلرم یاشن روان ایتمك دیلرسن ایتمکل
برك نسرین اوزره مشکین زلفکی سن طاغیدوب ... عاشقی بی خان ومان ایتمك دیلرسن ایتمکل
قاشلرك قوسنده مژکانك خدنکن کرلیوب ... ای کوزی مستانه قان ایتمك دیلرسن ایتمکل
جانمی وصلك شرابندن آیردك ای کوزم ... عینمی کوهر فشان ایتمك دیلرسن ایتمکل
قویمشم عشقکده بن کون ومکانك وارینی ... جان ندرکیم قصد جان ایتمك دیلرسن ایتمکل
برقعی یوزکدن آچارسن مکر نامحرمه ... کیزلو اسراری عیان ایتمك دیلرسن ایتمکل
یاندررسن کوکلمی عشقکده معلوم اولدی کیم ... انی رسوای جهان ایتمك دیلرسن ایتمکل
طوغریم عشقکده اوخ تك کرپکك طانقدرر ... قدمی نیچون کمان ایتمك دیلرسن ایتمکل
چونکه عشقك مسکنی در کوکلك ویرانه سی ... حسرتا انی مکان ایتمك دیلرسن ایتمکل

چون يقين بيلدى نسيمى اغزنك وارا ولديغن | اول يقينى سن كمان ايتمك ديلرسن ايتمكل

وله ايضا

زلفكى عنبر فشـان ايتمك ديلرسن ايتمكل | غارت دين قصد جان ايتمك ديلرسن ايتمكل
برقعى طرح ايلمش سن اى قمر يوزكدن اوش | فتنهٔ آخر زمان ايتمك ديلرسن ايتمكل
خط وخالك منطق الطير در اهل وحدتك | قوش دلن سن ترجمان ايتمك ديلرسن ايتمكل
چون انا الحقدن كتوردى صورتك ماهى نقاب | سن حق نيچون نهان ايتمك ديلرسن ايتمكل
صورتك كنج خفى در كوسترسن كوز كويه | عالمى عين عيـان ايتمك ديلرسن ايتمكل
غمزه‌دن مصرى قلج ويرمش سن اسرك تركه كيم | قان بهاسز نيچه قان ايتمك ديلرسن ايتمكل
كر بكندن جان شكارا وقلاردرمش سن مكر | قاشلرك يابن كمان ايتمك ديلرسن ايتمكل
باده ويرمش سن پريشان زلفكى سن طاغيدوب | جانلرى بى خان ومان ايتمك ديلرسن ايتمكل
لا تحرك آيتى كلدى بيانك شانـنه | اول بيانى سن بيان ايتمك ديلرسن ايتمكل
اى نسيمى حقدن ايسترسن كتورمك پرده‌يى | بت پرستى بى كمان ايتمك ديلرسن ايتمكل

وله ايضا

كرچه عينمدن نكارا صورتك پنهان دكل | فرقتندن يانرم كيم وصلله آسان دكل
اى كوكل نادان قتنده رازكى فاش ايلمه | اهل عرفاندر بورازك محرمى نادان دكل
جهلكى رفع ايله اى جاهل الهى طانى كيم | جهل ايمش جهل اول مرض كيم قابل درمان
نفسنى اولـدرميان كربرن وسهر ابسه | پهلوان اولمزادى هم رستم دستان دكل
اى كوكل دار السلامى دنيـانك لذاتنـه | صانمه كيم شول بى ثباتك دورى جاودان دكل
خضرله عيسى نكارا بولدى وصلكدن حيات | لعلكى كيمدر دين كيم چشمهٔ حيوان دكل
حق سور خوبى نه معنيدن بن انى سوميم | سوميم شول نسنهٔ كيم حق ديدى انسان دكل
صورتك عشقى كيمك كيم قالمدى جاننده كار | شول كرن جسمندكى معنيده جندر جان دكل
كرچه آساندر اى جان دير عشقكى هر بيخبر | كيمكه شولسودايه دوشدى بلدكيم آسان دكل
آرزومند اولدى كوكلم وصلنه يارك ولى | بويروغى تقديره كچمز حكمنه فرمان دكل
عشقـله ميدانه محكم اركركدر كيم كيره | هر هنرسز همتى سنك يرى ميدان دكل
اى كه سلطان اولمق استرسن فقير اول كيم فقير | كيمكه سلطان اولديدر وبش اولمديسلطان
كرچه يكركدر وفادن سندن اى دلبر جفا | سن وفا اوسن وفا قبل كيم جفا چندان دكل
اى بكا هردم دين كيم باقه خوبك يوزينه | عاشقك آخر كوزى وار اولقدر نادان دكل
طوتمه شيطان الرجيمك قولنى رحمانه اوى | كيم اويان شيطانه جندر تابع رحمان دكل
عشقله جان بوقدر اول بى معرفت حيوانده كيم | صورتك نقشنده دائم واله وحيران دكل
اى نسيمى چون يقين ايمانمش ايمان يقين | هر شهادت كيم يقيندن طشره در ايمان دكل

وله ايضا

يارك جفاسى جمله وفادر جفا دكل / يارى جفا قيلوردين اهل وفا دكل
معشوقى هرنه قيلسه روادر محبنه / الافراق اودينه ياقـق روا دكل
هركيمسه نك كه قبله سى اى جان سن اولمدك / ايراغه دوشدى كعبه دن اهل صفا دكل
عشقك اكرچه آدينى عاقل بلا قومش / نعم البلادر اهلنه بئس البلا دكل
فانى جهانده اى كوكل اول وحدت اهليكيم / يوز بيك بلا ومحنته مبتلا دكل
صبرك شرابى كرچه مفرحدر اى حكيم / عاشقلرك دواسى بو آجى دوا دكل
اى سومه اهل حسن وجمالى دين بكا / كورمز كوزك بو كوزى عجب كرعمى دكل
صورتده آدم اوغلى ومعنيده ديو اولان / اولدر كه حسنى طانيمامش آشنا دكل
اى عاشقك دمنيه صوصامش بت خطا / فسخ عزيمت ايتمه كه فكرك خطا دكل
صورتده كرچه بكتاشى چوقدر نسيمى نك / معنيده آدى هرجرك كيميا دكل

وله ايضا

صوصادم وصلكه اى چشمۀ حيوان بروكل / ياقه هجركده بنى نيجه كل اى جان بروكل
فرقتك شربتى آجى در آنى ايچمزم / اى لبك كلشكرى دردمه درمان بروكل
عاشقك طاموسى يارندن ايراغ اولديغيدر / اى جمالك ارم روضۀ رضوان بروكل
عنبرين سنبل زلفك دوشه لى بندن ايراق / قاتى آشفته ام اى زلف پريشان بروكل
كوكلمك حسرتى كوز ياشينه غرق ايتدى بنى / نيجه اغلتمه بنى اى كل خندان بروكل
كوزمك ياشى اقارباشمه طوفان كتورر / اى پرى چهره بويى سرو خرامان بروكل
كر يكك شوق اوقك بغرمه اى جان اورەلى / بوركدن كوزمه هردم اقار قان بروكل
فرقتك قهرى بنى ياقدى وانجتدى عظيم / مددك قنده در اى رحمت رحمان بروكل
عالمى طوتدى بو كون حسن رخك دستانى / آفرين حسنكه اى فتنۀ دوران بروكل
زلف ورخسارى كورمك ايچون ليل ونهار / اوقرم سبع مثانيله قرآن بروكل
ايلدى جانى چون عشقه نسيمى تسليم / نه زيان ايلرا كا قيدله زندان بروكل

وله ايضا

فرقت ايچنده يانرم دردمه ايله چاره كل / ياره لو اولادم اشته كور بغرم ايچنده ياره كل
صبرمى غارت ايلدى قاپدى قرارمى غمك / نيجه جفاى كورغمك قلدى بو بى قراره كل
غمدن اكرچه فرقتك بيك چرى چكدى اوستمه / سن بكابس سن اى صنم قوزغه ويك سواره كل
دوشدكيم ايروسندن اوش يانراودا اولديجانمه / اى كوزمك چراغى سن ياقه بنى بوناره كل
زلف ورخك وصالنه صوصامش اى قمر كوزم / اى قمرك قنده يوز آيله كون ستاره كل
محنت ايچنده غرقه يم فرقتكه اولاشه لى / چك صنما بو ورطه دن زورقى كناره كل

بندن آيرمه وصلكى نيجه كه شاد اولور عدو ‌ ‌ يوره كنى عدولرك ياره لو ايله ياره كل
دوشمشم آه وناله يه سندن اولەلى ايرو بن ‌ ‌ كورمه روا بو حالمى قويمه بو رسمه كاره كل
منتظر اولدى وصلكه حسرت ودرديچوقكوكل ‌ ‌ خوش دكل آنى ياندرب وعده وانتظاره كل
جانم ايچنده كزلرم مهركى اوصاچك كبى ‌ ‌ شوق رخكدن اى پرى پرده سى اولدى پاره كل
جان وتن نسيمنك سنسن وسندن اوز كه يوق ‌ ‌ اول كه نه سنسن آنى كوروار يسه آنده آره كل

ولە ايضا

فرقتك ياندردى بغرم يوره كم قان اولدى كل ‌ ‌ كل كه ديدارك بو صبر وجانه درمان اولدى كل
دنيانك نازو نعيمى باغ و بستانى بكا ‌ ‌ سنسزاى سلطان خوبان بند وزندان اولديكل
استدى لعلك فراقى جانمى يافق ولى ‌ ‌ شوقه يانمش جانه حقدن آبحيوان اولدى كل
اول كوكل كيم دايما ايشى سنكله وصل ايدى ‌ ‌ ياندى شوقكدن اسير ودرد هجران اولدى كل
جانمك جانى وصالكدر وصالكدن آنى ‌ ‌ تا كيم آيردى فلك بيچاره بى جان اولدى كل
عاشقك باغ وكلستانى يوزك كلزاريدر ‌ ‌ قنى كلزارك ايدى كلسز كلستان اولدى كل
معجزاتندن يكاغك محكماتندن صاچك ‌ ‌ خار وخاشاك جهانك ورد وريحان اولدى كل
هجر بى پايانه شوقك جانمى غرق ايلدى ‌ ‌ كورنه بيداد ايلدى هجرك نه طوفان اولدى كل
جنتك صحننده طوبى واله واشفته حال ‌ ‌ قامتك حسنيله اى سرو خرامان اولدى كل
چون نسيمى سندن ايرو يلديكيم بو قدر وجود ‌ ‌ كفر وايمانو صلو هجران جمله يكسان اولديكل
تابى تقدير يزدان ايلدى سندن جدا ‌ ‌ كوكلك حالى پريشان وشد يحيران اولدى كل

ولە ابضا

فرقتك دردندن اى جان يوره كم قان اولدى كل ‌ ‌ كوزلرم ياشى جهانى طوتديطوفان اولدى كل
جانمك وصلوكله حقدن اتصالى واركن ‌ ‌ دولت وصلكدن ايرودوشدى هجران اولدى
چكدى مشكين زلفكى آلدى الدن روزكار ‌ ‌ شول سببدن كوكلك حالى پريشان اولدى كل
كرچه بندن صورتك غائبدر اى حورى جمال ‌ ‌ صانمه كيم كوزدن جمالك نقشى پنهان اولدى
فرقتك شولدردمش جانمده كيم هر كيمسه كيم ‌ ‌ فكرنه دوشدى بو دردك عقلى حيران اولدى
بندن ايرودوشديكك آغولر ايچردى بكا ‌ ‌ وصلتك ترياقى قانى وقت احسان اولدى كل
خضر اكر ظلمتده استر چشمهٔ حيواتى ‌ ‌ صوصامش مشتاقه لعلك آب حيوان اولدى
كرچه خندانكدر فرحدن اغزى آچلمش كلك ‌ ‌ عندليبك كوزلرى كوركيم نه كريان اولدى كل
يار جور ايتمش نسيميه روا دركور اكا ‌ ‌ اوز نكارندن جدا زنجير وزندان اولدى كل

ولە ايضا

نطق الله بنم كه ذاتله يم ‌ ‌ وحده لاشريك صفاتله يم
واحدم سر جمله اشياده ‌ ‌ كن فكان صيد كائناتله يم

اوقوكز

❁ او قوکز حی لایموت بنی ❁ ❁ که ممات اولمزم حیاتله یم ❁
❁ نه اولورم نه خود اوله سیم ❁ ❁ ازلیدن برو نجاتله یم ❁
❁ فاعل مطلقم حقم حق اوش ❁ ❁ کیمسه بیلمز که نه صفاتله یم ❁
❁ روح محضم که دوشمشم بو یره ❁ ❁ معجزم بنده معجزاتله یم ❁
❁ سو ام بو درت طبعله ❁ ❁ آیت کل کائناتله یم ❁
❁ کوهر لامکان بنم بن اوش ❁ ❁ قدره ایردم بوکون براتله یم ❁
❁ نسیمی حقی بیلنلر چون ❁ ❁ بیلنلره مشکلاتله یم ❁

وله ایضا

وحده لاشریك له شبهه سز اشته ذاتم — یعنی ابتداسز ذاتم وهم صفاتم
قاینادی کرتنورم عشقله جوشه کلدی — کور بو طوفان ایچنده نوحم وهم نجاتم
کرچه تراب وصویم معنیده ای خبیثه — بیلکه ایکی جهانده طیب وطاهراتم
نور نهار ولیلم کشفم ایکی جهانده — قدره ایرشدم اشته قدرم وهم براتم
ابجدم وهجایم حرفم وسطر کاتب — اوحم وهم مرکب کالکم وهم دواتم
فاعل مطلقم بن حقله یم حقم بن — دعویده جسم مفعول معنیده فاعلاتم
حقدن اینن کلامم یعنی که لام وبادن — علم وکتاب وحرفم آیات وبیناتم
قبله یم وهم امام کعبه یم ای صفاسز — صومم وهم صلاتم عیدم وهم زکاتم
مشرك اولوب بوکوکا بخمه غل ای یقین سز — آیت فتح بابم سورهٔ مرسلاتم
نسیمی که هر شی کلی محیط اولدم — هم بیلنه حل اولدم بلمیانه مشکلاتم

وله ایضا

صورت رحمن بولدم صورت رحمن بنم — وحی مطلق حق کلامی قاف والقرآن بنم
هم بنم آنست نارا سرینی فاش ایلین — هم خلیل اولدم بو ناره موسئ عمران بنم
هم سکندر هم عیسی امهم بنم آب حیات — هم حیات خضری بولدم چشمهٔ حیوان بنم
هم محیطم هم کنارم هم صدف دردانه ام — هم بو بحرك کوهری هم کوهر عمان بنم
هم خیالم هم جمالم هم صفاتم هم صفت — هم نقوشم هم بو نقشه واله وحیران بنم
ظلمت وموت وحیاتم هم مماتم هم نبات — مؤمنه نوح ونجاتم کافره طوفان بنم
هم علاجم هم طبیبم هم شفایم هم صحت — هم بو رنجك رنجیم هم دردنه درمان بنم
مصحفم حرفم حروفم هم کلامم هم کلیم — هم کلام ناطقم هم حقدن اوش برهان بنم
ساقیم شمعم شرابم هم خمارم هم خمیر — سلسبیلم ساقیم هم ساقیه پیمان بنم
هم صلاتم هم زکاتم هم بنم زرق وریا — هم ایمان توحیدم وهم شعلهٔ ایمان بنم
هم نعیم هم رحیم هم کریمم هم کرم — هم نعیم خلدم وهم جنت ورضوان بنم

ای نسیمی حق بیل و حقه اقرار ایله کل	چونکه انسان و بشرسن حق دین سبحان نم

وله ایضا

کرچه فراقه دوشمشم عین وصال ایچنده یم	کل نظر ایله حالمه کور که نه حال ایچنده یم
وصل رخك زلالنه صوصادم اشته یازم	کوزیمه باق و کورنیجه آب زلال ایچنده یم
نقش خیال صورتك صانمه که بندن آیره	چون بو خیال ونقشله نقش وخیال ایچنده یم
خرم ایدر امیدله وصل رخك بنی ولی	وصل ایرشنجه جانمه حزن وملال ایچنده یم
زلفله قاش و کرپکك ابجد جیم ودالمش	بن بو حروف شکلیچون جمیله دال ایچنده یم
طالع و بخت و یلدزم کوکب نحسه اوغرادی	ای شرفم سعادتم کل که وبال ایچنده یم
وصلکه ایرمك استرم کرچه که عینیم انك	بندن آنی کیم آیره فکر محال ایچنده یم
سن بنم اولدیغك شهادتمنه ظاهر اولمامش	مکرله بو معنیدن قیلله قال ایچنده یم
صورت قاش وآلنه ویردی نسیمی کوکلنی	بن بو سببدن ای کونش بدر وهلال ایچنده یم

وله ایضا

جانمه یجدی فرقتك کور که نه نار ایچنده یم	کلدن ایراق کل کبی محنت خار ایچنده یم
جانمی وصلت لبنك هجره مبدل ایلدی	کورنه می و پیاله دن رنج خمار ایچنده یم
زلف ورخك شمارینی شام وسحرده صایرم	کیم بیلور اول شماری کیم بن نه شمار ایچنده یم
لعل وعقیق وانجوبی صاچرم التونا وسنه	کور که کوزمدن اوش نیجه بزم ونثار ایچنده یم
ای قوخو بلرك شهی لطف وعنایت ایله کیم	طوتالمی که دوشمشم عقرب ومار ایچنده یم
زلف ورخك حدیثنی نیجه اونیادم ای پری	چون دونکون انکله لیل ونهار ایچنده یم
جانمی عنبرین صاچك صید ایده لی کمندینه	روم وختایه دوشمشم چین وتتار ایچنده یم
نقش نکارینی یوزك بنده مصور ایلدی	بن بو نکار ونقشله نقش ونکار ایچنده یم
فضل الهه جانکی ایله فدا نسیمی سن	اولمه ملول وایتمه کیم بند وحصار ایچنده یم

وله ایضا

مشکین صاچك هر تارەسن ایکی جهانه ویرمزم	لعلك وصالك برنفس بیك طاتلو جانه ویرمزم
شهلا کوزك سودالری عهدو امانتدر بکا	نور الیقینك سرینی اولمز کمانه ویرمزم
ایدر بکا ویرمدعی یاری بو کون یارین کونه	برساعت انك وصلنه دهر وزمانه ویرمزم
زلفنده جانقیلدی وطن حب الوطن شرطی ایله	بن مسکن الارواحمی کون ومکانه ویرمزم
ناز ونعیم دنیانك بالقائمه کر سودیسه	کلی زیاندر عاشقه سودی زیانه ویرمزم
اولدی کلامندن یقین کانك دهانی واریمش	عین الیقینك رؤیتن غیب وکمانه ویرمزم
ای بکزدن قدن انك سرو وچنار وعرعره	بن سدرهٔ وطوبیٔ هربی روانه ویرمزم
ای انجوبی مدح ایلیان یاقوتی جوهر بیلان	بن بو لدیغم دردانهٔ بحر وکانه ویرمزم

عشق مجازی سالکه زرق وریادن یکدرر ... حق بیل بونیکیم کیسه‌یه سودوزیانه ویرمزم
بوی مسیحانك دمی نطق نسیمیکدرر ... انی بهاسز صانمه کیم جان رایکانه ویرمزم

ولە ایضا

المنة‌لله که بوکون یارمی بولدم ... کوکلمده دورن دلبر ودلدارمی بولدم
دکز بکا برپوله جهان وارلغی ایله ... نیچون که کوزل سکه‌او دینارمی بولدم
طوپرقده ایکن زهره بکامشتری اولدی ... دلاله چیقارکل دی که بازارمی بولدم
بن غم یمزم غم نه‌قدر کیم چوق اولورسه ... شادیلغله چون غم وغمخوارمی بولدم
فردوسه بنی دعوت ایدن زاهده سویله ... اول دیکنه کوزدکه که کلزارمی بولدم
یوسف یریدرکیم بکاقول یازیله چونکیم ... مصرنده لبك تنك شکربارمی بولدم
فاش ایلمزم رازمی نامحرمه چونکیم ... محبوب امین مخزن اسرارمی بولدم
بختم کونشی طوغدی واویقودن اویاندی ... معناسی بوکیم دولت بیدارمی بولدم
بغداده کل ای زاهد الت شول خبری کیم ... شول شعبده جی دلبر عیارمی بولدم
جانی نیدرم نیلرم آخر بوجهانی ... چون تفرقه سزیار وفادارمی بولدم
ای نقدینی طراره وران اویقواو غافل ... اول یوزی قمر طره‌ٔ طرارمی بولدم
منصورکبی بندن اکر چیقدی انا الحق ... ای خواجه عتاب ایلمه کیم دارمی بولدم
کرموسی کبی عاشقسن یوزینه انك ... کورسنده سنی سویله که دیدارمی بولدم
ویردی صاچنك کفرینه ایمان نسیمی ... ای خرقه کین بندخی زنارمی بولدم

ولە ایضا

کل ای دلبر که مشتاقم سنی کورمك دیلر کوکلم ... غمکدن وشدیزار ایستر وصالکدن شکر کوکلم
قراقاشك هلالینی کوزمدن تابعیدایتدك ... دوشوبدر ناره زلفکدن ینارزاری قیلر کوکلم
سقاهم ربهم خمری طوداغکدن خبر جانه ... صوصامش درد ینه ایسترلبکدن چشمه‌لر کوکلم
جهانده جانله کوکلم وصالك اختیار ایتدی ... زهی کورمش حق جانم زهی صاحب نظر کوکلم
نه‌کوهرسن ایاجان کیم جهانك بحر وکاننده ... مکرم قدر وقیمتلو سنی بیلدی کهر کوکلم
غمك ناریندن ای دلبر کوکل قینار ایچم یانر ... بورنج ومحنتی کورکیم غم ایچندن چکر کوکلم
صبر قیلمق دوادر درمحبتك دردینه ناصح ... ولی ناصح دواسندن اولورهردم بتر کوکلم
وصالکدن بنی ایروکرم قیل قیلمه لطف ایله ... که وصلکله مدام اولمق دیلر شام وسحر کوکلم
کل ای لطفی نهایتسز بنی وصلکدن آیرمه ... که شول عمرك که وصلکله کچر عمره صایر کوکلم
کل آراکوکلمك ایچن کورایچان کیم فراقکدن ... نه آجی غصه‌لر یودر نه آغولر ایچر کوکلم
ایکی عالم بکا سنسز کرکمز اول بکا هرکز ... جهانك حاصلی سنسن انی سنسز نیدر کوکلم
صاچلك زنجیرینی بندن نفلك چوزچکدی آیردی ... تنم شهرنده سودادن دلو اولمش کذر کوکلم
خیالی سودیکیم یارك کوزمدن کرچه آیرلمز ... جمالك پرده‌سز کورمك دیلر آچق بصر کوکلم

ازلده صورت رحمن یوزك شاننده كوردم چون ‌‌ الهی صورتك دائم بومعنیدن سور كوكلم
نسیمی یارینی ویرمز جهانك وارنه اندن ‌‌ كیج ای دعو بقیلان ناداندكلدراولقدر كوكلم

﴿ وله ایضا ﴾

ای نور دل و دیده دیدار كه مشتاقم ‌‌ وی یار پسندیده دیدار كه مشتاقم
ای ماه پری پیكر وی حور ملك منظر ‌‌ وی لعل لبك شكر دیدار كه مشتاقم
ای رحمت الهی یوزكدر انك ماهی ‌‌ وی قامو خوبك شاهی دیدار كه مشتاقم
ای شمس وقر یوزلو شیرین طوداغك دوزلو ‌‌ وی شهد وشكر سوزلو دیدار كه مشتاقم
ای جمله جهان جانی عاشقلرك ایمانی ‌‌ وی سیم وكهر كانی دیدار كه مشتاقم
جانلر جانكه محتاج ای صاحب تخت وتاج ‌‌ وی كوز كلو یوزك معراج دیدار كه مشتاقم
ای نور سمواتی وی مظهر اٰیاتی ‌‌ وی جان وجهان ذاتی دیدار كه مشتاقم
ای عشق درافشانم وی بلبل بستانم ‌‌ وی نركس مستانم دیدار كه مشتاقم
ای بوی بهارستان وی حور نكارستان ‌‌ وی دلبر سرمستان دیدار كه مشتاقم
ای دردمه سن درمان تن كوده وعشقك جان ‌‌ وی تازه كل خندان دیدار كه مشتاقم
ای دلبر پنهانی سنسز یاندرم جانی ‌‌ وی یوسف كنعانی دیدار كه مشتاقم
ای دلبر ودلدارم سنسن ابدی یارم ‌‌ وی یار وفادارم دیدار كه مشتاقم
ای حسن بدایتسز وی لطف نهایتسز ‌‌ والله بغایتسز دیدار كه مشتاقم
ای دلبر سیمین تن سن جان ونسیمی تن ‌‌ ای سرو كل وكلشن دیدار كه مشتاقم

﴿ وله ایضا ﴾

سندن ایراغ ای صنم شام وسحر یانرم ‌‌ وصلكی آرزولرم داخی بتر یانرم
عشقله شوقك اودی جانمه كار ایلدی ‌‌ كورنیجه تابنده اوش شمس وقمر یانرم
بندن ایراغ اولدیغك بغرمی قان ایلدی ‌‌ اولدی كوزمدن روان خون جكر یانرم
شمع رخك صورتی قارشمه كلمشدرر ‌‌ شعشعه سندن بكا شعله دوشر یانرم
صبرله آرام دل قاپدی المدن غمك ‌‌ باد هوادن دكل غمدن اكر یانرم
چیقدی ایچمدن توتون چرخی بو یادی یتون ‌‌ كور كه نه آتشده ام كورنه قدر یانرم
یاندیغمی یار ایچون كزلو دكل بن دخی ‌‌ هر نه قدر كیم انك كوكلی دلر یانرم
مدعی یانردیمش غمده نسیمی ایچون ‌‌ غمده یانن یاری یار چونكه سور یانرم

﴿ وله ایضا ﴾

ای جمال وحسن وصورت كیم قلو بدر اول حكیم ‌‌ فاعل مطلقدر رهرشیده مفعول اول رحیم
صاچلرك ظلی دوشلدن روی بدرك تابنه ‌‌ كیم طلوع ایتدی جهانه شمس تابان مقیم
یوزیكه سبع المثانی كراوقورسم لادیمه ‌‌ كیم قاشكله كرپكك زلفكدن اولدی بورسیم

سجده قیلرمی بیله کرسدره وطوبی تمام کیم ملائك قاموسی ایدر سجودیکی عظیم
نطقیم شیرین لبی کلك عیسوی جانه حیات چون مسیحا ایستریسك اشته کلدی دررمیم
خضر چون بولمش حیاتی ظلمتندن تاابد کیم لبك عینی در رجنت ایچنده اول نعیم
یازمه حرفك ادیغی ای اوز اوزندن بی خبر چون لبکدن ظاهر اولدی بو کلامیله کلیم
استوا سرینی کر بیلدك ایسه عین الیقین خط وجهکده شکاف ایتدی صراط مستقیم
اشبو دنیا فانی در کچ سن فنادن بول بقا کیم حیات جاودان اوله سکا عمر سلیم
ای نسیمی کر نهایت بیلدوکسه نطقه سن ـــ ـــو وجهکده یوز اولدر مقیم

ولە ایضا

نه حسن اولور بو نه صورت زهی بهشت نعیم نه لطف اولور بو نه معنی زرب عرش عظیم
کوکل صبا نفسندن درلدی جان بولدی قراصاچك قوقوسندن نه بو کتوردی نسیم
نسیم زلفنه باشله جان نثار ایدرم نه سیم وزر کبی لایقدر اول نسیمه نسیم
کورك بو چشمهٔ حیوان لبی که شاننده کلوبدر آیت یحی العظام وهی رمیم
مسلم اولدی سکا دلبری جهانده بو کون کیم آیله کونش اولدی جمالکا تسلیم
ازلده واردی عشقك بو جان ایچنده بنم زواله اولمیه قابل بنای عهد قدیم
کر کسه جورله اولدر کرك بنی یاندر نه قیغو اوتدن اکا کیم اتی بقلب سلیم
معطر ایلدی زلفك شمیم آفاقی ولا عجیب من العطران یفوح شمیم
بولکده قویدی نسیمی جهانله جانی تفاوت ایتمزانی کر قبول قیلسه کریم

ولە ایضا

* ساقیا ماه صیام اولدی تمام * * کل بروصون ساغرمی والسلام *
* عاشقك بیرامی یوزك آیی در * * ای صاچك محشر رخك بیت الحرام
* جنتك خمری لبك صهباسدر * * اسقنی من ذلك الخمرای غلام *
چون کوزك سرمست ولعلکدر شراب * می مباح اولدی وصوفیلق حرام
توبه دن کچ صوفیا رندانه کیم * * باده صاف اولدی وکلدی دورجام
چون ریادر خرقه پوشك طاعتی * * قم فدر یاموسی کأس المدام
والضحا نك شمسی یوزك آیی در * * مختفینی نوره تحت الظلام
قاب قوسینم قاشك محرابیدر * * ای امامی کوزلرك نعم الامام
مطلع انوارانك زلفینی در * * وجهه فیها کبدر فی الغمام
عارفك کوی مغان اولدی یری * * آفرین اکا زهی عالی مقام
دانهٔ خالك جهانی طوتدی چون * * طره دن نیچون دوزرسن بونجه دام
کعبه دن بتخانه یی فرق ایتمزم * * قدرأیت الحق فی کل المقام
انجودن یکدر نسیمینك سوزی * * کیم انك کفتاریدر خیر الکلام

وله ايضا

صورتكك صفحه سنده كورنه يازمش اول قديم — اوقورم حرفنى بسم الله الرحمن الرحيم
النكه الحمد لله يازدى رب العالمين — قويدى عشقك يولى ايچون هذا صراط مستقيم
صورتك ماهيتن تفسير ايدر انا فتح — حسنكك كيفيتى در بس على خلق عظيم
قاشلركدر قاب قوسين صاچك ليل طويل — رسمدر والشمس اوزره شول مبارك خط جيم
رحم قيل غلسن نسيمه اى يوزى بدر منير — كر خطا قيلدمسه استغفر الله العظيم
زلفكه سير ايلدى باد صبا وقت سحر — شول سببدن طولدى عالم از رخت عنبر شميم

وله ايضا

جانمى ياندردى شوقك اى نكارم قنده سن — كوزلرم نورى ايكى عالمده وارم قنده سن
بغرمى قان ايلدى آجى فراقك كل ايرش — اى ابى وصلت شراب خوشكوارم قنده سن
فرقتك خارى بنى كوركيم نه مجروح ايلدى — اى كوزى نركس حبيب كلعذارم قنده سن
صبرمى يغما لدى شوقك قرارم قالمدى — اى بنم آرامم اى صبر و قرارم قنده سن
ايلدى عشقك بنى قلقان ملامت تيرنه — اى كوزى قاشى بلكلو شهريارم قنده سن
تابوزك شمعندن ايراق دوشمشم پروانه تك — يارم ليل ونهارم اى نور ونارم قنده سن
سندن اير و كوكلك بو قدر وفالو يار ودوست — اى جفاسز حسن كامل يادكارم قنده سن
دلدى هجرانك اوقى عشقكده يانى بغرمى — صورت ومعنيده اى چابك سوارم قنده سن
زلفكه ويرمش امانت حق ازلده سرنى — اى امانت دار امين كرد كارم قنده سن
قاتى مشتاق اولمشم زلف وعذارك بوينه — اى يوزى كلشن صاچى مشك تتارم قنده سن
بادلى كوندر صاچك بوين بكا هر صبحدم — هان كه ياندى كچدى حددن انتظارم قنده سن
عاشقك جنات عدنى شول جمالك وصلدر — اى شراب كوثرم كتمز خمارم قنده سن
يار ايچون هر كوشه ده بيك ديو اولورد وشمن بكا — اى سواد اعظمم محكم حصارم قنده سك
چون نسيمى دربو كون ايام عشقك سرورى — اى شكر لب يار شيرين روزكارم قنده سن

وله ايضا

ياندردى شوقك جانمى ايدرده درمان قنده سن — جانمده جان سنسن ولى استرسنى جان قنده سن
وصالك شرابندن بنى صالدك خمارك تابنه — ياندى حرارتدن ايچم اى آب حيوان قنده سن
اى لطف حسنك كشورى ياندم ايرشدر وصالكى — چون سندن ارتق كيمسه ده يوقدر بو احسان
قاپدى المدن زلفكى جور وجفاسى چوق فلك — آشفته ام مجنون كبى زار وپريشان قنده سن
رعنا يوك شوقندن اوش حسرتده يارر كوزلرم — قان اغلشرلر سنسز بن سرو خرامان قنده سن
اى غنچه آغزلو بنى ياندردى هجرك ديكنى — كل كل كه سنسز غنچه تك طولدى ايچم قان قنده
عينمده سنسن روشنى كوكلم دلر كورمك سنى — ايحورعين رضوانه حسنكده حيران قنده سن

جوريو جفاسيچوق فلك طوفان كتوردياشمه   اندن بنی قورتارمغه ای فضل رحمان قنده سن
مشكين صاچك زنجيرينه ويردی نسيمی كوكلنی   ايرق نه حاجت درا كا زنجيروزندان فنده سن

ولە ايضا

شول پريدنوصل اومارسن ای كوكل ديوانه سن   شمعه ياقلمق ديلرسن نه عجب پروانه سن
كنت كنزك كوهرندن خرج ايدرسن عارفه   ای بو كنجك نقدينه هی بو العجب ويرانه سن
زلف چوكان يارله دوشمز نهان عشق او يغاق   باشكی طوب ايلسن ميدانه كيرمز دانه سن
كرخليل اولمق ديلرسن يارله كرچك لين   دلبرك يولنده شرط اول بو دركيم يانه سن
آشنايی بيلمش سن ای بيلشدن ياد اولان   معرفتدن دم اوررسن نيليم بيكانه سن
جانلرك جانانی سنسن ای جهانك سروری   طوغروسی پاكيزه جوهر نازنين جانانه سن
غمزه سندن فتنه‌لردردی اوياندی اويقودن   سن بو او يقودن قچان ای بيخبراويانه سن
ای سليمان منطقندن قوش ديلن اوكرنميان   ديوه اويمش سن انكيچون تابع افسانه سن
كل انا الحق سرينی ميخانه وميدن ايشت   ای دوشن انكاره نيچون منكر ميخانه سن
ای نسيمی شول خماری كوزلری فتان كبی   دائم اسرك سن مكر كيم نركس مستانه سن

ولە ايضا

ترك ايلمز جان عشقكی كرپك كز آنی ياقه سن   هجر كده لايق كورمه كيم هردم بو جانی ياقه سن
ای استين ديدارينی موسی كبی معشوقك   واجب بو در عشقنده كيم جانو جهانی ياقه سن
آخر زمانك فتنه سی برقع جمالكدن كتور   تا عشقه يوزرلك كبی پير وجوانی ياقه سن
ای عشقه منكرمدعی كيرعاشقك توحيدينه   تاسرتسرانچنده كی شرك وكمانی ياقه سن
آنست نارك سرينی فاش ايله شمعدن يوزك   تانورينه پروانه‌تك كون ومكانی ياقه سن
ای قيمتی عشقك كهر كوكلم درانك معدنی   چون كان كركدر كوهره نيچون بو كانی ياقه
نام ونشانی شهرتك آفتدر اهل عشقه چون   وارای كوكل جهد ايله كيم نام ونشانی ياقه سن
جانمه عشقك اودينی كار ايلدی شول رسمه كيم   جسمده ياقين قالديكيم بغرمده قانی ياقه سن
ای آقدن دردا نه كر يكلرمدن دم بدم   عيمده آندن قورقرم كاب روانی ياقه سن
ای لاته طاپن بی بصر كل كور بو ماهك يوزينی   تالات وعزك باشنه دير مغانی ياقه سن
چقدی نسيمينك دلی الله نورن سرينی   ای نار قدسی قنده سن تا اول زبانی ياقه سن

ولە ايضا

ای روح قدس جانمه سن جان و جهان سن   بندن سنی غائب ديمزم اشته عيان سن
حقدن ديله كيم سنسن ايكی عالم انچنده   نيچون كه ايكی عالمه سن جان و جهان سن
معشوقه يكا چون سن ايدك روز ازلده   اول نه ايدك تا ابد ای فتنه همان سن
زلفك قمرك دورنه بوز فتنه براقدی   ای دور قمر فتنهٔ فتان زمان سن

حسنك نه بيلور لذتنی ديو له حيوان ‏ ‏ سن خضر صورايجان كه نه آب حيوان سن
بی نام ونشان اولمينك سنده وجودی ‏ ‏ فكر ايلمزم آنده كه سن نام و نشان سن
جانيله بنی يانمق اكر استرسن اوش ‏ ‏ كل ياندر آنی يانمغه كيم كر نكران سن
ويرمزسنی بيك جنت وبيك حوره نسيمی ‏ ‏ سن عاشقه هم جنت وهم حور وجنان سن

ولە ايضا

ای دركان هرشی كيم بيله كيم نه كان سن ‏ ‏ جان سندن اولدبچون حی بيلمزسنی نه جان سن
ذاتكه كيمسه ايرمز وصفكی كيمسه بيلمز ‏ ‏ ذات وصفاتله سن باقی وجاودان سن
بی مثل وبيبدل سن بی شبه وبی بدل سن ‏ ‏ ای دربر كزيده نه بحر بيكران سن
ای كنه رفعتكدن بی بهره عقل مطلق ‏ ‏ وی كنج بی نهايت سيمرغ لامكان سن
چونكه جميع اشياسندن عيان اولوبدر ‏ ‏ ای واحد يكانه پس نيچه سن نهان سن
ای مدعی سن انك محرومی سن دمندن ‏ ‏ آندن دررکه هر دم در بند اين وآن سن
حق اظهر من الشمس روشن درر ولكن ‏ ‏ سن غايت عمادن بيهوده دركمان سن
ديلرسنی نسيمی عالمده چاقه هر دم ‏ ‏ تا بيله لر بتحقيق سن قامودن عيان سن

ولە ايضا

* اكرچه جانده سن جاندن نهان سن ‏ ‏ دكل سن جاندن اير وبلكه جان سن *
* كشی ويرمز نشان سندن اكرچه ‏ ‏ يروكوك طوپطولو كلی نشان سن *
* نيچه كزلوديم بندن سنی كيم ‏ ‏ نه يه كيم باقرم آندن عيان سن *
* خجل ايلر رخك حسنيله آيی ‏ ‏ مكر سن فتنهٔ آخر زمان سن *
* عرب نطقی طوتلمشدر دلكدن ‏ ‏ سنی كيمدر دين كيم تركمان سن *
* جانی طرح ايلدم بزدم جهاندن ‏ ‏ سنی بولدم كه جانيله جهان سن *
* كورن سنسن كوربنان سن كوزمده ‏ ‏ نه وار سويلمسن كلی لسان سن *
* حقيقت وحی مطلقدر بو سوزلر ‏ ‏ بو سوزی بيلكيم آندن ترجمان سن *
* نسيمی چون بو كون دوران سنكدر ‏ ‏ جهانده خسرو وصاحب زمان سن *
* اتاكك سلك الك بوكن فكاندن ‏ ‏ نه آخر زبدهٔ كون ومكان سن *

ولە ايضا

* الله الله نه جان نه دلبرسن * ‏ ‏ * الله الله نه بحر كوهرسن *
* يروكوك روشن اولدی يوزكدن * ‏ ‏ * ای يوجه آی نه شمس خاورسن *
* سلسبيل اسرمش طوداغكدن * ‏ ‏ * عجب ای جان نه آب كوثرسن *
* مشك وعنبر صاچكدن اوتاندی * ‏ ‏ * جان فرامشك وتازه عنبرسن *
* صورتك حسن ايچنده واحددر * ‏ ‏ * سن بو توحيده چون مقررسن *

كونش ايلر يوزك قتنده سجود   شول سببدن كيم آندن انورسن
كون وآيى كتوردى چرخه رخك   اى او يونجى قرخوش اويزسن
قامتكدن قيامت اولدى فاش   اى حسابك كونى نه محشرسن
قائم اولدى سنكله لم يزلى   كيم كه بيلدى كه سن نه جوهرسن
اى صيام اهلنه يوزك الوعيد   عرش رحمن وعيدا كبرسن
مصحفك آيتى اوتوز ايكيدر   جاودان نامه سن نه دفترسن
شكرك دادينى كيدردى لبك   الله الله نه طاتلو شكرسن
اى نسيمى جهانى طوتدى سوزك   عونك الله كه شاه كشورسن

ولە ايضا

كل اى كوكلده وجانده بدن سن   نه جانده سن عجب كيم جان وتن سن
سنى دل نيجه شرح ايتسون اى جان كيم   نه بيلسونلر سنى كيم جان ندن سن
يوزك جان قل هو الله احد در   حقيقت معجزى حقدن كلن سن
وجودك ذات مطلق در مكر كيم   نه به كيم با قريسم آنده سنسن
نه يردن سن سنى هيچ كيمسه بيلمز   مكر جنده كى حب الوطن سن
على العرش استوادن دم اورر سن   بو معنيدن كه سندن اولدى سن سن
نسيمى چونكه بولدى خوش ملاحت   شيرين درهرسوزى شيرين دهن سن

وله ايضا

كلى مكانك كوهرى كوهر كانمسن نه سن   اشبو صفات وحسنله جان وجهانمسن نه سن
عرشله فرش وكافونوسنده دراى ملك بو كون   كيمسه بو سره ايرمدى شرح وبيانمسن نه سن
كون ومكانه باقرزم چون سنى بولدم اى صنم   ايكى جهان ايچنده سن كون ومكانمسن نه سن
موسى كبى ديداركى كوردى ازلده كوزلرم   ياقمه بنى بو نارە كل شمع زبانمسن نه سن
دهر وزمان ايچنده هيچ بولمدى كيمسه بردخى   سنجلين بو لطفله دهر زمانمسن نه سن
سنده بولندى كوهرك معدنى سنسن اى صنم   اوش بو زمان ايچنده سن كنج نهانمسن نه سن
قاشلرك ايله كرپكك غصه دن اشته بغرمى   دلدى بو جانمى غمك يتر وكانمسن نه سن
بو يكى طوبايه سنك نسبت ايدن نه ديل اوله   اشبو قرارله عجب سرور وانمسن نه سن
دوشدى نسيمى عشقكه شويله كه خسته نيلسون   كتدى حياتى كندودن جسم روانمسن نه سن

وله ايضا

اى بركزيده صورت جانسن ولى نه جان سن   هم اسمله مسما هم جمله روان سن
آبا وامهاتدن سنسن خلاصه شكسز   اى كائناته مقصد مقصود كن فكان سن
حسنن رخك صفاتى كون ومكانه صغمز   اى كوهر يكانه سن كنج لامكان سن

لیل ونهار ایچنده شمس و قمر کبی اوش
هر یا که کیم بافارسم عین الیقین عیان سن

غرق ایلدی جمالك نورنده کن فکانی
ای کوهر حقیقت شرح ایله کیم نه کان سن

ارض وسماده بوقدر برذره سندن ایرو
ای جمله نك وجودی باجمله درمیان سن

هرشیده کرچه سنسن ای جان کونشدن اظهر
اعمی صانور که کوزدن لاشی کبی نهان سن

یوزك کتاب منزل زلف ورخکدر آیت
ای خالقك کلامی دیلمده ترجمان سن

حق صورتنده انسان سنسن کلن جهانه
ای تکری نك صفاتی عالمده جاودان سن

جان وجهانی سنسز نیلر محب صادق
ای عاشقك حیاتی هم جان وهم جهان سن

سودالو نرکسکدن دوشدی جهانه غوغا
ای حسن ایچنده فتنه سرفتنهٔ زمان سن

قاندردی کائناته قند ونباته لعلك
ای خسرو ملاحت شیرین شکردهان سن

حسنك کتابندن کلدی وجوده عالم
ایواعظ ابسم اول کیم بلانجی قصه خوانسن

حقدن کلن کلامك معجزدر ای نسیمی
سنسن که کنت کنزك اسرارینه بیان سن

﴿ وله ایضا ﴾

تجلی طوتدی آفاقی جمالك شمع تابندن
مکر کیم طلعتك آبی عیان اولدی نقابندن

نه حوری چهره سن ساقی مطهر جسم روحانی
که جان سرمست ودنك اولدیلب لعلك شرابندن

مکر اشراط ساعتدر قاشکله کرپکك زلفك
که حیران اولدی حاسبلر بو قرانك حسابندن

عتابی شویله شیریندر طوداغك عشوه وقنده
که عاشق جان یاقر صانور انك ناز وعتابندن

جمالك مصحفی یارب نه کوکدن منزل اولدی کیم
ایکی حرف اولدی کاف ونون انك حسنی کتابندن

کوزك دوران عالمدن کتوردی زهد وتقوایی
مکر آخر زمان اولدی اویاندی فتنه خوابندن

هو الله الصمد سویلر خطك الحمد لله کیم
یوزکدن پرده رفع اولدیکونش چقدی حجابندن

جعلنا ثابت اولدیکیم طوداغك وصفنی سویلر
کیم اولدی کل شی حی طوداغك عین آبندن

آچلدی زلف وخالکدن بکا ایمان ودین بابی
بو حرف ونقطهٔ کورکیم نلر فتح اولدی بابندن

اکرچه ذکر وتسبیحك ثوابی چوقدر ای زاهد
بن آنی عشقه دکشردم انك چدم ثوابندن

نسیمی چون وصالکدن ایرشدی جنت وحوره
نه محشردن حساب ایلرنه طامونك عذابندن

﴿ وله ایضا ﴾

بو جان پروانه دریا نر جمالك شمع تابندن
کوکل دار القرار اولدی پریشان زلف تابندن

حیات خضرله عیسی بیلور عارف نیجه بولدی
رموز عشقله ایردی طوداغك عین آبندن

عجب جیم سعادتدر کیمه کیم پرده رفع اولدی
دوعالم طولدیشوقندن کونش چیقدی حجابندن

منجم زاهدا کلامز که سنسن احسن تقویم
ازلدن تاابد اولدی عیان حسنك کتابندن

یوزك نوری شول آتش در کیم آنی بیلدی زاهد
شجردن موسی یه انی انا الله در خطابندن

صوسزاج اویقوسز نیشه بریه چکدزر هجرك
کیرم بیت الحرام ایچره قبله م تا سجده بابندن

نی شول مدعی صانور ایراغم یعنی طاپکدن
زهی جاهل که غفلتدن اویانمز قالدی خوابندن

نسیمی نیجه وصف اتسونکه حسنك بی نهایتدر
طوتلدی دیلی افلاککك سؤال ایتدم جوابندن

براللیدزایکیوز بربش اون قرق یدیحرف اولدی
بواسمی ذکرایدن فکری یکلمادی حسابندن

ولە ایضا

قالوده بنی ساقی اسرتدی شرابندن
ایچردی لب لعلی بکا خضرك صو یی آبندن

یوز کدکی هفت ایت کیم فاتحه درآدی
تأویل کلام الله آچلدی کتابندن

تابنده یوزك نوری یارب نه کونشدر کیم
سرکشته کذر یازکون آیله تابندن

یوزی نه قزل کلدر زلفی نه قرا سنبل
کەاولدی ایکی عالم حی ریحان و کلابندن

کرفاعتبرودن سن کوزآچ نظراهلن کور
نه حسنله چیقدی کور معشوقه نقابندن

حق خرقه یه ای سالك باقرایچوکی آریت
کیرعالم توحیده چیق خرقه حجابندن

شولفتنه سی چوق عینك اویقوده صنان باری
شول فتنه قنی کەاول اویغادی خوابندن

حشرك کونشی طوغدی شانده انك زلفی
کل واقف اول ای صوفی میزان وحسابندن

تسبیحله طاماتی بازاری کساد اولدی
دکاتی ییق انك کوچ ایله خرابندن

خضرك آب حیوانی نطقی درآنی نوش ایت
کورکیم نه حیات اقارمرجان خوش آبندن

یارب نیجه سائلدر عالمده نسیمی کیم
روح القدسك نطقی باغلندی جوابندن

ولە ایضا

بوطرفه شمعی کورآقر شکر طوداغندن
عجب که منفعل اولمز قمر یکاغندن

بنفشه زلفنه باطل تشبه ایدرمش
صبا چیقار بوخیالی انك دماغندن

اکرچه سرو سهی نك بداغی بی براولور
کورك بوسرو که سوسن بتر بداغندن

زمانه زلف ورخکدن کەبلایه صالدی بنی
هم اول زمان که سچلدی قراسی اغندن

عزیق بحرغم ایتدی بنی بوشیوه ایله
کلور تفرج ایدر هر زمان قراغندن

اکراباغنه دوشمك مجالم اولایدی
دخی کتورمزدم باش انك اباغندن

زمانه چشم وچراغی نسیمی یارکدر
کتور چراغی وياندر انك چراغندن

ولە ایضا

* دم عیسی کلور طوداغندن *
* آی کبی نور اقار یکاغندن *

* زلفنك طیلسانی اول کیجه در *
* که کونش نورالور چراغندن *

* یانسردر طوداغ وحسرتیله *
* کیمکه یانمز بوعشق داغندن *

* قامتی شول شجردکل کەیانه *
* هرکشینك چراغی باغندن *

* عشق الندن طولو اياغ ایچرم *
* هم بو درامیدم اياغندن *

* صاغه دکشردی صولنی حقا *
* صوانی کیمکه بیلدی صاغندن *

* کلدی موسایه لن ترانی جواب *
* ارنی وقتی طوردا غندن *

* جانه قوش دركه قورتله دیه سن *
* عنبرین زلفنك طوزاغندن *

* زلفنك خوش نفس نسیمی كبی *
* كمدی برنفس غبارندن *

وله ایضا

هلاله دوندی قر قاشلرك هلالندن
بو یاندی قانه قزل كل یكاغك النده‌ن

چلبسنی نیجه شیرین طوداقلو یاراتمش
كه سلسبیل اوتانور لبلرك زلالندن

آیك هلالی اكرچه كونشدن آلور نور
بو آبی كور كه كونش نور الور هلالندن

قرابكك نه عجب طرفه حاله دوشمشدر
بو حالی بیلمینك هیچ صورمه حالندن

طو یلدر صاچنك قصه‌سی وسر دقیق
اكر اینانمزسن صور بونكته خالندن

نه حسن اولور بونه صورت علیك عین الله
كه دنك اولور كور یجك عقل انك كمالندن

جفاده یانه یانه كور بكم نه لر چكرم
بو عین خسته لبینك جفا اودالندن

جفالری نه قدر آجبسه یكركدر
انك آجیسی رقیبك یاغیله بالندن

فلك نسیمی یه چون اكسك ایلمز بر شال
نه اطلسندن اومر كیمسه‌نك نه شالندن

وله ایضا

قبلهٔ ایمان كوروندی سن بت عیاره‌دن
آفرین اولسون سنی نه خوش یاراتمش یاره‌دن

قنقی برجك یلدزی سن ای ملك بیلسم سنی
منزلك رفع اولدی یوزیك كوكب سیاره‌دن

باشمه چیقدی خماری لایزالی خمرك اوش
وحدتك پیمانه‌سنی ایچمشم خماره دن

چون بیاضیله سوادك واحد اولدی علتی
لاشریك اولمق دیلرسن كچ بو آق وقاره‌دن

یارب اول غمزك اوقونیك یرده ارتق یمشم
عاشق اولدر كه قایرمایه یدیكی یاره دن

یكاغك شمعینه حسنی یوسفك پروانه‌در
چوق كوكللر یغمالندی سن یوزیمه پاره‌دن

عشوه‌سینه فتنه‌لر ختم اولدی شهلا كوزلرك
كیمسه سحرن كچوره مزایرق اومكاره‌دن

شمعه كبی قارشو كه چون یانمدی زاهد سنك
قوی انك بغری قتی در شو یله سنك خاره‌دن

صوفئ پشمینه پوشك باطنی صافی دكل
اول كچان قورتار یسردر نفسنی اماره دن

وقتكه وار واعظا قو یغل بنی اوز حالمه
چاره‌كی سن سكایت كچ چاره‌سز بیچاره‌دن

عشق مشكین زلفكك بغلادی بنی بندنه
هرزه در یل كبی كزمك نه بتر آواره دن

چرخ كچان چارپاره چالدی بن اكا چرخ اورمدم
چارپارم الیمه الدم دونمزم چارپاره‌دن

روح قدس اولدی نسیمی نك حقیقت سوزلری
وارلغك ترك ایتدی چونكیم كندو چیقدی آره

وله ایضا

صبا هردم كلور مشكین صاچك چین وتتارندن
جهانی عنبرین ایلر نسیم مشك بارندن

نه كونشدر یوزك یارب كیم انك یوجه طورندن
تجلی كلدی یاندردی كلیمك شمعی نارندن

اكر نور علی نور دكلسه زلف ورخسارك
نه معنیدن كونش طوغمش صاچك هر تیره تارندن

محیط

محیط اولدی بو صالك چون سراسر یابس ورطبه   کیمك عقلی خبر و برسون بودر یانك کنارندن
ایکی عالمده مقصودم وصالکه ایرشمکدر   که وصلکدر بودرویشك مرادی شهریارندن
صاچکله کوکلك عهدی بوفا اولدی وفا چونکیم   وفا بو بی کلوردائم صاچك عهدی قرارندن
انا الحقدر مناجاتم حق اولدی کلی حاجاتم   کل ای منصور اولان قورتار بودارك کیرودارندن
قولاغی عارفك تا کیم نسیمی نك سوزن دکلر   صدفتك انجولر اغزی طولودر شاهوارندن

ولە ایضا

دنیا چون مرداردر ایکرن کوکل مرداردن   کل دکل دنیا دکندر نه اومارسن خاردن
دنیاده بر یار وفالو کیمسنه کورمش دکل   فارغ اول یاری نه حاصل شول وفاسز یاردن
آخرت یارندن ایسته هر نه مقصودك که وار   دنیانك مقداری یوقدر کچ بو بی مقداردن
مدعی جور و جفاسن حدن آشردی ولی   یارا کر یاری قیلورسه غم دکل اغیاردن
چون نسیمی زاهدك حالنی بیلدی کیم ندر   میدن اکراه ایلمز غافل دکل خماردن

ولە ایضا

* جانی طرح ایلدم بزدم جهاندن   جهان اولدم جهان اولدم جهاندن *
* اکر محبوبه ایسترسك اولشمق   کلوب کچمك کرکدر کن فکاندن *
* جهانك سهلمش سود وزیانی   قوانك سودی وقورتار زیاندن *
* اکر جنی دکلسن آدمی بیل   کانك اصلی ندندر سویله آندن *
* کماندن بولمشدر کیمسه حقی   یقین درکیم یقین بتمز کماندن *
* کلی بتمز دکنمز دنیانك چون   کلی ترك ایله کچ سرور واندن *
* طوداغی جاندر اول شیرین دهانك   مکر غافلدر اول شیرین دهاندن *
* عیان اولدی یوزی یارب صاقنسن   جمالك فتنهٔ آخر زماندن *
* قودن کچمشم لله فی الله   مکر شول طرهٔ عنبرفشاندن *
* علینا جمعه بس لا تحرك   کونش مستغنی در شرح و بیاندن *
* نسیمی نك مرادی چون سن اولدك   نظر قطع ایلدی کون ومکاندن *

ولە ایضا

کل ای دلبر که قان اولدی کوکل عشقك بلاسندن   کرم قیل وصلله قورتار بنی هجرك جفاسندن
تعالی الله نه صورتسن بو حسنیله بو لطفیله   که دیدارك نیجه کورسم کوزم طویمز لقاسندن
بنی عشق اودینه آتان کوکلدر ای نکارا اما   بنار بغرم آقار یاشم کوزمك ماجراسندن
بو کوکلم دردینه یارب نه درمان ایلیم چونکیم   قتی حیران در رهردم طبیب انك دواسندن
لب لعلك فراقندن بنم حالمی صور آندن   نظر قیل یوزیمه کورکیم عیاندر کهرباسندن
بکا سرمه کبی کوزده ایاغك توزی یاراشر   که بکرکدر انك توزی حکیمك توتیاسندن

صاچك چنبنده چین مشكی نیجه اوزنی اوكشدر   كرمدنعنبرین خطك قلم چكمش خطاسندن
جفادن هرنه كیم كوكلك رضاسیدر شها ایله   كه عاشق جورله دونمز دلارامك جفاسندن
نسیمینك تنك شول كونكه طپراق ایلیه عشقك   سندن كیم نیاز ایشت هزاران مرحباسندن

وله ایضا

شكایت ایلمزم دلبرك جفاسندن   كانوك جفاسی بكا یكدرر وفاسندن
ازلده جانمی عشقك یولنده چون قومشم   بلاسنی چكرم دونمزم بلاسندن
نه دردایمش عجب ای كوكلمی الان عشقك   كه عاجز ایلدی خلقی انك دوا سندن
غمكدن ای صنم اولدی كوكل قتی صیرو   قانی اكا شكرك شربتی شفاسندن
بهانه سز سكا چون اولمشم قول ای دلبر   بو بنده یی كرم ایت صانمه كیم بهاسندن
منور ایله وصالكله ای قمر كوزیمی   كه فرقتك آنی آجتدی توتیاسندن
قرا بكك كبی دوشدم اود اوسنه ینارم   بو آتشی اكا صور كیم ینار هواسندن
كیمك كه كوكلی دولاشدی صاچكله قالوده   آیرمز آنی صاچك زلف دلرباسندن
نسیمی نك سننه كل غمكدن اوله جكر   خوش ایمدی ایشت ای جان ومرحباسندن

وله ایضا

یوزك مصحفدر ایحوری یكاغك قاف والقرآن   بودر حقدن كلان طه بودر یس والرحمن
آیله كونی كوكندن كتوردی سجده یه حسنك   زهی قوت زهی قدرت زهی معجز زهی برهان
یدی كزحق نه معنیدن یوردی سجده شیطانه   سن آنی بیل نه شیدن سن كه آنی بیلمدی شیطا
طوداغك آبحیواندر بن آنی صورمشم خضره   ولیكن آب حیوانی نجان ادراك ایدر حیوان
قاشكله كر بكك یارب نه فتان یای واحذر كیم   فلك د رتیرینه تركش ملكدر یاینه قربان
سن اول پاكیزه جوهرسن بو كون عالمده ای دلبر   طوداغك آب حیواندر جمالك روضهٔ رضوان
سقاهم ربهم خمری لب لعلك شرا بیدر   بومیدنمست اولن بلدیكه حقدرمن علیها فان
اوطانور عارفك عقلی سكا انسان دیمك نیچون   كه انسان در دیمز كیمسه سكا یاخالق الانسان
رخك انا فتحنا در صاچك والليل قدا فلح   بو لوحك ابجدین كوز كیم كه قودی آدیحق قرآن
حقه اكری باقان كوزدن جمالن یاشرر دلبر   كتوردی پردهٔ كلدی كل ای زاهد كتور ایمان
تجلی نك چراغی در جمالك شمعی اوش كور كیم   نیجه نور وضیاسندن منور مهر ومه تابان
درادی قصهٔ شرین دوكندی شكرك دوری   لبك دورانیدر كل كل كه سنسن خسرو دوران
نه دریادر عجب عشقك كه یوقدر حدو پایانی   زهی عشق نهایتسز زهی دریای بی پایان
نسیمی چونوصالكدن حیات سرمدی بولدی   یقیندر كردیسم حقدر كیم اولدی حی جاویدان

وله ایضا

ای غفلتك میندن مست وخراب وحیران   كرحقی طانمش سن قنی دلیل وبرهان

نفسی خسبسه اویمق نادانلرك ایشی در — ایشك ندر کور آخر فکر ایله اولمه نادان
چون هرنه کیم اکرسن آنی بچرسن آخر — دنیاده آنی اکه کیم آدی اولدی عصیان
ترك ایله سیاتی صالح عمل قزان کیم — کانك جزاسی حقدن هم لطفمش هم احسان
ایامنی حیاتك بادهوایه ویرمه — کیم یتیرن حیاتی عقباده در پشیمان
مفلس تجارت ایلر سرمایه سز ولیکن — سعی عبثدر انك سوداسی جمله خسران
ناقص وجوده چونکیم نقصان کلور همیشه — جهد ایله کامل اول اولکیم کلمز کاله نقصان
دنیای دون غمندن صبر واولوب صرارمه — عالمده کیمسه چونکیم بولمز بو درده درمان
حرص وحسد صفاتن ترك ایله ایرل آندن — نیچونکه اول صفتدن ناجی در ایریلان جان
چون اسجدوا بیوردی آدم قتنده حق کل — حقك خطابنه اوی قیل سجده اولمه شیطان
دیوك لباسنی قوی خضر ایله یولداش اول کیم — شول بوجه قدرو بختك کسی دکلدر آسان
عبد اولمه ای نسیمی فانی جهانه چونکیم — ایمان ودین ایچنده سنسن امیر وسلطان
اولمزسه ملك ومالك آندن نه غم نه غصه — اولاد طیبین سن هم آدم هم انسان

وله ایضا

* ای لبك آب چشمهٔ حیوان * — * طلعتكدن خجل مه تابان *
* قامتكدن قیامت اولدی فاش * — * ایها الناس علم القرآن *
* حق کتابی یوزك بیانی در * — * انظرونا بصورت رحمان *
* عالم العلم جمله اشیا سن * — * ما لنا غیرکم ولادیان *
* ظاهر وباطن اول وآخر * — * سندن اولدی ظهور شرح وبیان *
* ذات مطلق سن ای خجسته لقا * — * کنت کنزك بیانی اولدی عیان *
* کفر وایمان صفات زلف ورخك * — * بیلمین کفری بیلمدی ایمان *
* سر توحیده ایرمدی منکر * — * آدمه سجده قیلدی شیطان *
* حقی بیلدی نسیمی حقله در * — * حق بیلانه ندر بو ملك جهان *

وله ایضا

سن بکا دلبر یترسن اوزکه لر یار اولمسون — بر اولور یار ایکی اولمز ایکی زنهار اولمسون
بغرمی طوغرار فراقك خاری ای جنت کلی — نوبهار اولسون کل اولسون آره ده خار اولمسون
طوغری در یارك یولی طوغری قیرمه یاره دن — کیمکه طوغری یوله ویرر انك بریدار اولمسون
ای سکز جنات عدنك باغ و بستانی یوزك — کلدن انك کلشنی بی برك وبی بار اولمسون
کیمکه دیدارکدن اوزکه نسنه استر یادلر — تمسون حقدن نصیبی اهل دیدار اولمسون
فرقتك دردی بنی بی خواب وکریان ایلدی — دشمنك عمری دوکنسون بختی بیدار اولمسون
طوتمشم عشقکله پیمان قیلمشم حسنکله عهد — آندن اوزکه عهد وپیمان قول واقرار اولمسون
زلفنك دارنده شاها آصلان منصور ایدی — هرکه منصور اولمدی زلفکده بر دار اولمسون

ایمدی عینکدن ایرو کیمسه خوش بیمار کن
یارب اول نرکسدن اوزکه کیمسه بیمار اولمسون
ای نسیمی قیلمه یارك سرینی اغیاره فاش
تا که یار اولسون بو سره محرم اغیار اولمسون

وله ایضا

دوشمشم بی یار الهی کیمسه بی یار اولمسون
کیمسه نك حالی بو رسمه مشکل وزار اولمسون
جنتك نازو نعیمی باغ و بستانی بکا
حور ورضوانی بکا بی وصل دلدار اولمسون
طامك اودندن آجی در فراقك عاشقه
کیمسه نك جانندە سندن یارب اولنار اولمسون
هر کیمك مقصودی سندن غیر دیدار اولمدی
تا ابد حقدن نصیبی غیر دیدار اولمسون
عاشقك باغی کلی کلزار یارك یوزیدر
وارکن یارك جمالی اوزکه کلزار اولمسون
اولمشم شول چشم بیمارك فراقندن سقیم
کیمسه شول بیماره بندن اوزکه بیمار اولمسون
عاشقك مشك تتاری زلف یارك بو بیدر
اوده یانسون نافهٔ چین مشك تاتار اولمسون
کیمکه بازار ایتمدی زلفکده یوز بیك جانله
تا ابد وصلیله انك هیچ بازار اولمسون
کشف اسرارندن انك یانرم صبر ایلرم
ایدرم اغیاره تا که کشف اسرار اولمسون
بغرمی یاندردی هجرك خاری ای خلدك کلی
بلبلك جانندە سندن هرکز اول خار اولمسون
کیمکه بیدار اولمدی عشقکده هر شب تا سحر
اول بلانجی مدعینك بختی بیدار اولمسون
جانفزا لعلك میندن فرقت آیردی بنی
یارب اول پاکیزه میدن اوزکه هشیار اولمسون
طوتمشم مهر وکله پیمان قیلمشم حسنکله عهد
مهر عشقك لم یزل بی عهد واقرار اولمسون
ای نسیمی کیمکه صاف اولمز زر خالص کبی
دلبرك عشقندە صافی همچو دینار اولمسون

وله ایضا

آلنه ویرمشم کوکل آلی چوق آله دوشمسون
یکاغینك قزل کلی اوستنه ژاله دوشمسون
زلفی اوزون قصیده در کیمسه ایره مز اوجنه
فکر خطا دلی قصه قیلله قاله دوشمسون
کر یکنك اسیریم شول الا کوزلو فتنه نك
کیمسه انك خیالنك آلنه آله دوشمسون
صاچ قراسنك غمن اولنه بیلورکه چکمدی
سر بیلنه یتر بو سوز انجه سؤاله دوشمسون
منکرك اکری کوزلری یوزنه باقسون انك
کیم نظر بوزیکراول حسن وجماله دوشمسون
عشقله چونکه کلمشم عالمه قویمزم آنی
ترکنی اوردین بکا جرم و وباله دوشمسون
خلوت واربعینله کیمسه ایرشمدی حقا
زهد وصلاحه میل ایدن فکر محاله دوشمسون
حسنله حق انك کبی بردخی جان یراتمدی
حوری یه بکزدن آنی وهم وخیاله دوشمسون
دوشدی کمندی زلفنه کوکلی نسیمینك نیچه
جانی بو رسمه یانمسون کیمسه بو حاله دوشمسون

وله ایضا

دونمشم غمدن هلاله شول مه تابان ایچون
قیلمشم قربان بو جانی شول شه خوبان ایچون
زلف طاغتمش رخ اوزره اورتر ایمانی مکر
رومه کلمش کافر چین غارت ایمان ایچون

کرچه احسانی جفادر یارنه یارك مدام	دائما شکر ایلرم شول دائم الاحسان ایچون
کوهری کاننده بولدی هرکه بولدی جوهری	جوهری او جوهری بول جوهر بیرکان ایچو
دوش محیط عشقه استه لؤلوی شهوارکی	جانکی دریایه آتمه کوهری عمان ایچون
عشق میداننده هرکیم اولمدی اسفندیار	بلکه سهراب اولمدی شول رستم دستان ایچون
چون لبك آب حیاتی حاصل اولدی خضرنه	ظلم اوله ظلماته وارمق چشمهٔ حیوان ایچون
کرچه دوکدی عشوه‌سی شیرین طوداغك قانمی	شرعله کیمدر صورن برغوی یوزبیك قان ایچو
ای نسیمی فضل حقدن چون غنی سن فارغ اول	کوربو دورانی قاریمه کردش دوران ایچون

ولە ایضا

نون وعینك وحینه حقدن اشارتدر بوکون	لیلة المعراجه زلفکدن بشارتدر بوکون
سلسبیلکدن کل ای ساقی ایچر عارفلره	چونکه بیرام اولدی وحج وزیارتدر بوکون
خوبلرك اقلیمنی طوتدی جمالك حسنله	ای امیری خوبلرك دوراماردتدر بوکون
ای فقیه ایندی سمادن عارفه ماء طهور	شبهه‌دن آرن که ایام طهارتدر بوکون
ای ویرن یارك وصالن کن فکانك وارنه	کورکه بیعکدن نیجه کلی خسارتدر بوکون
ویرمشم کون ومکانی دلبرك دیدارنه	شول تجارتدن اواوقنی تجارتدر بوکون
کیمکه حقك صورتن یوزکده ظاهر کورمدی	آدی یار اوکنده کوزسز بی بصارتدر بوکون
زرق وتزویرك اساسی اولدی ای زاهد خراب	عشقه معمار اول که معمور اول عمارتدر بوکون
حشر ونشرك ساعتی کلدی وهم یوم الحساب	اویقودن اویان کیم اوکوندن عبارتدر بوکون
بوجه‌یردن دم اورن شیخ فقیهه کل دی کیم	مدعینك حرمتی حقدن حقارتدر بوکون
طامنك نارنده شکسز یانسردر تا ابد	کیمکه عشقك آتشندن بی حرارتدر بوکون
ای نسیمی حق سلیمان ملکنی ویردی سکا	هرسوزك بیك آصف صاحب وزارتدر بوکون

ولە ایضا

ای یکاغکدن خجل کل لالهٔ حمرا ایلن	قانمی دوکدی کوزك هرلحظه پرسودا ایلن
کوکلی آلله آلدی شمدی جان استر کوزك	بونجه شلتاقی نندر عاشق شیدا ایلن
دیشلری عکسی دوشه‌لی کوزلرم سوداسنه	لعل دوشمشدر کوزمدن لؤلوی لالا ایلن
تا ابد سودایه دوشمش جانله دنیا ودین	هرکه بازار ایلدی شول نرکس شهلا ایلن
عنبر زلفك نسیمی فاش اوله‌لی عالمه	اوده دوشدی نافهٔ چین عنبرسارا ایلن
چشمهٔ حیوان صوینه‌دن اولدی جانی دیری	هرکه وصلت بولدی شول لعل روح افزا ایلن
سرولە شمشاد وطوبی اولمسون شمدن کرو	چون نسیمی قانع اولدی شوقدوبا لا ایلن

ولە ایضا

ای مکرم حسن صورت وی مطهر ماوطین	رحمة للعالمین سن رحمة للعالمین

دور حسنك لم يزلدر وى جمالك لا يزال | بيلديكم علم اليقين دركورديكم عين اليقين
اى بكاغك سوره‌سى والشمس يوزك آيتى | هذه جنات عدن فاد خلوها خالدين
كل شئ هالك وجهكدن ابروشك دكل | ايهدايت شمعى يوزك وى صاچك حبل المتين
قبله مزدر صورتك الحمد لله اى نكار | تا ابد اياك نعبد من جمالك نستعين
نون وعين وميم ودالك تلك آيات الكتاب | لوح محفوظ اولدى يوزك وهو قرآن مبين
نفخهٔ عيسى كلور شرين لبكدن جانلره | ثابت اولدى كيم لبكدر مهبط روح الامين
حور عينك صورتى آيينه اولدى حسنكه | شولسبيدن خلقه مرغوب اولديحقدن حورعين
اى لبك شاننده منزل آيت يحيى العظام | جانميدر يارب لبك ياخالق جان آفرين
مالك حسن اولدى اى دلبر جمالك تاابد | عاشقك دينى بودر بولدى نسيمى يوم دين

وله ايضا

بنه صيغندم اول سبحانه بن | لا ديمدم اول خانه بن
ويلندن ايراغ اولمايچون | هميشه عاشقم قرآنه بن
نكيم ايتدم كناه طوتدم اميد | محمد مصطفى سلطانه بن
لبيك چاغرنلرحق ايچون | كوستركيره‌يم جنانه بن
قادر سن بزى ار كورمكه | فلكدن كاچوبن سيرانه بن
غيرت بيور عاشقلره | عشرت ايركورم كيوانه بن
ظلم قلماغه اولمادم شريك | طنقدرحق بيلور انسانه بن
ضربندن طمونك قورتلم | صبر ايلرسم بهتانه بن
شئ لله اولدر تكريدن | سعادت يابن آچام جانه بن
زوال ايرمايه هيچ دين ملكنه | رفيق اولمايحق شيطانه بن
ذكر اهلندن اوله‌يم ديو | دائم يلوارم رحمانه بن
خير انديش مسلمانلرله | حريصم كللى جهانه بن
جهنم در صانورم كيره جك | ثقيل كشيله كلستانه بن
تمنام حقدن اولدر صانه‌يم | بقا ملكنى بو ويرانه بن
الله بارى قيلورسه بكا | دردمى ايرشدرم درمانه بن
دير نسيمى سكا عقلك وارسه | كندوزمى يازرم فرمانه بن

وله ايضا

زهى اولكيمسه كيم واردر حبيبى سن كبى مهرو | شكر كفتار وكل رخسار ومشكين خال وعنبربو
جهانه كلميه هركز اوزك تك بردخى دلبر | سعيد اختر صنم منظر پرى پيكر فرشته‌خو
زهى صانع كه صنعندن برادركند ولطفندن | بلى انجه لبى غنچه خطى رعنا رخى نيكو
كل اى صراف قيمت كر نظر قيل معدن جوهر | زمرد خط وسيمين بركبى لعل وديشى انجو

قاشكله كر يكك زلفك يوزكده بكلرك داخی | پری عیار پری طرار پری مکار پری جادو
سنی سونلرك حالی بودرت ايشدن دكل خالی | كهی غوغا كهی سودا كهی ديوان كهی يرغو
ايا كم قوللرك چوقدر نسيمی قامودن كتر | بسازرك وبسا قبچاق بسا زنكی بسا هندو

وله ايضا

يوزكده نورينی كوردی ازل كونده اله | ديدی كه اشهد ان لا اله الا الله
بوحسن ولطفله كيم كوردی كوكده يا يرده | ملك صورتلو بشريا كونش صفتلو ماه
اكر كناهسه قيلمق يوزك قننده سجود | بن ايلرم بوكناهی كه فرض ايمش بوكناه
كتور نقابی وخلقی قول ايله حسنكه كيم | ملاحت اهلنه سنسن امير وسنسن شاه
هدايت ايلدی قالو بلاده نوره بنی | قرا كوزك قرا قاشك بككله زلف سياه
قول اولدی حسنكه حور وملك نه صورتسن | زهی عنايت وعزت زهی اغرلو سپاه
نه حسنمش بوكه وصفنده روح ناطقه نك | دلی طونلدی قيلدی حديثنی كوتاه
ايكی كوزك اكراكری دكلسه باقه ايكی | كه وحدت اهلنه حقدن بولوندی طوغری راه
جهانده خال وخطكدن رخك چرپچكمش | زهی شهنشه اعظم زهی جلالت وجاه
جمال وصورتكه كيمكه اولمدی قوربان | ايكی جهانده نصيبی ندامت اولدی واه
جهان ايچنده نسيمی الفتك اولدی فرد | اكر اينانمزسن اشته شرع اشته كواه

وله ايضا

* مصحفدر انك يوزی ای واله | ميم نون عين قل هو الله *
* معشوقله عاشق اولدی واحد | جف القلم اولدی قصه كوتاه *
* صوفی نه بيلور طريق وحدت | ميخانه يه چونكه بولمدی راه *
* بيك يوسفی جاهنه دوشرمش | شيرين لبی شول اوكونديكی جاه *
* قنقی فلكك ستاره سی سن | كيم صورتكه اسير اولور ماه *
* سنسن بوكون ای امير خوبان | شيرينلره خسرو وشهنشاه *
* احيای عظام ايدر نسيمی | زلفك قوقوسيله هر سحرگاه *

وله ايضا

* يوزك كوردم ديدم الحمد لله | بو يوزك كوردم اوقودم قل هو الله *
* مسلسل زلفكی كوردم معنبر | مقوس قاشلرك نصر من الله *
* قراجی كوزلرك يغمالرندن | ينه دونوب ديدم استغفر الله *
* طوداغك شربتی عين شفادر | سقيهم ربهم من رحمة الله *
* جمالك كورمشم ايرلغم يوق | اكر اينانمزسن والله بالله *
* بنم كوكلم سكا حيران اولوبدر | نه كيم جبار قيلور الحكم لله *

* اوتوزایكی حروف اولدی وصالك — وصالكدر وصالكدر ای واالله *
* نسیمی قیلدیسه برقاتله توبه — نصوحی توبه سی توبوا الی الله *

ولە ایضا

كوردم یوزكی ای صنم المنة لله — فرض اولدی بكا كیم دیه م المنة لله
تقدیر ازل بختله یار اولدی واولدی — تدبیر مخالف عدم المنة لله
محبوبله چون دولت وصل اولدی میسر — جمشید زمان اوش بنم المنة لله
پركدی ظفر فتحله چالندی بشارت — كلدی فرح اوش كتدی غم المنة لله
بختم كونشی طوغدی واقبال كلدی — شول شاه سعادت حكم المنة لله
ظلمنده بوكون چشمهٔ حیوانه ایرشدم — شول خضر سكندر حشم المنة لله
زلفك خبرین ویردی صبا كورنه كتوردی — شول قاصد فرخ قدم المنة لله
قیلدی ینه عاشقلرینه لطف وعنایت — شول عادت دائم كرم المنة لله
شول كعبه جنابك قپوسی دولت وبختده — كور كیم نیجه اولدی حرم المنة لله
ای شادیه محتاج اولان ای راحته مشتاق — كل كل كه دوكندی الم المنة لله
روح القدسك نفخه سیدر نطق نسیمی — حق ویردیكنه دم بدم المنة لله

ولە ایضا

عاشق بلا یولنده كرك كیم حمول اوله — معشوقدن اكا نه كلورسه قبول اوله
كرچك محبه جور وجفا چونكه یار ایدر — نیچون جفادن انجنه غمدن ملول اوله
ناز ونعیم وعشرت جاوید ایچنده در — دلبردن اول كوكل كه مرادی حصول اوله
هر عاشقك كه یارله اولدی چرا وچون — عارف قتنده آدی انك بوالفضول اوله
شیرین حلاوت اولمیش اولا كه سدره سی — ذاتنده خوب خلقت وشیرین اصول اوله
یوقدر نصیبی عشق حقیقتدن ای كوكل — شول كیمسه نك كه مرشدی ناقص عقول اوله
ای خالقك امانتنی ضایع ایلین — لایقدر آدینه كه ظلوما جهول اوله
كر شرح ایدرسم آیت حسنك كتابنی — هر باب ایچنده فضلنه یوزبیك فصول اوله
معراجه چیقدی روح نسیمی براق ایله — شول لاشه دن نه فایده كیم لاذلول اوله

ولە ایضا

شول لب شیرینه یارب كل شكر دیرسم نوله — شول كونش طلعتلو آیه كر قمر دیرسم نوله
آدمی نوعنده مثلك كورمیش دور فلك — شول جهاندن كر سكا خیر البشر دیرسم نوله
شول كل اوزره طاغلان عنبر صفتلو سنبله — عنبرین ریحان عجب یامشك تر دیرسم نوله
بیلین عشقك طریقن هر خبرسز غافله — چون هدایت بولمش كربی خبر دیرسم نوله
سنسز ای جان وجهان بربوله دكز كائنات — هیچه دكز نسنه یه كر شول قدر دیرسم نوله

كر بوزك آين كوره نه‌ای جهانك فتنه‌سی
شبهه‌سز حق كورن صاحب نظر ديرسم نوله

كيمكه حق پرده‌سز يوزكده‌ای جان كورمدی
بی بصيرتدر كر آنه بی بصر ديرسم نوله

نور ايما ندر جمالك كيمكه صدقنا ديمز
كافر مشركدر انه ديو اكر ديرسم نوله

زلف ورخسارك‌درای جان سورهٔ نور ودخان
كر بو معنيدن اكا شام وسحر ديرسم نوله

چون نسيمی نك مقامی قافش عنقا اين
شول معلی قدره كر عالی كهر ديرسم نوله

ولە ايضا

دنيا طوره‌جق يردكل ای جان سفر ايله
الدائمه انك النه اندن حذر ايله

برحاله قرار ايلمز ايام وكچر عمر
ای اهل نظر باقه بو حاله نظر ايله

پاينده دكل دولتی ای خواجه جهانك
اسبابنه الدائمه كل اندن كذر ايله

كر عاشقسن صدقله شول دلبر ايچون كل
جانيله جهان اورتايه قورترك سر ايله

دوشدی صاچنك ظلمتنه كوكلم الهی
اول حال پريشانه بو شامی سحر ايله

چون حسنكه ختم اولدی بو كون دور ملاحت
ای فتنه‌لرك خاتمی شق القمر ايله

كر موسئ عمران كبی شول ناره صتاشدك
كل تابشنی كوستر وشرح شجر ايله

دنيا اوينك ساكنسی بش كون ايمش چون
بنيادينی اورور كبی زير وزبر ايله

شول بسته دهانك خبرين بيلدی نسيمی
شيرينلره شول تنك شكردن خبر ايله

ولە ايضا

بونه بركزيده صورت كه كذر بو جان ايچنده
بونه قيمتی كهردر كه بتر بو كان ايچنده

سنی كيمدر آدم اوغلی دين الله الله
بو صفتده كيم كورو بدر بشر جهان ايچنده

كيم راوی وير ر بيلمندن ايرمز يقين بو سره
نه خيالمش بو يارب خبری كمان ايچنده

يوزكی نقاب ايچنده ياشر ای قمر صورتلو
كه رخك قيامت ايلر بو آخر زمان ايچنده

سنی بندن ايراق ای جان نيجه آيره زمانه
كوزمله كورمشم چون سنی هر مكان ايچنده

ينه فغانه كلدی جكر طوتشدی ياندی
نيه اوغردی نه كوردی بو تهی ميان ايچنده

ديلرم زمان زمان كيم سنی چقه‌يم جهانده
نيجه برينه بو شمعك جكری دخان ايچنده

بودرك معانئ كورنه بيان قيلور نسيمی
فلكك دلی طوتلدی بو اولو بيان ايچنده

ولە ايضا

ای بی نظير واحد حسنك جمال ايچنده
يوزك قيامت ايلر شول زلف وخال ايچنده

صبح ازلده هر كيم بولدی سنكله وصلت
قيلدی سنكله دائم عيش وصال ايچنده

بن بنده حق بولدم حق اليقين حق اولدم
اويقوده قالدی منكر نقش وخيال ايچنده

ای عالمك حياتی عشقك نه نارمش كيم
غرق ايلدی جهانی آب زلال ايچنده

فرديتك كمالی اولدی سكا مسلم
كيم غايته ايرشدی حسنك كمال ايچنده

اغزکله زلف مشکین مشکات نور حقدر
کل حق خلقه کوستر شول میم ودال ایچنده
یوزك شمعی ئلندن قاشك دلائلندن
غوغا وفتنه دوشدی بدر وهلال ایچنده
بدرك قتنده یوزك شول شمس خاوریدر
هیچ کیمسه کورمزانی هرکز زوال ایچنده
روح الامینه صوردم اسراربنی طوداغك
نطقی طوتلدی قالدی اول بوسؤال ایچنده
ای استین لقایی فردا کونده حقدن
فردایه دوشمه قالمه فکر محال ایچنده
ای مکر ایچنده صوفی الدانمه آله زنهار
کل عمرکی چورتمه تزویر وآل ایچنده
شول غمزه شیوه سندن برحاله دوشمشم کیم
کورن بوحاله استر دوشمك بوحال ایچنده
یوزك کبی نسیمی ای خوبلرك امیری
خورشید لم یزلدر بدر وهلال ایچنده

﴿ وله ایضا ﴾

الحمد لله احمدك کیردك عبا وشالنه
بوالفضل رب العالمین اولدی علی وآلنه
فانی جهانه قالمدق اماره نفسه اویمادق
الدانیلر الدانمدق بودنیه مکر وآلنه
عاشقلرز قیلدق نظر یارك جمال ووجهنه
کالورد حمرا جنتك صلوعلیه آلنه
الیوم اکملت لکم دیدی استواده دینکیم
شکر ایله کز حق نعمتك رزق حلال ومالنه
اننده چون شق القمر آچیلدی ایمان اهلنه
اشراط ساعت حکمله باصلدی خاتم النه
شیطان صراطی کورمدی یوزنده یارك مستقیم
یلقون غیادر جزادیو لعین ضالنه
اوقور یقول الکافر یالیتنی کنت تراب
نار جحیمی طویبن یاننده یارك بالنه
انلرکه نار اصحابیدر چیقماز طمودن تاابد
قال اخسؤفیها جواب انلر نیته کیم بالنه
ای استواسن بیلمین طوغری یولینی یاکلن
اعمی دکلسن آچ کوزك باق انما الاعمالنه
جانانه یوزی قبله در محراب مسجد قاشلری
دیو اولمه جاندن سجده قیل شو قبله نك اقبالنه
قالوا بلادن صدقله جانم طولشدی صاچنه
دولتلو جان کیم بنده در حشمتلو زلف وخالنه
نفسنی بونده بیلمین الله نوری کورمدی
حقنی نسیان ایلدی باقز حق انك حالنه
توحید خالصدر بکا کورمك جمالك ای صنم
اولسون حسددن مشرکك لعنت قود جالنه
قوپدی قیامت فتنه سی اورلدی صورك نفخه سی
اشته نفیرك صیحه سی چالندی صانمه چالنه
مجمرده عود زلفنك مشکین قوخوسی کیم بکا
حاجت دکلدر ای پری عود اوزره عنبر صالنه
جانیله دلبر یولنه ویردی نسیمی کوکلنی
عالمده رحمن صورتن کیم کورسه کوکلی آلنه
حقه یقین اخلاصله چون نیة المؤمن کرك
عشقه محب اول ای کوکل باق انها النه

﴿ وله ایضا ﴾

بوقدر وفاسی دنیه نك آلدانمه انك آلنه
رنکندن اولدی منفعل هرکیم بو یاندی آلنه
نقد زغلدر دنیه نك انکله بازار ایلمه
نیچون که هرکیم قلبله ایلرسه بازار آلنه
چون جمله قیل وقالمش دار الغرورك حاصلی
شول بی ثباته دوشمه کز بیهوده قیل وقالنه
آروسی بیلاندر صاقن طاتلوسنه الدانمه کیم
آجی در آنك سکری آغوقاتمش بالنه

اصلی دنی در دنیانك ذاتنده بوقدر بر الف ‏ ‏ ترکیبنه کل باق انك شول یا و نون ودالنه
فانی جهانك سوکسی طاموا اودیدر باندرر ‏ ‏ قاج اول قریدن ای کوکل آلدانمه زلف وخالنه
محنت در انك دولتی زحمتدر انك حشمتی ‏ ‏ مدبردر اولکیم باغلدی قلبن انك اقبالنه
تزویر و بهتاندر ایشی هم قول وفعلی مختلف ‏ ‏ حالن سکا شرح ایلدم فکر ایله انك حالنه
دیو رجیمك آتی در اماره نفسك مرکبی ‏ ‏ ترك ایله دیوك آتنی باشمه انك پالنه
محکم اوبنجی دزفلك منصوبه سندن که صاقین ‏ ‏ ای بی بصیرت باق آخر شول صورتك احوالنه
شول بی مثالك عشقنه ویردی نسیمی کوکلنی ‏ ‏ دنیا نوله یا آخرت کیم قاله ملك ومالنه

ولە ایضا

نور تجلی شعله سی دوشدی ازلده آلنه ‏ ‏ کوزلرمك بورنکله باشی بو یاندی آلنه
هم معجزاتی احمدك کوزلری سحردر انك ‏ ‏ رحمت حق بو جادونك امنه وآلنه
جهد ایدرم که آلنه کوکلمی ویرمیم ولی ‏ ‏ هم بیلورم که عاقبت آلنه کوکلم آلنه
کیمسه اکرچه استمز دوشمکی فتنه یه ولی ‏ ‏ شکر ایدرم که دوشمشم آله کوزیکك آلنه
دوشدی نسیمینك باشی زلفی کبی اباغنه ‏ ‏ دوشه لی جان کوزی انك بدر معمم آلنه

ولە ایضا

دوشدی ینه دلی کوکل کوزلرینك خیالنه ‏ ‏ کیم نه بیلور بو کوکلك فکری ندر خیالنه
آلله الا کوزلرك آلدادی آلدی کوکلمی ‏ ‏ آلنی کورنه آل ایدر کیمسه ایرشمز آلنه
قیمتنی طوداغکك دکه خسبسه صورمه کیم ‏ ‏ بن بیلورم که جا نله صوصامشم زلالنه
کوزلرینه اسیر اولن کوکلمی حالنی بیلور ‏ ‏ کیمکه بو حاله دوشمدی قوی واره کندو حالنه
سرینی شول قرابکك یکاغی شرح ایدر ولی ‏ ‏ جان نوله کر فدا اوله یکاغنه وآلنه
طاتلو سوزکدن اوطانور آب حیات محوا اولور ‏ ‏ کل بشکر نه اسنه در کیم ایریشه مقالنه
حسن وجمال وصورتك مجلس برکمال در ‏ ‏ شرح وبیان ووصفله عقل ایرمز کمالنه
یوزینی قاشنی کورن قارشو بقار شو کوزیکز ‏ ‏ صانمه که باقه اول کوکل بدرینه یا هلالنه
عاشق صادقك قانی کرچه حلال در ولی ‏ ‏ کیرمزا کر روا دکل دلبرانك وبالنه
آیله کون سجود ایدر صورتنکی کوریجکز ‏ ‏ بونه جمال وحسن اولور صلوا علی جمالنه
بولدی نسیمی چون سنی کجدی قودن ای صنم ‏ ‏ قو یدی حریر اطلسی کیردی عبا و شالنه

ولە ایضا

کیمکه آلداندی جهانك آغولو لذاتنه ‏ ‏ دوشدی شول منصوبه سی چوق دنیه نك شهماتنه
دیو ملعوندر صاقن اماره نفسك مرکبی ‏ ‏ بنمه کر ازغون دکلسن نفس شومك آتنه
دعوی ایلرسن که حق بیلمشم صادق دکل ‏ ‏ چون دلبلك یوقدر ای منکر انك اثباتنه
زلف قاشك کر بکلکدر نلك آیات الکتاب ‏ ‏ اشته مصحف کل باق انك سوره وآیاتنه

طاعت وذكر ونمازی مكر وفندر زاهدك عارف اول آلدانمه بالله زاهدك طاماتنه

نفخهٔ صورك صداسی طوتدی آفاقی ایشت ای اولن عاشق حمیرك انكر الاصواتنه

كافرك بتخانه سیدر دبننك كاشانه سی بوقدر ایمانی انك كیم سجده قیلدی لاتنه

جام جمشید اولدیهر شی صورتكدن او بدورر ای كونش فیضك ایرشدی عالمك ذراتنه

ذاتنك عینی در اللهك صفاتی ای بشر لیكن اول بیلدی بورمزی كیم ایرشدی ذاتنه

صورتك كوركیم نه مغلقدر كیم انك سرینی كیمسه نك عقلی ایرشمز كنه ادراكاتنه

چون جمالكدن نسیمی ابجدی قیلدی تمام عین ومیمك عمه سندن ایردی والصافاتنه

﴿ وله ایضا ﴾

باشكی طوپ ایله كل كیر وحدتك میدانته ای كوكل مشتاقسن كیرز لفنك چوكانته

عاشقك قانیله اوینار دلبرك سیمین الی ای بلانجی عاشق ابسم كیرمه جانك قانته

چكمین عشقك بلاسن كورمین هجرك غمین دردیدر مانسز در انك چاره یوق درمانته

جانی قربان قلاندر یار ایچون كرچك شهید هر نفس بیك رحمت اولسون اولشهیدك جانته

زلفنك سری اوزندر زاهد آنی صور بكا كر اسیر اولمق دلرسن زلف مشك افشانته

كل نقابك طرفنی كلكون بكاغكدن كتور تاكلستان كلمسون ایرق كل خندانته

خوبلرك باغنده چوقدر فتنه لو نركس ولی فتنه لك ختم اولدی انك نركس فتانته

ای اومن یارین كونك اوچاغنی كل كوركه بن صاتمشم آنی بوكون یارك لب ودندانته

لعل ومرجاندر طوداغك لؤلؤ در در دیشك آفرین اول بحر وكانك لؤلؤ مرجانته

كر پكك ناوك اوقیدر قاشلرك چاچی كمان اوغرمز عاشقدن اوزكه اول اوقك پیكانته

ای نسیمی كر سوزك معنی سی بی پایان دكل نیچون ایرمز كیمسه نك عقلی انك پایانته

﴿ وله ایضا ﴾

كل كل كه مشتاق اولمشم شیرین لبك كل قندینه كل قند مصر یدر لبك قندن الت كل قندینه

هر قنده كیم شرح ایلیم شیرین طوداغك قندینی ارواح اوشر طوطی كبی اول لعل شكر قندینه

شهلا كوزك بندن كوكل الدی واندایچر كه بو كفارت اولسونجان ودل اوكرچكك سوكندینه

مشكین صاچك بندن بنی كسدی و پیوند ایلدی تحسین انك تقطیعنه رحمت انك پیوندینه

زلفله قاشی قاره در سرو خرامان دلبرك قشلارینه قربان اولهم یا طرهٔ دلبندینه

ای واعظ ابسم در بكا طاماتكی عرض ایلمه بن عاشق اولدم كیرمزم هر قصه خوانك پندینه

ای عشقه انكار ایلیان چون وچرا وچندی قو نیچون دوشرسن عاشقك چونو چرا وچندینه

زلفی كمندندن كوكل قورتلماز ایرق شویله بیل سوداسنه بل باغلمش هم كوز قرارتمش بندینه

چون شهریارك شهرینه بوكون نسیمی درملك بیورق انك در حكم انك هم شهرینه هم كندینه

﴿ وله ایضا ﴾

دوشمش معنبر سنبلك خورشيد تابان اوستنه شول رسمله مشكين بكك كلبرك خندان اوستنه
كوكلمى ويران ايلدم مهرك يرك جان ايلدم عشقك بكا شان ايلدم دوشدى غمك جان
درد محبت عاشقه درمان يتر وار اى حكيم هردم بنى ييك دردله ارترمه درمان اوستنه
رخسارك اوزره زلفكى هر كيمسه كيم كورديديدى كفرسيه درصانه‌سن داغتمش ايمان اوستنه
ياقوت وريحاندر خطك اى قوت جان لعل لبك شول نوعه‌دوشمشدر كه خضر اول آب حيوان
نور تجلى سرينى يوزكده كوردى كوزلرم كوركيم نه‌صورتباغلمش بوچشم كريان اوستنه
عشقكده‌اى آرام جان كرچه نسيمى خاك اولور دورمش سنكله تاابد شول عهدو پيمان اوستنه

﴿ وله ايضا ﴾

دل بزرجبسى يلاندر ويرمزم بازارينه كرچك اولمز اكرى دل ايناممزم اقرارينه
صادق اولدر دلى كوكليله برايليه اكرى دلدن نسنه كلمز دورمشم انكارينه
وارى محنت درجهانك نه‌اومرسن اى كوكل لعنت اولسون بوجهانه هم جهانك وارينه
دلبرى اولدى كيمك كيم فانى دنيا عاقبت كچدى عمرى طويمدى ايرشمدى دلدارينه
تخته چقماق استمز منصور اولان يامنبره هركه منصور اولديچقدى شاه عشقك دارينه
دنيانك نازنعيمى جيفه دريعنى نجس اى كوكل طاهرسن آخر صونمه ال مردارينه
حق بيلور ايشنى صبرايت فارغ اول غصه‌يمه وقتى يتسون بوجهانك قوى وقتلان كارينه
هيچ كل اولمزدكنسز هيچ شادى غصه‌سز ديرمه كلندن انكيچون كلى دكمز خارينه
چون نسيمنك غمندن فضل حق واقف درر غم دكل كركيمسه اولمز مطلع اسرارينه

﴿ وله ايضا ﴾

اى نازى چوق دلبر بنى ياندرمه هجرك نارنه چون يانرم پروانه‌تك شمع رخك انوارنه
هجرك شرابى آجيدر مشتاقه ايچرمه آنى نيچوكه ياراول آغويى ايچرمز اى جان يارنه
حسنكدن اى شمس وقمر آفاقه دوشدى فتنه‌لر كيم درينن انديشه سرزلف ورخك اسرارنه
دنيا وعقباده بكا مقصود سنسن يوقسه بن عقبايه سنسز باقمزم هم دنيانك مقدارنه
وصلكدن اولدم چون غنى بن ملك مالى نيلرم بن كن فكانى ويرمشم وصل رخك ديدارنه
صاچر خيالك نقشنه لؤلوى شهوارى كوزم اى ديشلرى درباق انك دردانهٔ شهوارنه
يوزك اناالحق بنى زلفكده بردار ايلدى منصور اولاندر آصلن عالمده عشقك دارنه
تسبيحله سجاده چون زرق اهلنك اركاندر عاشقلره زلفك يتر دعوت قلان زنارنه
كرواصل اولمق يارله استرسن ايعاشق بوكون كل اور نسيمى تك قفا كون ومكانك وارنه

﴿ وله ايضا ﴾

ياندريجى فرقتك ياقدى بنى نارنه كوكلم اولشمق ديلريار وفادارنه
اولدى كوزمدن ايراق شول صنمك صورتى يارب ايرشدر بنى دولت ديدارنه

عشقه اسیر ایلدی جانمی شول نازی چوق — لطفله بر باقدی یار کرفتارنه

کورکه سوزلمش کوزی ایلدی صبرو بنی — قانی انك رحمتی عاشق بیمارنه

بوره کمی یاره لو ایلدی غمزك ابرش — یاره سنه باق بوکون قویمه انك یارنه

جانمی پروانه تك یاندررم شمعه کیم — یا نرمش یارایچون واصل اولان یارنه

ملکله مال ای ملك کیمسه یه چون قالمدی — یوق طوت آنی هیچه صای باقه انك وارنه

عشقکه قالوا بلی چون دمشم صدقله — عهدمی صندرمزم طورمشم اقرارنه

یاره نسیمی بوکون جانی قربان قلن — محرم اولور تا ابد مخزن اسرارنه

وله ایضا

دوشدی کوکل آله کوزك آغنه وقراسنه — ایرق انکله کیمسه نك آغی ندر قراسنه

کلدی ففانه جان ینه نی کبی سوز ودردله — کیم نه بیلور بو خسته نك دردی ندر دواسنه

طره سنك جفالرین صورسه بو مبتلایه کیم — ابلشم فدا انك جانمی هر بلاسنه

چونکه جفاسزای کوکل کیمسه مراده ایرمدی — جوره تحمل ایله طور شول صنمك جفاسنه

نور وصفا ایچنده یم غرقه ولی بو حالتی — اول نه بیلور که دوشمدی مهر رخك هواسنه

یکجهت اولغل ای کوکل جان وجهانه اورقفا — یوزکی طوغر یطوت حقا اورقنك قفاسنه

حسن وجماله باقغه آری صفا نظر کرك — دوشمسون آری سزنظر آینه نك صفاسنه

دلبر النده عاشقك قتلی ندن حرام اوله — عاشقه چون حلال ایدر وصلنی قان بهاسنه

چون بو بلا نجی دنیه نك عاقبتی فنا ایمش — کچ قودن نسیمی تك باقه انك بقاسنه

وله ایضا

صوصادی کوکلم نکارك لعل روح افزاسنه — طال شوقی شول حبیبك صورتی زیباسنه

ای صبا اغرشدغکیجه شوخرامان سروطوش — بندن اوپ انك اياغنی سجده قیل بالاسنه

کوزلری سوداسی عاشق جاننه قلدی وقلرین — اول بیلور کیم عاشق اولمش نرکس شهلاسنه

عینکی اچ عینمه باق جمله عینك عینیم — صد هزاران جان فدادر عیننك سوداسنه

صورمه سودابی لرك حالن طبیب عامه کیم — دوشمین بیلمز بو حالی کوزلری سوداسنه

صورتی حسنی جمالی جمله زیبا درانك — حسننه قربان اولایم بلکه سرتاپاسنه

کیمکه ظاهر کورمدی یوزکده حقك صورتن — کوزکسی آری دکلدر چاره قیلسون پاسنه

بی بدلدر حسن ایچنده لطف ایچنده بی نظیر — واحدیت ثابت اولدی حسن بی همتاسنه

خرمنده حسننك کوندر بشقجی آیله — اوتان ای نسبت قیلمن قاشی هلالی داسنه

زاهدك هیچ اولدی زهدی نیجه بکدی طاعتی — باشلدی یاسینه شمدی کیمسه کلمز یاسنه

چرخ زادك نقوشن ترس اوقور کوزسز فقیه — کعبتینی کورکه آترحقه بازك طاسنه

روح قدس اولدی نسیمی جسمنی طرح ایلدی — کوهر فرد اولدی دوشدی وحدتك دریاسنه

وله ايضا

صورت حقه اى صنم بدر رخكدر آينه   طاش اوله كيمكه صورتك اولميه عاشق آينه
عشق رخك طريقدر دارسلامتك يولى   منزلنه قچان ايرر كيمكه بو يولده طاينه
دنيه وملك ومالنه ميل محبت ايلمه   چون كيده بسرسن اى ملك اخرتك سراينه
وصل رخكدن اى پرى تا ابد اولدى محتجب   كيمكه مقيد اولمدى زلف كره كشاينه
فاتحه درانك يوزى نون والف در آيتى   صلوا وسلموا على صورت جانفزاينه
زلف دوتاسنك غمى صوربو اسير عشقه كيم   كاولدر اسير ايدن بنى سلسلهٔ دوتاينه
باشنه كيمكه دوشمديكولكه سى عنبرين صاچك   دولته صادق اولمدى اوغرامدى هماينه
حورله جنت ولقا كورميه حقدن اوله بيل   كيمكه يوزكده كورمدى حقى بوكون معاينه
عشقكه كيمكه قيلدى باشله جانى سبيل   دردنه چاره بولمدى اوغرامدى دواينه
ويرمشم اول قرا صاچك قول وقرارنه كوكل   كرچه اينانمزم انك عهدنه و وفاينه
حسن رخك زكاتنى آيه كرايده سن عطا   مهرمنير طلعتك نورنه يانه باينه
حسنكه خالق البشر ختم ملاحت ايلدى   دولت انك كيم اوغرادى ختمه سنك دعاينه
جان ويريجى لبكده درشربتى خسته كوكلك   كيمدر ايرشدرن آنى لعل لبك شفاينه
لعل لبك حياتنى انجويه نسبت ايلين   كورنه جفالر ايلمش جوهر جانفزاينه
عشقنه ويرمسون كوكل شول صنمك نسيميا   كيمكه تحمل ايلمز جورنه وجفاينه

وله ايضا

رحمتى كلدى ايرشدى فضل رحمانك بنه   چيچكى آچلدى كلدى شول كلستانك بنه
كوكلمك احوالنى كلدى كرمدن صوردى يار   عون ايردى درده يانى جانه درمانك بنه
كلدى روح افزا البندن صوصامش جانه سلام   خضره انعامى ايرشدى آب حيوانك بنه
فرقتك دورانى كچدى كلدى ايام وصال   مدعى عمرى دوكندى آچى هجرانك بنه
كل كتوردى پرده يوزندن آچلدى نوبهار   رونقى كلدى ونورى باغ و بستانك بنه
ظلمتندن ليلة الهجرك بكا ايرق نه غم   نورچون دوشدى بكا شول ماه تابانك بنه
زلفنك عهدندن استه دلبرك بوى وفا   عنبرى بايلدى شول زلف پريشانك بنه
باشمه قوتلو اياغن كلدى بصدى اول نكار   كولكه سى دوشدى بكا سرو خرامانك بنه
عهد و پيمانكدن اى يار اسندى جان ال يومق   قويمدى مهرك وفاسى عهد و پيمانك بنه
اى قمر عينك بلا يتمزمدى عالمده كيم   فتنه اولدى خلقه زلف عنبرافشانك بنه
چون نسيمينك صوصامش قانه يارك لبى   نولدى اى منكر سكا كيم قينادى قانك بنه

وله ايضا

شول شمعى كوركه نورنه پروانه ام بنه   باش اويانمقده كور نيجه مردانه ام بنه

ساقی لبندن اسرمشم شول قدحدن اوش — مستانه کوزلرك كبی مستانه ام بنه
قالوا بلاده کوی خرابات ایدی یرم — شول معنیدن مجاور میخانه ام بنه
بزم ازلده همنفسم کرچه جامدی — شکر ایلرم که همدم پیمانه ام بنه
عشقکده ای جمال‌الله افسانه فی المثل — خلقك دلنده کورکه نه افسانه ام بنه
ای بیلمین بو جان عزیزك حقیقتن — جانی بیلانه صور که نه جانانه ام بنه
اندیشه نك عمارتنی قیلمشم خراب — شول کنج بی نهایته ویرانه ام بنه
یارب نه سحر ایدرشو پری شکل وشیوه کیم — زنجیر جعد زلفنه دیوانه ام بنه
ای کوهرك بهاسنی مقدارنی بیلن — اصداف ایچنده کورکه نه دردانه ام بنه
یوزکده ای صنم کوره‌لی زلف وخالکی — دام بلاده دانه کبی دانه ام بنه
کشف ایلدی نسیمی دهانك رموزنی — مفتاح غیبه کورکه نه دندانه ام بنه

ولە ایضا

درده مشتاق اولمین کیمدرکه درمان استیه — قبل موتی بیلین سن صانمه کیم جان استیه
جوهری اولمق کرکدر جوهری بولمق کرك — هر کیمك کوکلنده واردراول ویره کان استیه
جانله دنیا وعقبی هر کیم اول ترك ایتمدی — مدعی در صانمه کیم اول ویره جانان استیه
خضر له ظلماتی طانمین حیوان کبی — نه بلا کیم قنده واره آب حیوان استیه
هر کیم اول طانمدی کندو وجودن شهرینی — اول کدا همت نه یرده واره سلطان استیه
عنبرافشان زلفی انك کیمکه دوشدی بوینه — باشی طوپ اولسون انك کیم اوزکه چوکان استیه
زلفنك کفرن اکرچه اهل حق ایمان بیلور — ای نسیمی صانمه سن کیم کافر ایمان استیه

وله ایضا

دوشورمش عنبر زلفك همایونکولکه سن آیه — تعالی‌الله زهی سنبل تعالی‌الله زهی سایه
نظیرك یازمز ایرق ازل نقاشی رخسارك — که حسنك دور یختم اولدی بورخسار دلارایه
قاشك معراجنه صوفی ایرشمك استرای حوری — ولی هر قاصر ادراکك عروجی ایرمز او پایه
یوزك والشمس ویس در مثناکر یکك طه — طنقدر الذی اسرا بومعراج و بو اسرایه
رخك اسماء حسنا در تعالی شانه کورکیم — نه احسان ایلمش محسن بو حسن صورت اسمایه
صاچکدر لیلة الاسرا قاشك اسرار ما اوحی — قنی حقدن ایرشمش جان بو اوحی و بو اوحایه
وصالك قیمتی دردر نهایتسز دکز عشقك — بودرك کاتی اول بولدی که غرق اولدی بو دریا
کل ای طوبی سجود ایله بو سیمین برسهی سروه — که امر اسجدو کلدی بوزیبا قدو بالایه
پریشان زلفنك حالن ندرسن بیلك ای زاهد — بو سودا انجه سودادر دولشمه سن بو سودایه
صاچکو صلندن اولعاشق حیات سرمد یبولدی — که تسلیم ایلدی جانن بوریحان سمن سایه
منور عبهرك ترکی اوین یغمالدی عقلك — مغل هر قنده واررسه دوشر تاراج و یغمایه
بوکون شول ماه تابانك یوزین کورظاهر ای عابد — که محروم اولدی اول خاسرکه منزور اولدی فر

نسیمی چون سنی بولدیدو عالمدن توحید اولدی	کسلدی ماومنلکدن اولشدی ذات یکتایه

ولـه ایضا

٭ چاره بوقدر یاره ابسم ای کوکل یار استمه	درده چون درمان بولنمز ونجه تیمار استمه ٭
٭ دنیانک یارندن استرسن وفا عقلک قنی	حاصل اولمز نسنهٔ فکر ایله زنهار استمه ٭
منکرک اقراری یوقدر حقه ای صاحب نظر	حقه اقرار ایلهسن منکردن اقرار استمه ٭
٭ ظلمنی چوقدر جهانک ظلمتندنکه صاقن	ای کوزم ابدنلغی ظلمتدن انوار استمه ٭
٭ کوزیکی سن اچمینجه ای لقادن بی خبر	صورتن قیلق تمنی ایتمه دیدار استمه ٭
٭ نیجه محنت چکمینجه هرد کندن برزمان	بلبل عاشق کبی چاغرمه کلزار استمه ٭
استین مردار کرکسدر مدام ای طرفه قوش	حضرتک شهبازا اول ای مرغ مردار استمه ٭
٭ وارلغی فانی در ای غافل بو فانی دنیانک	شول بقاسزدن بقا ممکن دکل وار استمه ٭
کرچه حقدن واحد اولدی نورله آتست نار	ای نسیمی چون اولشدک نورنه نار استمه ٭

ولـه ایضا

سن سکا کر یار سن وار ای کوکل یار استمه	یار و دلدار اول سکا سن یار ودلدار استمه
بی وفادر چون بو عالم کیمدن استرسن وفا	بی وفا عالمده سن یار وفادار استمه
کل بیلنمز بودکنلو دنیا نک باغنده چون	ابسم اول بیهوده کلسز برده کلزار استمه
معرفتدر خالص التون سکهسی فضل وهنر	التونی طانی زغلدن آری دینار استمه
رب ارنی نک جوابی لن ترانی چون کلور	سنده کوردیدار بن انک اوزکه دیدار استمه
حقه منکردر فقیه اینانمه اول شیطانه کیم	یوقدر اول جن خلقتک ذاتنده اقرار استمه
آری کفتار ای کوکل کر چلرک نطقی درر	هر دلی اکریده یوقدر آری کفتار استمه
جیفه دردنیا انک طالبلری آدی کلاب	اولمه کلب انک کیم اولدی آدی مردار استمه
شربتی آغولیدر فانی جهانک سن آنی	شربتندن نوش دار واومه زنهار استمه
دنیانک سوکوسی آغربوک ایمش بندن ایشت	نفسکه یوک ایتمه آنی ای سبک بار استمه
برامین محرم بولنمز ای نسیمی چون بوکون	خلقه فاش ایتمه بوسری کشف اسرار استمه

ولـه ایضا

برک نسرین اوزره مشکین زلفکی دام ایلمه	عاشق آشفته بی صبر و آرام ایلمه
شول مغلچین کوزلرکله چون بنی صید ایلدک	باغرمی جورله پرخون ای دلارام ایلمه
کیمسه چون یارک وصالک بولمدی طاماتله	ابسم ای خلوت نشین اندیشهٔ خام ایلمه
عاشق صادق طوزاغک قوشی ای زاهد کل	دانه دیزمه تسبیحی سجادهٔ دام ایلمه
زلف ورخساریدر انک ذکرم اوش هر صبح شام	ذکرسز هرکز الهی صبحمی شام ایلمه
وعده چونو یرمش بزه حق سلسبیل وحور وعین	قویمه الدن شاهدی ترک می وجام ایلمه

چون نسیمینك فرادی سنسن ای آرام جان   خلق ایچنده آنی دشمن كام و بد نام ایلمه

وله ایضا

كیتمكه عزم ایلمش سن ای دلارام ایلمه   حسبة لله بنی بی صبر وآرام ایلمه
دانهٔ مشكین خالك كوكلمی صید ایلدی   بوطوتلمش صید ه شاهم زلفكی دام ایلمه
زلفكی برك كل اوزره ای پری طاغتمه كیم   بونجه كوكلی یانمشك سوداسنی خام ایلمه
عمرمك صبحی یوزكدر بختمك شامی صاچك   كیتمه ای دلبر كوزمدن صبحمی شام ایلمه
رند وقلاشم بكا زاهد دیمه ای متقی   لاا وبالی عاشقی عالمده بدنام ایلمه
عشقكی ترك ایتمك استر كوكلم اماچین دكل   یاالهی كیمسه یی سن بی سرنجام ایلمه
چشمهٔ لعلك صویندن برقدح صون ساقیا   اشتیاقكدن نسیمی نك كوزین جام ایلمه

وله ایضا

ای روح قدس جیفهٔ مرداره یاپشمه   كلزار جنانی قیوبن خاره یاپشمه
محبوب امین یار اید وار یكن ای یار   اغیار اتكن طوتمه واغیاره یاپشمه
منصور كبی سن استرسن منزل عالی   ایترمه بقاداری فناداره یاپشمه
ای كوپهٔ انجودن ایدن بندن ایشت پند   سوز درینی طوت لؤلوی شهواره یاپشمه
قالودن اكر عالمه اقرارله كلدك   اقرارنی ترك ایتمه وانكاره یاپشمه
ای معرفتك مصحفی اوش كنزله مصباح   مفتاح بودر مجمع ومختاره یاپشمه
بنلك صتا نك چونكه زغل چیقدی قماشی   وارآری متاع استه بو پازاره یاپشمه
كسب ایلیان آخرتی آنی دلی بیل   كر عاقل ایسن دنیهٔ غداره یاپشمه
صاچی قرانك زلفنه یاپشدی نسیمی   ای باده ویرن عمرینی زناره یاپشمه

وله ایضا

یوزیكی هر كیم كوردی صورت رحمان دیدی   لعلكی هر كیمكه صوردی چشمهٔ حیوان دیدی
صورتك اشكالنی صوردم امین حضرته   وحی مطلقدر كه كلدی حقدن اوش برهان
قایندی عشقك تنوری عالمی غرق ایلدی   كور بو طوفانیدیم عشقك بودر طوفان دیدی
كیمكه قربان قیلمدی یولكده جان وباشنی   آدی ناداندر بو یولده حق اكا نادان دیدی
روحه صوردم صورتك تفسیرینی حرفا بحرف   بن دخی شول صورتك نقشنده ام حیران دیدی
ای نكارم صورتندن حاصلم نقش وخیال   دردمی صوردم طبیبه سنده در درمان دیدی
كفرینی صوردی بكا زلفك فقیه ای جان دیدم   عاشقك ایمانی در كافر زهی ایمان دیدی
احسن صورتدر انسان سجده قیل انسانه كیم   واعبدوا اياه واسجد خالق الانسان دیدی
بحرمرجاندر دیدی جان اعلكه عینی عجب   منبع ارواحه نیچون معدن مرجان دیدی
طفل ایمش معنیده هر كیم شو اكونش خساریكه   غبغب سیمینه طوپ وزلفنه چوكان دیدی

صورمه دارك حالنی منبرده وعظك صاتنه   داره چقماز باش انا الحق كرديدی يلان ديدی
لوح محفوظك حروفك يعنی قاش و كرپكك   جمله قرآندر اينان كيم حق بودر قرآن ديدی
جان بكا صوردی جمالك آدينی ای جان ديدم   لطف و احساندر تعالی الله زهی احسان ديدی
كنت كنزك سرينی صوردم نكارك خطنه   زلفنك هر تارسی اوش بنده در برهان ديدی
ای لقادن دوشمش ايراق ارنی ترك ايله كيم   وادئ مقدسده ارنی موسئ عمران ديدی
كرشهيد اولدی نسيمی دلبرك يولنده اوش   قان بهاسی حقدر انك اول ديمز سبحان ديدی

وله ايضا

لبلرك شربتنه چشمهٔ حيوان صوصادی   صولو انجولرا كاتشنه كبی جان صوصادی
شكرين بستهٔ خندانكه كيم صوصاميه   صانمه كيم يالكز اكا بستهٔ خندان صوصادی
عنبرين سنبلكه باد سحر كاه ايچك   وصلكه لالهٔ سيرابله ريحان صوصادی
سوزينك دادنه شرين شكر اولدی تشنه   نه شكردر بو كيم اكا شكرستان صوصادی
جور و بيدا دله دوكدی جكرم قانی يار   شويله بكزر كه جكر قاننه جانان صوصادی
نيجه قهر ايليه سن عاشقكه رحم ايله   كه سنك رحمتكه عاشق حيران صوصادی
صبرو اولدم كرم ايت عاشقكی صورمغه كل   كه كوكل وصلكه ايدردمه درمان صوصادی
صالنوب نازله كل كل كه بنم ديده لرم   اياغك توزينه ای خسرو خوبان صوصادی
ای نسيمی سوزنی تحفه ايچون بحره ايلت   كيم انك دقتنه درله مرجان صوصادی

وله ايضا

دون كيجه بر دلبريله عيشمز معمور ايدی   ليكن اول خونخواره كوزلر او يقودن مخموردی
كوزلرين سوزمش و اوزمش جانی عاشقلرك   اصبلی زلفنده يوزيك شبلی و منصوردی
سوزلرندن ظاهر اولدی شول مسيحی معجزات   طوداغندن براشارت عاشقه بك زوردی
حسن لوحنده يازلمش خوبلرك شاهی ديو   ثم انشأناه خلقا آخرين مشهوردی
زلف سبحان الذی اسرا بعبده آيتی   ياكنی اوزره مسلسل خطله مسطوردی
بويی طوبی يوزی جنت عادك العرجون قاشی   كوزلری والنجم انك سينه سی والطوردی
هم نشين ايدی نسيمی دون كيجه بر يارله   كوكلی شاد و وقتی خرم مجلسی پرنوردی

وله ايضا

صانمه يوزك كلندن كوله كوله كل اوتاندی   خجل ايلدی طوداغك شكرندن آب قندی
قره قاشلرك يانندن بكا كرپك اوقن اتر   آله كوزلرك مكر كيم بنه قانمه صوصاندی
ستم ايتمكيله حاشا كه كوكل اوصانه سندن   كيمسه ايديم كيم انك تنی جاندن اوصاندی
كوزكی دوزب سوزرسن دل و جانه قصد ايدرسن   بونه در كه سن قيلورسن چلبی بكم افندی
نه متاعه قيمت اينسم سنی ای شكار دولت   كه جهان بهاسی دكمز قيلنه صاچك كندی

دون و کون ایکی کوزمدن اقیدر انار دانه — جکرم قانیله یاشم جکری نه خوش بویاندی
قره سنبلك نقابی که حجابی دوشمش آیه — کتورای صنم یوزکدن که نسیمی اوده یاندی

وله ایضا

فرقتك دردی نکارا بغرمی قان ایلدی — روزکار اولدی مخالف وصل هجران ایلدی
جانمی یعنی وصالك بندن ایردی فلك — کل بو جانسز عاشقی کور کیم نه بیجان ایلدی
بغرمك قانن کوزمدن آقیدر هر دم غمك — ای صنم شوقك بنی کور کیم نه کریان ایلدی
دردمك درماتی فضلندن الله ایلیه — هر دوا سز درده چون اولدر که درمان ایلدی
سندن ایرو دوشدیکیم تقدیرمش بندن دکل — حقدر ای جان هرنه کیم تقدیر یزدان ایلدی
سر عشقك کنجمش انك یری ویرانه در — ییقدی عشقك کوکلمی اول کنجی ویران ایلدی
جانمی ویردی نسیمی چون صاچك زنجیرنه — نیچون انك مسکنی زنجیر و زندان ایلدی

وله ایضا

مکر مشکین صاچك بوبی نسیم صبحه یار اولدی — که جان پروردمی انك صاچلك تك مشکبار اولدی
یوزك دورنده ای حوری جمال و حسنله هرکیم — قمرتك دوشدی دعوایه رخکدن شرمسار اولدی
هلالك قاب و قوسینی نه قدرت قوسمش یارب — که قربان اولدی اول یایه جهان و جان شکار
یوزکدن کیمکه شیطان تك هدایت بولمدی نوره — ازلدن تا ابد شکسز لعین و اهل نار اولدی
اکرچه فرقتك قیشدر که البرد عدوالدین — حقه منت که وصلکدن کل اچیلدی بهار
نه طوبادر بو یك یارب که سرو اکا سجود ایلر — نه کوثردر عجب اهلك که خمری بی خمار اولدی
صولو انجولرك درجی قودی اندیشه لر آدن — مکر اندیشه نك عینی لبك دورنده وار اولدی
صیامك آیی در یوزك صاچکدر اشته حق طانق — کل ایو حیی بیلن عارف که قرآن اشکار اولدی
صاچك قالوا بلی رمزن ندن فاش ایلدی خلقه — مکر قول و قرارندن قراری بی قرار اولدی
رموز لیلة الاسرا کل ای زاهد ایشت بندن — کیم اول بیلدی بو سری کیم امین کرد کار
حسابك ساعتی کلدی نه صایرسن نه صانرسن — شمارك صاغشن بیلکیم حسابك بی شمار
وجودك شهرینی فتح ایت امیر و شهریار اول کیم — بو شهری کیمکه فتح ایتدی امیر و شهریار اولدی
بن اولمنصورم ای عارف که حقدن بولمشم نصرت — انا الحق سویلرم دائم که عمرم پایدار اولدی
هو الاول هو الاخر کیدر سندن ایکیلك کیم — نسیمی یار له چونکیم اولشدی جمله یار اولدی

وله ایضا

کورکلو یوزك نورندن عالم منور اولدی — شیرین سوزك قنده شکر مکرر اولدی
طوداغلرك صفاتن هرکیم کتوردی دله — اول دمده اول شیرین سوز اغزنده شکر اولدی
مشکین صاچك غباری بولداش اولالی یله — جنت کبی جهانك طپراغی عنبر اولدی
زلفك قرانغوسندن یول استردی کوکلم — یوزك چراغی اکا لطف ایتدی رهبر اولدی

شول اویقولو کوزکدن قوپدی مکر قیامت — کافاقی فتنه سندن پرشور پورشر اولدی
یا لا یجی مدعینك قلبنی آت اوجاغه — عاشق در اول کشی کیم کامل محك زر اولدی
طپراق اولالی صانمه کیم دوشه قیمتندن — طپراق اولان نسیمی کور کیم نه جوهر اولدی

وله ایضا

حسنکه سبحانه کیمکه شهید اولمدی — طالع و بختی انك بلکه سعید اولمدی
صدقله هر کیمسه کیم طوتمدی عشقك یولنی — سالك و عارف دکل شیخ و رشید اولمدی
حمد و سپاس ایلرم حسنکه ای بیبدل — حسنکه حمد ایلین غیر حمید اولمدی
صورت رحمانی یل طاقی انك عرشنی — بیلین اول صورتی عرش مجید اولمدی
حسنکه ای نور حق سجده قیلن تا ابد — آدی ملکدر انك دیو پلید اولمدی
سلطنتك ذوقنی عاشقه صورسن آنی — اسم ملك عبده کیم عشقه عبید اولمدی
کشف و کراماتله منزلت اولیا — بولمیسر هر کیم اول عشقه مرید اولمدی
هر کیجه سی هر کونی قدرله بیرام اولور — وصلکه هر کیم قریب اولدی بعید اولمدی
نحن قسمناده حق هرنه که قسم ایلدی — ذره جه اول قسمته نقص و مزید اولمدی
کرچه صاچك وصلی در ظل مدید ای کونش — زاهد اول جنتك ظلی مدید اولمدی
اوغرمدی صورتك آتشی شول جانه کیم — شول کونشك تابنه جسم قدید اولمدی
ان عذابی شدید آیت هجرانمش — شدت هجرك بجان صعب و شدید اولمدی
کیمکه نسیمی کبی واحد فرد اولمدی — واحد مطلق دکل ذات وحید اولمدی

وله ایضا

صبا زلفك نسیمندن جهانی جمله جان ایتدی — دمندن کور صبا زلفك که نه جانلر روان ایتدی
بو یکدر سدره و طوبی یوزکدر جنت و حوری — خط و خالك کلام اولدی بو اسراری بیان ایتد
کتوردی پرده یوزندن یدالله ای قمر طلعت — بو حق دستانله کور کیم نه معنیلر عیان ایتدی
نه کلشندر یوزك باغی که رعنا چیچکی انك — جهانی رنك و بویندن دکنسر کلستان ایتدی
عبیر و عنبر و عودك صنقدر قدر و بازاری — معنبر زلفکی تا کیم صبا عنبر نشان ایتدی
یشل لوح اوستنه حقدن یازلمش اون ایکی آیت — قاشك وحیی بو آیاتك رموزن ترجمان ایتدی
رخك ناریدر اول آتش که دود اشتعالندن — کلیم الله یول بولدی و حق هفت آسمان ایتدی
قضادر قاشلرك قوسی قدردر کرپکك سهمی — نی اوماج ایچون عینك بو معنیدن نشان ایتد
خط و خالکدن ایدلبر علی العرش استوا رحمن — بودر شول مشکل آیت کیم عقولی بی زبان ایتدی
یوزکدر بدر ایمان قاشکله کرپکك قرآن — بودر شول آب حیوان کیم لبکده حق نهان ایتد
مکان کانه صغمز چون قدیمك ذات بی مثلی — نسیمی کاف و نون اولدی مکانی لامکان ایتدی

وله ایضا

نار جحیمه طعن ایدر عشق اودنك حرارتی / عارفمسن کل ای کوکل بیل بو دقیق اشارتی
دنیاده جاویدان اوی کیمسه ایچون یاپیلدی / کچ بو کچن خرابدن قوی بو فنا عمارتی
سفلی جهانه کوکلنی ویرمدی هر که بیلدی کیم / محنت ور نجمش انك تختنه و وزارتی
سلطنت و عمارته عشقله تکیه لمه کیم / پیش کونمش بو دنیانك سلطنت و امارتی
کعبه ایچنده کورمین شول صنمی معاینه / هیچ ایمش اول صفاسزك سعیله و زیارتی
انجه‌دن انجه‌در بو سوز فاعتبروا که کندودن / دخل ایده مز بو نطقه هر کشنك عبارتی
خلقله امر کن فکان ذات و صفاتدر انك / حق بو رسمه بیلین باغلو ایمش بصارتی
کیمکه بو بحره طالمدی ماء طهوری کورمدی / طیب و طاهر اولمدی یوقدر انك طهارتی
زرق و ریا طریقنه وارمه و نفسه اویمه کیم / کیمسه یه اص ایلمز شول سفرك تجارتی
وردی نسیمی جانی وصل رخك بهاسنه / کور بو شرا و بیعی کیم یوقدر انك خسارتی

وله ایضا

شربتی اجی فرقتك نوش ایدرم شکر کبی / جانمی طوتمشم غمك قارشوسنه سپر کبی
یاقه بنی فراقلن چونکه بن ای یوزی قمر / خالص و مخلص اولمشم عشق رخکده زر کبی
قورمغه قویمه یایکی صالمه بنی فراقه کیم / طغرامش اوقلری انك یوره‌کی سحر کبی
تا بیله‌لر که مغربك کونشی طوغدی ای قمر / طرف نقابکی کتور خلقه کورون قمر کبی
کیمکه ملك کبی سکا قیلدی سجده ای صنم / تا ابد آدی دیو مش منکر بی بصر کبی
کرچه هدایت ایلدی موسی‌ئ ناره اول شجر / عاشقه هادی در یوزك نور ینه اول شجر کبی
صدق و صفا و ذوقلن حقه اولاش و واصل اول / ظن و کمانه محتمل اولمه اکر مکر کبی
سندن ازلده ای قمر عاشقه کلدی بر خبر / بردخی سندن ایسترم انجلین خبر کبی
خال و خطك نسیمئ اوده یاقدی یاندرر / کور نیجه خوش ینار دونرمشکله عود تر کبی

وله ایضا

جنت عدنمش یوزك اشته لبکده کوثری / قدرو یراتمش صاچك خال و خطك ملکلری
غالیه بو صاچکله چون جانمی وصلت ایتمشم / چین و تتاری نیلرم عودله مشك و عنبری
معدن روح اکر دیسم لبلرکه عجب دکل / جوهر جوهری بیلورسن بکا صور بو جوهری
حسن و جمال و صورتك قبله در اوش بو معنیدن / صورتکه سجود ایدر آیله شمس خاوری
جانیله کیمکه کوکلنی زلفکله قیلدی وطن / دیوه مسلم ایلدی مملکت سکندری
دائره‌سنده سنبلك نقطه کونشدر آیله / کور نه ایمش بو نقطه‌نك دائرهٔ مدوری
لوح ضمیره نقشکی صبح ازلده یازمشم / محو ایده مز بو صفحه‌دن کیمسه بو نقش و پیکری
یوزینه قارشو ای ملك حسنکه اوکه کیم اکا / آیله کون سجود ایدر انده پری دیکر پری
کشورا من و عافیت معرفتك جهان درر / ای ملك زمانه کل فتح ایده کور بو کشوری
حشر و حساب و محشره قائلسن کل اشته کور / حلقه‌لرنده زلفنك شول عرصات و محشری

دل بری ایله ای کوکل کج قودن که قامودن
ایلمینجه دلبری بولمدی کیمسه دلبری

عشق اتکن طوت ای کوکل آت باشکی اياغنه
کورندرم سکا ایشت عشقه یاپشمه سرسری

چکدی صاچك نسیمیٔ چنبر عشقه نیلسون
چنبر انکدر او یانسون دور قمرده چنبری

وله ایضا

* ای نافهٔ چین صاچك سياهی *
* حسنك دلو قیلدی مهر وماهی *

* شق القمر اولدی استوادن *
* شرح ایله بو سرینی کماهی *

* ای عشقه عدو وحسنه منکر *
* تزویر ایله چکمه بونجه آهی *

* کر نعمت جاودان دیلرسن *
* حیوانلره قو بو آب وکاهی *

* ای عشقه کناه دين کنهکار *
* ترك ایلمزم بن اول کناهی *

* چون وحدته بولدی یول موحد *
* جرح اولدی بو منکرك کواهی *

* مقصودنه بولمدی هدایت *
* هر کیمسه که بیلدی بو راهی *

* مثلی ونظیری یوقدر انك *
* وصفنده نه سویلیم آلهی *

* شول باشه که تاج دولت ایندی *
* نیلر کرو یاندر کلاهی *

* سلطاندر ایکی جهانده اولکیم *
* فضل اولدی انك پشت وپناهی *

* محو اولدی نسیمی عشق ایچنده *
* دریای محیطه دوشدی ماهی *

وله ایضا

سنده در شول کنج پنهان کزمه هر ویرانه یی
دکزه طال آندن استه ای کوکل دردانه یی

جان ویر جانانهٔ بول اولمه بی جانانه کیم
تنده جانی یوقدر انك بولمدی جانانه یی

زاهدك افسانه سندن حاصل اولمز فایده
وار کل یارك حدیثن نیلرم افسانه یی

ای سقاهم ربهم خمرندن اکر اه ایلمین
اسردوك غفلت میندن صندر اول پیمانه یی

ای حق هر پردده حاضر در دین اکری نظر
بس نه معنیدن سجرسن کعبه دن بتخانه یی

هر کیم ایدر آدمی دامه براقن باغده در
کورممشدر لاله کون یوزکده مشکین دانه یی

ای چکن اوچاغه شاهم زلف پرچینك بنی
جنته زنجیر زلفکدر چکن دیوانه یی

کنج مخفی در صاچك ای صورت رحمان جمال
نیچون ایلرسن بو کوزلو کنجه محرم شانه یی

انجه در زلفك رموزن شانه نك اغزی اچق
دلنه براقه انك زلف مشك افشانه یی

ناره آتن جانی شول شمع ایچون پروانه در
نورنه شمع اول سببدن یاندرر پروانه یی

ای کلان قالوا بلا دن معرفتسز جانوار
حق بصیر تسز براتمش تا ابد بیکانه یی

چون مقاليد السموات ای نسیمی سنده در
قاف ولامکدن کتوردی سین وشین دندانه یی

وله ایضا

کوزلرم یارك غمندن آقیدر دردانه یی
غمده یاندر دائما کور عاشق پروانه یی

جانكي ترك ايله كيم بو يولده جانان بوله سن — هر كه جان ويردي بو يولده بولدي او جانانه يي
نقلكي عرض اتمه واعظ عاشقه هر دم بدم — عاشقك حالني بيل قوي بو اوزن افسانه يي
كل شراب خمري نوش ايت ايچمه هر پيمانه دن — تا ابد يارك غمندن ايچمشم پيمانه يي
چونكيم ايدرسن حق هر يرده حاضردر نيچون — فرق ايدرسن سن اي غافل مسجد وميخانه يي
كنج معمور ايلين كوكلده يارك وصل در — وصلله معموري بيلدم نيلرم ويرانه يي
استرم چونكيم بيلمز صاچنك هر تاره سي — كزلمشدر غافل اولمه زلف مشك افشانه يي
زلفنك سوداسي ايردي عاشق ديوانه يه — زلفنه قيلدي مقيد عاشق ديوانه يي
معرفت صاتركلور هر معرفتسز جانوار — بي بصر در آشنا بيلمه قو بو بيكانه يي
خوب جمالكدن نسيمي ابجدي قيلدي تمام — اوقودي آندن كتوردي سين وشين دندانه يي

﴿ وله ايضا ﴾

نه طوبادر بيوك يارب كيم ايردي عرشه بالاسي — نه سنبلدر صاچك كوز كيم جهاني طوتدي سوداسي
كونش طلعتلو يوزكدر بو كون عالمده اي دلبر — كه هر معنيده كاملدر بولنمز مثل وهمتاسي
نه يغماجي مغلچيندر كوزك يارب كه دورنده — بايلمشدر يصاغندن يدي اقليمه يغماسي
صدفدن كرچه اي دلبر چيقار قيمتلو انجولر — ولكن اوز كه جوهردر ديشك اؤلوي لالاسي
جمالك وصلني حقدن دلر عالمده هر عاشق — ولي شول در مكنونك بولنمز قعر درياسي
قرادر كيديكي پاكك هميشه زاهدك يارب — نه ماتم دوشمش اكا كيم دوكنمز هيچ انك ياسي
شراب وشاهدك ذكري دلمدن كتمدي تا كيم — بني سودادن اسرتدي نكارك عين شهلاسي
ريالو زاهدك دائم ايشي تزوير واغوادر — ولي كار ايتمز اول ديوك بكا تزوير واغواسي
قل اللهم مالك چون بكا تعويذ حرز اولدي — خلاص اولدم بو سوسدن كيدرسندن بو وسو
بو كون فردادن اي واعظ بني قورقتمه ابسم طور — كه قورقوسز دراول عارف كه امروز اولدي
يوزك لو خنده اي حوري آلهي كورمين غافل — يقين كيم كوز كسي انك بوزندن كتمش پاسي
نسيمي چونسني بولدي ايرشدي جمله مقصوده — مرادي ختم وصل اولدي تمام اولدي تمناسي

﴿ وله ايضا ﴾

بحر محيطمش كوكل يوقدر انك كناره سي — لعلله سلسبيلمش آبله سنك خاره سي
فاني مطلق اولمشم حقايم حق اولمشم — كيمكه حق دلر حق چاره سي اشته چاره سي
شعشعه سنده محو اولور آيله كون بو زهره نك — كور كه نه آفتابمش شول فلكك ستاره سي
كرپكينك خدنكنه اوغرادي خسته يوره كم — اي بو اوقه ايناتمين اوش جكرمده ياره سي
سر السبت ربكم چونكه كتوردي پرده — زاهده اصي ايلمز خرقه پاره پاره سي
طره سنك جفالري صاغشه كلمز اي كوكل — سن بو شماره دوشمه كيم بن بيلورم شماره سي
جان وجهانه زلفنك تاره سين الدو ويرمه كيم — دوشميه بلكه زلفنك جان وجهانه تاره سي
قنقي هزار زه دندرر غمزه لري بلكلو كيم — طوره زانك خدنكنه بيك جرينك هزاره سي

عشقه ازلده ویرمشم اجرته کوکلم اونی | شرعله کیمسه تاابد فسخ ایده مز اجاره‌سی
قاشلرینك رموزنه عقل ایرمز نسیمیا | کورنه قدر دقیقمش قاشلرینك اشاره‌سی

وله ایضا

مرحبا ای بحر ذاتك کوهر یکدانه سی | شمع وحدتدر جمالك کن فکان پروانه‌سی
تاابد حسنك اوکنده سجدهٔ شکر ایلرم | ای جمالك کعبه سبسن کنت کنزك خانه‌سی
کیمکه غواص اولدی بولدی وحدتك بحرنده کیم | عالمك جسمی صدفدر سمسن دردانه‌سی
ای بکا مشکین صاچندن کوکلکی قورتاردین | قنقی عاقلدر سلاسلدن چوزر دیوانه‌سی
چونکه ویران کوکلم ایچنده مسکن اولدیعشقکه | استمز ایرق عمارت کوکلمك ویرانه سی
دلبرك لعلی ازل بزمنده ایچرمش بکا | شول میی کیم نه فلکدر کتیرین پیمانه سی
کوزلری سودامیندن عالمی مست ایلدی | کورنه میدن اسرمش در نرکس مستانه‌سی
ای بوشیدا کوکلمك دردین صورن هردم بکا | دردینی بیلدر مزاما عشق اودینه یانه‌سی
جانمی شکرانه ویردم شول نکارك وصلنه | دوشمدی لایق دریغا وصلنك شکرانه سی
زاهدك افسانه سن قوسویله عشقك حالنی | زاهدك سمعینه صغمز زاهدك افسانه سی
مؤمنه کعبه یوزکدر کافره بتخانه لر | عاشقك دوست ایشکی درکعبه و بتخانه‌سی
بولدی لعلکدن نسیمی نفخهٔ روح القدس | ای نسیمینك حیاتی جانمك جانانه سی

وله ایضا

وصلك عجب نه جاندر کیم جانمش بهاسی | یوزك نه نورمش کیم کوزدن قپار ضیاسی
هر کیم سنی دیمزسه رجمن صفتلو حق سن | ایترمش اول قرا کون حقیله حق شناسی
نقاش نقش ایچنده حسنکده کوردی ظاهر | کوز کوسنك یوزندن هر کیم کیدردی پاسی
جمشید عالم اولدر یوزکده ای قمر کیم | فرخنده صورتکدر جام جهان نماسی
مستانه کوزلرندن دوشدی جهانه غوغا | آغبنی دیسم انك پاك کوزلری قراسی
آله کوزنده حق چون یازمش اون ایکی آیة | اوش مصحف اشته قران اوش عینك الاسی
ای زاهدا شبومیدن فاش اولدی سر وحدت | نرك ایله ایکیلك کیم بر رنکمش بویاسی
صوفی بویاندی آله آلندن اولمه غافل | نیجون که آلی چوقدر زرق اهلنك لباسی
خوبك یوزینه باقق زاهد خطادر ایدر | فکری خطادر انك اکری دررقیاسی
دنیا و آخرتده آزاد ایدم الف تك | چکدی بنی بلایه بالاسنك بلاسی
سندن سنی نسیمی چون استدی و بولدی | بیلدی که حق قتنده مقبولمش دعاسی

ولہ ایضا

* جمالکدر بورنجورك شفاسی * | * شفاء القلب محبوبك لقاسی *
* قاشکدر وحی عینك آیة الله * | * نهار ولیل انك آغ وقراسی *

❊ وصالك ذوقنى شول جان بيلور كيم / انك جاننده در عشقك بلاسى ❊
❊ جم اول عارفدر اى دلبر كيم اولدى / يوزك آيينه‌كبتى نماسى ❊
كل اى عاشق شهيد اول عشق ايچنده / كه حقدر اول شهيدك قان بهاسى ❊
❊ ريايى زاهدايلر عشقه انكار / بلادر زاهدك زرق ورياسى ❊
❊ فقيه آدم قتنده سجده قيلمز / مكر شيطاندر اول شومك خداسى ❊
❊ قيامت كلدى اى تاجر ذر البيع / كه بوقدر اول كونك بيع وشراسى ❊
آكر صافى سن اى صوفى كى اطلس / كه بى قدر اولدى اوش زهدك كاسى
❊ نسيمى در وجود فرد مطلق / بو توحيدك احددندر اساسى ❊

وله ايضا

ياره قيلان جفاسنى ياره قيلور جفاسنى / اى دل انك جفاسنه قتلان اونوت وفاسنى
كيمكه ابرشمك استدى يوجه يوك وصالنه / اولدى همشه فرض اكا چكمك انك بلاسنى
دردله خوش كچ ايكوكل غمدن اوصانمه چونبيلور / عاشقى دردمند نه دردى ويرن دواسنى
زلف وقاشك قراسنه ويرمشم اى صنم كوكل / بيلمش اول يوزى قرا زلف قاشك قاره‌سنى
وصل وفراقه واسطه چونكه قدردر ايكوكل / جهدله كيمسه قادرك منع ايده مز قضاسنى
كون ومكانه وصلكى قيمت ايدن بهاقلان / يوقدر انك كوزنده نور بيلمز انك بهاسنى
تابيله‌لر كه عامش عالمه فيضك اى كونش / پرده‌وكوكده كوستر مهر رخك ضياسنى
كعبه يوزك در اى صنم يوزيكه سجده ايلرم / حاجى سيم بو كعبه‌نك بن بيلورم صفاسنى
آينه صورتكده چون نقشنى كورمين عيان / آينه‌دن كيدرممش اول قرا كونلو پاسنى
جانمه شول آله كوزك ايلدوكى جفالرى / اول نه بيلور كه كورممش كوزلر بنك آله سنى
زلف دوتاسنى انك كون ومكانه اى كوكل / آل وآنى جهانه سن ويرمه برانجه‌تاسنى
كرچه عطاسيدر جفا عاشقه شول وفاسزك / جانله استراى كوكل عاشق انك جفاسنى
چين وخطايه صورتك نقشنى كوندر اى صنم / تابت چينه طاينك كوسترسن خطاسنى
كرچه سوزى نسيمينك قابل كيميا يمش / توج وحديده صانمه كيم خرج ايده كيمياسنى

وله ايضا

صورتك نقشنده هر كيم كورمدى نقاشنى / واهب صورت انك كوزسز براتمش باشنى
ايلرى شيرين نكارك فرقت وهجران در / آقدن يا نجه شمعك كوزلرندن ياشنى
دوشمدى باطل خياله اولمدى سوداسى خام / هر كيمك كيم عشق اوديله حق پشردى آشنى
قاب قوسينك رموزن صانمه كيم فهم ايليه / كيمكه ظاهر كورمدى شول ماه بدرك قاشنى
كرچه فراشى ملكدر عنبرافشا سنبلك / چونكه بن سلطانى بو ادم نيلرم فراشنى
حقه واصل رند وحقدن ايرودر زاهد كورك / خانقاهك شيخنى ميخانه نك اوباشنى
دم بدم صوفى ملامت طاشن آتر عاشقه / طاش قيمت سز در انك ايچنى كورطاشنى

حاصلك مسجد بو جاغنده كور آخر كيم ندر ‌ ‌ ‌ ای ملامت ایلین میخانه نك قلاشنی
باشنی یاندردی عشقك هم قروسن كوكلك ‌ ‌ ‌ كیمكه دوشدی عشقه یاندردی قروباشنی
كوكلك شهرنده عشقك برعمارت یابدی كیم ‌ ‌ ‌ تا ابد قوپارمز آندن نه فلك برطاشنی
جانمی عشقك ازاده یولداش ایتمش كندویه ‌ ‌ ‌ قویمیه یولداشلغك حقن بیلن یولداشنی
ای نسیمی حالكی كر كیمسه بلمز غم دكل ‌ ‌ ‌ حق بیلور خلق جهانك سرینی هم فاشنی

﴿ وله ایضا ﴾

یاركی صاتدك بهاسز بیلمدك مقدارینی ‌ ‌ ‌ هیچه دكمز اول كشی كیم هیچه صاتار یارینی
جوهری نادان الندن مشتری الور اوجوز ‌ ‌ ‌ جوهری بیلمزنه بیلسون جوهرك مقدارینی
عاشقك اسرارینی عاشق كركدر كیم بیله ‌ ‌ ‌ اولمین عاشق نه بیلسون عاشقك اسرارینی
كیمكه قربان اولمدی عشقنده اول معشوقنك ‌ ‌ ‌ چین دكل دعویسی انك نیلرم كفتارینی
هر كیمك فعلی ریادر یاسوزی كرچك دكل ‌ ‌ ‌ قوانه اینانمه انك هیچه صای اقرارینی
نیلسون یارك جفاسن چكمه ین عاشق مدام ‌ ‌ ‌ چونكه یار استر همیشه عاشقك آزارینی
داره چیق یان ای انا الحق سویلین منصور اكر ‌ ‌ ‌ آخرت دارندن استرسن سلامت دارینی
كیمكه یارك زلفنی الدن قودی یبك جانله ‌ ‌ ‌ بی بصر طپراغه صالدی نافهٔ تاتارینی
زاهدك تسبیحی در لاحول وذكری لا آله ‌ ‌ ‌ ای كوكل سن سویله یارك لعل شكر بارینی
ای نسیمی انجوبی دری بیلمز صرافه صات ‌ ‌ ‌ جوهری نادانه صاتمه لؤلوی شهوارینی

﴿ وله ایضا ﴾

ای قیلان دعوی كه شاهم عدل وانصافك قنی ‌ ‌ ‌ چون صفا اهلندن اولدك مشرب صافك قنی
هر قوشك اولمز سعادتلو هماتك كولكه سی ‌ ‌ ‌ چونكه سیمرغم دیه سن لامكان قافك قنی
رطبله یابس نه كیم وار آدمك ذاتنده در ‌ ‌ ‌ كرسن انك نسخه سی سن رطبله جافك قنی
اهل عرفانك یری عقباده چون اعرافش ‌ ‌ ‌ چون بو عارفلردن اولدك عرف واعرافك قنی
محتسب بازاره كیردی حق باطلدن سچر ‌ ‌ ‌ قلبم آری دردیین شول اوغری صرافك قنی
كاف ونون امرندن اولدی ما كان ایله مایكون ‌ ‌ ‌ كر بولوحك ابجدی سن نونله كافك قنی
لطف كر حقدن اومرسن كوستر احسانلطفقیل ‌ ‌ ‌ لطف واحسانكدن اومن یاره الطافك قنی
ای نسیمی شش جهتدن چون اولشدك یارله ‌ ‌ ‌ بی جهات اولدی حدودك حد واطرافك قنی

﴿ وله ایضا ﴾

وصلكدر آب حیوان بن خضره صوردم آنی ‌ ‌ ‌ جان سن یقین ولیكن عارف بیلور بو جانی
یوزك ازل كوننده لوحندن اولدی منزل ‌ ‌ ‌ حقك كلامی ایله سبعا من المثانی
عالمده حق صورتلو یوزكدر اول كونش كیم ‌ ‌ ‌ قالدی كوننده ظاهر اسرار لامكانی
حسنك تجلی سنده موسی كبی كدر اوزندن ‌ ‌ ‌ كیمدن كلور كور آخر مشتاقه ان ترانی

شول كعبه نك صفاسن اهل صفايه صوركيم — عين اليقين كوزيله هرشيده كورمش آنى
اى جان واى جهانك ماهيتى وعينى — عينى سن اهل عينك هم جان وهم جهانى
صورنده كرپككدر سهم سعادت الحق — معنيده قاب قوسين ايكى قاشك كمانى
غيب وكماندن ايرو اى زاهد اورمه دم كيم — عين اليقين بولدم طرح ايلدم كمانى
معشوقكك بولنده قربان اول اى كوكل كيم — اولدر ايكى جهانده كرچكلرك نشانى
منصور اناالحق ايدر يعنى كه حق بنم حق — چون حق عيان ايمش كوركيم كورميه عيانى
اولدى لبك ميندن حى ابد نسيمى — خضر آبنى كيم ايچدى حى اولدى جاودانى

﴿ وله ايضا ﴾

* جمالك فتنه سى طوتدى جهانى * — * چيقاردى پرده دن رازنهانى *
* ندر عاشق جهان وجان سنسز * — * كه سنسن عاشقك جان وجهانى *
* لبكدر چشمهٔ حيوان ولى شكر * — * كه هر حيوان طبعيت بيلمز آنى *
* لب لعلك شرابن ايچه نه صور * — * كه كيمدر ايچن آب زندكانى *
* صوصامش قانمه لعلك ايشتدم * — * بودولت عاشق مسكينه قانى *
* كورك كيم غمزه سيله او يقوسندن — اوياردى فتنهٔ آخر زمانى *
* اكرچه بى نشان سن كيمسه بيلمز — نشان سز بولمديلر بى نشانى *
* وصالكدر وصالكدر وصالك — نعيم خلد وعمر جاودانى *
* نسيمى نك مكانى لامكاندر — مكانسز عاشقك حقدر مكانى *

﴿ وله ايضا ﴾

* اى باد صبا بندن ايلت ياره سلامى — شول غمزه لرى عربده جى عين حرامى *
* مشتاقه نه در چاره بكه بيلدرانى كيم — كرفرصت اوله ياره دكرمك بو پيامى *
* ياندردى بنى ياندريجى فرقتى انك — برداخى قنى كيم كورم اول ماه تمامى *
* زلفندن وخالندن انك آيرويم آيرو — اى حق بكا و يرسك ينه اول دانه ودامى *
* مقصودكك كيم ايكى عالمده نه سنسن — مقصودينى بيتردى وفتح اولدى كامى *
* معنيده يوزى قبله ده اول عارفش كيم — يوزكدر انك قبله سى عينكدر امامى *
* اول اوحدراى يوزى قركل بكاغك كيم — روح القدس اول اوحدن ايندردى كلامى
* بزمنده ازل ساقيسى لعلك بكا صونمش — اول بادهٔ كيم روح الامين درطواوجامى *
* وصلك ابدى بخشش امانه ديم كيم — دوران دكل باقى و پيوسته دوامى *
* حسنك كونيدر جمله اكرماهسه كرخور — اى لعل كه جان ياندريجى آزاده غلامى *
* ناموسه بنى دعوت ايدرناصح ونامه — اى خواجه ندر عاشقه ناموسله نامى *
* وصلكده نسيمى سوزينى عرشه چيقاردى — قنى صدفك انجوسى بولدى بو نظامى *

﴿ وله ﴾

وله ايضا

كل كل كه قاپدی شوق جمالك قرارمی
زار ایلدی فراق رخك حال زارمی

یارب زمانه حقنده بن نیلدم کیم اول
بندن جفا و جورله آیردی یارمی

یاقدی فراقك ای كل خندان بنی اوده
كل كل سیویوندر آب وصالكله تارمی

وصلك شكارم اولمشیكن بخت وسعد ان
قاچردی حاسدك كوزی بندن شكارمی

نقش ونكاری كور فلكك كیم نه نقشله
نقش ایلدی وقاپدی الـمدن نكارمی

منصوره عشق عاقبتی دار اولدی طار
سن انده كل كه تا كوره سن انده دارمی

دوشدم لبی وصال میندن خمارنه
كل كل هم اول شرابله دفع ایت خمارمی

شوقك قاشنده اغله ییجی كوزدوكر یاشن
وصلك بهاره دوندر وكلدی بهارمی

ای لاله طاپیجی سنی عیب ایتمزم ندن
كیم كورمش سن اول صنم كل عذارمی

بن یاری قیلمشم ایكی عالمده اختیار
بندن كیم ایراق الله ییلور اختیارمی

خال وخطك شمارینی كل صور نسیمی یه
تا سن حسابكی بیله سن بن شمارمی

وله ايضا

عجبا بو حوری بو زلومه بدر یا پریمی
بو بی سرو بوستانی بكاغی كل طریمی

لب جانفزای لعلك اورر آب خضره طانه
بو شكر طوداقلو یعنی سوزی شله شكریمی

دوشرم اوده كوریجك بو ملك نژاد حوری
عجبا بو چین بتنك یوزی نقش آزریمی

كیجه كوزینی خیالی كتورر كوزمه شبخون
بو كوزی حرامی جادو قاشی یای اولان چریمی

كوزی وقاشی زلف وخالی كه جهانی آلدیلر
قو بو امیر حسنك سپهی ولشكریمی

دوكیاور سوزه كلیجك درلؤلو لبلرندن
عجب اول شكر دهانك دیشی نظم كوهریمی

صاچیله همدم اولمش بوشكسته دل نسیمی
كل اكر اینانمز یسن دمی كور عنبریمی

وله ايضا

* یوزكدر كلستان بالله دكلمی *
* سوزكدر كن فكان بالله دكلمی *

* علی العرش استوا رحمن یقین كیم *
* یوزكدر اول مكان بالله دكلمی *

* رخك باغنده ای حوری صفتلو *
* جهان اولدی جنان بالله دكلمی *

* صاچكدندر خطا وچین وروم *
* صبا عنبرفشان بالله دكلمی *

* یوزكدنچون جهان كلدی وجوده *
* یوزكدر جسم وجان بالله دكلمی *

* طوداغكدر كه سر كنت كنزا *
* بیان ایلر بیان بالله دكلمی *

* خطكدن بولدم الرحمن وطه *
* بودر سندن نشان بالله دكلمی *

* لبك آب حیاتندندر ای جان *
* كه خضر اولدی روان بالله دكلمی *

* سكا شیرین دهان ای خسرو حسن *
* دین شیرین دهان بالله دكلمی *

قاشکله کر بکلك یوزك کوننده * عجب تیر وکمان بالله دکلمی
سنی حق کورمیان ظاهرده اعمی * کوزندن حق نهان بالله دکلمی
لبك عشقنده جان ویرمك همیشه * حیات جاودان بالله دکلمی
دهانکدن حدیثی قلمیان کوش * سوزی غیب وکمان بالله دکلمی
یوزکدر ای قمر صورتلو فتنه * زمان آخر زمان بالله دکلمی
حق اولدی کوکلك شهرنده ظاهر * زهی مازندران بالله دکلمی
قیلکدن انجه کوردم انجه درهم * بلك نازك میان بالله دکلمی
سواد اعظمیله مصر جامع * یوزکدر یافلان بالله دکلمی
صاچکله عارضك جان مصحفی در * آدی نورود خان بالله دکلمی
یوزکدر کعبه سی اهل سلامك * مبارك خاندان بالله دکلمی
بنی واعظ بوکون فردایه صالر * یلانجی قصه خوان بالله دکلمی
بکا جان صوردی کیم زلفك نه یردر * دیدم دارالامان بالله دکلمی
یوزك اسرارینی شمع ایلدی فاش * عجب آتش زبان بالله دکلمی
یوزکدن تا قمر فرق وتفاوت * زمین تا آسمان بالله دکلمی
دین کیم نقطه در آدی دهانك * عجایب خرده دان بالله دکلمی
جهانی طوتدی حسنك داستانی * زهی خوش داستان بالله دکلمی
نسیمی جوهر فرد اولدی آدك * مکانی لامکان بالله دکلمی

وله ایضا

جمالك قبلهٔ ایمان دکلمی * وجودك مظهری انسان دکلمی
بودر عرش محیط قل هو الله * کشی کیم بیلدی حیوان دکلمی
قمر چرخ فلك سرکشته حیران * سنك شهرکده سرکردان دکلمی
علی سرین نه بیلسون هر منافق * منافق قبله سی شیطان دکلمی
وجود مصطفادن اولدی آدم * رسالت قپوسی فرقان دکلمی
مقلد چونکه بیلمز سر توحید * موحد اولمدی شیطان دکلمی
نسیمی سر الرحمن وطنه * اولو بدر اورته ده میزان دکلمی

وله ایضا

ایکی عالم انکدر کیم کوزینه حق عیان اولدی | حقی کوردی بحق بیلدی حقا کیم بی کمان اولدی
اکر موسی کبی کلمك تجلی کورمك استرسن | نظر قیل یوزینه کورکیم ایکی عالم عیان اولدی
تعالی الله نه زیبا سنکه حسنك دورباغنده | قاشکله کر بکك زلفك یوزنده کلستان اولدی
قیامت قوپدی حسنکدن یدی اقلیمه یایلدی | سنك قدو قیامندن بوکون آخر زمان اولدی

چليپا زلف وخالندن صاچين ليلى درر اما	ايرشدى آيت فانظر آدى نور ودخان اولدى
نكارك اعلنه هردم دوكرشهد اوسننه شكر	ولى غافل نه بيلسون كيم ندن شيرين دهان
مكانه صيغمدى ذاتم ازلدندر بدايانم	نسيمينك بو معنيدن مكانى لا مكان اولدى

ولہ ايضا

❊ انى لقد اتصلت بالذات ❊	❊ يامنقطع الوصال هيهات ❊
❊ لما قرن العود نجمى ❊	❊ ابدا قرى بالا تصالات ❊
❊ يا نائمين العيون بالليل ❊	❊ فى العشق من اهتمام اوبات ❊
❊ فى الكأس تلألأ الحميا ❊	❊ يكفى لك هذه العلامات ❊
❊ انى قدعطشت ايها الروح ❊	❊ من راحكم واقم اسقنى وهات ❊
❊ فى حبك كل عاشق هلك ❊	❊ ماصار شهيدا الا انه مات ❊
❊ يامن انا انت انت عينى ❊	❊ من بعد تساقط الاضافات ❊
❊ من ضل فانما عليها ❊	❊ هذالك كافيا فى الاثبات ❊
❊ يامن هو متصورا سوائى ❊	❊ ايامك كلها لقد فات ❊
❊ غيرى هلكت وما بقى اليوم ❊	❊ فيما هوكائن سوى الذات ❊
❊ فى الوحدة اذ بقيت غيرى ❊	❊ من اين يجى الى المنافات ❊
❊ يانورك فى السماء والارض ❊	❊ انالك مصباح انت مشكات ❊
❊ لوكان لى الشريك فى الكون ❊	❊ لا شركت به واعبد اللات ❊
❊ قد اظهر كنزه نسيمى ❊	❊ كلا هو للوجود مرآت ❊

ولہ ايضا

❊ حاشا كه تنسانى وتنكر صحبتى ❊	❊ وهواك لى دينى ووجهك قبلتى ❊
❊ انت العليم بان حبك قاتلى ❊	❊ ما حاجة اشكو اليك قضيتى ❊
❊ هذا ومالى زلة اعلم بها ❊	❊ الاهواك ولم اتب عن زاتى ❊
❊ اسقيتنى من كأس حبك شربة ❊	❊ يفنى الزمان ولم افق من سكرتى ❊
❊ فوحق ما بينى و بينك فى الهوى ❊	❊ من صدق ايمان وحفظ مودتى ❊
❊ انى مقيم على العهود ولم احل ❊	❊ ابدا وهذا شاهدى فى مقلتى ❊

ولہ ايضا

❊(من كلام الامام على كرم الله وجهه ورضى الله عنه)❊

❊ مابال دينك ترضى ان تدنسه ❊	❊ وثوب جسمك مغسول من الدنس ❊
❊ ترجوا النجاة ولاتسلك مسالكها ❊	❊ ان السفينة لاتجرى على يبسى ❊

❊ ولہ ايضا رض ❊

❊ سأ لت الناس عن خل وفی ❊	❊ فقالوا اما الی هـذا سبیل ❊
❊ تمسك ان ظفرت بذیل حر ❊	❊ فان الحر فی الـدنیا قلیل ❊

ولە ایضا

❊ خطیلە بورسمە خال اولورمی ❊	❊ سوداسی کبی خیال اولورمی ❊
❊ جادو کوزك آلینە النـدم ❊	❊ شهلا یلە نرکس آل اولورمی ❊
❊ زلفك کوتورای قمر یوزکدن ❊	❊ بدرك کیجەسی هلال اولورمی ❊
❊ خاور کونشی سن ای پری رخ ❊	❊ کامل کونشە زوال اولورمی ❊
❊ عشقك ادی واحد اولدی بی مثل ❊	❊ ذات احـدە مثـال اولورمی ❊
❊ عکسی دیشنك کوزمە دوشدی ❊	❊ امواج کبی بولال اولورمی ❊
❊ اغزی پری قنـد و آب حیوان ❊	❊ هر چشمە صویی زلال اولورمی ❊
❊ لعلك عنبی ازل می در ❊	❊ ایچمینە خمر وبال اولورمی ❊
❊ بیلسم بومی حرام ایدن کیم ❊	❊ فتوی بولیجق حلال اولورمی ❊
❊ قوپارەلی قامتك قیامت ❊	❊ طوبادە کور اعتدال اولورمی ❊
❊ سن حسن جمیلە اوقوردی تحسین ❊	❊ بر سنجلین جمال اولورمی ❊
❊ نیچون قویەیم اتکك الدن ❊	❊ دیوانە یە قیل وقال اولورمی ❊

ولە ایضا

❊ حسنك ورقی لسانە کلدی ❊	❊ یتمش ایکی ترجمانە کلدی ❊
❊ زلفکدە کی کاف ونون نە سوزدر ❊	❊ کیم آیت کن فکانە کلدی ❊
❊ ای جوهر بی عرض نە جانسن ❊	❊ جسمك شرفی بو کانە کلدی ❊
❊ صورسم سنی خضر مسن ای جان ❊	❊ اغزك پری جاودانە کلدی ❊
❊ بر سنجلین کوزل یکانە ❊	❊ ایشتمامشم جهانە کلدی ❊
❊ رخسارك ازل کوندە طوغدی ❊	❊ عشقك اثری بو جانە کلدی ❊
❊ نشف ایتدی جکر قانی بو چشمە ❊	❊ غمزك اوقی چون نشانە کلدی ❊
❊ اسرار رموز ایدی صفاتك ❊	❊ بو منطقلە بیانە کلدی ❊
❊ کیم دیدی سکا کە قاف قرآن ❊	❊ سیمرغ سکا آشیانە کلدی ❊
❊ بو دعوایی منکر اولدی کافر ❊	❊ قراردی یوزی جوابە کلدی ❊
❊ بن سکا بهاسز اولمشم قول ❊	❊ بود کلو قولە بهانە کلدی ❊

ولە ایضا

❊ قویمە یوزیکی نقاب ایچندە ❊	❊ حشر اولدی عدم حجاب ایچندە ❊
❊ طاغتمە یکاغك اوزرە زلفك ❊	❊ نیلر بو کونش سحاب ایچندە ❊

کوردم

کوردم سنی فلکده یلدز	بولدم سنی هم کتاب ایچنده
وصلك بو فضلده آله کیردی	مثلکمی وار اوش بو باب ایچنده
مشکین صاچکه سجود قیلدم	موسی کبی اوش طناب ایچنده
جادو کوزك اویقودن اویاندی	فتنه قالور ایدی خواب ایچنده
بر بوسه بکا کرمندن انعام	ایت که قاله سن ثواب ایچنده
اشراط قیامت اولدی قدك	وار صور یله حساب ایچنده
بن چنك کبی ایکی قات اولوب	نوحه قیلورم رباب ایچنده
که عشقکیله کوزم طولر جام	ترقیق ایدرم شراب ایچنده
که دم کبی دم اولور ینارم	پیشر جکرم کباب ایچنده
تعریف ایدرم که سنسن اعراف	عرقك تانیدم حجاب ایچنده
هر کیم سکا منکر اولدی ای جان	نفسنی قودی عذاب ایچنده

ولە ایضا

سن مرو یله بکا صفاسن	اوجدن اوجه کوکله صفاسن
عاشقلره سدره قامتك در	خو بلقده زهی که منتهاسن
چون قاشلرك اولدی قاب قوسین	شق القمر یله استواسن
طوتدك بو زمین و آسمانی	خاور کونشی و مه لقاسن
قاف اولدی بیلنلره وجودك	سیمرغ ایده بیلکه کیماسن
سنکله درر همای طلعت	کیم دیدی سکا که سن هماسن
هم زخممه سندن اولدی مرهم	هم دردمه آخر اول دواسن
چون قهرله لطف مظهر کدر	صورتده صفا و هم وفاسن
بو ایکیده برلکك ثباتی	خضر اولدك و داخی ایلیاسن
یاسین اوقیالی ای منادی	قیلدك بو جهانی اوقویاسن
بندن یکا معنیدن مقرب	کیم درسکا صوره تاجداسن
کیمه نظرمدن ای پری رخ	کوزلارمه نور و روشناسن

ولە ایضا

زلفك جو سواد اعظم اولدی	مؤمن اولن اکا محرم اولدی
کونش یوزك ایلدی بنی محو	کوزم یاشی جونکه شبنم اولدی
هر کیمکه وصالکه ایرشدی	جام ایجدی کندوسی جم اولدی
امواج خیالنه دوشلدن	سوزم درو خاطرم یم اولدی
محراب قاشك و کعبه یوزك	فتنه‌سی جهانه زمزم اولدی

سوداسی باشمده صاچلرینك　　اوزندی خیالنه خم اولدی
لعل لبکه بیان معجز　　دیدم که مسیح و مریم اولدی
قارغو بویکی کوره لی طوبی　　شکرسوزیله همدم اولدی
هرکیم سنی بیلدی بولدی حق　　هرکیم حق بیلدی آدم اولدی
جوینده قیلان محبتك　　کرخی ایله شبلی ادهم اولدی
ای شیوه فروش خونی غمزك　　اوقینه سپر بو سینم اولدی
هم دردمه وصلك اولدی دارو　　هم زخمه داخی مرهم اولدی

وله ایضا

ای اوتوز ایکی حقك صفاتی　　نوریله بزه دك اوش بوذاتی
جمله ظلماتی روشن ایندك　　روشن طفلی یوزك جهاتی
صاچلارینك استواسیدرکیم　　عرض ایتدی خلیلچون نجاتی
معراجه نبی یتوردی زلفك　　قدره ایره نك بو دربراتی
ای حسن آیه سی چیقاردمیدر　　عاشقلره عشریله زکاتی
انهارکبی کتوردی جوشه　　اغزك یری چشمهٔ حیاتی
حق فاتحه اوقودی جمالك　　آنسز قبول ایتمدی صلاتی
مصری اوده یاقدی عشقك اودی　　کاسد لبك ایلدی نباتی
شاه رخك اوتدی اول فلکدن　　قیلدك بوجهانه شاه ماتی
وصلك حرم اولدی ای بت چین　　چین ایلدی کعبه ایله لاتی
اولمادی بیلورم واولمایسر　　سنسز قوعالمك ثباتی
لولاك لما خلقت الافلاك　　عشقك که یارتدی کائناتی
ان الحسنات عشق اکچنده　　نسیمینك اولدی سیئاتی

وله ایضا

لقد فنیت عن الغیر لاوجود سوابی　　لان نفی وجودی ثبوته لبقابی
وجود غیرجو مستلزم شریك دوست　　خیال غیر چرا میکنی وغیر چرابی
عن البقاء ولاللبقاء من عدم　　فکیف اثبت شیئا بقاء لبقابی
هو السلام هو المؤمن هو الملك الحق　　لقای خویش ببین کردر آرزو لقابی
لقاء وجهك نور جلاله یتمدی　　بذیلها یتمسك بان تلك لوابی
مرا هوای تو ای عشق لم یزل جان سوخت　　عجب چه آتشی وچه آبی عجب چه بادو هوابی
لقد شربت شرابا حیاته ابدیا　　فصار ممتزجا ذلك الشراب غذابی
بلای عشق تو خوشتر زجان ماست ندانم　　چه آفتی لجه غذابی چه فتنهٔ چه بلابی

* ان انسقمت من الحب لا بالی فیه *   * لان فیه مرادی ومقصدی ورجایی *
* نسیم زلف دلاویز دلبرست نسیمی *   * عجب مدار که جانها ازو کنند کدایی *

ولە

* ناجنس صحبتی دکل الاطاموا اودی *   * فضل ایله یاالهی اجرنامن العذاب *
* دیو رجیمی آدمه هم صحبت ایلمك *   صاحب نظر بیلور که خطادر دکل صواب
* همدم نه رسمله اوله جبریل واهرمن *   * مونس نه طوریله اوله طوطیله غراب *

ولە

* کل که مشتاق اولمشم دیداریکه *   * ویرمشم جان زلف عنبربارکه *
* محرم ایتدك چون بنی اسرارکه *   * ای پری کل چك بنی بردارکه *

ولە

* ای یوزك من عنده علم الکتاب *   *قل کنی کلدی جمالکدن خطاب *
*صورتك حقدر کتور حقدن نقاب *   * حق بودر والله اعلم بالصواب *

ولە

* ای صاچك دورنده مستور آفتاب *   * وی یوزك عالمده مشهور آفتاب *
* اوطانور حسنکدن ای حور آفتاب *   *سندن اولدی مست ومخمور آفتاب *

ولە

❊ ای یکا غمکدن منور آفتاب   دوشدی حسنك پرتوندن آیه تاب ❊
❊ کرپکك زلفك قاشك ام الکتاب   اولدی یوزکدن عیان یوم الحساب ❊

ولە

❊ ای قمر یوزلو کتور حقدن نقاب   کیم یوزکدن روشن اولدی آفتاب ❊
❊ اره ده بوبجه ندندر بو حجاب   شرح ایدر من عنده علم الکتاب ❊

ولە

❊ ای رخك عشقنده عقلم شاهمات   سلسبیلیدر خطك عین الحیات ❊
❊ عنصرك درت وحدودك شش جهات   غفلتك مستهلکی بولمز نجات ❊

ولە

❊ ای الکدن آتکی یابانه آت   حق پرست اول حق طانی اولمه آت ❊
❊ دنیانك دورنده چون بوقدر ثبات   آتکی قاچرمه رخدن اولمه مات ❊

وله

❊ ای خطك خضر ولبك آب حيات ❊ عنبرين زلفك شب قدر وبرات ❊
❊ مهر وماه استر جمالكدن زكات ❊ فاعلاتن فاعلاتن فاعلات ❊

وله

❊ كلشم قالوا بلادن مى پرست ❊ عاشقم مستم ولى مست الست ❊
❊ ای كوزك سودالرندن فتنه مست ❊ سنبلك هرتاره سى معنبده شست ❊

وله

❊ ای طبيب حاذق نازك مزاج ❊ سن بيلورسن خسته كوكله علاج ❊
❊ ای كوكل ايله سكا قول اولمشم ❊ شيوه ايله نازايله نه احتياج ❊

وله

❊ طوغدی مغربدن كونش ايندی مسيح ❊ كور مسيحی سن مسن ياخود قبيح ❊
❊ كج كنايتدن كه رمزاولدی صريح ❊ برغو چالندی وحشر اولدی صحيح ❊

وله

❊ طالمشم شول بحره كيم پايانی يوق ❊ باتمشم شول كنجه كيم خسرانی يوق ❊
❊ بولمشم شول بدری كيم نقصانی يوق ❊ كيرمشم اول شهره كيم ويرانی يوق ❊

وله

❊ دردنه عاشقلرك درمانی يوق ❊ زرقی چوق زاهدلرك ايمانی يوق ❊
❊ تنلری واردر وليكن جانی يوق ❊ ❊ عهدنه ثابتدكل ايقانی يوق ❊

وله

❊ كوكلی يغمالدی شول آلی چوق ❊ شول قزل كل رنكی كلكون آلی چوق ❊
❊ زلفنك سری اوزوندر حالی چوق ❊ شول شكر سوزلو طوداغك بالی چوق ❊

وله

❊ ای بيوك طوبی بوزك دار الخلود ❊ حسنكه خور شيد وماه ايلر سجود ❊
❊ طالعك برجنده جمع اولدی سعود ❊ ــ ــو يك نور بود ❊

وله

❊ ای جمالك قل هو الله احد ❊ صورتك نقشی در الله الصمد ❊
❊ براوجی زلفك ازل برى ابد ❊ حسنكه شيطانمش من لا سجد ❊

﴿ ای ﴾

وله

ای یوزك طوبی یوزك دارالخلود ❁ حسنكه خورشید وماه ایلر سجود ❁
ای صاچك توزی عبیر ومشك وعود ❁ چیقدی عشقك آتشندن چرخه دود ❁

وله

ای ازل نور جمالك تا ابد ❁ بنده نقش اولدی خیالك تا ابد ❁
بی غروب اولدی هلالك تا ابد ❁ ای كونش یوقدر زوالك تا ابد ❁

وله

كیمكه اولدی طالعی حقدن سعید ❁ اولمدی شیطان كبی آدی مرید ❁
كیمكه نفسن بیلدی حقدن بعید ❁ كوندز واخشامی اولدی قدر وعید ❁

وله

آب وخاكی ایلدی چون حق خمیر ❁ عرشنی خلق ایلدی یعنی سریر ❁
حسنی سلطان ایلدی عشقی وزیر ❁ عاشق ومعشوقله عشق اولدی بیر ❁

وله

آیله كونش یوزك حیرانی در ❁ مشكله عنبر صاچك ترخانی در ❁
چون نسیمی عالمك سلطانی در ❁ دورانك دوران انك دورانی در ❁

وله

ای حق هر یرده ایدرسن كه وار ❁ سنده بس حق وارمش حق سنده وار ❁
انبیانك سرینی بیلزده وار ❁ قسمت اولمز دیوه راه خوشكوار ❁

وله

ای حرامی كوزلرك یغماجیلر ❁ كعبه یوزكدر ملائك حاجیلر ❁
عشقكه امت اولان درناجیلر ❁ ای طوداغكدن خجل حلواجیلر ❁

وله

ای ایكی عالمده حسنك بی نظیر ❁ فتنه لو قاشك كماندر غمزه تیر ❁
عنبرین زلفك توزندندر عبیر ❁ محشر اولدی قوپدی حسنكدن نفیر ❁

وله

ای جمالك حسننه حیران قمر ❁ سنبلك دورنده در پنهان قمر ❁
لم یزل كونش سن ای تابان قمر ❁ كولكه ویردی حسنكه دوران قمر ❁

وله

ای کونش یوزلو جمالك فتنه‌در	نون ومیم وعین ودالك فتنه‌در
ای بت کلچهره آلك فتنه‌در	غمزه جادو زلف وخالك فتنه‌در

وله

ای کوکل حق سنده‌در حق سنده‌در	سویله حق کیم اناالحق سنده در
حق مطلق ذات مطلق سنده‌در	مصحفك خطی محقق سنده‌در

وله

ای صاچك هر تاسنه بیك جان اسیر	صورتك یکتا وحسنك بی نظیر
مصحفك یازوسی ریحان ودبیر	هم سمیع وبی بدل سن هم بصیر

وله

ای کونش صورتلو یاردل پذیر	طلعتکدن اوطا نور بدر منیر
نیلیم کیم بن فقیرم سن امیر	حسرتکدن یوره کم هردم اریر

وله

جوهر فرد آدمك کاننده در	کنت کنزا آدمك شاننده در
کرچه شیطان آدمك قاننده‌در	سر آسما آدمك جاننده در

وله

حق تعالانك کلامی نوردر	کورمین اول نوری حقدن دوردر
چون اناالحق سویلین منصوردر	کلدی اسرافیل الندن صوردر

وله

حق تعالانك کلامی سنده در	فاوضادی بیلکه لامی سنده‌در
روضه‌نك دارالسلامی سنده در	کور کلامی هم سلامی سنده در

وله

حق تعالی آدم اوغلی اوزی‌در	اوتوز ایکی حق کلامی سوزی‌در
جمله عالم بیلکه الله اوزی در	آدم اول جاندر که کونش یوزی‌در

وله

حقه یار اول کیم سکا یار اول یتر	چون حق یار ایلدك وار اول یتر
نوره نور اول ناره اول نار اول یتر	آدمه اولدر سزاوار اول یتر

وله

※ جنتك وردى يوزك كلنارى در ※	※ شمع وحدتدر يوزك كل ناريدر ※
※ آيله كون بو زينك انوارى در ※	※ ليلة الاسرا صاچك اسراريدر ※

وله

※ طوتدى يوزكدن جهانى جمله نور ※	حق هدايت قلدى مهديدن ظهور ※
※ ايندى عيسى كلدى اول موسى وطور	※ ظاهر اولدى مؤمنه جنات وحور ※

وله

※ شمعنه كونش يوزك پروانه در ※	※ جان صدفدر صورتك دردانه در ※
※ نقل ومى لعلك كوزك پيمانه در ※	※ مست عشقك مسجد وميخانه در ※

وله

※ شول قاشى چاچى بت مهوش كلور ※	※ كربك اوقندن طولو تركش كلور ※
※ حق ميندن كوزلرى سرخوش كلور	※ كربك وقاشى حسابى شش كلور ※

وله

※ صورتك اوحنده حق قيلدى ظهور	※ زلف ورخسارك ده در حشر ونشور
※ اى يكا غك آيت الله و نور ※	※ اى بيوك طوبى رخك جنات وحور

وله

※ صورتك مصحفدر اى بدر منير ※	※ خلقتك سرتاقدمدر دل پذير ※
※ اهل عرفان اول نه اصحاب سعير ※	※ بيلمكه حقدر هم سميع وهم بصير ※

وله

※ عارض يارك جنان بستانيدر ※	※ اول قدى طوبى صاچى ريحانيدر
※ كوى جنت اهل هم رضوانيدر ※	※ بس رقيب بو اورته نك شيطانيدر ※

وله

※ عاشقك سيرانى اول عالمده در ※	※ كورمين شول عالمى ماتمده در ※
※ كنت كنزك كوهرى آدمده در ※	※ آدم اول مى دركه جام جمده در ※

وله

※ عقرب اولدى عالمك خلق ومار ※	※ فتنه يايلدى على قوم الشرار ※
※ قنده وار برآرى باطن طوغرى يار ※	※ قانى انصاف ومروت كيمده وار ※

وله

❀ فتنه نك باشی کوزك سوداسی در ❀	❀ شور وشر حسن رخك غوغاسیدر ❀
❀ کوثرك خمری لبك صهبا سیدر ❀	❀ انجو دیشك لؤلوی لالاسیدر ❀

وله

❀ فتنه در عینك یوزك شمس وقمر ❀	❀ فتنهٔ دور قمر سنسن مکر ❀
❀ صورتك حقدر بودر حقدن خبر ❀	❀ سویلین حقدر ولی آدی بشر ❀

وله

❀ قامتك هردم قیامت کوستر ر ❀	❀ کوربوقدی کیم نه قامت کوستر ر ❀
❀ کعبه یوزکدن علامت کوستر ر ❀	❀ فتنه لو عینك امامت کوستر ر ❀

وله

❀ قاب قوسین ایکی قاشك یایی در ❀	❀ والضحانك شمسی یوزك آیی در ❀
❀ دنیه وعقبی صاچك برتایی در ❀	❀ در بیلورهر کیم که اول دریایی در ❀

وله

❀ کاف ونون معنیده کلی معنیدر ❀	❀ یعنی کاف ونون صدفدر معنیدر ❀
❀ حشر ونشرك صوری اوش چالندی در	❀ قامتك کلدی قیامت شمدی در ❀

وله

❀ کرحق اولدك حق صفاتك قنده در	حق صفات اولکورکه ذاتك قنده در ❀
❀ کرمحیط اولدك جهاتك قنده در	ای کاخ آخر فراتك قنده در ❀

وله

❀ کل محیط عشقه برکز طاله کور	وحدتك درن ایچندن آله کور ❀
❀ آدمه قیل سجده مکری صاله کور	اولمه شیطان دوشمه مکر وآله کور ❀

وله

❀ کل که سنسن عرش وکرسی سنده در	هم اوتوز ایکی سنده در ❀
❀ ای مسیحی روح قدسی سنده در	جمله نك کورنیجه عکسی سنده در ❀

وله

❀ ماهمك یوزندن اولدی پرده دور	کلدی حقدن آیت الله نور ❀
❀ ای خط وخالك تجلی یوزی نور	صورتك معنیسی در جنات حور ❀

وله

❀ هرنه کیم تقدیر یزدانی قیلور	عین حکمتدر حق ارزانی قیلور ❀

شاه

❊ شاه ایکی عالمده انسانی قیلور ❊	❊ هرنه کیم کوکلی دیلرآنی قیلور ❊

وله

❊ یار الندن چون می دلکش کلور ❊	❊ ایچرم حقدن نه کلسه خوش کلور ❊
❊ اون سکز بیك عالمك سرن بیلان ❊	❊ کعبتینی آتیجق سه شش کلور ❊

وله

❊ پرده یوزندن کتسور دی ماهمز ❊	❊ حقدن اولدی حقه طوغری راهمز ❊
❊ صورت ومعنیده حقدر شاهمز ❊	❊ دکلمه لا اله الا الله مز ❊

وله

❊ سنسزای جان کوکلم آرام ایلمز ❊	❊ جان ینار صبرای دلا رام ایلمز ❊
❊ لعلکی دولت بکا جام ایلمز ❊	❊ نیچون ای سروکل اندام ایلمز ❊

وله

❊ فا وضا دولامه دوشدی کوکلمز ❊	❊ کعبه واحرامه دوشدی کوکلمز ❊
❊ عشق بی انجامه دوشدی کوکلمز ❊	❊ جاودانی نامه دوشدی کوکلمز ❊

وله

❊ فضل حقدر واقف اسرارمز ❊	❊ فضل حقدر قوانوارمز ❊
❊ فضل حق کوسترمشیدی کارمز ❊	❊ فضل حقدر فضل حق معمارمز ❊

وله

❊ کل رضاسن استه حقك هرنفس ❊	❊ چونکه حقدریارك اول عالمده بس ❊
❊ دنیا محمل در انك دوری جرس ❊	❊ اوچیجق جانقوشی بوش قالورقفس ❊

وله

❊ اهل عرفانك مقامی قافش ❊	❊ عارف رب عارف اعرافش ❊
❊ بیلین اول قافی سوزی لافش ❊	❊ اوزنی بیلان یقین صرافش ❊

وله

❊ ای یوزك اول لوح کیم محفوظمش ❊	❊ هرزمان برنوعله ملفوظمش ❊
❊ انبیا بونقطه دن محظوظمش ❊	❊ بو خبر ابلیسدن محفوظمش ❊

وله

❊ جمله حقدر هرنه کیم موجودمش ❊	❊ حقه ساجد حقه حق مسجودمش ❊

چون ایکی عالمده برمعبودمش ❊ سجده‌دن باشن چکن مردودمش

وله

چونکه هم اول هم آخر یارمش ❊ کفر و دین معنیده بربازارمش
عشق صوفی نك ایشی انکارمش ❊ خرقه‌سی بت سبحه‌سی زنارمش

وله

دلبرك لعلنده اشیا اسرمش ❊ سنبلك ایلنده اسرا اسرمش
نرکسك دورنده سودا اسرمش ❊ کوزلرك آیقمدر یا اسرمش

وله

سن یوزی ماه تمامی بولدم اوش ❊ جنت و دار السلامی بولدم اوش
چکمدین بولده بریه زحمتن ❊ کعبه و بیت الحرامی بولدم اوش

وله

عالمی یوزك کلستان ایلمش ❊ بلبلی سرمست و حیران ایلمش
عنبرین زلفك پریشان ایلمش ❊ ماهنی ابرنده پنهان ایلمش

وله

عشقله معشوق و عاشق بیرمش ❊ هم امن هم امزرن هم شیرمش
صورتی مصحف یوزی تفسیرمش ❊ بو العجب قدرت عجب تقدیرمش

وله

کن فکانك چونکه اصلی ذاتمش ❊ جمله اشیا وحدته وآیاتمش
کیمکه حیوان اولدی آدی آتمش ❊ او بنادی آتی ولی شهماتمش

وله

چون ازلدن قدرتیله بی غلط ❊ یوزکه نقش ایلدی سو خط
کرحقی کورمك دیلرسن بی غلط ❊ بللودر فی صورت شاب قطط

وله

عشقمش سیمرغ و عاشق کوه قاف ❊ عشقده صغمز لاف و عشق اولمز کزاف
کیمکه استر کعبه‌یی ایتمك طواف ❊ هم ایچی صافی کرك هم طیشی صاف

وله

ای حقه مشتاق اولان اوش سنده حق ❊ ابجدی اوتمه یا کلمه سبق

* ای کتابندن یوزی کل بر ورق	* پرده رفع اولدی وآچلدی طبق *

وله

* فضل حقدن چون هدایت بولدی حق	صورتك تفسیرینی ویردی سبق *
* لا تحرك آیتندن بر ورق	اوقیانلر استواسن قیلدی شق *

وله

* کل که غمدن جانمی یاقدی فراق *	* رازمی نامحرمه چاقدی فراق *
* بو غمه حسرت ایبن تاقدی فراق *	* جانمی کورکیم نه خوش یاقدی فراق

وله

* ای رخك عشقنده سرکردان فلك	یوزیکه قارشو سجود ایلر ملك *
* حسن ایچنده فرد ویکتاسن نه شك	هر کبشنك نقدینی چاقر محسك *

وله

* ای کونش نور تجلی در یوزك	صورتی فی الجمله معنی در یوزك *
* صورتی بیچون ومولی در یوزك	ابجدیله میم الف بادر یوزك *

وله

* ای خطك خضر آب حیواندر سوزك	نبویله ای جان سویله کیم جان در سوزك *
* صورتك عرشله رحمن در سوزك	ای سوزی حق جمله قرآندر سوزك *

وله

* حشر ونشرك آفتابی در یوزك	ساعتك یوم الحسابی در یوزك *
* جنتك شمع وشرابی در یوزك	روضه‌نك حسن المآبی در یوزك *

وله

* حق عیان اولدی کلك حق کورك	حقی باطلدن سچك فرقی کورك *
* بدرمك یوزنده‌کی شقی کورك	عالمه صغمز انا الحق کورك *

وله

* حق عیان اولدی وکتدی شرك وشك	واحدك بوقدر وجودی مشترك *
* چوق زمان کچدی وچوق کزدی فلك	سنده کوردی معدن حسن ونمك *

وله

* شمع توفیق هدایتدر یوزك	صورت حقدن کنایتدر یوزك *

بی بدایت بی نهایتدر یوزك ۔ هم نهایت هم بدایتدر یوزك

وله

صورت حقدن اشارتدر یوزك ۔ اهل توحیده بشارتدر یوزك
حج واحرام وزیارتدر یوزك ۔ جمله اشیادن عبارتدر یوزك

وله

عاشقه ایمانله دین در یوزك ۔ بر آدی بتخانهٔ چین در یوزك
ابجدی طه ویس دز یوزك ۔ عرش وکرسی طورسینین در یوزك

وله

عاشقك بیت الحرامی دز یوزك ۔ عارفك دار السلامی در یوزك
اهل ایمانك امامی دریوزك ۔ دنیا وعقبی تمامی در یوزك

وله

عشقك اهلی بی سر وسامان کرك ۔ دوستی ایچون زار وسرکردان کرك
هر کیمه کیم ملك جاویدان کرك ۔ فتنه قاشك یاینه قربان کرك

وله

فضل حقك جاودانی دریوزك ۔ عالمك طوغری کواهی در یوزك
اهل اعرافه چو معنادر یوزك ۔ بت پرستك شمع خوانی در یوزك

وله

قبلهٔ ارباب طاعتدر یوزك ۔ نسخهٔ اشراط ساعتدر یوزك
صانع صنع صناعت دریوزك ۔ کورنجه یوم شفاعتدر یوزك

وله

محشرك خورشید وماهیدر یوزك ۔ هرنه کیم واردر کماهیدر یوزك
صورت حقك کواهیدر یوزك ۔ سو نطق الهیدر یوزك

وله

مظهر آسمای کل اولدی یوزك ۔ حقه وارمق طوغرو یول اولدی یوزك
هادیٔ جمله رسل اولدی یوزك ۔ ساغر وساقی ومل اولدی یوزك

وله

والضحانك آفتابی در یوزك ۔ جامع الحسنك کتابی در یوزك

محشرك يوم الحسابى در يوزك	جنتك شمع وشرابى در يوزك

وله

والضحانك آفتابى در يوزك	دلبرك وجهى كتابى در يوزك
خيمهٔ ميعاد جانك ايله بيل	اشبو معنيدن طنابى در يوزك

وله

اسم اعظم بلميان انسان دكل	احسن تقويمله احسان دكل
صانعنه كيم عارف اولو بدرحقله	حق بيلز پس ندن حيوان دكل

وله

اول بيلور حق كه يلانجى دكل	هر كه يلانسو يلر اول ناجى دكل
جه طوغرى وارميان حاجى دكل	طوغرى سوز طوغريلره آجى دكل

وله

اى جمالك بى بدل حسنك جميل	جمله نك مقصودى سنسن اويله بيل
اى بويك طوبى طوداغك سلسبيل	حسنكه جانلر فدا عالم سبيل

وله

اى يوزكدن حور وغلمان منفعل	اى قاشكدن ماه تابان منفعل
اى لبكدن آب حيوان منفعل	اى خطكدن ور دوريحان منفعل

وله

اى بهشتدن تازه كلمش تازه كل	حوض كوثر روشن ايله تازه كل
حسنكه اى شاه عالم جمله قول	كيمدرردين سنى كيم حق دكل

وله

پرده سز معبودكى كور عابد اول	اولمه شيطان كل ترابه ساجد اول
جنت باقى نعيم خالد اول	كچ ايكى لكدن الفتك واحد اول

وله

بن اوتوز ايكى حروفم لم يزل	بوقدر اورتا غم نه مثلم نه بدل
چون ابد در آخرم اول ازل	اول وآخر بنم عزوجل

وله

چون سنكدر هرنه كيم وار اى كوكل	كيمدن اومارسن عطا وار اى كوكل

چون یترسن سن سکا یار ای کوکل   یارکی بیل اولمه اغیار ای کوکل

وله

حمد الله اولدی نطقك ناطق اول   حقه اخلاص استه حقدن صادق اول
کرلقا حقدن دیلرسن عاشق اول   خالق الخلقی کور اندن خالق اول

وله

حق سور خوبی وحقدن حق بیل   سوره والطوری طانی رقی بیل
کور بو بدرك استواسی شق بیل   ناره صاتمه سن انی اوچماقی بیل

وله

رازق ارزاق قسمش دکل   رزقی مرعشدن اومارسن خوشدکل
کیمکه آرتمز ایچن بیغش دکل   ایکی اوجی کیم دیدی کیم شش دکل

وله

عشقمش باقی وحسنك لایزال   عشقه صغمز چون وچند وقیل وقال
لم یلد حسنك ولم یولد جمالی   حسنکه سبحانه جل جلال

وله

قامتکدن سرو وعرعر منفعل   کل یوزکدن ورد احمر منفعل
کاکلندن مشك وعنبر منفعل   لبلرندن شهد وشکر منفعل

وله

کچ ایکیلکده الف تك واحد اول   حق کور آدمده حقه ساجد اول
کل فنانك بحرینه دوش خالد اول   کعبهٔ طانی ولاته عابد اول

وله

کل که سنسز بی قرار اولدی کوکل   دوشدی غمدن صبر وزار اولدی کوکل
دردمه همدم نه یار اولدی کوکل   کور نه ضایع روزکار اولدی کوکل

وله

کوزلرك سوداسنه دوشدی کوکل   فتنه‌نك غوغاسنه دوشدی کوکل
التی دردك طاسنه دوشدی کوکل   وحدتك دریاسنه دوشدی کوکل

وله

یوزینی حقدن چورمه حق بیل   سوره والطوری طانی رقی بیل

* مصطفانك برماغنده شق بل — سلسبيل اولدى طوداغك ذوقى بل *

وله

بى وفا دنيادن اوصاندى كوكل — يوق ديدى دنيايى يوق صاندى كوكل
دوشدى عشقك اودينه ياندى كوكل — وحدتك قند آبنه قاندى كوكل

وله

* آدمى حقدن نسيمى يازرم — بل بو معنيدن نسيم يازرم *
* هم هدايت ايلرم هم آزرم — هم بتى آواريجى هم آزرم *

وله

اولدم اسرافيل وهم صور اولمشم — كور اناالحقدن نه منصور اولمشم
سلسبيلم جنت وحور اولمشم — كنجه ويران عشقه معمور اولمشم

وله

اى جهان عشق اهلنه سنسز حرام — هردم اولسون يوزيكه يوز بيك سلام
صورتك مصحفدراى طوبى حرام — كر يكك قاشكله زلفكدر امام

وله

اى جمالك مظهر ذات قديم — صورتك الله ورحمن ورحيم
وجهكه جمله ملائك انس وجن — سجده قيلدى غير شيطان رجيم

وله

پرده يوزندن كتوردى حق تمام — كل حقك ديدارينى كور والسلام
بن ازلدن كورمشم مصحف كلام — كنجنى فاش ايلدى بيت الحرام

وله

بن ازلدن مست وسرخوش كلمشم — خضره صوموسايه آتش كلمشم
لوح محفوظم منقش كلمشم — چار وپنج وهفت ايله شش كلمشم

وله

بن وجود مطلقم مطلق درم — حق طانقدر حق بيلوركيم حق درم
كنت كنزا سرينى مغلق درم — ايلدم برماغنى آيه شق درم

وله

* بن ازلده عشقله پيراولمشم — كاه ايكى انوكله كه بيراولمشم *

❊ احسن صورتده تخمیر اولمشم	قادرم هر امره تقدیر اولمشم ❊

وله

❊ بولمشم حقی اناالحق سویلرم	حق بنم حق بنده در حق سویلرم ❊
❊ کور بو اسراری نه مغلق سویلرم	صادقم قولمده صدق سویلرم ❊

وله

❊ چون ازلدن تا ابد باقی بنم	کن فکانك خلق وخلاقی بنم ❊
❊ وحدتك بزمنده چون ساقی بنم	انفسك آیات وآفاقی بنم ❊

وله

❊ روضهٔ رضوان یوزکدر والسلام	صورت رحمن یوزکدر والسلام ❊
عرش حق ای جان یوزکدر والسلام	لوحله قرآن یوزکدر والسلان ❊

وله

❊ سجده امرن طوتمین شیطان شوم	حق یارتمش آنی من نار السموم ❊
❊ کلدی شیطانه چون حقدن علوم	اول جهولك آدی در حقدن ظلوم ❊

وله

❊ صورتك نقشنده حیران اولمشم	وصلکه اولاشه‌لی جان اولمشم ❊
❊ عقله صغمز کنج پنهان اولمشم	لامکان تختنده سلطان اولمشم ❊

وله

❊ فضل حقدن بن هدایت بولمشم	صورتك نقشنی آیت بولمشم ❊
❊ مرتبه عالمده غایت بولمشم	اول سببدن بن ولایت بولمشم ❊

وله

❊ قبله در یوزك قرا قاشك امام	زلف وقاشکدر تحیات وسلام ❊
ای صاحب محشر رخك بیت الحرام	صورتك دورنده حسن اولدی تمام

وله

❊ کوردم اول آیی و بیرام ایلدم ❊	❊ اول لبی می کوزلی جام ایلدم ❊
❊ حجه واردم عزم احرام ایلدم ❊	❊ فاو ضاد ولامی حق نام ایلدم ❊

وله

❊ لامکانك تختنه سلطان بنم ❊	❊ کنت کنزا سرنه برهان بنم ❊

❊ هم دم عیسی وهم عمران بنم ❊	❊ جنت باقی وهم رضوان بنم ❊

وله

❊ مستم اول میدن که مخمور اولمزم ❊	❊ حقدن ایراق تا ابد دور اولمزم ❊
❊ چون بن اول صاغم که رنجور اولمزم ❊	❊ غم دکل کردیوه مشهور اولمزم ❊

وله

❊ مصحفك حرفی واوراقی بنم ❊	❊ کل شیء هالك باقی بنم ❊
❊ می بنم ساغر بنم ساقی بنم ❊	❊ عالمك سمی وتریاقی بنم ❊

وله

❊ وجهمی اللهه تسلیم اتمشم ❊	❊ صورت رحمانه تعظیم اتمشم ❊
❊ نطقمی اشیاده تقسیم اتمشم ❊	❊ کور بو اسراری نه تفهیم اتمشم ❊

وله

❊ وحدتك شهرنده سیران ایلرم ❊	❊ بن سنی جسممده حیران ایلرم ❊
❊ کنجمی آدمده پنهان ایلرم ❊	❊ آدمی هم حق هم انسان ایلرم ❊

وله

❊ هر نه یه کیم باقرم حق باقرم ❊	❊ باقشم حقدر انا الحق باقرم ❊
❊ مطلق اولدی حق مطلق باقرم ❊	❊ بی کمان حقم محقق باقرم ❊

وله

❊ یاره هر ساعت سلام اولسون سلام ❊	❊ عشرت وعیشی مدام اولسون مدام ❊
❊ یارسز صحبت حرام اولسون حرام ❊	❊ یاره بو معنی تمام اولسون تمام ❊

وله

❊ اولمدی چون حقه اقرارك بتون ❊	❊ اولدك آنلردن مکر لا یوقنون ❊
❊ بیلمدك چون حقده واو ومیم ونون ❊	❊ تنجیه وارسه کرکسه تون بتون ❊

وله

❊ ای اوزکدن بیخبر غافل اویان ❊	❊ حقه کل کیم حق دکل باطل اویان ❊
❊ اولمه فانی عالمه مائل اویان ❊	❊ معرفتدن نسنه قیل حاصل اویان ❊

وله

ای طولوسندن جهان سندن جهان	هم جهانك عینی سن هم جسم وجان

قاشلرك حرفندن اولدی كن فكان　　سندن اولدی هرنه كیم اولدی عیان

ولە

ای یوزلك باغنده سنبل لاله چین　　عارضك كل درصاچكدر مشك چین
ای سوزك طوغری حدیثك جمله چین　　دوشدی عنبرچین صاچكدن مشك چین

ولە

پردەدن ماه تمام اولدی عیان　　قبله وبیت الحرام اولدی عیان
زاهدك سوداسی خام اولدی عیان　　صوفی یه می ویر كه جام اولدی عیان

ولە

جانمی یاندردی شوقك قنده سن　　بونده سن معنیده كرچه آنده سن
ای قمر یوزلومه تابنده سن　　كل كه شكسز باقی و پاینده سن

ولە

مغرب و مشرقده حقدر سویلین　　قانی برعاشق بوكون حق استین
حق عیان اولدی وحق كورمیان　　اولدی شیطان آدمی حق بیلین

ولە

حق تجلی ایلدی موسی ایچون　　نه ارسطالیس و بوسینا ایچون
ای كوكل شول خورسه سیما ایچون　　سجده قیل هم شول قدوبالا ایچون

ولە

حق تعالی پرده سیز اولدی عیان　　صوراورلدی صور اسرافیل اویان
ای یوزك حقدن اوتوز ایكی نشان　　مصحفك اسرارینی قیلدی عیان

ولە

كرسنی سن طانمش سن بی كمان　　سندەدر حق سندە كور حق عیان
روح قدسك نفخه سندن یعنی جان　　جاودان اول حی و حی جاودان

ولە

كرسن استرسن حق بیلك یقین　　كل نسیمندن آپار كل ره بدین
تأویلی ایله آیت طور وسنین　　كر اولم دیرسن من اصحاب الیقین

ولە

ای قمر زلفك شبنده روسیاه　　مهر رخسارك قتبده نیره ماه

❊ بکمین عشقکده عمر اولدی تباه   طاعتکدن اوزکه طاعتلر کناه ❊

وله

❊ ای یوزک ام الکتاب وفاتحه   قاشلرك وحی وخطاب وفاتحه ❊
❊ صاقلەمش ماهی نقاب وفاتحه   جانفزا لعلك شراب وفاتحه ❊

وله

❊ جانمك لعلی می درجامله   زلف وخالك دانه سیدر دامله ❊
❊ بن زمانی بولمشم ایامله   واحدم شول ذات بی انجامله ❊

وله

❊ دوشمشم مستانه عینك آلنه   جان فدا کلکون یکاغك آلنه ❊
❊ ای چکن برماغی ایك آلنه   اولدی حسنك فتنه سین آلنه ❊

وله

❊ سجده ایلر یوزیکه مهر یله ماه   مشك چین صاچکدن اولدی روسیاه
❊ عرش رحمن در یوزك حقدر کواه   خوبلغك مصرندە سنسن پادشاه ❊

وله

❊ فضل رب ذو الجلال اولدی بزه   محسن وحسن وجمال اولدی بزه ❊
❊ اتامز صاحب کمال اولدی بزه   انامز سودی حلال اولدی بزه ❊

وله

❊ مسجد ومیخانه بیر اولدی بزه   دیوله شیطان اسیر اولدی بزه ❊
❊ غم فرح تیکن حریر اولدی بزه   دلبرك عشقی امیر اولدی بزه ❊

وله

❊ ویرمك دل دلبرك کیسوسنه   صغمیه عاشقلرك ناموسنه ❊
❊ سرفدادر فتنهٔ جادوسنه   جان داخی قوربان کمان ابروسنه ❊

وله

❊ یارکی کل حق سن اغیار ایلمه   دیوله اولاشمه بازار ایلمه ✡
❊ حقدن اوزکه سن سکا یار ایلمه   احسن تقویمی انکار ایلمه ✡

وله

❊ ای صاچك بویی مسیحانك دمی   فتنه یی حسنك براقدی عالمی ❊

* کنت کنزك سریدر عشقك غمی	اولمدی شیطان بوسرك محرمی *

وله

* ای قمر طلعتــلو شمس خاور ی	روضه یوز کدر طوداغك کوثری *
* کرسنی کورسه ایدی دوشده پری	اوده صالیدی اوتوز ایکی پر ی *

وله

* ای قاشکله کرپکك زلفك یدی	اول یدی کیم شیطان آنی بلمدی *
* حق بوسری احده کشف ایلدی	شول سببدن احــده امی دیدی *

وله

* حق صیام آیی یزه عید ایلــدی	هرنه کیم حق ایلدی جید ایلدی *
* کیمکه حق دید و واديد ایلــدی	آدینی حق اهل توحید ایلــدی *

وله

* حق دیدی کیم یریدی وکوك یدی	لامکان تختنده کیز لیــدر یدی *
* کیز لو آدمده عیــان اولدی یدی	درت یدی بر کزندن اولدی یدی *

وله

* زلف عنبر سایه ویردم کوکلمی	لعل روح افزایه ویردم کوکلمی *
* قاشی تك سودایه ویردم کوکلمی	کورنه محکم پایه ویردم کوکلمی *

وله

* شول بوبی رعنایه ویردم کوکلمی	شول کوزی شهلایه ویردم کوکلمی *
* شول کونش سیمایه ویردم کوکلمی	شول یوزی چون آیه ویردم کوکلمی *

وله

* ناکهــان برآیه ویردم کوکلمی	جانله یغمــایه ویردم کوکلمی *
* حسن بی همتایه ویردم کوکلمی	منتهی بالایه ویردم کوکلمی *

وله

* صورتك مصحفدرای جان پاره سی	لطف وحسن اول مصحفك سی پاره سی *
* جانه کارایتدی فراقــك یاره سی	کورنه درانك دواسی چاره سی *

وله

* فرقتك دردی بکا کار ایلــدی	جانمی یاندردی افکار ایلــدی *

﴿ کل که ﴾

* كل كه شوقك حالمى زار ايلدى	عالمى سنسز بكا دار ايلدى *

وله

* قامتك قوپدى قيامت ايلدى	قدينى كور كيم نه قامت ايلدى *
* كعبه دهٔ هر كيم اقامت ايلدى	كوزلرك اكا امامت ايلدى *

وله

* ق والقرآن يوزكدرهم يوزى	كورمسون ياوزكوز اول شاهك يوزى *
* فانى اولمز هركز اللهك يوزى	هالك اواسون ديو كراهك يوزى *

وله

* كافله نوندن براتدى عالمى *	* اربعين كونده بوغورمش آدمى *
* دم بودمدردم بودم بيل بودمى *	* آدمه اوردى بودمدن حق دمى *

وله

* كورمشم هر شيده حق مطلق *	* كردكلسن لاشى ايتزمه حق *
* كيمكه حق بولمدى اولدى شقى *	* كل كه طوفان اولدى استه زورقى *

وله

* كر بكك قاشكله زلفكدر يدى *	* يريدى وكوك يدى سنده يدى *
* نه سببدن هفته نك آدى يدى *	* بونده حكمت وار درر مصحف يدى

وله

* كيمكه اسرار نسيمى بيلدى *	* عزت فضل نعيمى بيلدى *
* ديو رحمن رحيمى بيلدى *	* مظهر ذات قديمى بيلدى *

م

عرفاى موالئ كرام وظرفاى شعراى بنامدن قبريسى زاده اسمعيل حق افنديك
ديوان نسيمينك ختام طبعنه بولديغى تاريخ رعناسيدر

* ينه شاد ايلدى عشاقى شادان ايليه معبود *
* نوكمز عمر ايله منصور ايدوب عبدالمجيد خانى *
* صباوش سايه سنده اسدى حقى به ديدم تاريخ *
* نسيمينك تنسمله باصلدى ريز ديوانى *

۱۲٦۰

خواجکان دیوان همایون ادباسندن ومکتوبیٔ حضرت صدارتپناهی خلفای معارف اراسندن عینتابی راشد افندینك دیوان مرقومك ختام طبعنه بولدیغی تاریخ لطافت شماریخیدر

* بحمد الله شهنشاه جهان عبد المجید خانك * * سریرارای شوکت شاه شاهان جهاندرکیم *
* نسیم لطفی تعطیر ایتدی هب افاق واکوانی * * درنده بنده ایلر برنیجه سلطان دورانی *
* وزان اولدی اورتبه باد لطفی کلشن دهره * * اوشاهنشاه کردون جاه وارکن چرخه باش اکم *
* ایدربوی فرح تعطیر مشام قلب انسانی * * بتون مستغرق ایتدی عالمی الطاف واحسانی *
* نسیمی جلدوش تحریره صویسم جلد افلاکی * * معانیٔ کمال وصفده اظهار عجز ایلر *
* احاطه ایلمك ممکنمیدر وصف جهانبانی * * اکر اولسیدی عرفی وسید وسعد ایله خاقانی *
* بدیع لطفنك ادنی بیانی کلمز اوصافه * * من الجمله باصلدی سایهٔ احسان ولطفنده *
* نصل وصف ایلسون بوعبد عاجز او یله خاقانی * * نسیمینك بودیوان محل علم وعرفانی *
* بازلدی شمدی برتاریخ دلجوسی همان راشد *
* نسیمینك عجب زیبا باصلدی اشته دیوانی *

١٢٦٠

ینه مومی الیهك بولدیغی تاریخ تام نزاکت اتسامدر

* ینه پرشوق اولوب تاریخ تام دیکرین یازدم * * نسیمینك باصلدی اشته بودیوان زیباسی *

١٢٦٠

آستانهٔ سلامت آشیانه تحفظخانه سنده استنطاق کاتبی خدمتنده مستخدم سخنوران عصرك ارجمندی ایاشی صالح خیری افندینك اشبو دیوان معرفت عنوانك ختام طبعنه بولدیغی تاریخ تام بلاغت اتسامدر

* بودیوان مصنع طبعه شایسته ایدی الحق * * آنی باصدرمغه براهل طبعك اولدی احسانی *

✻ بومطبوع مرصع تام تاریخی دیدی خیری ✻
✻ نسیمینك باصلدی چوق مرتب اولدی دیوانی ✻
١٢٦٠

دیکر بولدیغی تاریخ

✻ طبع اولندقده دیدم تاریخنی ✻ منتخب اولدی بو والا دیوان ✻

شعرای عصردن هاتف افندینك دخی ختام طبعه بولدیغی تاریخ زیباسیدر

✻ حقیقت ارلرندن حضرت سید نسیمینك ✻
✻ تصوفدر انك هر بر کلام وطرز وعنوانی ✻
✻ جهانده کرچه انك نسخه‌سی نادرایدی شمدی ✻
✻ طباعتله مزین اولدی چیقدی شهرت وشانی ✻
✻ طبیعتجه سزادر طبعه هاتف دوشدی برتاریخ ✻
✻ شرف بولدی نسیمینك بصلمق ایله دیوانی ✻
١٢٦٠

مصحح تقویم وقایع سینه جمال الدین افندینك دخی بولدیغی تاریخدر

✻ ایدر تاریخی بوی خوبی دلدن ای جمال اخراج ✻
✻ نسیمینك طبیعتجه باصلدی اشبو دیوانی ✻
١٢٦٠

بعونه تعالی قطب دائرهٔ خلافت نیر برج معدلت ناهید اوج سلطنت شمس سماء
شوکت مظهر فیض جلی وخفی مظهر مذهب منصور حق حنفی پادشاه
شریعتنواز وشهنشاه اسکندرطراز السلطان ابن السلطان السلطان
عبدالمجید خان دام مجده واقباله الی نهایة الدوران افندیمز حضرتلرینك
سایهٔ ملوکانه لرنده اشبو نسیمی دیوانینك طبع وتمثیلی
احوج العبید الی ربه المعید محمد سعیدك نظارت
عاجزانه سیله اواخر شهر ربیع الاخرده
رسیدهٔ حدختام اولمشدر

م م م
م م
م

www.gurkanca.com